



یاریخ در ایران

شرح احوال و معرفی آثار

مورخان و جغرافیدانان ایران



بسرمايه كتابخانه ابن سینا



136637

یکهزار نسخه از این کتاب بسمایه کتابخانه ابن سینا در چاپخانه بانک بازرگانی چاپ شد

حق چاپ برای مؤلف محفوظ است

تهران - آبانماه ۱۳۴۵

تاریخ را اگر باروش علمی بررسی کنیم اهمیت آن هر روز بیشتر آشکار میشود، زیرا معلوم گردیده که علل پیشرفت سیاسی و اجتماعی، گرایش مذهبی، انحطاط اخلاقی یا نژادی هر قومی و نیز پیش بینی حوادث آینده، تدوین قوانین و طرح برنامه های اجتماعی بدون درک و فهم درست تاریخ گذشته امکان پذیر نیست.

امروز در همه کشورهای مترقی جهان دانشکده ها و انجمن های تاریخ وجود دارد که در همه جا از کمکهای دولت و ملت برخوردار است و اینک زمانی فرا رسیده که تاریخ نویسی از صورت کاری تفننی و منشیانه بدرآمده و یکباره جنبه فنی و علمی پیدا کرده است. تاریخ نویسان و تاریخ دانان مردمی صاحب وقوف بشمار میروند که هر کدام فقط برای روشن ساختن گوشهئی از تاریخ يك ملت و یا يك عصر میکوشند و بسبب توسعه دامنه اینکار و افزایش دانش عمومی، اغلب کسانی که بتنهائی درصدد نوشتن تاریخ عمومی همه ملل جهان برآمده اند با وجود سعی بسیار و صرف عمری در این راه، حاصل کارشان خواننده را سیراب نساخته است.

بررسی تاریخ خاورزمین را بصورت علمی و بر اساس اتکاء بمدارك از دو قرن پیش اروپائیان وجهه همت خود ساختند؛ زیرا از سوئی توسعه تجارت و افزونی رفت و آمد میان خاور و باختر کنجکاوی اروپائیان را بشناسائی بیشتر این خدله برانگیخته بود و از سوی دیگر پشاهانگان استعمار برای دست یافتن بثروتهای فراوان و سرزمینهای زرخیز خاورزمین به شناسائی سیرتمدن، مبانی اجتماعی، عقائد مذهبی و آداب و رسوم ملل آن ناگزیر بودند و نیز این شناسائی موجب میشد که استعمارگران بتوانند نقاط ضعف تاریخی و اخلاقی هر ملت را بمقیاس وسیعی بزرگتر جلوه دهند و برعکس درصدد تحریف و تخریب فضائل و مفاخر آن برآیند.

لکن توجه بخاورزمین سبب شد که جمعی خاورشناسان

دانشمند نیز پدید آمدند که تا سرحد امکانات بشری بیطرفانه و گاه نیز بخلاف دسته اول شیفته فضائل و سجایای ملل شرق بودند^۳ این خاورشناسان که در بسیاری از کشورها انجمن‌ها و مطبوعات ویژه خود دارند و در راه مقاصد خویش کوششی جانانه کرده‌اند؛ هیئت‌های تحقیقی و اکتشافی را تا دورترین سرزمین‌ها فرستاده‌اند، آثار مدنیت‌ها را از دل خاک بیرون کشیده‌اند، کهنه کتابها را از دخمه‌ها و طاقچه‌ها و صندوقخانه‌ها و بقچه‌ها گرد آورده‌اند و موزه‌ها و کتابخانه‌ها را از محصول کارهای خویش انباشته‌اند.

راست باید گفت که ما در این رشته نیز عقب مانده‌ایم و دیر است که مورخان شایسته، اندک بوده‌اند و فی‌المثل از آغاز این قرن بجز ده بیست کتاب: باقی کارهای ایرانیان در زمینه تاریخ نشخوار محصول گذشتگان بوده است.

بگفته آن نویسنده سخن سنج، ما دعوی شش هزار سال سابقه تاریخی داریم ولی از یک تاریخ کامل مدون بی‌بهره‌ایم؛ و این چیزی نیست که جز با پدید آمدن یک انجمن تاریخ و صرف وقت بسیار و جمع و استخراج تمام اسناد و منابع تاریخی، امکان‌پذیر باشد.

آیا وقت آن نرسیده است که این بارگران افتخارات تاریخی را - که محتوی آن سخت بهم ریخته و درهم آمیخته است - از دوش خود بر زمین نهیم و بدرستی در آن تفحص کنیم و آنچه را که داریم بصورتی منظم و قابل استفاده درآوریم؟

از مورخان ایرانی قبل از اسلام چندان خبری در دست نیست. تنها آثار مکتوب مربوط بتاریخ ایران که از آن دوره بجای مانده عبارتند از کتیبه‌هایی که شاهان ایران نویسانده‌اند، کارنامه اردشیر بابکان - که یک حماسه شخصی است و احتمالاً در زمان انوشیروان نوشته شده - و خداینامه - که در زمان ساسانیان نوشته شده و غالب محتوی آن افسانه‌های ملی است و اغراض سیاسی و مذهبی خاصی را تعقیب کرده است. اصل این کتاب بجای نمانده ولی کسان بسیاری بفارسی و عربی و بنظم و نثر آنرا ترجمه کرده‌اند - از قبیل ابن المقفع، محمد بن جهم برمکی، محمد بن بهرام بن مطیار اصفهانی، هشام بن قاسم اصفهانی، ابوزید بلخی، ابوعلی محمد بن احمد بلخی، مسعودی مروزی، ثعالبی و فردوسی^۴.

در زمینه جغرافی نیز تنها رساله کوچکی در دست است
بنام شتروهای ایران مشتمل بر ۸۸۰ کلمه و متعلق است باواسط
بل اواخر دوره ساسانی .

البته این بدان معنی نیست که پیش از ظهور اسلام در ایران
مورخی نداشته‌ایم . راست است که در ایران باستانی خصوصاً در
عصر ساسانیان سواد سخت محدود و کتاب و کاتب معدود بوده ،
با اینهمه کتابهای چندی وجود داشته‌اند^۵ که از بین رفتن آنها را
باید معلول علتی چند بدانیم :

نخست : روی گردان شدن مردم از دین قدیم و پدید آمدن
دین و کتابت نو و متروک ماندن خط پهلوی .

دوم : متمرکز بودن کتابها در بایگانیهای سلطنتی و تاراج
و ویرانی و سوختن این بایگانیها بدست فاتحان .

سوم : بیزاری اعراب و متعصبان نو دین از آثار مجوس -
که نمونه آن کشتن ابن مقفع مترجم نامدار آثار پهلویست .^۶

تاریخ پس از ظهور اسلام با نقل احادیث دین آغاز میشود .
چرا که مسلمانان برای اجرای صحیح مراسم دینی به دانستن
آنها نیازمند بودند . از سوی دیگر حکم گزاران تازه کار عرب
که در جامعه‌ئی کوچک بشیوه پدرشاهی بسر برده بودند ، اینک
برای اداره سرزمینهای مفتوحه ، که پیش از آن دارای تشکیلات
سیاسی وسیعی بودند ، معلومات خود را ناچیز می یافتند و خویشتن
را نیازمند بدانستن اصول سازمان جامعه و حکومت قبلی آنان
احساس میکردند .

همچنین توسعه دامنه فتوحات و مهاجرت و تجارت کسب
اطلاعاتی را درباره راهها ، زبان ، مذهب و اخلاق ملل دور دست
ایجاب میکرد . سرانجام برای پاسخگویی بدین نیازها مورخان
و جغرافیدانانی پدید آمدند که دست کم ثلث همه آنان ایرانی
بودند .

مورخان ایرانی بعد از اسلام بخاطر کوشش و تلاش
پیکر ، وسعت احاطه و تنوع مطالبی که در کتابهای خود گرد
آورده‌اند ، در خور تحسین و ستایش آیندگان قرار گرفته‌اند .
هر چند این آثار نمیتوانند با موازین عامی امروز تاریخ عیناً
مطابقت کنند ؛ با اینهمه بخاطر معلوماتیکه از عصر خود بدست
میدهند گنجینه‌های ارجمند و گرانبها بشمار میروند .

آنچه برای این مورخان میتواند در خور سرزنش باشد
عدم توجه آنان بروشهای انتقادی، عدم بررسی علل وقایع،
ایجاز مخمل واطناب ممل، مبالغه و مداهنه وتوسل بخرافات و
افسانه‌هاست - که این خود نیز کلی وعمومی نیست وبسیاری از
آنان از تمام ویا بیشتر این عیبه‌ها بری هستند . - مسلم است
که بسیاری از این مورخان دانشمندانی روشنفکر بوده‌اند که
کوشیده‌اند تا آن مواد، دلایل وشواهدیرا که برای کشف حقیقت
لازم است از تنگنای تعصبات واغراض روحانیان، عوام‌الناس،
حکمرمایان، امیران و جاسوسان حکومت بدر آورند و بطور
شایان تقدیری در کتابهای خود پنهان سازند و بدست همانان
برای کسانی که در آینده در صد تحری حقیقت برمیآیند نگاهدارند.
بسیاری از این مورخان رسالت خود را چنین میدانستند
که روایات تاریخی را بهمان صورت که بدستشان میرسد ضبط
نمایند و از هر دخل وتصرفی در آن بازمانند وبآیندگان امکان دهند
تا بكمك عقل و قیاس خویش برواقعیت حوادث واقف گردند.
جای تأسف است که بیشتر کتابهای مورخان ما از میان رفته
ومیتوان گفت شماره این گم گشته‌ها از بازمانده‌ها بیشتر است و
چه بسیارند تواریخی که نامشانرا نیز کسی نمیداند؛ چنانکه اگر
امروز تاریخ سیستان و یا مجمل‌التواریخ و القصص از گوشه
کتابخانه‌ئی پیدا نمیشد کسی نامشانرا نیز نمیدانست، همانگونه
که اینک نام نویسنده‌هاشان ناشناس مانده است. گهگاه بعضی از
این آثار گرانمایه از کنج کتابخانه محتممی مرده و یا از قفسه
کتابخانه موزه‌ئی دور دست بیرون میآید وبر گوشه‌ای از تاریخ
گذشته میهن ما روشنی می‌بخشد .

بسیاری از آثار مورخان ما بزبان عربی است و اینک نه
کسی آنها را پیارسی برمیکرداند و نه کسی بچاپشان اهتمام
میورزد . در این کتاب ملاحظه خواهد شد که بسیاری از کتاب
های ما در کشورهای بیگانه، چون هلند، فرانسه، آلمان،
انگلستان، بلژیک، ایتالیا، اطریش، روسیه، ترکیه و هند
چاپ و غالباً بزبان مادری مردم این کشورها ترجمه شده‌است و
ما هنوز در یوزه گر جامه عاریت دیگرانیم .

این کتاب محصول کوششی صمیمانه ودر همان حال عاری
از ورزیدگی و تبجر واستادی است؛ و فقط برای آن فراهم
آمده که تا شاید پیشآهنگ چنین تحقیقاتی باشد و آنان که دانش

و صلاحیت دارند در صدد تکمیل و تعمیم آن بر آیند و کتابهایی در دست باشد تا اگر کسی خواست فی‌المثل در باره تاریخ ایام حکمرانی قره‌قویونلو و یا وضع طب ایران در ایام صفویه و یا آثار نقاشان پیش از اسلام تحقیقی کند این امر برایش باسانی امکان پذیر و از کتب و اسناد مورد احتیاج خود آگاه باشد .

مطالب این کتاب بدو قسمت تقسیم شده :

۱- مورخان و جغرافی‌دانان ایران از ظهور اسلام تا پایان قرن هفتم هجری .

۲- مورخان و جغرافی‌دانان ایران از آغاز قرن هشتم تا آغاز قرن چهاردهم هجری .

و فقط درباره کتابها و مؤلفانی بحث شده که کتابهاشان کلا و یا جزء بچاپ رسیده و قصد آن بوده که اطلاعاتی درباره :

۱- هویت ،

۲- زادگاه ،

۳- دوران حیات ،

۴- سفرها و سوانح مهم حیات ،

۵- اطلاعات مختصری درباره آثار ،

۶- اطلاعات مختصری درباره اولین و بهترین چاپ اثر

تاریخی و جغرافیائی،

۷- فهرست تحقیقات و ترجمه‌هایی از آن آثار.

هریک از مورخانی که اصلا و یا نسلا ایرانی بوده‌اند (غالباً مرزهای سیاسی ایران در هر زمان مورد نظر بوده است) بطور کاملا مختصر و فشرده‌ئی در اختیار خوانندگان قرار گیرد.

همانطور که گفتیم در این کتاب تنها

۱- تواریخ سیاسی و عمومی ،

۲- کتابهای جغرافیائی ،

۳- سفرنامه‌ها ،

مورد نظر است و از بحث درباره

۱- کتابهای اخبار و حدیث ،

۲- مناقب و سیر ،

۳- تذکره‌های شعرا ، علما ، رجال و غیره

که هر کدام را تالیفی جداگانه لازم است خود داری گردیده . مگر در یکی دو مورد که آثار فوق‌الذکر حائز فائده‌ئی تاریخی بوده است .

برای آنکه چاپ کتاب آسانتر شود و کار به اختصار انجام گیرد از استدلالهای گوناگون و احتجاجات محققان درباره کتبه

یالقب ویا تاریخ ولادت مورخان و ذکر ماخذ در پائین هر صفحه که سخت ضروری مینمود - وپارهئی مطالب دیگر که صرفاً جنبه فنی داشت چشم پوشیدیم و آنچه که بیشتر مرسوم بوده و یا بر اثر تحقیقات علمی قطعیت یافته ذکر شد و نیز سومین و چهارمین فصل کتاب که به نسخه های چاپ نشده تاریخی و جغرافیائی و کتابهای گمشده مربوط است بفرستی دیگره و کول گردید .

این کتاب که لغزش و خطا در هر صفحه و سطر آن امکان پذیر است تنها وقتی میتواند کامل گردد که از اعتناء و توجه مردم صاحب فضل بر خوردار شود .
از این روی در پایان مقال نویسنده خواهشمند است بر او منت نهید و :

۱- هر اطلاع و سندی را که در باره مطالب این کتاب سراغ دارید ،

۲- اشتباهاتی را که در این کتاب ملاحظه فرموده اید ،

۳- عین و یا نام و تاریخ انتشار مقاله و یا کتابی را که احیاناً درباره کتاب حاضر بحث نماید ؛

بنشانی : تهران صندوق پستی ۲۲۵۵ برای او بفرستید و یقین بدانید که وی تازنده است سپاسگزار نیکی و محبت شما خواهد بود .
ع

تهران آبانماه ۱۳۴۵ خورشیدی

غلامحسین صدری افشار

۱- تاریخ ایران تألیف سرپرسی سایکس میتواند بعنوان مثالی بشمار آید .

۲- مانند کریستن سن ، مینورسکی و دیگران .

۳- مانند مارکوارت ، نلدکه و دیگران .

۴- برای اطلاع بیشتر به بیست مقاله قزوینی مراجعه شود .

۵- مسعودی و ابن قتیبه از چنین کتابهایی که خود دیده بوده اند یاد کرده اند .

۶- حتی عبدالله بن طاهر امیر ایرانی خراسان نیز از سوزاندن آثار مجوس ابائی نداشت .

تاریخ در ایران

قسمت اول

مورخان و جغرافی دانان ایرانی

از ظهور اسلام تا پایان قرن هفتم

ابن اسفندیار

بهاءالدین محمد بن حسن بن اسفندیار از مردم آمل بود که زیر دست پدری ادیب پرورش یافت و مردی دانشمند و صاحب کمال با آمد . آنگاه بدر بار فرما نروایان باو ندی راه پیدا کرد و از مراحم حسام الدوله اردشیر بن حسن و پسرش شمس الملوک بپردور گردید .

در سال ۶۰۶ که مردی رسیده بود سفری بیغداد کرد ولی در آنجا دیری نماند و بری بازگشت و چندی درری بماند . آنگاه با آمد باز آمد ولی حامی او کشته شده و او نیز مغضوب امیر تازه بود . لاجرم راه دربار پادشاه نامدار خوارزم پیش گرفت و در آنجا بسال ۶۱۳ کتاب خود را بنام تاریخ طبرستان تألیف کرد . ابن اسفندیار را بگوید یکی دیگر از کشتگان مغولان دانست .

تاریخ طبرستان یکی از اسناد ارجمند بسیاری از نهضت های ملی ایران است . اهمیت دیگر این کتاب ز کرباره اشعار طبری است که بکتاب ارزش ادبی خاصی می بخشد برای اجتناب از توضیح بیشتر قسمتی از فهرست کتاب را می آوریم :

« ... باب دوم : در ابتدای بنیاد طبرستان و بنیاد شهرت آن .
باب سوم ، در خصایص و نجایب طبرستان . باب چهارم ، در دین و
ماوک و اکابر و علماء و زهاد و ثقات و اولیاء و افعال نجوم و حکماء
شعرا ... »

این کتاب از یکقرن پیش مورد توجه خاورشناسان قرار گرفت و کسانی چون

Dorn ' Darmestetcr ' Rieu و دیگران قسمتهائی از آنرا ترجمه و منتشر کرده و یا آنرا توصیف نموده اند و ترجمه انگلیسی آن در سال ۱۹۰۵ توسط Browne در Leyden چاپ شده است. متأسفانه این ترجمه ناقص است و خالی از لغزش های کوچک و بزرگ نیست .

متن فارسی کتاب نیز بتصحیح عباس اقبال در سال ۱۳۲۰ شمسی در تهران بچاپ رسیده است ، ولی جا دارد که بار دیگر یکی از دانشمندان آن سامان بچاپ این کتاب نفیس اقدام کند .

(برای کسب اطلاعات بیشتر نگاه کنید بکتاب چهل مقاله کسروی)

ابن بکران

محمد بن نجیب بکران یکی دیگر از جغرافیا دانان فاضل ایرانست که در اواسط قرن ششم در طوس از بلاد خراسان چشم زندگی گشوده است . وی چنانکه خود مینویسد کتابهای جغرافیای پیشینیان چون مسالك المالك ابن خردادبه و اصطخری ، اشكال الاقلام دهنی ، التفهیم بیرونی ، سفرنامه ناصر خسرو ، صورت الارض خوارزمی ، حدود العالم و یادداشتهای همشهری معاصرش شرف الدین طوسی و کتابی را که همو از کتابخانه بیزانس ربوده ؛ مطالعه کرده است . محصول این مطالعات مستمر و مبسوط نقشه جهان نمائست که بگفته اهل فن از همه نقشه هائی که تا آن زمان ترسیم گردیده کاملتر بوده است .

در این نقشه شکل کوهها ، رودها ، دریاها ، حدود ممالك ، نام شهرها و مسافت آنها و خطوط نصف النهارات و مدارات ترسیم گردیده است .

ابن بکران پس از ترسیم نقشه جهان نما کتابی در توضیح آن تألیف نموده و همراه با نقشه بخوارزم برده و بساطان محمد خوارزمشاه تقدیم کرده است.

امروز نقشه از میان رفته ولی کتاب که **جهان نامه** نام دارد و بزبان فارسی است بجای مانده و تاریخ تألیف آن در سال ۶۰۵ هجریست .

از پایان زندگی ابی بکران خبری در دست نیست و باید اورانیز یکی از کشتگان مغول دانست و بدین حساب با احتمال تا سال ۶۱۷ در دربار خوارزمشاه بد عزت بسر می برده است .

جهان نامه نشری بسیار ساده و روشن و دور از پیچیدگیهای منشیانه دارد و در آن خرافات مرسوم در کتب جغرافیائی قرون وسطی بچشم نمیخورد و اگر گاه مطلبی خارق العاده بوده، ولف خود متذکر گردیده . این کتاب از نظر پارادئی اطلاعات مربوط با آثار تاریخی و طرز بهره برداری مردم از منابع زیر زمینی ، اختلاف نام شهرها در زبان کتابت و محاوره و برخی عقاید و افکار مردم آن زمان قابل استفاده بسیار است .

تحقیقات راجع بجهان نامداول بار سال ۱۸۶۱ آغاز گردیده و Rieu و Reinaud و Minorsky و Dorne و Tumansky و Borshchevsky مقالات و اطلاعاتی بزبانهای انگلیسی ، فرانسه و روسی منتشر کرده اند .

چاپ عکسی جهان نامداز روی نسخدئی بخط مسعود بن محمد بن مسعود کرمانی بامقدمه مبسوطی بزبان روسی در سال ۱۹۵۹ در مسکو با اهتمام برشچفسکی خاورشناس روس منتشر شده است .

آقای دکتر ریاحی همین نسخدر ابا مقدمدئی بزبان فارسی و ترجمه مقدمه روسی آن در سال ۱۳۴۲ در طهران بصورت سربی چاپ کرده اند .

ابن بلخی

ابن بلخی در نیمه دوم قرن پنجم و نیمه اول قرن ششم هجری میزیسته است .
از احوال او اطلاع کافی در دست نیست جز آنکه مستوفی فارس بوده است .
وی کتابی در تاریخ و جغرافیای فارس ، بنای شهرها ، آثار و ابنیه و تراجم احوال
رجال و معاریف بزبان فارسی تألیف کرده است بنام **فارسنامه** که متضمن ارزش تاریخی و از
متون زیبای نثر فارسی است .

ابن بلخی کتاب خود را با سلطان وقت محمد بن ملکشاہ سلجوقی که از سال ۴۹۸
تا سال ۵۱۱ سلطنت داشته تقدیم نموده است و این تنها سند از زندگی و تاریخ تألیف
کتاب اوست . ابن بلخی تا سال ۵۴۰ حیات داشته است

فارسنامه را اول بار در سال ۱۹۲۱ **A. R. Nicholson** و **G. LeStrange**

در لیدن چاپ کرده اند و سپس در تهران و شیراز چاپ شده است

ابن البیج

ابو عبدالله محمد بن عبداله طهمانی الحاکم النیسابوری معروف با **ابن البیج**

در سال ۳۲۱ در نیشابور تولد یافت . در فقه و حدیث و منطق و تاریخ سرآمد اقران بود

وتالیفات او را بالغ بر ۱۵۰۰ جزء نوشته‌اند. دوبار سیاحت حجاز و عراق کرده‌است .
 ابن‌البیع از طرف سامانیان قاضی و بروایتی حاکم نیشابور بود . البته باید در نظر داشت
 که در آن هنگام نیشابور اهم شهرهای خراسان و مرکز حکومت و مجمع فحول علماء
 بود از جمله آثار ابن‌البیع الصحیحان - العلل - الامالی - فوائد الشیوخ -
 معرفة الحدیث - المدخل الی علم الصحیح - المستدرک علی الصحیحین و همچنین کتابیست بنام
 تاریخ علماء نیشابور . وفات ابن‌البیع در سال ۴۰۵ اتفاق افتاده‌است .
 تاریخ علماء نیشابور در تهران باهتمام آقای بهمن کریمی در سال ۱۳۲۹ چاپ
 شده است .

ابن خردادبه

ابولقاسم عبیدالله بن عبدالله خردادبه در اواسط قرن سوم هجری در ری بدنیای
 آمد . جدش خردادبه از موبدان زرتشتی بوده که اسلام آورد و بحکومت طبرستان منسوب
 گشت. ابن خردادبه نیز پس از تکمیل تحصیلات خود وارد خدمت دولتی گردید و
 رئیس البرید جبال شد. (بازرس مخفی خایفدرا رئیس البرید می‌گفتند و او قدرت رفیق
 فراوان داشت). ابن خردادبه با اخبار یکدیگر برای المعتمد بالله خایفدعباسی میفرستاد و
 ویرایمعلومات عمیق و حدت ذهن و قدرت فکر خویش معلوف ساخت و در ری نگاشته
 که بغداد احضار شد و در سلك ندیمان المعتمد درآمد .
 المعتمد بالله مردی صاحبذوق و هنردوست بود که در هی حکومت را بدست
 برادرش موفق سپرده و اوقات خویش را در صحبت حدیث و هنر و در آن می گذرانید و
 بر آن بوده که:

آه از آنروز که بی کسب هنر شام شود

وای از آن شام که بی مطرب و ساغر گذرد

وشاید از اینروست که در فهرست آثار ابن خردادبه کتاب اللہو و الملاہی۔ کتاب الشراب۔ ادب السماع۔ کتاب الطبیخ را در کنار کتاب الانوار۔ کتاب جمہور نساب الفرس والنواقل و کتاب قلیل الحجم و کثیر الغایده وی بنام **المسالك الممالک** می بینیم . ابن خردادبه در مجلس خلیفہ فرصت یافت کہ با فحول علماء عصر محشور شود و از معلومات آنان بهره بر گیرد و اینہم را با تجربہ و اندیشہ توانای خود در آمیزد و چنان کتابی پدید آورد کہ ہمہ اہل علم را مدیون خود سازد . همانطور کہ خودوی در بارہ کتابش گفته است :

« ہذا کتاب فیہ صفۃ الارض و بینۃ الخاق علیہا و قبلہ اہل کل بلاد
والممالک والمسالك الی نواحی الارض... »

در حقیقت یکنوع جغرافیای تاریخی نوشته است کہ در آن ہمہ ممالک تحت فرمان و یا تابع خلفاء عباسی ، مرکز اداری ہر کدام فواصل ہر یک از دیگری ، میزان مالیات ، ابنیہ و آثار و سوابق تاریخی شان را شرح داده است . کتاب **المسالك والممالک** نخستین بار در سال ۱۸۶۵ در پاریس بہمت **Barbier de Meynard** چاپ شدہ است ،

ابن رستہ

ابوعلی احمد بن عمر بن رستہ از مردم اصفہان است کہ در نیمہ دوم قرن سوم و نیمہ اول قرن چہارم میزیستہ است . در سال ۲۹۰ حج بجای آوردہ و در سال ۳۱۰ نوشتن

کتاب بزرگی را که بمثابه دائرةالمعارف بشمار میرفت آغاز نمود. این کتاب
اعلاق المفیسه نام دارد و هشتاد و هشت فصل بر هفت مجلد بوده است که اینک تنها مجلد هفتم آن بجای
مانده است.

این مجلد درباره جغرافیای ایران و عربستان و یمن و عراق و افریقای شمالی و
اسپانیا و آسیای صغیر و روسیه و ترکستان و هند است و غالباً اطلاعاتی درباره حدود و شهرها
و خصوصیات مردم هر ناحیه و احیاناً سابقه تاریخی آن بدست دهد.
این کتاب در سال ۱۸۹۲ در لیدن چاپ شده و متأسفانه فاقد فهرست اعلام و
توضیحات دیگر است.

ابن طیفور

احمد بن ابی طاهر بن ابی الفضل معروف بابن طیفور اصلش از مردم
خراسانست که در سال ۲۰۴ در بغداد چشم بجهان گشود. پس از تحصیل مقدمات
علوم مانند بسیاری از نویسندگان بشغل کتابفروشی مشغول گردید و در بغداد و راق بود
ابن الندیم آثارش را بالغ بر شصت مجلد دانسته است که از آن جمله است سرفات الشعراء
در بیان اشعاریکه شعراء از دیگران دزدیده اند و بلاغات النساء در شرح احوال و معرفی
آثار زنان سخنور.

اثر دیگر ابن طیفور کتاب بغداد نام دارد که شامل حوادث سالی ۲۰۲
الی ۲۱۸ و ایام خلافت مأمون است.

کتاب بغداد در سال ۱۹۰۸ برای اول بار در لپزیگ با ترجمه آلمانی
Dr keller چاپ شده است. وفات ابن طیفور در ۷۷ سالگی سال ۲۸۰ در بغداد اتفاق افتاد.

ابن فقیه

ابوبکر احمد بن محمد بن اسحاق بن ابراهیم همدانی معروف بابن فقیه در قرن سوم هجری میزیسته است ولی متأسفانه از شرح احوال وی چیزی در دست نیست. وی در سال ۲۷۹ کتابی در جغرافیا تألیف کرده است که شامل توصیف بلاد چین و هند و ایران و عرب است و **مختصر کتاب البلدان** نام دارد. این کتاب بزبان عربیست و در شمار نخستین کتابهای جغرافیائی عصر اسلام است که در آن باحوال چین و هند توجه گشته و اطلاعاتی داده شده است.

مختصر کتاب البلدان ابن فقیه در سال ۱۸۸۵ توسط deGoeje در لیدن بچاپ رسیده است.

ابن فندق ✓

ظہیر الدین ابوالحسن علی بن زید بیهقی معروف بابن فندق در سال ۴۹۰ در بیهق از توابع خراسان بدنیا آمد. وی مردی دانشمند بود که در تاریخ، ریاضیات و علوم دینی تبحری وافر داشت و از محاضر اساتید بزرگ کسب فیض کرده بود که از آن جمله است حکیم عمر خیام. از کتب وی در ریاضیات جوامع احکام النجوم است که برای تألیف آن دوست و پنجاه و هفت کتاب را مطالعه کرده است. دیگر **تمه صوان الحکمه**

است در شرح احوال جمعی از مشاهیر علماء و حکماء معتبر. صوان الحکمه اثر ارزنده ابوسلیمان محمد بن طاهر بن بہرام منطقی سجستانی است کہ در قرن چہارم ہجری در بغداد زندگی می کرد و کتب بسیار در علوم داشتند و معتقد بقوہ جازبہ خورشید بودہ است .

این کتاب از میان رفتہ است ولی تمہ صوان الحکمه ابوالحسن بیہقی در ۱۹۳۵ بہ تصحیح محمد شفیع لاهوری در لاهور چاپ شدہ است
کتاب دیگر بیہقی **تاریخ بیہق** نام دارد کہ شامل شرح تاریخ و جغرافیای بیہق و معرفی بزرگان این سامان است .
تاریخ بیہق در سال ۱۳۱۷ خورشیدی باہتمام مرحوم احمد بہمنیار استاد دانشگاہ تہران در تہران چاپ شدہ است . وفات بیہقی را در سال ۵۶۵ نوشتہ اند .

ابن قتیبہ

ابو عبدالہ محمد بن قتیبہ دینوری . پدر ابن قتیبہ از مردم مرو بود و از اہل مرو گاہ اورا مروزی نیز نوشتہ اند . وی در ۲۱۳ ہجری در بغداد بدنیہ آمد . تحصیلات خود را در محضر دانشمندانی چون اسحاق بن راہویہ ، ابراہیم بن سفین و ابی حاتم سجستانی انجام داد و در لغت و نحو عرب و حدیث و تفسیر اکتسابی تمیز یافت . چندی آثار از او بود ولی در اینکار دیری نپائید و ببغداد بازگشت و تا پایان عمر بسر تدریس و تصنیف آثار خود پرداخت . مرگ اورا در سال ۲۷۶ نوشتہ اند .

از کتب اوست ادب الکتاب - غریب القرآن - غریب الحدیث - مشکل العریب - جامع النحو الکبیر - کتاب الخیل - کتاب المعارف - یون الاحبار - دلائل البرہان

کتاب المعارف اثر تاریخی ابن قتیبه در مورد تاریخ اعراب در عصر قبل از اسلام و قبائل ، تشکیلات سیاسی ، جنگها ، سرداران و شعرای عربستان ، یمن ، شام و عراق اطلاعات وسیعی میدهد . در مورد تاریخ بعد از اسلام نیز تاریخ زمان پیغمبر تا اواسط قرن سوم هجری و شرح احوال جمعی از فقها ، محدثین ، لغویون ، قراء ، و علماء را حائز است .

برعکس آنچه در مورد تاریخ کشور خود ایران نوشته بسیار ناچیز و غالباً مأخوذ از اخبار الطوال میباشد حال آنکه در مورد اعراب اطلاعاتش چنان دامنند وسیعی دارد که ابن جریر و مسعودی از آن استفاده کرده اند

کتاب المعارف در سال ۱۸۵۰ با مقدمه آلمانی Wustefeld در Gottingen بچاپ رسیده است .

ابن مسکویه

ابوعلی احمد بن یعقوب بن مسکویه در نیمه اول قرن چهارم هجری در ری زاده شد و در همانجا بتکمیل تحصیلات خود پرداخت . ابو محمد مہلبی وزیر دانشمند معزالدوله دیلمی یکی از مشوقین او بوده است و در سایه کمکهای مادی و معنوی او بود که این مورخ نامدار یکی از مفاخر فرهنگ ایران در قرن چهارم هجری گردید ، چندان که بدو معلم ثالث لقب دادند .

دیگر از مشوقین و دوستان ابن مسکویه باید ابن عمید وزیر کنالدوله و ذوالکفایتین فرزند و خلف او را نام برد . ابن عمید فکر تاریخ نویسی را بدو تلقین کرد و استعداد

انشاء رادروی کشف و تقویت نمود. پس از مرگ ابن عمید ذوالکفاینین ابن مسکویه را در کنار خود نگاهداشت و امکان مطالعات علمی را برایش فراهم ساخت .
 پس از مرگ فجع ذوالکفایتین بود که ابن مسکویه بنزد عضدالدوله دیلمی رفت و بنخزانه داریش منسوب شد و در این هنگام بود که کتاب خورا بنام **تجارب الامم و تعافب الهمم** نگاشت. ابن مسکویه در سرای ابن امیردانش دوست بادهها محدث، فقیه، ریاضی دان، مورخ، شاعر، نحوی، مهندس، طبیب و انواع مردم صاحب قریحه آشنا میشدو گفتگو میکرد .

بعد از مرگ عضدالدوله، ابن مسکویه عازم خوارزم شد و در آنجا با بزرگانی چون ابن سینا، بیرونی، ابوسهل مسیحی، ابونصر عراق و ابوالخبر خمارملاقات کرد. هنگامیکه ابن سینا و ابن مسکویه برای امتناع از رفتن بدربار سلطان محمود شبانه از خوارزم گریختند و در بیابانها راه گم کردند این دانشمند سالخورده از گرسنگی و تشنگی جان سپرد و بسال ۴۲۰ این ستاره تابناک فرهنگ ایران با چنان رنجی جانکاه زندگی را بدرود گفت. ولی جمعی دیگر مرگ او را در سال ۴۲۱ در اصفهان میدانند .

ابن مسکویه غیر از تجارب الامم آثار دیگری نیز دارد که از آن جمله است آداب العرب والفرس - کتاب السیاسه - کتاب لفوز الاکبر و فوز الاصغر - کتاب الجامع .
 تجارب الامم یکی از برجسته ترین کتابهای تاریخ ایرانست که در آن بعوامل روحی و علت العلل حوادث توجه شده و نظر خواننده را ب نتیجه گیری از حوادث جلب کرده است . علی الخصوص از تشکیلات اداری، اصول سیاست و مسائل اقتصادی هر عصری بحث نموده است. کتاب وی شامل تاریخ ایران و اسلام تا سال ۳۷ هجریست . این کتاب علی الخصوص در باره تاریخ قرن چهارم مهمترین منبع تاریخی بشمار میرود .

قسمت اول این کتاب تا سال ۳۷ هجری در سال ۱۹۰۹ در لیدن از روی نسخه کنا خوانده

ایاصوفیه چاپ عکسی شده و قسمت دیگری نیز در سال ۱۸۶۷-۹ در لیدن باعیون و الحدائق باهتمام Jong و Goezie بیچاپ رسیده و قسمت ششم شامل حوادث ۲۸۴-۳۲۶ نیز در سال ۱۹۱۳ در لیدن چاپ عکسی شده و جلد ۵-۶ نیز در مصر طبع گردیده (بازیل ظهیرالدین روزراوی در یکجا)

علی رغم کنابہائی چون کتاب الطہارہ و آداب الفرس والعجم کد ابن مسکویہ نوشتہ است جمعہی اورا بداشتن کیش زرتشتی منتسب و جمعہی دیگر اورا شیعی میدانند. آنچه مسلم است اینکہ اویک ایرانی مہین برست بودہ است و این احساس رسادر خلال سطور و ورق تاریخش بچشم میخورد.

در میان آثار ابن مسکویہ باید از کتاب جاویدان خرد- ترتیب السعادات و انس الفرید کہ محتوی اشعار و امثال است نام برد. بر تجارب الائم ابو شجاع محمد بن الحسین (متوفی ۴۸۸) و محمد بن عبدالملک ہمدانی نیز ذیلہائی نوشتداند.

ابو ریحان بیرونی

ابو ریحان محمد بن احمد بیرونی در سال ۳۶۲ در قصبہئی از توابع خوارزم متولد شد. در خوارزم بتحصیل مقدمات علوم پرداخت و آنگاہ بہری رفت و پس از چندی عازم گرگان شد و بدربار قابوس بن وشمگیر راہ یافت. در آنجا کتاب آثار الباقیہ عن القرون الخالیہ را دربارہ تقویم و ایام و اعیاد ملل مختلف نوشت. این کتاب یکی از منابع تحقیق دربارہ آداب و رسوم و جشنہای ایران قدیم است.

بیرونی پس از چندی بخوارزم باز گشت و در حلقه دانشمندی چون ابن سینا و ابوسهل مسیحی درآمد. سپس بدعوت سلطان محمود غزنوی بغزنین رفت و در سفر هند با سلطان همراه شد. در آنجا زبان سانسکریت را فرا گرفت و در احوال و آداب هندیان مطالعه کرد و کتاب نفیسی بنام **تحقیق مالمهند** نوشت. این کتاب حاوی دقیقترین اطلاعات عامی مسلمان در باره هند تا بد آنروز است و شاید بجزرات بتوان گفت که تا بد آنروز هیچ محققى موفق باخذ آنچنان اطلاعاتی در باره يك کشور بیگانه نشده بود. این کتاب هم از نظر تاریخ و هم از نظر ملل و نحل ارزش فراوانی را داراست.

تحقیقات بیرونی در باره طبقات سلاطین ایران بخصوص اشکانیان و نظری در باره روانشناسی در تاریخ بسیار مهم است. استاد دهخدا را عقیده بر اینست که با احتمال بسیار بیرونی زبان یونانی را نیز میدانست و کتبى را مستقیماً از آن زبان ترجمه کرده است. ذهن تند و روح حساس بیرونی هم در رشته های علوم زمان را مورد توجه قرار داده است و اطلاعات وی در باره تاریخ جغرافیا، نجوم، شیمی، ریاضیات و فلسفه حیرت انگیز است. (رای کسب اطلاع بیشتر در باره زندگی ابوریحان بیرونی بکتاب ابوریحان بیرونی **تلفیض علی اکبر** دهخدا که در سال ۱۳۳۴ از طرف مجله آموزش و پرورش وزارت فرهنگ منتشر شده است مراجعه شود.)

آثار الباقید و تحقیق مالمهند بار اول در سالهای ۱۸۰۶-۱۸۰۷ در **مکتبم Sachin** در لیبزیک چاپ شده است.

آثار الباقید را آقای علی اکبر دانشرشت بقاریی توجه کرده و در سال ۱۳۳۱ در تهران چاپ کرده است. وی همچنین کتابی در باره تحقیق مالمهند در سال ۱۳۳۱ در تهران چاپ کرده است.

آثار بیرونی را بالغ و ۱۱۳ کتاب دانسته اند که از آنجمله است **فنون مسعودی** **الجماهر فی معرفة الجواهر، التفهیم لاوائل صناعة التاجیم**

وقات ابوریحان در سال ۴۲۰ در غزنین اتفق افتاد.

ابوزید بلخی

ابوزید احمد بن سهل بلخی از مورخان، جغرافی نویسان و دانشمندان گرانمایه ایست که ذهنی تند و اندیشه‌ئی تابناک داشته است. زمان زندگی وی مصادف با نیمه دوم قرن سوم و نیمه اول قرن چهارم هجری است. ابوزید در دربار سامانیان راداشته و از کمک و پشتیبانی ابو عبدالدجیهانی وزیر دانشمند امیر نصر سامانی برخوردار بوده است. لیکن آزادمنشی و شجاعت اخلاقی وی در میان افکار و عقاید خویش سبب در بدری وی میشود. جمعی ویرا ب مذهب ثنوی و گروهی بفرقه قرامطه منسوب میکنند و اینهمه از آنروست که ویرا بخرافات عقیده نبوده و بی بحث با پیروان ادیان مختلف و سیر در آفاق و انفس شوقی تمام داشته است.

وی کتابهای بسیار نوشته که از آن جمله **تقویم البلدان، صور الاقالیم، مسالك الممالك**، **جمل مصالح والابدان** است که هر چند همگی از میان رفته اند ولی سه کتاب نخستین از ماخذ و منابع اصلی جغرافیای نویسان بزرگ از قبیل اصطخری و ابن خردادبه بوده است.

همچنین کتاب **البدء والتاریخ** بدو منسوب است و آن کتابیست عظیم در تاریخ ایران و عرب یهود و ترک و هند و اسلام که در سالهای ۱۸۸۹ - ۱۹۰۶ با ترجمه فرانسه در پنج مجلد در پاریس بچاپ رسید است و مترجم و ناشر آن **M. G. Haualt** آنرا از تالیفات ابوزید بلخی نوشته و حال آنکه تعالیبی این کتاب را از آن ابوطاهر مقدسی میدانند و در اینجا دو احتمال در پیش است یکی اینکه دو کتاب بدین نام باشد و دیگر اینکه ابوطاهر

136637

مقدسی کتاب ابو زید را تکمیل کرده باشد و شق اول بسیار محتمل است و شق دوم رایج و مرسوم.

وفات ابو زید را در سال ۳۲۲ نوشته اند. از کتاب البدء والتاریخ فقط يك نسخه در کتابخانه ابراهیم پاشای استانبول موجود است که در سال ۶۶۳ بدست خلیل بن الحین المکردی الولاشجری نوشته شده و در آن نام مولف ابو زید بلخی ذکر گردیده است. امام طهر بن طاهر المقدسی هم عصر ابو زید بوده و در شهر بست از بلاد سیستان میزیسته و کتاب البدء والتاریخ را در سال ۳۵۵ تالیف نموده است و جز این از احوال وی هیچ نمیدانیم.

اینست قسمتی از فهرست کتاب :

الفصل ۱۰ فی ذکر الانبیاء؛ الرسل - الفصل ۱۱ فی ذکر ملوک العجم و ما کان فی مشهور ایامهم الی مبعث نبینا. الفصل ۱۲ - فی ذکر ادیان اهل الارض و نحلیم و مذاهبهم و آرائهم.

العصل ۱۳ - اقسام الارض و مبلغ اقالیمها ... من البحار و الادویه و الانهار. فصل ۱۹ - فی ذکر فرق الشیعہ و فرق الخوارج و فرق المشبهه و فرق المعتزله و فرق المرجیه و فرق الصوفیه.

ابوالفرج اصفهانی

ابوالفرج علی بن حمین اصفهانی در سال ۲۸۴ هجری متولد شد. پدرش از نژاد عرب و مادرش ایرانی بودند. با آنکه وی نسب از بنی امیه داشت مانند بسیاری از ایرانیان بکیش شیعی گروید. ابوالفرج پس از بسر بردن تحصیلات خود

در بغداد چندی مقیم در بار حکمران حلب شد . آنگاه روی به بار گاه آل بویه نهاد و از وزیرانشان چون صاحب بن عباد و ابو محمد مہلبی اکرام و احترام بسیار دید .

اصفہانی با آنکہ ہمیشہ سروروثی ژولیدہ و جامدئی ژندہ و رفتاری سخت غیر منتظر داشت ؛ مہلبی بدون توجہ بدین احوال اورا در صدر مجلس می نشانید .

وفات ابوالفرج را در سال ۳۵۶ در بغداد نوشته اند . ہمہ متفق القولند کہ در احاطہ بر زبان ادب و تاریخ عرب ہر گز کسی پیایہ وی نرسیدہ است . **کتاب الاغانی** اثر مشہور وی شامل شاہکارہای نظم و شعر عرب و در عین حال آئینہ حیات سیاسی و اجتماعی و دینی ؛ تراجم احوال و افکار و رفتار خلفاء ، امراء و وزرای سد قرن اول ہجریست .

کتاب الاغانی نخستین بار در سال ۱۲۸۵ ق ، در مطبعہ بولاق مصر چاپ شدہ است . این کتاب در زمان تالیفش مقبولیتی عظیم یافت ، چندانکہ سیف الدولہ یکہزار دینار برای ابوالفرج فرستاد و صاحب بن عباد کداین بشنید عطای ویرا ناچیز دانست . اگر شرائط زمان و ممکن را در نظر آوریم ارزش این کتاب را باید با انسیکلوپدی نویسندگان قرن ۱۸ فرانسہ (روسو ، ولتر ، دیدرو ...) برابر دانست .

در روحیہ ابوالفرج دو گانگی شگفت انگیزی می بینیم ؛ یکی گرایش وی بہ روحیہ ایرانی محیط و پرورش و تربیت اوست و دیگری گرایش بنسب اموی خویش چرا کہ از احفاد مروان حمار آخرین حکم گزار امویست - از آثار وی ہم کتاب **مقاتل الطالبین** را در شرح احوال شہدای شیعہ و ہم کتابہای نسب بنی عبد شمس ، کتاب نسب بنی شیبان ، کتاب ایام العرب و امثال اینہاست . گویند وی با امویان اندلس روابطی مخفی داشت و بدیشان مہر میورزید .

از آثار دیگر ابوالفرج اخبار حجة البرمکی - کتاب التعديل والانتصاف فی ماثر العرب و کتاب الدیارات را می توان نام برد کہ ہر کدام دارای فواید تاریخی و ادبی قابل توجہی میباشد .

اصطخری

ابو اسحق ابراهیم بن محمد اصطخری در نیمه دوم قرن سوم هجری در اصطخر فارس زاده شد و پس از تکمیل تحصیلات در سال ۳۰۳ روی بسیاحت نهاد. وی اولین جغرافی نویسنده اسلامی است که کتاب خود را بر اساس مشاهدات شخصی نوشت. این کتاب که حصول سیاحتی چهار ساله است در سال ۳۰۷ فراهم آمد و باید گفت بفرهنگ اسلام غنائی فوق العاده بخشید. وی ممالک اسلامی را به نوزده منطقه تقسیم و مشخصات جغرافیائی و سوانق تاریخی و مسافات بلاد هر منطقه را شرح داده است. علاوه بر آن اطلاعات ذیقیمتی درباره مردم چین، مغولستان و ترکان بدست میدهد. اصطخری تا سال ۳۴۰ حیات داشت است.

ترجمه کتاب **صور الاقالیم** وی توسط J. H. Moeller در سال ۱۸۳۹ در **Gotha** از بلاد آلمان و اصل عربی آن در سال ۱۸۷۰ بهمت deGoeje در لیدن چاپ شده است. اصطخری این کتاب را بر اساس صور الاقالیم ابو زید بلخی نوشته است

کتاب دیگری نیز بنام **مسالك الممالك** بدو منسوب می باشد که در ۹۴-۱۸۷۰ در لیدن بطبع رسیده است.

افضل الدين کرمانی

افضل الدين ابو حامد احمد بن حامد کرمانی. اصل وی را از بردسیر کرمان نوشته اند.

در نیمه دوم قرن ششم چندی در کرمان بسر میبرد و حالی خوش داشته و بتدریس و طبابت مشغول بوده است . پس از آن عازم خراسان می شود ولی در کوبنجان فسخ عزیمت کرده و پنجسال میماند، آنگاه روانه یزد میگردد . لیکن اقامتش در این شهر دیری نمی باید . بلطایف الحیل از آنجا بکوبنجان باز میگردد و در دستگاه ملك دینار امیر کرمان راه مییابد و گویا مقام وزارت وی را نیز بدست می آورد.

افضل الدین راسه کتابست: یکی بنام **عقد العلی للموقف الاعلی** که آنرا صرفاً بقصد انتجاع و وصول بمنصب و تقرب بدرگام ملك دینار نوشته و مشحون از پیرایه و اطاله کلام است با اینهمه خالی از اطلاعات تاریخی نیست.

دیگر تاریخ **افضل یابدایع الازمان فی وقایع کرمان** است که اصل آن از میان رفته. آقای مهدی بیانی قسمتهای پراکندهئی از این کتاب را از متون تاریخی دیگر گرد آورده و در سال ۱۳۲۶ در سلسله انتشارات دانشگاه تهران بچاپ رسانیده اند.

اثر دیگر افضل الدین **المضاف الی بدایع الازمان** نام دارد که تکمله تاریخ افضل است . نسخه خطی این کتاب را مر حوم عباس اقبال در ایتالیا کشف و در سال ۱۳۳۱ در تهران بچاپ رسانیده اند.

المضاف شامل حوادث ۶۰۲ - ۶۱۲ می باشد . آثار افضل الدین از مدارك معدود زمان سلجوقیان کرمان در باره تاریخ این سلسله است و مورخان بعدی از اطلاعات افضل الدین سود بسیار برده اند.

عقد العلی نیز در سال ۲۲۹۴ ق . بصورت سنگی در تهران چاپ شده و پس از آن مکرراً تجدید طبع گردیده است.

از تاریخ مرگ افضل الدین اطلاعی در دست نیست جز آنکه یقیناً تا سال ۶۱۲ زنده بوده است .

انوشیروان ابن خالد

شرف‌الدین ابونصر انوشیروان ابن خالد کاشانی در اواسط قرن پنجم در کاشان متولد گردیده است. از کودکی و جوانی وی خبری در دست نیست. تنها می‌دانیم که در سال ۴۹۸ در حوالی بصره بوده که ملک‌شاه ثانی ویرا بی‌غدار خوانده و خزانده داری خود را بوی وا گذاشته است.

در سال ۵۲۱ سلطان محمود پسر ملک‌شاه ثانی (از سلاجقه عراق) ویرا بوزارت خویش برگزید ولی انوشیروان پس از یکسال و چندماه از کار کناره گرفت. در سال ۵۲۶ خلیفه عباسی المسترشد بالله وی را وزارت داد. در سال بعد وی وزارت امیر سلجوقی سلطان مسعود را ترجیح داد و بخدمت وی درآمد.

وفات انوشیروان خالد را در سال ۵۳۲ در بغداد نوشتند. کتدب وی بنام **فتور: زمان الصدور و صدور زمان الفتور** حوادث عصر سلجوقی را از بتخت نشستن ملک‌شاه اول (سال ۴۶۵) تا مرگ طغرل ثانی (۵۲۶) در بردارد.

عمادالدین کاتب اصفهانی این کتاب را عبری ترجمه و تعلیقاتی بر آن افزوده و **نصرة الفتره وعصرة الفطره** نام نهاده است. این کتاب نیز بدست بندهار اصفهانی تلخیص و **زبدة النصره** نام گرفته.

زبدة النصره در سال ۱۸۸۸ باهتمام Houtsma در لیدن به چاپ رسیده است. يك نسخه از اصل کتاب فتور زمان الصدور نیز موجود است که تا کنون چاپ نشده است.

بلاذری

احمد بن یحیی بلاذری که نسلاً ایرانیست در زمان خلافت متوکل و مستعین در بغداد زندگی میکرد. المعترف بانتصاب وی بمعلمی فرزندش عبدالله بر نفوذ وی افزود. بلاذری فتوحات معجز آسای مسلمین در قرن اول هجری و شرح احوال بلاد مختلف را در کتابی بنام **فتوح البلدان** گرد آورد.

وی برای اطمینان از صحت مطالب مورد بحث خود بمطالعه آثار پیشینیان پرداخت و آنها را با روایاتی که شنیده بود مقایسه کرد. در میان ماخذ تاریخ وی باید از دو کتاب المغازی و تاریخ الخلفاء مدائنی نام برد که اینک هیچیک بر جای نمانده اند.

دیگر از آثار بلاذری **انساب الاشراف** است که بیش از دو مجلد آن بر جای نمانده. فتوح البلدان یکی از اساسی ترین کتب تاریخی اسلام و ایرانست که غالباً مورد استناد مورخان بوده.

افسوس که پایان زندگی این مورخ بزرگ بسیار دردناک بود است. او که بتقویت حافظه خویش سخت اهتمام میورزید بنا بتوصیه دوستی بمصرف بیش از اندازه جوز هندی پرداخت و سرانجام کارش بجنون کشید تا در سال ۲۸۴ در تیمارستان بغداد جان سپرد. برآستی که چه اندک فاصله ایست در میان نبوغ و جنون!

فتوح البلدان در سال های ۸ - ۱۸۶۳ باهتمام dcGoeje در Grifswald و قسمتی از انساب الاشراف نیز در سال ۱۸۸۲ بهمت W. O. Howard در همان شهر بچاپ رسیده است.

بیضاوی

عبداله بن عمر القاضی البیضاوی بیش از آنچه بتاریخ نویسی معروف باشد بنام يك محدث مشهور است . او در قریب بیست و نه سال از اصرح فارس بدنیا آمد . زمان زندگی وی ه صد و بیست و دو سال بود . فارس چندی بر اثر تدبیر انا بکان از این تاخت و تاز در امان ماند ولی آنچه در ایران میگذشت ذهن بیضاوی را مانند هر متفکر دیگری مشغول می داشت و او در تعقیب حوادث بعلل آنها میاندیشید .

عبداله بیضاوی پس از تکمیل تحصیلات خود عزم تبریز شد و در آنجا چندی بر مسند قضانشت و سرانجام در همان شهر در سال ۶۸۵ هجری قمری در آنجا چندی

وی علاوه بر کتب دینی و فقهی بسیار کتابی بنام **نظام التواریخ** بزبان فارسی نگاشته است که مشتمل بر تاریخ عالم تا سال ۶۷۴ هجری قمری شد . این کتاب در باره سلجوقیان ، خوارزمشاهان ، انا بکان فارس و خانان مغول معلومات شایستهئی بدست میدهد . (برخی این کتاب را از همشهری و همکار وی قاضی سعید بیضاوی میدانند .)

نظام التواریخ در سال ۱۸۶۹ در برلین چاپ شده و در تهران و هند نیز تجدید طبع گردیده است .

بیهقی ✓

ابوالفضل محمد بن حسین بیهقی در سال ۳۸۶ در حارث آباد بیهق از توابع

سبزوار بدنیا آمد و در ۴۷۰ پس از عمری طولانی چشم از جهان بر بست .
وی پس از تکمیل تحصیلات خویش ، بیاری همشهری و استادش ابونصر مشکان
رئیس دیوان رساڈل سلطان مسعود غزنوی بدر بار غزنویان راه یافت و بکتابت در دیوان
مشغول شد ولی هنوز جوان بود کہ با انتخاب ابوسهل زوزنی بجای ابونصر مشکان ناچار
باستعفا شد و گوشه گیری اختیار کرد .

وی بار دیگر پس از مدتی طولانی در زمان سلطنت عزالدوله عبدالرشید (۴۴۰-
۴۴) بخدمت احضار شد . مع التاسف اینبار نیز دیری در خدمت نپائید زیرا در اواخر
سلطنت عزالدوله ویرا بجعل اسناد متهم کردند و بزندان افکندند .

بیہقی در زمان تاجگذاری جمال الدوله فرخزاد از زندان آزاد شد و بر سر شغل
خویش باز گشت و تا بہنگام مرگ بر سر آن مهم باقی بود
بیہقی کہ ناظر دقیق شوکت و عظمت و از انپس فلاکت و زوال دولت غزنوی گردید
ہمہ این حوادث را در تاریخ عظیمی مرکب ازسی مجلد نوشت .

ابن اثر نفیس کہ امروز بنام **تاریخ بیہقی** و تاریخ مسعودی معروفست ؛ فقط بخش
کوچکی از کتاب اصلی را تشکیل میدہد کہ شامل قسمتی از اواخر مجلد پنجم تا مجلد
نہم است کہ شامل حوادث سلطنت مسعود غزنوی (۴۲۱-۴۳۲) است و بقیہ آن مانند
بسیاری از آثار علمی و ادبی ایران در حوادث و بلیات گوناگون چون حملہ مغول ،
ایلغار تیمور و کشور گشائی شاہان بیشمار از میان رفتہ است .

(برای کسب اطلاع بیشتر بکتاب « آثار گمشدہ بیہقی » تالیف آقای سعید نفیسی از انتشارات
دانشگاہ تہران مراجعہ شود .)

این قسمت کوچک بجای مانده نیز بتنهائی حاوی اطلاعات با ارزشی از دوران
سلطنت سلطان مسعود و امور اداری و بلیات سیاسی آن زمان است . علاوہ بر آن اطلاعات
بیہقی در مورد قسمتی از تاریخ ہندو شرح حال چند تن از دانشمندان و ادبای بزرگ عصر
غزنوی قابل توجہ میباشد . این کتاب نثری سخت دلکش دارد و در شمار مهمترین
آثار ادبی زبان فارسی است .

تاریخ بیہقی اول بار در سال ۱۸۶۲ توسط **Morlay** در مجموعہ **Bibliothecas** **Indias** در کلکتہ چاپ شدہ است کہ متاسفانہ مغلوٹ و فاقد فہرست اعلام است . این کتاب یکبار نیز باہتمام آقای سعید نفیسی از طرف دانشگاہ تہران در ۱۳۳۲ چاپ شدہ کہ شاید بتوان آنرا بہترین چاپ تاریخ بیہقی دانست . یکبار نیز تاریخ بیہقی را وزارت فرہنگ بہ صحیح د کتر غنی و محمد قزوینی در ۱۳۲۴ بچاپ رسانیدہ است و جز این چاپہای دیگر ہی ہم از تاریخ بیہقی موجود است .

ثعالبی

ابو منصور عبد الملک بن محمد بن اسمعیل در سال ۳۵۰ در نیشابور بدنیہ آمد و تحصیلات خود را در ہما نجا انجام داد . گویند در ابتدا پوستین دوزی میکردہ است . در وقوف بر شعر و لغت عرب بیمانند بودہ و کتابہای متعدد نوشتہ است کہ از آنجملہ اند: **احسن الکلام** ، **احسن ماسمعت** ، **کتاب التمثیل** ، **المبہج** ، **سحر البلاغ** و **سر البراء** ، **النہاید فی الکناید** ، **الاعجاز والایجاز** ، **ثمار القلوب** ، **حس الخاس** ، **فتہ البغد** ، **الکدیہ** و **التعریض** ، **لطائف المعارف** ، و **لطائف والظرائف** .

یکی از کتب بیمانندوی کتاب **یتیمۃ الدھر فی محاسن اهل المصر** است کہ در شرح احوال و معرفی اشعار شعراء عرب و ایران نوشتہ است . این کتاب در ہند از ابن منجم بنام **البارع فی اخبار الشعراء** بشمار میرود . **یتیمۃ الدھر** را نیز باخرزی بنام **دھرۃ المصر و مصرۃ العصر** و کاتب اصفہانی بنام **خریدۃ المصر و سعد و راوینی** بنام **زینۃ الدھر** زیل نویسی کردہ اند . **یتیمۃ الدھر** در سال ۱۳۰۳ ق . در دمشق بچاپ رسیدہ است .

کتاب مهم دیگر ثعالبی **غیر اخبار ملوک الفرس و سیرهم** در تاریخ ایران قدیم
 میباشد که آنرا **شاهنامه ثعالبی** نیز مینامند. این کتاب با ترجمه فرانسوی **Zotenberg**
 در سال ۱۹۰۰ در پاریس چاپ شده است. مولف در ابتداء کتاب وعده کرده است که
 پس از اتمام تاریخ ایران باستان :

«... ثم ارجع القهقرى الى ذكر ملوك الانبياء عليهم السلام
 و ذكر الفراعنه و غيرهم من ملوك بنى اسرائيل ... ثم اذكر
 من ملوك حمير الذين ملكوا اليمن ... ثم اذكر ملوك عرب
 الشام و ملوك عرب العراق الى وقت ظهور اسلام ... ثم اذكر
 من احاضر بذكره من ملوك الروم و الهند و الترك و الصين.
 اخبارهم و .. ادیانهم و ... عاداتهم ثم انتهى الى ذكر ..
 محمد المصطفى صلوات اله عليه .. مولده و منشأه و مبعثه
 و معجزاته و غزواته ... ثم اذكر الخلفاء ... و جراً الى ملوك
 بنى اميه ثم اذكر بعدهم خلفاء بنى العباس و .. ما يتعلق
 بهامن اخبار الملوك من لهم و موالیهم كابي مسلم و البراء
 مكه و الطاهر به و الهجزيه و السامانيه و الحمدانيه و البوئيه
 و غيرهم مع اخبار النواجم و الخوارج ... ثم اذكر الامير
 ابو منصور سبكتكين. ثم اذكر السلطان المعظم .. محمد بن
 سبكتكين ..»

همانطور که خود گفته تاریخ ملل دیگر را نیز بنویسد ولی از این قسمت از
 تاریخ وی خبری در دست نیست. یا نوشته و یا در میان رفته است. وفات ثعالبی را در
 سال ۴۲۹ نوشته اند.

شاهنامه ثعالبی نیز بفارسی ترجمه و در طهران چاپ شده است.

جوینی

علاءالدین عظاملك بن بهاءالدین محمد بن محمد جوینی در سال ۶۲۳ در

جوین از توابع خراسان (نزدیک سبزوار) متولد گردید و پس از خاتمه تحصیل وارد کارهای دیوانی شد. زیرا پدر و برادر و بسیار کسانی از دیوانیان بودند. وی پیش از حمله هلاکو خان بایران سفرهایی بمغولستان نمود و باحوال آنمرز و قوم و مردمش آشنائی یافت. در سال ۶۵۷ هلاکو خان پس از فتح بغداد حکومت عراق را بعهده داشت و گذاشت و او تا سال ۶۸۰ در این شغل باقی بود. وفات جوینی را در سال ۶۸۱ نوشته اند
علاءالدین مسافر تپای متعدد بترکستان و مغولستان کرده که نخستین در سال ۶۳۴ -
۶۴۵ و دیگر بار در ۶۴۹ بود که همراه مخدوم خود امیر ارغون که برای محاکمه پایتخت احضار شده بود بدانجا رفت. دیگر بار وی برای شرکت در مجلس انتخاب منگوقاآن سلطنت در سال ۶۵۰ عازم آنجا گشت. از آن پس وی در خدمت هلاکو خان درآمد و در جنگها با وی همراه بود و نوشته اند که پس از تسلیم قاعده الموت کتابخانه معروف آنجا را - که بایدهش غنیترین محزن دانش و فلسفه ایران در تمام طول تاریخ دانست - از غارت و حریق نجات داد ولی پس از آن قسمتی را که بگمان وی از آن بوی کفر و الحاد برمیکه است سوزانید و این از قدر خدمت بزرگ وی میباشد. بهمین سبب بود که وی سالها بعد بدست یکتن اسمعیلی مجروح گردید ولی جان سلامت در برد. وی یکبار نیز گرفتار و زندانی شد و فقط مرگ ابقاخان بود که جان او را نجات داد.

بر سر شغل خود بازگشت و دیری نپائید که زندگی را که برایش بسیار پر ماجرا بود بدرود گفت .

کتاب وی بنام **تاریخ جهانگشای** که به جهانگشای جوینی معروفست سندیست بسیار گرانبها برای آشنائی باحوال قبائل مغول و اوضاع ایران در قرن هفتم و اطلاعات پرارزشی در باره فرقه اسمعیلیه بدست میدهد. این کتاب نثری ساده و روشن دارد و از متون گرانبهای تاریخ و ادب فارسی است که در سه مجلد تدوین گردیده است .

تاریخ جهانگشا بار نخست در سالهای ۳۷ - ۱۹۱۱ با مقدمه انگلیسی و تصحیح و تحشیه ادوارد براون در لیدن چاپ شده است .

قسمتهای پراکندهئی از جهانگشا توسط **Salmann, Schefer, Barthold** و دیگران بروسی، فرانسه و آلمانی ترجمه و چاپ شده است .

حمزه اصفهانی

ابو عبدالله حمزه بن حسن اصفهانی در سال ۲۷۰ در اصفهان بدنیا آمد. وی یکی از برجسته ترین شخصیت های فرقه شعوبیه است (شعوبیه يك نهضت ملی ضد عرب بود که از اواخر قرن اول هجری در ابتدا بر ضد تفوق معنوی نژاد عرب و سپس برای بدست آوردن استقلال ملی در میان مسلمانان غیر عرب خصوصاً ایرانیان بوجود آمد . یکی از بنیانگزاران این فرقه اسمعیل بن یاسر شاعر نامدار ایرانیست .) برای اطلاع بیشتر بکتاب «دو قرن سکوت» تألیف آقای عبدالحمین زرین کوب مراجعه شود .

این میهن پرست نامدار ایرانی برای اعتلاء تاریخ وطن خود بگردآوری اطلاعات

لازم پرداخت و کتاب خود را بنام **سنی ملوک الارض والانبیاء** بوجود آورد که امروز بنام **تاریخ اصفهانی** معروفست. اصفهانی در این کتاب تاریخ را از آغاز خلقت تا حوادث سال ۳۱۴ هجری قمری ثبت کرده است. در این کتاب تاریخ ایران مقام شایسته‌ئی را احراز نموده و در عین حال از حماسه‌های ملی ایران و از داستان‌هایی که هنوز در میان ایرانیان نقل می‌شود و از موبدانی که برای نگهداری آتشکده‌های دوردست بجان می‌کوشیدند بگرمی سخن رفته است. اهمیت کتاب اصفهانی برای تاریخ ایران علی‌الخصوص از اینروست که وی نام‌های ایرانی را بصورت اصلی آن نگاشته و حال آنکه اغلب مورخان آنهارا معرب نموده‌اند. یکی دیگر از خدمات حمزه اصفهانی گردآوری امثال و حکم فارسی است که آنهارا در اثری بنام **کتاب الامثال** با ترجمه بزبان عربی فراهم آورده است. یک نسخه از این کتاب در کتابخانه قاهره موجود است و این خود نشانه‌ئی از توجه این مرد بزرگ به بیان فرهنگ ملی ایرانست.

کتاب **سنی ملوک الارض والانبیاء** بنام تاریخ اصفهانی با ترجمه لاتین در سالهای ۴۸ - ۱۸۴۴ در لایپزیک توسط J. M. E. Gottwaldt چاپ شده است. از کتب دیگری التصحیف و کبار البشر را میتوان نام برد.

دینوری

ابوحنیفه احمد بن داود دینوری در قصبه دینور (نزدیک کرمانشاه کنونی) در سال‌های اول قرن سوم هجری متولد شده است. در اوایل بلوغ به بغداد رفت و از آنجا به کربلا بزرگ چون ابن سکیت تحصیل علم نموده است.

ابوحنیفہ نے تنہا بنام یک مورخ برجستہ بل بنام ریاضیدان و عالم طبیعی در میان دانشمندان شناخته شده است . وی برای نخستین بار در کتاب النبات خود دو گیاه تازہ را بدانمندان معرفی نموده و خواصشان را شرح داده و در میدان ریاضیات و نجوم نیز آثاری چون کتاب فی الجبر والمقابلہ ، کتاب فی الحساب ، کتاب فی الوصایا (در مورد سهم الارث و طرز تقسیم آن) کتاب الانواع (در فلکیات و نجوم) بجای گذاشته کہ بارقهائی از نبوع و دہاء این مرد است . وی در دینور رصدخانہائی ساخته بود و کتابی نیز بنام زیج ابوحنیفہ نوشته کہ اینک در دست نیست ،

تاریخ پراج وی الاخبار الطوال نام دارد کہ بزبان عربی نوشته شده است . این کتاب مورد تحسین مورخین بعد از وی قرار گرفت و منبع فیض بسیاری از تواریخ گردیدہ است . وی در عین صداقت و درستی ، برای تاریخ ایران اهمیت شایانی قائل گردیدہ و در این بارہ معلومات بسیار ارزندہ بجای گذاشته است . همچنین دینوری ضمن معرفی نہضت های سیاسی اسلام در مورد خوارج و ماہیت سیاسی و مبارزات خونین آنان گزارش مبسوطی مینگارد .

این کتاب بار اول باہتمام W . Guirgass در سال ۱۸۸۸ در شہر لیدن از بلاد ہلند و بار دیگر با فہرست اعلام و تعلیقات کامل توسط Kratchavsky در سال ۱۹۱۲ در ہمان شہر چاپ گردیدہ است .

راوندی ✓

محمد بن علی بن سلیمان راوندی در خانوادہائی نامدار در راوند (نزدیک ہمدان) بدنیا آمد و پیش از آنکہ بسن بلوغ رسد پدر خود را از دست داد .

در سال ۵۷۰ برای دیدار خال خود تاج الدین احمد با صفهان رفت و مدت ده سال در این شهر بزرگ که مرکز تجمع دانشمندان و پایتخت سلجوقیان بود، تحصیل پرداخت و از فقه و حکمت و علم الانساب اطلاعات کافی بدست آورد. آنگاه بوسیله تاج الدین احمد بسلاطین طغرل سلجوقی آخرین پادشاه سلجوقیان که مردی با فرهنگ و ادب دوست بود معرفی شد و نزد وی مقامی معزز یافت.

راوندی تا سال ۵۸۵ در نزد وی بود؛ آنگاه برای دیدن عم خود معز الدین بمازندران عزیمت کرد. ولی آنجا را نپسندید و پس از شش ماه بیمارگونه بدینار خود را و ندر رفت و سالی در آنجا بود.

در این هنگام خال ایران عرصه تاخت و تارتر کان غزو و خوارم شاهان شده و راحت و امن از هر گوشه رخت بر بسته بود. برعکس شعبدهائی از سلجوقیان در آسیای صغیر کانون جدیدی برای فرهنگ ایران بوجود آورده بودند که بعدها سخنوران بسیاری را در خود پرورد. راوندی نیز به قونیه پایتخت روم رفت و بخدمت غیاث الدین کیخسرو راه یافت. در آنجا کالای هنر خریدار داشت و او را که خطی خوش و حافظهائی توانا بود هوس نوشتن تاریخی در سرافتاد و کتابی بنام **راحة الصدور و آية السرور** در تاریخ سلجوقیان نوشت. این کتاب یکی از سه چهار تاریخ معدود بجای مانده از دوران سلجوقیان است و از آن روی حائز اهمیت میباشد. آنچه از ارزش این کتاب میکاهد گنجاندن مقدماتی از اشعار و امثال فارسی و عربی و جملات ادبی بیجا در سرتاسر کتب عالی الخیر در آن است.

راحة الصدور بزبان فارسی نوشته شده است و اول آن را در کتب جملة کتب مسلمانان هند تصحیح و با مقدمه انگلیسی در سال ۱۹۲۱ در ساسان انتشارات اوقات کتب در شهر لیدن بچاپ رسانیده است. جمعی از محققان را - قیود بر آنستکه قسمت اعظم مطالب **راحة الصدور** از سلجوقنامه ظهیر الدین نیشابوری و فتور زمان الصدور اوشیروان خالد تلخیص و نقل گردیده است و بعلاوه خطا و لغزش چندی در آن را دارد.

زکریای قزوینی

عمادالدین زکریا بن محمود قزوینی در آغاز قرن هفتم هجری در قزوین بدنیا آمد . در جوانی عازم دمشق شد و پس از تحصیل مقدمات علوم بعراق آمد . وی در سال ۶۵۰ بقضاء شهر حلب منصوب شد و پس از چندی قاضی شهر واسط گردید . ✓ از کتب او آثار البلاد و اخبار العباد است که معلومات بسیار نفیس در باره جغرافیا و تاریخ نقاطیکه مؤلف دیده است و اطلاعات بسیار خوبی در باره عدهائی از شاعران ایران بدست می دهد .

دیگر از آثار وی باید **عجائب المخلوقات** را نام برد که درباره نیاتات و حیوانات نقاط مختلف و پارهائی از شگفتیهای طبیعت نوشته شده است . هر چند امروز تمام مطالب آن نمی تواند مورد اعتنا باشد معذک دلرای پاره ئی اطلاعات تاریخی و جغرافیائی مهم می باشد .

وفات زکریا را در سال ۶۸۲ نوشته اند .

عجائب المخلوقات و آثار البلاد هر دو در سال های ۹ - ۱۸۴۸ باهتمام F. wustenfeld در Gottingen چاپ شده است .

ترجمه فارسی کتاب عجائب المخلوقات نیز در سال ۱۲۶۳ ق . در تهران صورت چاپ سنگی بطبع رسیده است .

✓ زمخشری

محمود بن عمر بن محمد بن عمر ابو القاسم جار الله الرمخشری الخوارزمی در سال ۴۶۷ در خوارزم بدنیا آمد . در جوانی برای کسب دانش بسفر پرداخت و چندی در بغداد بود . آنگاه بمکه رفت و مجاور کعبه شد و از آن روی به جار الله لقب یافت . در یکی از سفرها یکپایش از فرط سرما از کار افتاد . از آن پس با چوب بغل راه میرفت . وی یکی از بزرگترین زبان‌دانان و نویسندگان زبان عربیست . کتابهای بسیار دارد که از آن جمله است . ربيع الابرار، اساس البلاغه، اطواق الذهب، اعجب العجب ، الانموزج ، نوابغ الکلام ، المفصل ، الکشاف فی حقایق التنزیل ، المستقصى فی الامثال وغیره .

از جمله آثار وی کتابیست بنام **الجمال والامکنه والمیاه** که باید آنرا نخستین فرهنگ جغرافیائی بشمار آورد . این کتاب در سال ۱۸۵۶ در لیدن باهتمام M . S . de Grave چاپ شده است و همانطور که از نامش پیداست شامل اسمی رودها ، کوهها ، شهرها و اماکن و محل و موقع هر کدام است . زمخشری بسال ۵۳۸ در گرگانج خوارزم دیده از جهان برست .

سمعانی

ابوسعید عبدالکریم سماعانی ملقب بتاج الاسلام در سال ۵۰۶ در مرو بدینا آمد و تحصیلات خود را در همان شهر که از اهم مراکز علمی آن عصر بود بانجام رسانید و به سفری طولانی در ایران و عراق و سوریه و حجاز پرداخت و سرانجام بدیار خود بازگشت و در سال ۵۶۲ جهانرا بدرود گفت.

سمعانی ذیلی بر تاریخ بغداد خطیب بغدادی نوشته که مشتمل بر پانزده مجلد است و حاوی شرح احوال و مشاهیر مقیم بغداد می باشد.

از آثار دیگر وی که سبب دوام شهرتش گردیده **کتاب الانساب** اوست که بمنزله يك دائرة المعارف تاریخی و جغرافیائی بشمار می رود و مشتمل بر هشت مجلد است. وی کتابی نیز در تاریخ زادگاه خود مرو نوشته در بیست مجلد که از میان رفته است و دیگر از معجم المشایخ میتوان نام برد.

کتاب الانساب سماعانی بدست ابن اثیر در سه مجلد تلخیص و بنام **لباب** موسوم گردیده و سیوطی نیز کتاب اخیر الذکر را تلخیص و لب اللباب نام نهاده است.

ذیل تاریخ بغداد در سالهای ۱۸۷۶-۱۹۰۱ در لیدن با اهتمام **J.G. Kosegarten**

کتاب الانساب نیز در سال ۱۹۱۲ با تصحیحات و مقدمه **Margelyouth** در همان شهر طبع گردیده است.

مروزی

شرف الزمان طاهر مروزی. از شرح احوال وی چیزی در دست نیست. تنها میدانیم که طبیب دربار ملکشاه سلجوقی بوده و عمری دراز داشته است زیرا که در کتابش سالهای ۵۱۴ - ۴۴۸ را بیاد میآورد.

کتاب ارجمند وی طبایع الحیوان نام دارد که در آن اطلاعاتی درباره شاهان، علماء، مشایخ و صوفیان؛ همچنین درباره تاریخ و جغرافیای ایران، ترکستان، چین هند، عربستان، بیزانس و دیگر نقاط بدست میدهد.

قسمتی از کتاب طبایع الحیوان که در عین حال مفیدترین قسمت آنست بنام ابواب فی الصين والترك والهند با ترجمه انگلیسی و فهرست و تعلیقات با اهتمام ولادیمیر مینورسکی W. Miursky در سال ۱۹۴۲ در لندن از طرف انجمن سلطنتی آسیائی چاپ شده است.

این کتاب بزبان عربیست و چاپ آن نیز از روی عکس نسخه خطی است

شهرستانی

ابوالفتح محمد بن عبدالکریم شهرستانی در سال ۴۱۹ در شهرستان از بلاد خراسان پای بعرضه هستی نهاد و در نیشابور بتحصیل پرداخت و از اساتید بزرگ خراسان

چون ابوالمظفر خوافی ، ابونصر قشیری ، ابوالقاسم انصاری و ابوالحسن مدینی کسب فیض نمود . سپس بخوارزم رفت و پس از چندی اقامت در آنجا عازم عراق گردید . بعد از سه سال اقامت در بغداد بدیار خود باز گشت و در آنجا مقیم گردید و بتالیف آثار گرانبهای خود **الملل والنحل** و **كتاب المصارع** پرداخت تا در سال ۵۴۸ زندگی را بدرود گفت .

وی آثار زیادی داشته که امروز از میان رفته اند . از آنچه بجای مانده بجز دو کتاب فوق الذکر **مفاتیح الاسرار** و **نهاية الاقدام** را باید نام برد

شهرستانی يك فیلسوف حقیقی و علامه متبحر است که وسعت معلوماتش و واقفاناً حیرت انگیز می باشد . **الملل والنحل** در میان کتابهایی که مسلمانان در باره ادیان و مذاهب نوشته اند مقامی شایسته دارد و در **کنکم یک تاریخ ادیان و فلاسفه** است . شهرستانی در این کتاب در باره فرق مختلف مسیحی ، زرتشتی ، مسلمان و پیروان دیگر ادیان چون مزدکیان و صابئه و همچنین عقاید فلاسفه یونان و روم و اسکندریه اطلاعات روشنی عرضه میدارد که در بسیاری موارد بی سابقه و منحصر بفرد است . شاید گرایش شهرستانی بعقاید اصحاب الموت (اسمعیلیه) در این سعه مشرب تاثیر متقابل داشته است .

کتاب **الملل والنحل** در سال ۵۲۱ تالیف شده که افضل الدین محمد صدر تر که اصفهانی در سال ۱۸۵۰ آنرا بفارسی ترجمه نموده است . متن عربی **ملل و نحل** در سال ۱۸۴۸ توسط **W. Courten** در لندن و ترجمه افضل الدین نیز در ۱۳۲۱ و بار دیگر در سال ۱۳۳۹ با حواشی و تصحیح قابل توجه آقای محمد رضا جلالی نائینی در تهران چاپ شده است .

ملل و نحل را تئودور هاربرو کر **Th. Harbrucker** با آلمانی ترجمه و در سال ۱۸۵۰ در آلمان بچاپ رسانیده است .

صفی الدین رازی

سید صفی الدین ابو تراب مرتضی بن قاسم داعی حسنی رازی از شاگردان شیخ مفید عالم و فقیه بزرگ شیعی بوده. آنچه از زندگانی وی می دانیم بسیار اندک است و جز این نیست که از مردم ری می باشد که در اواخر قرن پنجم و نیمه اول قرن ششم زندگی می کرده و احتمالاً تا سال ۶۵۳ زنده بوده و شاید یکی از کشتگان بسیار مغولان باشد.

کتاب او بنام تبصرة العوام فی معرفة مقالات الانام دومین کتاب در باره ملل و نحل بزبان فارسی است که در بیست و شش فصل نوشته شده. از آن جمله است: مقالات مجوس، مقالات جهودان و ترسایان و صابیان، ذکر خوارج، ذکر فرقه معتزله، در مقالات صوفیان.. و بسیاری دیگر.

قسمت مهم تبصرة العوام ذکر فرقه امامیه و اطلاعات مندرج در آنست. این کتاب اول بار سال ۱۳۰۹ قمری و یکبار نیز با تصحیح عباس اقبال در سال ۱۳۱۳ خورشیدی در تهران چاپ شده است.

طبری

ابوجعفر محمد بن جریر طبری در سال ۲۲۴ هجری در آمل مرکز باستانی ایالت طبرستان بدنیا آمد . بہنگام کودکی هنوز تجلی متزلزل تمدن ساسانی را می دید و آتشکدہ ہائی را کہ دیگر نورو گرمی از کف نہادہ بردند تماشا می کرد و اینہمہ در زہن نقاد وی اثر می گذاشت و خاطر او را بسوی زمانہای گذشتہ رهنمون می شد .

طبری پس از تحصیل مقدمات علوم بسفر پرداخت و رہسپار سوریدہ و مصر شد و زمانی دراز را بسیاحت و تحصیل دانش در نزد نامدارترین دانشمندان (کہ نام چندین کس از ایشانرا در کتاب الانساب میتوان یافت) بسر برد . بر اثر ہمین مساعی مدید و پیگیر بود کہ چنان شہرتی جاودانہ بدست آورد .

ابن جریر پس از کسب شہرتی عالمگیر روی بیغداد نہاد و در آنجا بتدریس فقہ و حدیث پرداخت . حوادثی کہ در جہان اسلام میگذشت ؛ سقوط طہریان ، ظہور صفاریان - کہ بمنزلہ ناقوس عزای عباسیان بود - ظہور بنی طولون در مصر و اغالبہ در مغرب ، قیام خونین صاحب الزنج در بصرہ ، ہرج و مرجی کہ بر دارالخلافہ بغداد حکمفرما بود ، اعمال نفوذ لشگریان ترک ، توطئہ ودسیسہ فرزندان ، برادران و خواجہ سرایان خلفا ہیچیک از چشم تیزبین ابن جریر پنهان نمی ماند و او را شوق میشد تا شرح این حوادث و احوال ہمدروز گارانرا کہ گاہ تیرہ و گاہ روشن و در ہمہ حال گذراتست بررسی کند و برای عبرت آیندگان جاودانہ سازد .

ابن جریر مورخی بسیار بزرگ و در عین حال یکتا مفسر ، محدث ، فقیہ و حقوقدان نامبردار است . تفسیر طبری یکی از اسناد معتبر دینی است و با اینہمہ در آن زمان متعصبین

واصحاب فرق مختلف مذهبی باوی بخاطر آزاد اندیشی و استقلال رأیش خصومت می ورزیدند .

ابن جریر در هنگامیکه شاهد بتخت نشستن خلیفه ۱۳ ساله المقتدر بالله بعنوان امیر المومنین و خلیفه پیغمبر بود و هر روز در پیرامونش جنایات و خونریزیهای موحش جریان داشت و قضاات و امیران دستخوش فنا میشدند و خواجگان حرم خلیفه را چون بازیچهائی میرقصانیدند و قرمطیان - این نیهیلیست های مسلمان - شورشهای خونینی راهبری می کردند ، همچنان مشغول نوشتن و تحقیق و تتبع بود تا در سال ۳۱۰ هجری رخت از جهان بر بست و در بغداد بخاک سپرده شد . گویند او مدت چهل سال روزی چهل صفحه مینوشته است .

معاصرانش او را مردی گند مگون ، سیاه چشم ، بلند بالا ، فصیح گفتار و سخنش را سحر آمیز» توصیف کرده اند.

تاریخ عظیم وی **تاریخ الامم والملوک** نام دارد که بتاریخ طبری معروفست مطالب این کتاب از ابتدای خلقت آغاز و بحوادث سال ۳۰۲ مختوم میشود ، معلوماتی که این کتاب درباره تاریخ پیدایش اسلام و حوادث بعد از آن میدهد با هیچ اثر دیگری قابل قیاس نیست . احادیث و روایات عینا بهمان صورت که از دهان راوی شنیده شده است . باز کر نام راوی نقل گردیده . همه مورخین که پس از وی آمده اند مدیون زحمات اویند . در این کتاب زینتهای لفظی و بازی الفاظ سخت نادر است و از همین روست که کتاب خشن و عاری از لطافت بنظر می رسد .

تاریخ طبری را می توان بدو قسمت کمالا مشخص تقسیم کرد : قبل از ظهور اسلام و بعد از آن . تاریخ قبل از اسلام با آنکه حاوی اطلاعات بسیار ذیقیمتی در باره گذشته ایران علی الخصوص دولت ساسانی است ، با اینهمه از نظر علم تاریخ قابل انتقاد است و

طبری خود متوجه امکان لغزش و خطا بوده و در این مورد چنین می نویسد:

« ... والیعلم الناظر فی کتابنا هذا ان اعتمادی من کل ما حضرت ذکره فیہ مما شرطت الی راسمه فیہ انما هو علی ما رویت من اخبار التی انما ذکرها فیہ والآثار التی انما مسندها الی رواتها دون ما ادرك بحجج القبول واستنبط بفکر النفوس الی الیسیر القلیل منه اذا کان العلم بما کان من اخبار الماضیین وما هو کائن من ابناء الحادثین غیر واصل الی من لم يشاهدہم ولم يدرك زمانہم الا باخبار المخبرین و نقل الناقلین دون الاستخراج بالقول والاستنباط بفکر النفوس فما یکن فی کتابی هذا من خبر ذکرنا عن بعض ماضیین مما یشتمکره قارئه او یشتمعه سامعه من اجل انه لم یصرف له وجهاً فی الصحة ولا منی فی الحقیقه فلیعلم انه لم یؤت فی ذلك من قبلنا و انما التی من قبل بعض ناقلیه الینا و انما ادینا ذلك نحو ما أدى الینا . »

ع

ابوعلی محمد بلعمی وزیر دانشمند منصور بن نوح سامانی خلاصه‌ئی از این کتاب را بفارسی ترجمه کرده و خود نیز مطالبی بر آن افزوده است که بتاریخ بلعمی و ترجمه تاریخ طبری معروف است . این کتاب از طرف Zotenberg بزبان فرانسه ترجمه و در سال ۱۸۷۴ درده مجلد چاپ شده است.

بر تاریخ طبری چند ذیل نوشته‌اند که یکی بنام صله تاریخ طبری نام دارد که آنرا عریب بن سعد قرطبی نگاشته و متضمن حوادث سالهای ۲۹۰ - ۳۱۰ هجریست دیگر الذیل بالصله است که ابو محمد عبدالله بن محمد فرغانی نوشته و همچنین ابو حسن محمد بن عبدالملک بن ابراهیم بن احمد همدانی مورخ ایرانی قرن ششم ذیل دیگری بقلم آورده است.

تاریخ الامم والملوک در سالهای ۱۸۷۹-۱۹۰۰ بهمت de Goëje و با همکاری
مستشرقین مشهوری چون 'Guyard' 'Houtsma' 'Muller' 'Fraenkel'
'Guidi' 'Bosen' 'Thorbecke' 'Jong' 'Prym' درلیدن و پس از آن نیز
در مصر چاپ شده است.

تاریخ ساسانیان این کتاب بدست Noeldeke بزبان آلمانی ترجمه و با تحقیقاتی
بسیار ارزنده درلیدن در سال ۱۸۷۹ بچاپ رسیده است.

برای کسب اطلاعات بیشتر بیکی از و کتاب آثار واحوال محمد بن جریر
طبری تالیف علی اکبر شهابی (از انتشارات دانشگاه) و ملک الشعراء بهار (این کتاب
نیست فقط نام آنرا آقای مشار در فهرست کتابهای چاپی بدون ذکر هیچگونه مشخصاتی
ثبت کرده اند.) مراجعه شود.

ترجمه فارسی تاریخ طبری یکبار در هند (لکهنو) در سال ۱۲۹۱ ق. بنام
تاریخ الرسل والملوک و بار دیگر در تهران بنام تاریخ بلعمی بتصحیح ملک الشعراء بهار
و باهنام محمد پروین گنابادی در سال ۱۳۴۱ بچاپ رسیده است.

ظہیر الدین نیشابوری

خواجہ امام ظہیر الدین نیشابوری از مردم نیشابور است کہ در اوایل قرن
ششم ہجری تولد یافتہ است . وی در زمان خویش بدانش و تقوی معروف بود . دو تن
از شاہان سلجوقی بنام ارسلان و مسعود از شاگردان وی بودند . وی در دربار سلجوقی
مقامی معزز داشتہ و بالطبع بر اوضاع زمان و اخبار جاریہ مطلع می گردیدہ و بآراء

و ارباب خبر ملاقات و مذاکره مینموده است . وفات این دانشمند نامی بسال ۵۸۲
اتفاق افتاده است.

کتاب وی بنام **سلجوقنامه** معروف و ازمتون موثق تاریخ این دوره است و یکی
از فصیح ترین آثار زبان فارسی بشمار میرود . باید گفت اغلب کسانی که تاریخ سلجوقیان
را نوشته اند مستقیم یا غیر مستقیم مدیون این کتاب هستند .

سلجوقنامه در سال ۱۳۳۲ باذیل سلجوقنامه تالیف ابو حامد محمد بن ابراهیم در
یکجا باهتمام آقای اسمعیل افشاو و محمد رضانی در تهران چاپ شده است .

عتبی

ابوالحسن محمد بن عبدالجبار العتبی در نیمه دوم قرن چهارم هجری در
ری متولد گردید . اصلش عرب بود ولی پدرانش از دیر باز در ایران ساکن و با
ایرانیان در آمیخته بودند . عتبی تحصیلات خود را در خراسان پایان برد و در دستگاه
ابوعلی سیمجور بخدمت مشغول شد . پس از زوال شوکت سیمجور بدربار سبکتکین درآمد و
چندی بنیابت از طرف ابوالمعالی والی خراسان گردید و نیشابور را بپایتختی برگزید .
وفات عتبی در سال ۴۲۶ اتفاق افتاد .

کتاب عتبی بنام **تاریخ یمینی** درباره سلطنت درخشان محمود غزنوی و سقوط
سامانیان و زوال دیلمیان و صفاریان اطلاعات قابل ملاحظه ای بدست میدهد ولی باید
متوجه بود که این اثر بیشتر آراسته بپیرایه های ادبی است و اغراض خاصی را تعقیب
میکند که از ارزش کتاب میکاهد .

تاریخ یمینی اول بار باهتمام **Sprengr** در سال ۱۸۴۸ در دهلی چاپ شده است .

جزء اول این کتاب را ابوالشرف ناصح بن ظفر جرقا دقانی و جزء دوم را هم شهری دیگر
وی حبیب الدین محمد و جزء سوم را ثقة الاسلام علی بن موسی تبریزی شهید نامدار
راه مشروطیت ایران ترجمه نموده اند .

جزء اول و دوم ترجمه تاریخ یمینی در سال ۱۲۷۲ ق . باهتمام شاهزاده بهمن
میرزا بهاءالدوله در تهران چاپ شده و جزء سوم در تبریز در سال ۱۳۱۸ ق . طبع
گردیده است . (باهتمام امیر نظام گروسی) جزء سوم بت الشکوی نام دارد .

بر تاریخ یمینی شروح چندی نوشته اند که از آن جمله **فتح الوهبی فی شرح**
تاریخ العتبی از شیخ احمد متینی و **ساتین الفضلاء و ریاحین العقلاء** اثر حمید
الدین ابو عبدالله محمود بن عمر النجاتی النیشابوری را باید نام برد .

علوی

ابوالمعالی محمد بن عبیداله بن حسن العلوی در اوائل قرن پنجم در بلخ دنیا
آمده است . کسانش از بزرگان آن شهر بوده و از دیرباز در آنجا سمت نقیبی عربیان
را داشته اند . وی سفری بغزنین کرده و مدتی در آنجا بوده است . علوی نویسنده نخستین
کتاب فارسی درباره ادیان و مذاهب است . کتاب او **بیان الادیان** نام دارد که در سال
۴۸۵ تالیف گردیده است . علوی گویا ناصر خسرو را می شناسخته و درباره وی و اصحابش
بنام **ناصریه سخن** گفته است و ناصر خسرو را که از مخالفان مدعی وی شمرده می شود
« ملعونی عظیم بوده است » توصیف میکند .

بیان الادیان؛ نثری فصیح دارد ولی درباره فرق غیر اسلامی باجمال سخن گفته و
ارزش ادبی آن بر فواید تاریخی اش برتری دارد . مؤلف تبرقا العوام از این کتاب بی
بهره نمانده است .

بیان الأدیان اول بار در سال ۱۸۸۳ باهتمام Charle Schefer در پاریس در
مجلد اول «مجموعه منتخبات فارسی» چاپ شده . مرحوم عباس اقبال نیز در سال ۱۳۱۲
آنها در تهران تجدید طبع نموده است.

عوفی

نورالدین محمد بن نجیب بن طاهر بن عثمان عوفی بخاری در نیمه دوم
قرن ششم هجری در بخارا بدنیآ آمد . تحصیل خود را در محضر استادانی چون تاج الدین
عمر ، رکن الدین امامزاده ، شیخ مجد الدین بغدادی و شیخ نجم الدین کبری پایان
برد . در سال ۵۹۷ سفری بسمرقند نمود و چندی بر ریاست دیوان قلیج ارسلان که در آن هنگام
ولیعهد بود منصوب گشت . در سال ۶۰۰ بخراسان آمد و چندی در شهرهای مختلف به
سیروسفر پرداخت . آنگاه عازم هند شد و بخدمت ناصر الدین قباچه راه یافت و تا سال
۶۲۵ در نزد وی بود و کتاب لباب الالباب را در آنجا نوشت . سپس روانه دهلی شد
و در سال ۶۳۰ جوامع الحکایات را تالیف کرد و از آن پس از وی خبری در دست
نیست .

لباب الالباب بگفته مولفش او این کتابست در زبان فارسی در تاریخ شعرا و شرح
احوال ایشان و نمونه هائی از کارشان و در عین حال از نظر تاریخ عمومی نیز حاوی
اطلاعات ارزنده است . اغلب تذکره نویسان ایرانی که بعد از عوفی آمده انده أخذ اطلاعاتشان
لباب الالباب بوده است .

این کتاب در ۱۹۰۶ میلادی با حواشی و تعلیقات محمد قزوینی در لیدن چاپ
شده است .

قسمتهای پراکنده‌ئی از جوامع الحکایات در تهران و تمام آن نیز در سال ۱۹۲۹
در لیدن بطبع رسیده است .

قمی

حسن بن محمد بن حسن قمی شیبانی از نویسندگان قرن چهارم هجریست
که در نیمه اول این قرن در قم بدنیا آمده است . مردی دانشمند بوده و در دستگاه
صاحب بن عباد وزیر آل بویه راه داشته و برادرش نیز از کاتبان دیوان بوده است .
از زندگی وی اطلاعی بس ناچیز در دست است تنها می دانیم که کتاب خود را
بنام **تاریخ قم** در سال ۳۷۸ بانجام رسانیده .

این کتاب مشتمل بر بیست باب و پنجاه فصل و بزبان عربی بوده که از میان رفته
و تنها پنج باب از ترجمه آن در دست است . این ترجمه در سال ۶-۸۰۵ هجری توسط
حسن بن علی بن حسن بن عبدالملک قمی انجام گرفته و انصافاً ترجمه‌ئی روان و فصیح
است .

ترجمه تاریخ قم برای نخستین بار در سال ۱۳۱۳ خورشیدی بهمت آقای سید
جلال‌الدین طهرانی در طهران چاپ شده است .

کاتب اصفہانی

عبدالدین ابو عبد اللہ محمد کاتب اصفہانی یکی از شاگردان مدرسہ نظامیہ بغداد و از مورخان نامی عصر صلاح الدین ایوبی است کہ در سال ۵۱۹ در اصفہان زاده شدہ و در بغداد تحصیلات خود را بی پایان بردہ است . چندی ناظر امور بصرہ و از آن پس واسط بودہ ولی سرانجام کارش پیریشانی کشید و بزندان افتاد . در سال ۵۶۲ پس از نجات از زندان خود را بشام رسانید و بدربار حکمران دانش دوست ملک عادل نورالدین راہ یافت و دیری نگذشت کہ منشی و محرم وی گردید .

دربار گاہ نورالدین بود کہ وی با صلاح الدین ایوبی آشنا شد و میان آن دو دوستی پدید آمد . پس از مرگ ملک نورالدین ویرا از دربار باندند و او اعازم بغداد شد ولی در نیمدراہ هنگامیکہ بیمار افتادہ بود خبر استیلا ی صلاح الدین را بر شام شنید . با خوشوقتی بسیار فسخ عزیمت کرد و روی بشام نهاد . صلاح الدین اورا با حسن قبول پذیرفت و منشی مخصوص خویش گردانید و در سفر و حضر ہمراہش ساخت .

پس از مرگ صلاح الدین وی کنج عزالت گزید و بنوشتن آثار گرانمایہ خود پرداخت تا بسال ۵۹۷ چشم از جہان بر بست .

از آثار پرارجوی **الفتح القسی فی الفتح القدسی** را باید نام برد کہ یکی از مهمترین تواریخ جنگہای صلیبی بشمار میرود و از این نظر کہ مولف خود در میان حوادث بسر می بردہ بسیار قابل توجہ می باشد و برای وقوف بر احوال صلاح الدین ایوبی، سلجوقیان روم و امراء موصل و بہمدان ارزش بسیار دارد .

کتاب الفتح القسی فی الفتح القدسی در سال ۱۸۸۸ با اهتمام Lindberg در لیدن چاپ شده است . اثر تاریخی دیگر کاتب اصفهانی **فصرة الفتر دو عصره الفطره** نام دارد این کتاب را که ترجمه آزادی از کتاب انوشیروان خالد میباشد ابو الفتح بنداری تالخیص و زبده النصره نام نهاده است .

اثر دیگر وی **البرق الشامی** است که حوادث تاریخی زمان نورالدین وصلاح الدین ایوبی را شامل بوده است این کتاب از میان رفته ولی مورخان قسمتهائی از آنرا در آثار خود نقل کرده اند .

کاتب اصفهانی کتابی در احوال شعرا و ادبای ایران ، عراق ، شام و مغرب در قرن ششم هجری نوشته است بنام **خریده القصر و جریده العصر** که ذیل **یتیمه الدهر** ثعلبی محسوب می شود .

شیوه انشاء کاتب اصفهانی نیز متاسفانه همچون اغلب منشیان سرشار از اطناب و زوموم و بازی اللفظ است .

گردیزی

ابوسعید عبدالحی بن ضحاک بن محمود گردیزی از مردم گورکانی و گورکانی منزلی مشرق غزنه است . وی در اوائل قرن پنجم میلادی در آنجا که در آن زمان پرشکوه دولت غزنوی و از مراکز علم بود و او برای نوشتن تاریخ خود هم بکتاب مختلف وهم بمردمی که از سراسر ممالک اسلامی وارد بار دور دست بیار که سلطان رومینند دهند دسترسی داشت .

گردیزی تاریخ صفاریان ، سامانیان ، غزنویان و آل بویه را در طول سالهای ۴۴ - ۴۴۱ در کتاب خود بنام **زین الاخبار** کرد آورد . این کتاب هر چند از شائبه غرض ورزی عاری نیست و در تحت تاثیر محیط و منافع شخصی نویسنده در آن از غزنویان جانبداری شده و از صفاریان علی الخصوص گاه بتحقیق سخن رفته است با اینهمه در خور کمال توجه و از اسناد معتبر تاریخ عصر غزنوی بشمار میرود . کتاب نثری موجز و از نقطه نظر ادبیات فارسی نیز ارزشی شایسته دارد .

یک قسمت پراکنده از زین الاخبار نخستین بار توسط **Barthold** و متن غلو طی از آن با مقدمه انگلیسی در ۱۳۰۷ با اهتمام محمد ناظم در برلن و چاپ دیگر بتصحیح محمد قزوینی در ۱۳۱۵ در تهران انجام گرفته است .

ما فروخی

مفضل بن سعد بن حسین ما فروخی اصفهانی از نویسندگان قرن پنجم است که در اوائل این قرن در اصفهان بدنیا آمده و کتابی بنام **محاسن اصفهان** در باره مشاهیر ، آب و هوا ، محصولات و دیگر خصوصیات این شهر نوشته که باید آنرا نوعی جغرافیای تاریخی اصفهان دانست . تالیف این کتاب در حوالی سال ۴۴۵ بوده و به **شرف الملک محمد فرزند خواجه نظام الملک** تقدیم شده است .

ترجمه آزادی از این کتاب در سال ۷۲۹ بدست حسین بن محمد بن ابی الرضا آوی انجام گرفته است .

محاسن اصفهان در سال ۱۳۱۲ شمسی با اهتمام آقای **سید جلال الدین طهرانی** و ترجمه محاسن نیز در سال ۱۳۲۸ با اهتمام آقای **عباس اقبال** در طهران بچاپ رسیده است .

مبارکشاه مروزی

فخرالدین مبارک بن حسن مروزی در اواسط قرن ششم هجری در مرو بدینا آمد و در همان شهر بتحصیل علم پرداخت . در این هنگام غوریان بقدرت رسیده و بتدریج بر قسمت بزرگی از افغانستان ، هندوستان ، ترکستان و خراسان مستولی شدند . وی بهرات رفت و دربار غوریان راه یافت و بمقام وزارت شاهان غوری نائل شد . وی وزیر چهارتن از امرای غوری علاءالدین ، سیف الدین ، غیاث الدین و شهاب الدین بود . وفات فخرالدین مبارک در سال ۶۰۲ اتفق افتاد و دولت غوریان نیز پس از وی دیری نپائید .

وی کتابی در تاریخ هندوستان نوشته که بتاریخ فخرالدین مبارک معروفست و در سال ۱۹۲۷ باهتمام E . Robinson در لیدن بچاپ رسیده است . گذشته از این کتاب منظومه دئی نیز در احوال سلاطین غور سروده که متضمن نکات تاریخی است .

محمد بن ابراهیم

ابوظاهر محمد بن ابراهیم در اواسط قرن ششم هجری در حبیبص از آبادیهای نزدیک کرمان بدنیا آمد. از احوال وی در تواریخ ذکر نشده مگر آنچه خود نوشته است و آنهم اشارتی بیش نیست.

از محمد بن ابراهیم دو اثر معروفست یکی **سلجوقنامه** و دیگری **ذیل سلجوقنامه** ظهیرالدین نیشابوری.

سلجوقنامه که قسمتی از آن در سال ۱۸۸۶ توسط Houtsma در لیدن چاپ شده از روی نسخه منحصر بفردی انجام گرفته که در کتابخانه سلطنتی برلین بوده و پس از جنگ جهانی دوم ناپدید شده است. قسمتی از اوایل و آخر این کتاب پاره و پاك شده بوده و از اینرو چاپ آن امکان نداشته و آنچه هم چاپ شده خالی از اغلاط نیست.

دیگر ذیل سلجوقنامه نیشابوری است که در سال ۱۳۳۲ شمسی در تهران با اهتمام آقای محمد رضانی چاپ شده و فاقد مشخصات نسخه خطی است و بطوریکه آقای رضانی اظهار داشتند با سلجوقنامه ظهیرالدین نیشابوری و زبدةالنوارین حافظ ابرو در یکجا کتابت و صحافی شده و اصل آن در اختیار آقای حمیدی افشار بوده است. در این کتاب گوید:

.. حکایت این فصل ابو حامد محمد بن ابراهیم
تالیف کرده بعد از تصنیف اصل و آن مشتملست بر تمه
و خاتمه تاریخ سلطنت طغرل و این ذیل در ربیع الاول تسع
و تعیین و خمسائه (۵۹۹) نوشته شد ما بعد که هشت سال و
دوماه از واقعه سلطان طغرل برآمد ..

در سلجوقنامه نیز مؤلف صحبت از سفری میکند که در سال ۶۲۵ بمشهد امام رضا و سپس بسپستان نموده و تمجید از سلطان جلال‌الدین کرده است. در تاریخ افضل چاپ آقای دکتر بیانی این ۶۲۵ اشتبهاً ۱۰۲۵ چاپ شده و آقای باستانی پاریزی که شرح احوال محمد بن ابراهیم را در مقدمه کتاب وی که اخیراً بدستیاری ایشان در تهران تجدید طبع شده نوشته‌اند؛ همین اشتباه را مأخذ قرار داده و بدون توجه بمتن و سبک انشاء کتاب؛ او را همزمان گنجعلی خان دانسته‌اند.

آنچه مؤلف را در ثبوت این اشتباه مطمئن میکند اینست که اولاً در قدیم بعید بنظر میرسد که مؤلفی بالخاصه تاریخ سلسله معینی را که زمانی در حدود چهار قرن از انقراض آن گذشته است بنویسد. ثانیاً احتمال این اشتباه از آنجا برای هوتسما پیش آمده که مانند غالب نسخ گوشه فوقانی ۶۲۵ پاک شده و بصورت ۱۲۵ در آمده است و چون حذف صفر اتفاق غالب بوده است وی ۱۰۲۵ پنداشته. و البته چون اصل و تمام نسخه خطی در دست نیست هیچ امری را بطور مسلم نمیتوان اظهار کرد.

کتاب محمد بن ابراهیم از سلجوقنامه‌های معدود بجای مانده است و برای شناسائی تاریخ این عصر میتواند مورد استفاده باشد. مؤلف در اثر خود از کتابهای افضل‌الدین کرمانی و ظهیرالدین نیشابوری و انوشیروان خالد استفاده کرده است.

محمد بن موسی

ابو جعفر محمد بن موسی بن شاکر خوارزمی در اواسط قرن دوم هجری متولد شد. او از نخستین دانشمندان جهان اسلام است که در رشته‌های تاریخ، جغرافیا، ریاضیات و نجوم دارای اطلاعاتی درخشان بوده است. وی نویسنده نخستین کتاب در جبر و مقابله و مترجم جغرافی بطلمیوس است که آن را **صورت الارض** نام نهاده. دیگر از آثار خوارزمی **استخراج تاریخ الیهود** است. از کارهای برجسته خوارزمی بکار بردن اعداد هندی بوده است که بوسیله آثار او باروپا راه یافته و با اعداد عربی و شیوه اعشاری به الگاریتیم (الخوارزمی) معروف گردید.

استخراج تاریخ الیهود در سال ۱۳۳۶ ق. در تلو «مسائل المتفرقه فی الهیسه المتقدمین» و **الجبر و المقابله** در ۱۹۳۹ م. در مصر و صورت الارض در سال ۱۹۲۶ در **Viene** بچاپ رسیده است. با تصحیح **Hans V. Mzik**

آثار خوارزمی از قرن‌ها پیش بزبانهای اروپائی ترجمه و بارها چاپ شده مورد تحقیق و تتبع علماء فن قرار گرفته و قرن‌ها در دانشگاه‌های اروپا تدریس شده است. وفات خوارزمی را در سال ۲۲۴ هجری نوشته‌اند. او یکی از علماء برجسته مقیم دربار مأمون بوده.

محمد بن یحیی

ابوبکر محمد بن یحیی بن عبداللہ الصولی الجرجانی اصلش از مردم گرگان و پدرانہ از دیرباز در آندیار بامارت منسوب بودند . صولی مدتی طولانی مقیم دربار مکتفی و مقتدر عباسی و از ندمای ایشان و چندی معلم راضی و سپس مشاور او بود . زمان زندگی وی مصادف با بحرانی ترین ایام دولت عباسی و دوران شورشہای خونین در اکناف جهان اسلام بود و این عصیان و انقلاب در ہمہ شئون سیاسی و مذہبی چنان وسعتی داشت کہ حتی دارالخلافہ نیز از آن در امان نبود .

ستارہ اقبال صولی کہ مدتی طولانی درخشیدہ بود پس از مرگ راضی رو با فلول نہاد ویرا بداشتن کیش شیعی متہم کردند و حکم بقتلش دادند . صولی ببصرہ گریخت و در آنجا بسال ۳۳۰ (یا ۳۳۵) بمرد و جسدش را پنهانی بخاک سپردند .

کتاب گرانہا و مستند صولی الاوراق نام دارد کہ هنوز بطور کامل چاپ نشدہ ولی نسخہ خطی آن موجود است و خصوصاً اخبار القرامطہ از آثار بی نظیر تاریخ اسلام بشمار میرود .

از کتاب الاوراق مجلدات اخبار الشعراء در ۱۹۲۴ م . و اخبار الراضی باللہ و المتقی باللہ در ۱۳۵۴ ق . و بعضی مجلدات مربوط بشعرا نیز در همانجا بچاپ رسیدہ است .

✓ محمد رافعی

ابوالقاسم عبدالکریم بن محمد رافعی قزوینی در نیمه دوم قرن ششم در قزوین زاده شد. از فقهای بزرگ و بتقوی و دانش معروف و بر مسند قضا مقیم بوده است. از کتب اوست فتح العزیز فی شرح الوجیر در فقه شافعی و نیز کتابی بنام التدوین فی اخبار قزوین که در تاریخ و جغرافیای زادگاه خود نوشته است. این کتاب چاپ نشده ولی خلاصه‌ئی از مطالب آنرا جلال‌الدین محدث محقق معاصر استخراج و بنام فهرست اسماء الرجال مذکوره احوالهم فی کتاب التدوین در سری انتشارات دانشگاه طهران در سال ۱۳۳۴ در طهران انتشار داده‌اند. وفات رافعی قزوینی در سال ۶۲۳ اتفاق افتاده است.

محمد روزراوی

ابوشجاع ظهیرالدین محمد بن‌الحسین بن محمد بن عبدالله بن ابراهیم الروذراوی وزیر در سال ۴۳۷ در اهواز دیده بجهان گشود. مردی منعم و توانگر و از تحصیلات عالی برخوردار و بدیانت و پرهیزگاری و احسان معروف بوده است چندانکه نوشته‌اند قبل از وزارت هشتصد هزار دینار داشته و در زمان وزارت آنهمه را صرف خیرات و صدقات کرده است. المعتمد بالله خلیفه عباسی ویرا بوزارت خویش برگزید ولی در سال ۴۷۴ بسعایت بدخواهان از کار برکنار شد و او که این را از خدا میخواست راه مدینه درپیش گرفت و مجاور شد تا چهار سال پس از

آن در گذشت .

ابوشجاع تاریخ ابن مسکویه را تکمیل کرده و ذیل حوادث را تا زمان خود نوشته است. ذیل تجارب الامم نخستین بار در سال ۱۳۳۴ ق. در مصر و پس از آن با ترجمه انگلیسی Margelyouth در سال ۱۹۲۱ م. در Oxford چاپ شده است .

مدائنی

ابوالحسن علی المدائنی در سال ۱۳۶ هجری در مدائن پایتخت زوال یافته ساسانیان زاده شد . او یکی از نخستین مورخین اسلامی است که اغلب حوادث تاریخ اسلام را بدون واسطه از معمر بن شنیده و برای مورخین آینده گنجینه گرانبھائی از اطلاعات تاریخی فراهم آورده است . آثار او بنام **کتاب المغازی و تاریخ الخلفاء** از مآخذ اصلی قوانین اسلامی است که با کمال تأسف از میان رفته اند ولی قسمت اعظم مطالب آنها در فتوح البلدان و تاریخ طبری نقل شده و امروز بدست ما رسیده است . وفات مدائنی در سال ۲۱۶ هجری اتفاق افتاده است . ابن الندیم از کتابی نام میبرد که مدائنی در باره زنان نامدار تاریخ نوشته است ولی این کتاب نیز از میان رفته است .

تصور میکنیم اگر محققان اهتمام ورزد میتواند فصول اصلی آثار مدائنی را از آثار اخلاف وی استخراج و گردآوری نماید و این خود خدمتی شایسته خواهد بود .

✓ منہاج سراج

قاضی ابو عمر منہاج الدین بن سراج الدین جوزجانی معروف بہ منہاج سراج در سال ۵۸۹ (در ہرات) بدنیآ آمد . پدرش در خدمت ملک معز الدین محمد و بہاء الدین سام غوری بمنصب قضاء منصوب ہووہ است . منہاج الدین نیز پس از اتمام تحصیل و وصول بسن بلوغ بخدمت سلاطین غوری در آمد و در سال ۶۲۳ بسفارت عازم دربار ملک نیمروز شد .

سفر وی مصادف با تاخت و تاز مغولان بود و او بارہا آوارہ کوه و بیابان شد تا سرانجام وادی ایمن را در مولتان یافت و در تحت حمایت ناصر الدین قباچہ امیر دانش دوست در آمد و از جانب وی بشغل تدریس و قضاء لشکر منصوب شد . شگفت آنکہ اینمرد پس از زوال دولت ناصر الدین (در سال ۶۲۵) بطرف غالب پیوست و بخدمت رقیب حامی سابقش یعنی شمس الدین التمش در آمد و با وی بدہلی رفت و در دستگاہ شمس الدین و پسرش ناصر الدین محمود شاہ بسر برد .

اثر نفیس منہاج الدین طبقات ناصری نام دارد کہ از نمونہهای دلنشین نثر فارسی است . اینکتاب شامل تاریخ عمومی عالم است و بد ۲۳ قسمت تقسیم شدہ کہ ہر قسمت از آن شامل ذکر طبقہ خاصی مانند انبیاء ، سلاطین ، خلفا و غیرہ است .

« کتاب طبقات ناصری ہم از حیث سلاست و استحکام انشاء و ہم از جهت اشتمال بروقایع مهم یکی از شاہکارہای مهم زبان فارسی است و علاوہ بر اہمیت آن از لحاظ تاریخ غوریہ و ملوک ہند در باب تاریخ دورہ استیلای تاتار یکی از معتبرترین منابع است ... »

طبقات ناصری که در سال های ۸-۶۵۷ تألیف گردیده بملك ناصر الدین محمود شاه تقدیم شده است . وفات منهاج الدین را در سال ۶۹۸ نوشته اند .
 قسمتی از طبقات ناصری اول بار در سال ۱۸۶۳ توسط کاپیتان ویلیام ناسولیس W.Nasolis در کلکته منتشر گردید و سرهنگ راورتی Col . Raverty در سال ۱۸۸۱ م . آنرا با انگلیسی ترجمه و منتشر کرده است .
 متن کامل آن نیز با تصحیح و تحشیه عبدالجی حبیبی دانشمند افغانی در دو مجلد تنظیم و مجلد اول شامل ۲۱ طبقه در سال ۱۹۴۹ در کابل و مجلد دوم در سال ۱۹۵۳ در لاهور با چاپ سنگی منتشر شده است منتخبی از طبقات ناصری نیز از طرف وزارت فرهنگ در تهران منتشر شده است .

ناصر خسرو

ابومعین ناصر بن خسرو بن حارث قبادیانی در سال ۳۹۴ در بلخ متولد شد . پس از تحصیل مقدمات علوم چندی مشاغل دیوانی داشت ولی زود از اینکار بیزار شد و در پی کسب کمالات بسفر پرداخت و سالهای ۴۳۷ تا ۴۴۴ یعنی مدت هفت سال را در سفر گذراند . در مصر بمذهب اسمعیلیان گروید و یکی از داعیان این فرقه گشت و در ۵۰ سالگی بلخ آمد و بتبلیغ آئین خود پرداخت . مردم بر او شوریدند و حکم گزاران بتعقیبش برخاستند و او در شهرهای خراسان و مازندران و گرگان آواره شد و سرانجام بقصبه ئی در حوالی بدخشان رفت و شیوه انزوا پیش گرفت تا در سال ۴۸۱ مرد . وی بمعاد جسمانی عقیده نداشت و هوادارانش بنام ناصریه تا قرنهای پس از وی در ماوراءالنهر معروف بوده اند .

ناصر خسرو اشعاری بلند در موعظه و نصیحت و حکمت دارد و دیوان او مشتمل

است برقصائد و روشنائی نامه و سعادتنامه . از کتب وی زادالمسافرین است در فلسفه الهی و دلیل المتحیرین و خوان الاخوان و وجه دین (که حاوی احکام دینی فرقه اسمعیلیه است) .

حاصل مسافرت هفت ساله ناصر خسرو کتاب سفرنامه اوست که در آن شهرها و بناهای تاریخی و مذهبی ایران و عراق و عربستان و مصر و بیت المقدس و آسیای صغیر و شام با ایجازی شایسته و شیرینی و سادگی بسیار توصیف شده است علی الخصوص دقت وی در توصیف خصوصیات فنی ابنیه و شرح احوال مردم ممالک مختلف درخور اعتبار است .

سفرنامه ناصر خسرو در سال ۱۸۸۱ با ترجمه فرانسه آن در پاریس چاپ شده و از آن پس در برلین و تهران و بمبئی چند بار بطبع رسیده است . ترجمه عربی سفرنامه نیز بتوسط یحیی الخشاب در سال ۱۳۶۴ ق. در مصر طبع گردیده است . ناصر خسرو در سفرنامه خود وعده کرده است که سفرنامه مشرق را نیز خواهد نوشت ولی کسی از آن نشان نداده است .

کتاب سفرنامه ناصر خسرو توسط Schefer بفرانسه و توسط Berthels بروسی ترجمه و اولی در سال ۱۸۸۱ در پاریس و دومی در ۱۹۳۲ در لنین گراد طبع گردیده است . قسمتهای پراکندهئی از این کتاب بزبانهای آلمانی و انگلیسی نیز ترجمه و چاپ شده .

✓ نرشخی

ابوبکر محمد بن جعفر نرشخی از نویسندگان قرن چهارم هجریست که در بخارا متولد گردیده . از سوانح حیات وی اطلاعی در دست نیست . وی کتابی در احوال زادگاه خویش و تاریخ آن در روزگاران قدیم نوشته است. این کتاب را که در سال ۳۳۲ تألیف شده صدونود سال بعد از آن ابو نصر احمد بن محمد القبادی بفارسی ترجمه کرده است. در سال ۵۷۴ محمد بن زفر این کتاب را تلخیص و شرح فتوحات مسلمین را از روی کتاب مدائنی بر آن افزوده و شرحی از احوال مشایخ و بزرگان بخارا نیز گردآوری کرده است .

این کتاب با اهتمام Schefer در سال ۱۸۹۲م. در پاریس با ترجمه فرانسوی آن بچاپ رسیده است .

نسفی

ابو حفص نجم الدین عمر بن محمد بن احمد بن اسمعیل بن علی بن لقمان نسفی در سال ۴۶۱ در نسف از توابع سمرقند متولد شد . از جمله علماء عصر بوده و در اغلب علوم عصر دست داشته و مقبول عام بوده است . کتابهای او را بالغ بر صد مجلد نوشته اند از آن جمله نخستین منظومه فقهی از آثار اوست . بحجاز سفر کرده و با زمخشری ملاقات نموده . مرگ وی در سال ۵۳۷ اتفاق افتاده است .

نسفی کتابی در تاریخ سمرقند نوشته بنام القند فی تاریخ سمرقند که

شاگرد وی بنام محمد بن عبدالجلیل سمرقندی بر آن ذیلی نگاشته است .
قسمتهای پراکنده‌ئی از اینکتاب را Barthold از روی نسخه موزه آسیائی
فرهنگستان علوم شوروی لنین گراد درمجلداول تواریخ ترکستان چاپ کرده‌است .

نسوی

نورالدین (یا شهاب‌الدین) محمد بن احمد زیدری نسوی منشی
در زیدر از توابع نساء خراسان بدنیا آمد . پدرانش از محتشمان آندیار بوده‌اند
و قلعه‌ئی داشتند خرنندز نام ؛ از اینروی وی را خرنندزی نیز نامند . نسوی تحصیلات
خود را در نیشابور انجام داد . جوانی وی مصادف با حمله مغول و استیصال محمد
خوارزمشاه بود . نسوی بخدمت سلطان جلال‌الدین درآمد و ریاست دیوان انشاء
سلطان بدو محول شد . از آنپس تا چند روز پیش از مرگ سلطان ، نسوی غالباً
همراه وی بود .

در سال ۶۲۸ پس از اولین شکست جلال‌الدین ، نسوی روی بگریز نهاد و
چندی آواره میگشت ، در حالیکه اموالش بغارت رفته و از مال دنیا باخود هیچ
نداشت . پس از دو ماه بمیافارقین میرسد و از مرگ سلطان جلال‌الدین یقین حاصل
میکند . بادللی شکسته و خاطری پزیشان به ملک مظفر پناه میبرد و سالی چند در
کنف حمایتوی بسر میکند . در آنجا در سال ۶۳۲ کتاب **تغته‌المصدور** را در شرح
حوادث ماههای آخر زندگی سلطان جلال‌الدین بزبان فارسی مینویسد و برای پسر
عمش سعدالدین جعفر بن محمد میفرستد .

پس از چندی بوزارت حسام‌الدین بر که منصوب میشود و در سال ۶۳۹ کتاب
سیره جلالی‌الدین منکبرنی معروف به **سیره جلالی** را بزبان عربی مینویسد .
این کتاب که انشائی دلکش دارد و سرشار از ریزه‌کاریهای ادبی است مستندترین

کتاب در باره دوران سلطنت سلطان جلال الدین خوارزمشاه و یکی از تواریخ معتبر دوره مغول بشمار میرود. مطالعه این کتاب نشان میدهد که فساد و تباهی و دسته بندی تا چه پایه در جهان اسلام ریشه دوانیده و آنرا مستعد ویرانی ساخته و سلطان جلال الدین در عین شجاعت و پی باکی حیرت انگیز تا چه پایه کوتاه بین و فاقد مسلک سیاسی و معشی اخلاقی بوده و چگونه خود ندانسته بویرانی و نابودی ایران کمک کرده است. همچنین این کتاب جاه طلبی و بیمایگی آخرین جانشینان حسن صباح را مجسم میکند و معلوم میدارد که چگونه این سازمان عظیم سیاسی و معنوی بیک حمله روی بویرانی نهاده است و حال آنکه در آن زمان اسمعیلیان بر قلاع چندی ریاست داشته و وزیران و امیران از ترس آنان خواب آسوده بچشم نمیدیدند و داعیان و مریدان اسمعیلی در اقصی بلاد اسلام پراکنده بودند.

از خصال برجسته نسوی اینک که در عین وفاداری بسططان حقایق حوادث را مکتوم نگذاشته و فی المثل در باره واپسین دیدار سلطان چنین مینویسد :

«... و کنت قد سهرت تلك الليلة للكتابة فغلبت النوم
 فی آخریتها ، فلم اشعر الا بالغلام ینبهنی و یقول :
 « قم ، فقد قامت القيامة . » فلبست سرباً و خرجت
 هرباً و ترکت فی المنزله ، ماملکه جمیعاً ... ولما
 استویت علی الفرس ؛ رأیت اطلاب التاتار قد احاطت
 بخرگاه السلطان وهو نایم السكران ... »

وفات نسوی را در سال ۶۴۸ نوشته اند .

سیره جلالی در سال ۱۸۹۱ توسط Houtsma در پاریس بچاپ رسیده است.
 ترجمه فارسی آن نیز با سلاستی سحرانگیز و با قلمی شیرین توسط محمد علی ناصح
 انجام گرفته و در سال ۱۳۲۴ شمسی در طهران چاپ شده است . ترجمه دیگری از
 سیره جلالی موجود است که مترجم آن معلوم نیست ولی آقای مینوی ناشر آن

(ترجمہ سیرہ جلالی . طهران . ترجمہ و نشر کتاب - ۱۳۴۴) عقیدہ دارندمتعلق
بقرون ہفتم است . این ترجمہ ہر چند شیوائی ترجمہ ناصح را ندارد ولی بتصحیح
متن اصلی کتاب کمک بسیار میکند .

نقشہ المصدور نیز در سال ۱۳۴۱ ق. و اخیراً نیز باہتمام آقای دکتریزدگردی
در طهران چاپ شدہ است .

نیشابوری ✓

صدرالدین ابوالحسن علی بن ناصر بن علی الحسینی - در ۵۸۵ در نیشابور
متولد شد . وی از سادات بود و بتدریس اشتغال داشت . در سال ۶۲۲ کتابی در
تاریخ سلجوقیان عربی نوشت بنام زبدۃ التواریخ . صدرالدین احتمالاً در همان
سال در گذشتہ است .

زبدۃ التواریخ در سال ۱۹۴۴ باہتمام دکتر محمد اقبال لاهوری در لاهور
بنام اخبارالدولۃ السلجوقیہ چاپ شدہ لیکن مصحح در یکی بودن این ہر دو ✓
کتاب شک کردہ است . آنچه مسلم است چہ آن باشد و چہ نباشد این کتاب در
تاریخ سلجوقیان نوشتہ شدہ و غیر از تاریخہائست کہ ذکر آن رفتہ (از قبیل
راحة الصدور و بدایع الازمان و زبدۃ النصرہ و سلجوقنامہ ظہیرالدین نیشابوری) و
صدرالدین ابوالحسن نامی بودہ کہ تاریخ سلجوقیان نوشتہ وامکان رد یا اثبات این
امر منوط بپیداشدن اسناد دیگری از تاریخ سلجوقیہ است .

همدانی

ابوالحسن محمد بن عبدالملک بن ابراهیم همدانی در سال ۴۶۳ (در همدان) متولد شد . وی در بغداد میزیسته و از احوالش اطلاعی چندان در دست نیست . وفات همدانی در شوال ۵۲۱ اتفاق افتاد .
همدانی ذیلی بر تاریخ طبری نوشته است که مجلد اول آن بنام تکمله تاریخ الطبری در سال ۱۹۵۸ در بیروت منتشر شده است .

یعقوبی

احمد بن ابی یعقوب اسحق بن جعفر بن وهب بن واضح الکاتب الاسبهانی الاخباری معروف به یعقوبی پدرانش اصلا از مردم اصفهان بودند . جدش بخدمت خلفای عباسی در آمد و بحکومت ارمنستان منصوب شد . جوانی یعقوبی (سالهای ۲۵۰ - ۲۵۹) در ارمنستان و نیز در خدمت امرای طاهری سپری شد .
یعقوبی شوقی وافر بسیر و سیاحت داشته و هند و ایران و ارمنستان و مصر را سیاحت کرده و سر انجام در مصر رخت اقامت افکنده و سالهای پیری را در آنجا بسر برده و بتألیف کتب خویش پرداخته است . وفات یعقوبی را باید پس از سال ۲۹۲ دانست .

یعقوبی را بخاطر اقامتش در مصر مصری و مغربی و بخاطر انتساب پدرانش بدستگاه عباسیان عباسی و نیز با انتساب بجدش ابن واضح نیز خوانده اند . آنچه

از کتب بدست میآید او ملیت ایرانی و کیش شیعی داشته است .
پاره‌ئی از آثار یعقوبی مانند تاریخ طاهر بن حسین، جغرافیای امپراطوری
بیزانس، فتوح المغرب و اخبار الامم السالفه در دست نیست. ولی دو کتاب ارجمند او که
بجای مانده یکی **البلدان** یا **مختصر اخبار البلدان** نام دارد که در سالهای ۹-۲۸۷
تألیف شده و شامل شرح احوال ارمنستان و ایران و هند و چین و عراق و مصر است
قسمتی از این کتاب در سال ۱۸۶۱ باهتمام degoeje و تمام آن یکسال بعد باهتمام
A.V. jeynboll در Leyden چاپ شده است.

کتاب دیگر یعقوبی که بنام **تاریخ یعقوبی** معروفست در دو قسمت تألیف شده
و جلد اول آن شامل تاریخ ایران، هند، یونان، روم، چین، مصر، یهود و اعراب
است و جلد دوم بتاریخ عصر اسلام تعلق دارد .

یعقوبی در باره تاریخ ساسانیان بتفصیل سخن گفته و در باره مذاهب مانی و
مزدك، اسامی ماهها و روزها، استانهای مختلف و شهرهای هر استان و صاحبان مشاغل
دولتی و رسمی اطلاعات گرانبھائی بدست میدهد. این کتاب را Houtsma در
سال ۱۸۸۳ در دو مجلد در Leyden با مقدمه و فهرستهای لازم منتشر کرده است
و پس از آن نیز چند بار در عراق و مصر و لبنان تجدید چاپ شده .

تاریخ یعقوبی و نیز البلدان را دکتر محمد ابراهیم آیتی با مهارتی قابل تحسین
بفارسی ترجمه کرده و در سالهای ۴۳-۱۳۴۲ شمسی بسرمایه بنگاه ترجمه و نشر
کتاب بچاپ رسیده است .

قسمتهای مختلف تاریخ یعقوبی علی الخصوص تاریخ ساسانیان آن بارها توسط
خاورشناسان بزبانهای اروپائی ترجمه و مورد استفاده قرار گرفته است .

ابن بی بی

امیر ناصرالدین حسین بن مجدالدین محمد بن علی الجعفری معروف با بن بی بی اصلش از گرگان است . مادرش بی بی منجمه از خاندانی معروف از نیشابور بوده و بستاره شناسی اشتهار تمام داشت و پدرش مجدالدین محمد ترجمان منشی و مترجمی توانا بود که هر دو در ابتدا در خدمت سلطان جلال الدین خوارزمشاه بسمیردند و پس از انقراض دولت وی علاء الدین کیقباد از شاهان سلجوقی روم که داستان مهارت بی بی منجمه را شنیده بود ویرا باشوهرش از دمشق بقونیه آورد و هر دو را در خدمت نگاهداشت . مجدالدین محمد ریاست دیوان انشاء سلطانرا بدست آورد و منشی حضور گردید و چند بار بسفارت از طرف سلطان بدر بارهای دیگر رفت تا سال ۶۷۰ در گذشت پس از وی پسرش که به ابن بی بی شهرت یافته بود جانشین او شد و در سال ۶۸۱-۸۴ تاریخ سلجوقیان روم را بفارسی نوشت این کتاب که نویسنده همه معلومات ادبی خود را برای آراستن جملات آن بکار گرفته است نثری سخت ناخوش دارد و نامش نیز زمین آنست . ابن بی بی در این کتاب عظاملك جوینی را که مانند اوشیعی مذهب بود ستوده و بسیار کوشیده تا در نوشتن تاریخش شیوه او را بکار بندد .

این کتاب که **الاورالعلائیه فی الامورالعلائیه** نام دارد بدست ناشناسی تلخیص و تنقیح شده است و Houtsma این ملخصه را در سال ۱۹۰۲ در جزء سلجوقنامهها در Leyden بچاپ رسانیده است . اصل کتاب نیز در سال ۱۹۵۶ از روی يك نسخه عکسی باهتمام عدنان صادق ارزی (عرضی؟) A.S. Firzi در استانبول بچاپ رسیده که فاقد فهرست اعلام است و از اینرو بار دیگر بچاپ جدیدی از آن اقدام کرده اند .

تاریخ در ایران

قسمت دوم

مورخان و جغرافی دانان ایرانی

از قرن هشتم تا چهاردهم

آقاخان کرمانی

میرزا عبدالحسین بن عبدالرحیم بردسیری معروف به میرزا آقاخان کرمانی - در سال ۱۲۷۰ ق. در کرمان متولد شد. پدرش ملاک و متعین بود و میرزا آقاخان امکان یافت تا از تحصیلات کافی بهره مند شود. وی با پسر معلمش ملا- جعفر کرمانی که به شیخ احمد روحی معروف است دوستی استواری بهم رسانید و در حدود سال ۱۳۰۰ ق. باتفاق بطهران آمدند و از اینجا عازم استانبول شدند. در آنجا با نهضت های فکری گوناگون از جمله با عقائد ازلی و افکار سید جمال الدین اسدآبادی آشنا شدند و در سلك پیروان وی درآمدند.

پس از کشته شدن ناصرالدینشاه دولت عثمانی بدرخواست دولت ایران آنرا باتفاق میرزا حسن خبیرالملک روانه ایران نمود و آنجا هر سه در تبریز در سال ۱۳۱۴ ق. بدستور محمد علی میرزای ولیعهد کشته شدند.

از میرزا آقاخان کرمانی کتابی باقیست بنام آئینه سکندری در تاریخ ایران که آنرا با استفاده از متون اروپائی نوشته است و باهتمام میرزا جهانگیرخان شیرازی در سال ۱۳۲۶ بچاپ رسیده. عجب آنکه در این کتاب هیچ ذکری از سرگذشت مؤلف نشده و فقط نام وی مذکور است.

نگارنده تصور میکند باید این کتاب را طلیعه تاریخ نویسی جدید ایران دانست و در باره تواریخ شرقی چنین مینویسد:

«... همه کس بخوبی میدانند که تا کنون يك تاريخ صحيح اصلی که احوال قومی را بدرستی بیان کند و آداب و اخلاق و اوضاع گذشتگان را در نظر انسان مجسم سازد و اسباب ترقی و تنزل اقوام را در اعصار مختلفه بیان

نماید در مشرق خاصه در ایران دیده و نوشته نشده بلکه تمام کتب ایشان پر است از اغراقات بیفایده و مبالغات بیمزه و تملقات بیجا و اظهار فضیلت‌های بی‌معنی که ابداً نتیجه تاریخی بر آنها مترتب نیست و اگر هم بالفرض کسی خواسته وقایع را بطور ساده بنگارد بکلی از محاکمات و دلایل خالی است و نام آنرا تاریخ احوال عمومی بکملت نمیتوان گذاشت۔ چرا که تنها بترجمه احوال خصوصی سلاطین و امور شخصیه ایشان اکتفا جسته‌اند۔ آنهم از فرط مداهنه و ریشخند و فرط چاپلوسی و تملق وقتی که پنجاه ورق از تواریخ آنان را کسی میخواند نمیفهمد در احوال کدام پادشاه نوشته شده است؛ زیرا که جز جناب جهان‌بانی و حضرت کشورستانی و خاقان صاحبقران و سلطان عظیم‌الشأن و شاهنشاه جمجاه ملایک سپاه و ملک الملوک عجم و شهریار جهانگیر و اعلیحضرت اقدس شهریار همایون عنوانی ندارد...

آملی

محمد بن حسن آملی معروف به اولیاء الله

آنچه از شرح احوال وی بدست می‌آید مأخوذ از کتاب اوست باین شرح .
 وی تا سال ۷۸۰ در زادگاه خود آمل بسر می‌برد و لی در این هنگام بسبب آشوب و ناامنی که در آمل بوده بر ستمدار پایتخت امرای استندار میرود و بیارگاه امیر ابوالمعالی فخرالدوله راه می‌یابد و در آنجا بنخواستش وی کتابی در تاریخ قلمرو امیر فوق‌الذکر مینویسد که مشتمل است بر هشت باب :

«باب اول : درابتداء عمارت رویان . باب دوم : در
 ابتداء مقام ملوک استندارد رویان ومدت دولت ایشان
 در آنجا . باب سوم : دراستیلاء حکام از بیگانگان در
 رویان از نواب خلفاء و سادات علویه و اعیان .
 باب چهارم : در تصحیح نسب ملوک استندار بدانقدر که
 بمارسیده است بر طریقه علماء انساب . باب پنجم :
 در ذکر ملوک گذشته و بعضی از سرگذشت ایشان علی
 حده . باب ششم : در ذکر ملوک که در اینمدت صدسال
 بوده اند کم و بیش و بعضی از احوال ایشان ، باب هفتم :
 در شرح حال ملوک باقی عزت انصارهم و ذکر وقایع
 ایشان . باب هشتم : در ذکر واقعه مازندران و انقلابی
 که حادث شده تا کنون . و در این ابواب طریقه اختصار
 نگاهداشته شد و از ایجازی مخمل و اطنابی ممل احتراز
 واجب شمرد . »

۵

آخرین تاریخی که در کتاب دیده میشود سال ۸۰۵ است و چنین پیدا است که
 دست کم پنج تا دهسال پس از آن کتاب نوشته شده است . البته فصول کتاب با
 آنچه نویسنده در مقدمه وعده داده کاملاً تطبیق نمیکند و گاه بسیار مغشوش است .
 با این همه یکی از بهترین تواریخ این قسمت ایران و مفید فایده بسیار است و بسیاری
 از مطالب تاریخ ظهیرالدین منقول از همین کتاب است .
تاریخ رویان در سال ۱۳۱۳ ش . باهتمام عباس خلیلی در طهران چاپ
 شده است .

ابوطالب تبریزی

ابوطالب بن محمد بیک تبریزی در سال ۱۱۶۵ در لکنهوی هند بدنیا آمد. پدرش اصلاً از اهل تبریز بود که در عهد نادرشاه بدانجا رفته و رحل اقامت افکنده بود. ابوطالب در سال ۱۲۱۵ پس از مرگ پدر بعزم سیاحت براه افتاد و دو سال در اروپا و از آنجمله در پاریس و لندن بسربرد و آنگاه بهند بازگشت و خاطرات خود را در کتابی بنام **سیرطالبی فی بلاد الافرنجی** فراهم آورد و در سال ۱۲۲۱ روی از سرای فانی برتافت.

این کتاب بار اول در ۱۲۲۹ ق. در کلکته بچاپ رسید و **Malot** ترجمه فرانسه آنرا در سال ۱۸۱۹ در پاریس و **Stewart** ترجمه انگلیسی آنرا در سال ۱۸۲۷ در **London** انتشار دادند.

ارباب اصفهانی

محمد مهدی بن محمد رضا اصفهانی معروف ب**ارباب** در حدود سال ۱۲۶۰ بهند رفته و چندی در بمبئی مقیم بوده و بمطالعه و تصحیح آثار ادبی ایران می پرداخته است که از آنجمله است تصحیح و چاپ کلیات سعدی و تاریخ و صاف آنگاه در سال ۱۲۷۳ باصفهان بازگشته و پس از دو سال توقف در آنجا در سال ۱۲۷۵ عازم طهران شده و تا سال ۱۳۰۸ ق. در طهران بسر میبرده است.

ارباب بدرخواست اعتماد السلطنه که بتنظیم یکدوره تاریخ و جغرافیای

شهرهای ایران مشغول بود در سال ۱۳۰۰ بنوشتن کتابی در باره زادگاهش اصفهان پرداخت و آنرا در طول سالهای ۱۳۰۳-۸ تکمیل کرد .

این کتاب که **نصف جهان فی تعریف اصفهان** نام دارد شامل توصیف بلوکات اصفهان ، دروازه‌ها ، محلات ، آثار تاریخی و عمارات قدیمی ، خیابانها ، بازارها ، آبها ، تاریخ و دیگر مشخصات این شهر بزرگ ایرانست و اینست نمونه‌ئی از آن :

تجارت اصفهان

اکنون تجارت مال فرنگ از قبیل چیت و پارچهای سفید و ریسمان و قند و مس و بعضی صنایع دیگر آنهاست و نیز تجارت باهند و چین و جزایر ماچین است از قبیل شکر و نیل و شال و قلمکار و چای و ادویه و ظروف چینی که همه اینها را از آن ممالک می‌آورند و از اینجا هم تریاک و ریناس و گاهی اوقات هم پنبه و گل رنگ و میوه خشک با آنجا می‌برند ... دیگر بعد از تجارت تریاک و پنبه از تجارت‌های معتبر اصفهان تنها کواست که آنرا بمملکت عثمانی می‌برند.....»

۴

این کتاب در سال ۱۳۴۱ باهتمام دکتر منوچهر ستوده در طهران منتشر شده است .

اسفزاری

معین الدین محمد زمچی اسفزاری در قریه‌ئی از توابع هرات در اوائل قرن نهم هجری بدنیآ آمد و از تحصیلات شایسته برخوردار شد . دوران حیات وی

مصادف با عصر پیر آشوب ملوک الطوائفی بعد از مرگ تیمور بود و خراسان و ماوراءالنهر هر روز دستخوش قتل و غارت و پایمال لشکر امیری سرکش قرار می گرفت . الغبیک جانشین شاهرخ بدست فرزند ناخلفش میرزا عبداللطیف کشته میشود و او نیز یکسال بعد بقتل میرسد . چندی بعد اوزون حسن روی بهرات میآورد و ابوسعید را مغلوب و مقتول میسازد . آنگاه ابوسعید بهادر خان برمیخیزد و باتهور و سیاست خود چند سالی امن و امان را بدین خطه باز میگرداند .

مورخ، که بقدرت طبع و وسعت فهم معروف و بتقوی و حسن خلق موصوف بود در دستگاه سلطان ابوسعید مقامی شایسته می یابد و نوشتن تاریخی را در وصف هرات پایتخت تاریخی و با عظمت تیموریان در سال ۸۷۳ آغاز میکند و تا سال ۸۹۹ با کمال آن می پردازد .

این کتاب که **روضات الجنات فی اوصاف مدینة الهرات** نام دارد تاریخ خراسان و ماوراءالنهر را از زمان قبل از اسلام و از هنگام قشونکشی های هیطالیان تا روزگار وی شامل است و از تواریخ بسیار خوب و قابل استفاده قرن نهم بشمار می رود .

اسفزاری اشعاری دلنشین نیز سروده است که از آن جمله این دو بیت عارفانه است :

« چو من زباده شوق تو مست و بی خبرم
همه جمال تو بینم بهر چه مینگرم
تو هر حجاب که خواهی فرو گذار که من
بنعره ئی که ز من صد حجاب را بدرم ... »

اسفزاری در آغاز قرن دهم دیده از جهان فرو بسته است .

روضات الجنات در سال های ۹-۱۳۳۸ شمسی با حواشی و تعلیقات مفصل و فهرست های کامل محمد کاظم امام در دو مجلد در سلسله انتشارات دانشگاه طهران بچاپ رسیده است .

اسکندر بیک تر کمان

اسکندر بیک منشی تر کمان فراهی در سال ۹۶۸ متولد شده و در جوانی در پی تحصیل سیاق و ریاضی رفته است بطوریکه خود مینویسد بزودی از اینکار پشیمان و بر بی حاصلی کار خویش واقف میشود؛ چرا که در آن هنگام نیز علوم عقلی و عملی بازاری سخت بی رونق داشت.

اسکندر بیک پس از چندی بدربار شاه عباس زاه می یابد و سلطان ویرا منشی مخصوص خویش میگرداند. تر کمان دیری در اینکار می یابد و تا بهنگام مرگ سلطان در شغل خود باقی میماند و بصورت ناظری دقیق و بیطرف همه حوادث امپراطوری پهناور صفوی را بچشم می بیند و اینهمه را در تاریخ بنام **عالم آرای عباسی** برای آیندگان بیادگار میگذارد.

عالم آرای عباسی که در سال ۱۰۲۵ نوشتن آن آغاز شده است در دومجلد تنظیم گشته که مجلد اول شامل ذکر نسب سلاطین صفوی و احوال اسلاف شاه عباس تا پایان سلطنت شاه طهماسب و مجلد دوم مشتمل بر شرح حوادث سی سال اول سلطنت شاه عباس کبیر تا سال ۱۰۲۵ می باشد، اسکندر بیک کار خود را با پایان این کتاب رها نکرده بلکه حوادث سالهای آخر سلطنت شاه عباس (۳۸-۱۰۲۵) را نیز ذکر کرده است.

اسکندر بیک مورخی بمعنای حقیقی کلمه بشمار میرود، تا حد امکان دقیق و بیطرف است و جملاتش محکم و انشایش عاری از پیچیدگیست، کتاب او معتبرترین سند از تاریخ زمان شاه عباس است.

قسمتی از عالم آرای بار اول در سال ۱۳۱۴ ق. بصورت سنگی و بار دیگر در سال ۱۳۳۴ با مقدمه و تعلیقات و فهرستهای مفصل با اهتمام ایرج افشار در طهران چاپ شده است.

ذیل عالم آرا نیز باہتمام سہیلی خوانساری در سال ۱۳۱۷ ش در طهران بچاپ
رسیده و در مقدمہ آن مرگ اسکندربیک در سال ۱۰۴۳ ذکر شدہ است .
کتاب عالم آرا علاوہ بر تاریخ ایران در عصر صفوی تاریخ ملل ہمجو ارمانند
ہند و عثمانی را نیز حائز است .

اعتضاد السلطنہ

علیقلی میرزا بن فتحعلیشاہ قاجار ملقب باعضاد السلطنہ و متخلص بہ فخری
در سال ۱۲۳۴ در طهران متولد شد و بکسب کمالات و تحصیل علوم متداول عصر خود
پرداخت و در سال ۱۲۶۳ پس از مرگ محمد شاہ پیشکاری مہدعلیا مادر مقتدر
ناصرالدینشاہ را بعہدہ داشت . بعدہاوی از طرف ناصرالدینشاہ ملقب بہ اعتضاد السلطنہ
گردید و ریاست دارالفنون را عہدہ دار شد . در سال ۱۲۷۵ بوزارت علوم منصوب
شد و از آن پس ریاست دارالطباعہ دولتی و مشاغل مہم دیگری را بعہدہ داشت تا در
سال ۱۲۹۸ ق . در طهران وفات یافت .

از آثار ذیقیمت اعتضاد السلطنہ کتابیست بنام مدعیان نبوت و مہدویت یا
متنبیین کہ در حد خود بسیار قابل استفادہ است علی الخصوص اطلاعاتیکہ در بارہ پیدایش
بابیہ بدست میدہد و در سال ۱۳۳۳ ش . بنام فتنہ باب با تعلیقات مفید د کتر عبدالحسین
نوائی در طهران منتشر شدہ بسیار قابل اعتماد و استناد است .

اعتضاد السلطنہ کتابی در نجوم بنام فلک السعادہ نوشتہ و کتاب دیگری در تاریخ
افغانستان و بہمین نام کہ بچاپ رسیدہ است . مدعیان نبوت و مہدویت نیز باہتمام
ہاشم رضی اخیراً در طهران چاپ شدہ است .

اعتضاد السلطنہ نیز مانند غالب شاہزادگان و رجال درباری قاجاریہ شعر میسرودہ
و فخری تخلص میکرده است .

اعتماد السلطنه

محمد حسن بن حاج علیخان مراغه‌ئی مقدم ملقب به اعتماد السلطنه -

پدرش علیخان حاج‌الدوله از درباریان بود که پس از کشتن امیر کبیر در حمام فین مورد توجه شاه قرار گرفت. محمد حسن در تحت تربیت وی از تحصیلات شایسته برخوردار شد و در سال ۱۲۸۶ بریاست دارالطباعة دولتی منصوب گردید و در سال ۱۲۸۸ صنیع‌الدوله لقب یافت و ریاست روزنامه‌ها بوی تفویض شد که از آن جمله است روزنامه‌های ایران - علمی و اطلاع - در سال ۱۲۹۹ بوزارت انطباعات انتخاب گردید و بعضویت انجمن آسیائی لندن و پاریس درآمد و در سال ۱۳۰۴ به اعتماد السلطنه ملقب شد.

جمعی از علماء مانند قزوینی و کسروی سرقت آثار دیگران را با اعتماد السلطنه نسبت میدهند ولی برای نویسنده این سطور بدون آنکه امکان تصدیق و یا تکذیب آن باشد يك چیز مسلم است و آن اینکه بهمت و تشویق این مرد پاره‌ئی کتابهای مفید از زبانهای اروپائی ترجمه و کتابهایی در تاریخ و جغرافیای شهرهای مختلف ایران تألیف گردید و تسهیلات شایسته‌ئی برای رونق فرهنگ ایران فراهم آمد. از طرف دیگر نوشتن پاره‌ئی مطالب درباره میرزا عبدالوهاب پدر علامه قزوینی در آثار والاثار ممکنست از عوامل این اتهام باشد.

از آثاریکه بنام اعتماد السلطنه منتشر شده اینهاست :

۱ - دررالتیجان فی تاریخ بنی اشکان که نخستین تاریخ مدون و تاحدی مستند

درباره اشکانیان است که در ایران نوشته شده و در آن از اطلاعات و تحقیقات علماء

مغرب زمین استفاده کرده است . این کتاب درسه مجلد در سالهای ۱۰-۱۳۰۸ ق . بصورت سنگی در طهران چاپ شده است .

۲- **مرآت البلدان فرهنگ جغرافیائی** است که در سالهای ۳۱۷-۱۲۹۴ ق . در طهران در ۴ مجلد بصورت سنگی چاپ شده است .

۳- **مطلع الشمس** در تاریخ و جغرافیای خراسان در سه مجلد در سالهای ۲-۱۳۰۰ در طهران بصورت سنگی چاپ شده است .

۴- **التدوین فی احوال جبال شروین** . در تاریخ مازندران و سواد کوه . چاپ طهران - ۱۳۱۱ ق .

۵- **المآثر والاثار** . در شرح احوال علماء و رجال معاصر . چاپ طهران - ۱۳۰۷ ق .

۶- **منتظم ناصری** . در تاریخ ایران و جهان در ۳ مجلد . چاپ طهران ۱۳۰۰ - ۱۲۹۸ ق .

بغیر از اینها کتابهایی همانند وقایع روزانه در باره ناصرالدینشاه - سفرنامه ناصرالدینشاه بخراسان - سفرنامه بمازندران - حجة السعادة - تطبیق لغات جغرافیائی و ترجمه تاریخ هرودوت - تاریخ بابل - انکشاف ینگی دنیا - فلاحت و باغبانی در میان آثار او بچشم میخورد و نیز کتاب تاریخی و انتقادی جالبی در شرح احوال وزیران قاجاریه بنام خوابنامه اعتمادالسلطنه باو منسوب است که چاپ شده .

اعتمادالسلطنه در سال ۱۳۱۴ ق . بسکته قلبی در گذشت .

ایلچی نظام شاه دکن

خورشاه بن قباد حسینی عراقی

در دربار برهان نظام شاه دکن نخستین فرمانروای احمدنگر بوده از طرف وی بسفارت دربار ایران مأمور شده و در سال ۹۵۲ بخدمت شاه طهماسب رسیده و تا سال ۹۷۱ در دربار وی بوده است . در این سال عازم هند شده و سال بعد در کلکته در گذشته . وی کتاب نفیسی در تاریخ ایران نوشته که بنام **تاریخ ایلچی نظام شاه دکن** در سال ۱۸۸۶ در پاریس چاپ شده است .

بدلیسی

شرف الدین بن امیر شمس الدین شرف خان بدلیسی ۹۴۹ در حوالی قم متولد شد . پدرش را در کودکی از دست داده و با فرزندان شاه طهماسب بزرگ شده بود . وی در سال ۹۷۳ عازم گیلان شد و هفت سال در آنجا گذرانید . چندی فرمانروای شیروان بود و در سال ۹۸۴ امیر الامرای کردستان گردید . ولی شاه اسمعیل ثانی از وی مظنون گشت و بنخجوانش فرستاد . وی در سال ۹۸۶ با سلطان عثمانی مراد اول آشنائی بهم رسانید و از وی لقب شرف خان و حکومت بدلیس را یافت . در همانجا بود که سال ۱۰۰۵ کتابی در تاریخ کرد نوشت که بنام **شرفنامه** موسوم است . شرفنامه یکی از اساسی ترین کتب درباره تاریخ کرد و طوائف و قبائل وامراء

این قوم است. این کتاب در سال ۱۸۶۰ در St. Petersburg و پس از آن در قاهره و طهران چاپ شده است.

Schefer آنرا بفرانسه و Volkov بعضی از قسمتهای آنرا بروسی Barb بآلمانی و Morlay بانگلیسی و ملاجلیل بندی روزببانی تمام آنرا بعربی ترجمه کرده اند.

بناکتی

فخرالدین ابوسلیمان داودبن محمد بناکتی از مردم بناکت (در ساحل راست رود سیحون) است که در نیمه دوم قرن هفتم و نیمه اول قرن هشتم میزیسته و ملک الشعراء دربار غازان خان بوده که در زمان ابوسعید بهادرخان نیز این مقام را حفظ و از طرف وی بنوشتن تاریخی مأمور میشود و در تأیید این منظور در سال ۷۱۷ بترتیب تاریخ روضة اولی الالباب فی تواریخ الاکابر و الانساب در تاریخ عمومی عالم از بدو خلقت تا جلوس ابوسعید بهادر خان (سال ۷۱۶) میپردازد که امروز به تاریخ بناکتی معروف است. این کتاب تلخیصی از جامع التواریخ است و در عین حال از معلومات تازه خالی نیست. همانگونه که عباس اقبال نوشته این کتاب:

«... برخلاف تواریخ دیگر اسلامی ... شامل شرح بالنسبه مبسوط دقیقی است از احوال ملل غیرمسلمان مثل یهود و عیسویان و هندو و چینیها و مغول و... کتاب او با وجود صغر حجم از تواریخ معتبره عهد مغول است.»

تاریخ مغول

بنا کتی در سال ۷۳۰ از سرای فانی رحلت کرده است .

تاریخ بنا کتی مشتمل بر نه باب است که فقط باب هشتم آن بنام تاریخ چین توسط A. Muller بزبان لاتین ترجمه و با متن اصلی تحت عنوان **Historia Sinensi** بچاپ رسیده است ولی مترجم آنرا اشتبهاً از آثار بیضاوی پنداشته **Quatermer** متوجه این اشتباه شده و آنرا در کتاب خود بنام **Histoire de Mongolsde la Perse** توضیح داده است .

بیات

اروج بیگ بن سلطان علی بیگ قزلباش بیات از طایفه کرد بیات بود که در سال ۹۶۷ در تبریز متولد شد. پدرش سردار یکی از افواج قزلباش بود که در سال ۹۹۳ در جنگ با عثمانی کشته شد و مقامش را با اروج بیگ سپردند . وقتی در سال ۱۰۰۷ هیئتی بریاست حسنعلی بیگ بیات و **Sir Anthony Shirley** از طرف شاه عباس عازم اروپا شدند حسنعلی بیگ این منسوب خود را نیز بعنوان منشی انتخاب کرد .

این هیئت از طریق دریای خزر عازم روسیه شد و پس از دوماه ونیم مسافرت بمسکورسید. پس از شش ماه اقامت در مسکو از طریق رود ولگا بندر آرخانگلسک **Arkhangelsk** رسیدند و از آنجا با کشتی بندر **Stode** در آلمان رفت و از آنجا به **Prag** عزیمت کرد و بخدمت امپراطور آلمان و شاه لهستان رسید . پس از سفر بچند شهر اروپائی عازم ایتالیا گردید و پاپ را ملاقات کرد و از آنجا روانه اسپانیا گشت .

در اسپانیا اروج بیگ و دو تن دیگر از اعضای هیئت بآئین کاتولیک گرویدند

وملکه اسپانیا مادر تعمیدی اروج بیگ شد و او دون خوان Don Juan نام گرفت
حسنعلی بیگ سفیر کبیر ایران مردی را اجیر کرد تا این از راه برگشتگان
را بکشد ولی زنی اشرافی از ماجرا خبردار شد و همکیشان تازه خود را از مرگ
نجات داد.

اروج بیگ همچنان در اسپانیا بماند و کتابی در شرح احوال خود در سال
۱۰۱۲ نوشت که شامل شرح سفر وی و توصیف ایران و مختصری از تاریخ این کشور
است. آنگاه بنخواست اروج بیگ شخصی بنام Alfonse Remon آنرا بزبان
اسپانیائی ترجمه کرد و بچاپ رسید.

اروج بیگ سرانجام بدست مردی اسپانیائی در محرم سال ۱۰۱۳ کشته شد
و جسدش طعمه سگان گردید.

سفرنامه اروج بیگ بدست خاورشناس نامی G. Lestrangle بانگلیسی
ترجمه شده و در سال ۱۹۲۶ در London بچاپ رسیده است. مسعود رجب نیا این
ترجمه را بفارسی برگردانیده و از طرف بنگاه ترجمه و نشر کتاب بنام دون ژوان
ایرانی در سال ۱۳۳۸ در طهران بچاپ رسیده است.

پیرزاده

حاجی محمدعلی پیرزاده بن محمد اسمعیل نائینی در نائین متولد شده و پس
از مرگ پدر در حدود سال ۱۲۷۳ بطهران آمده ولی در این شهر دیری نمانده و
بعثمانی رفته و مدتی در استانبول بسر برده و پس از سه سال سیاحت بطهران باز
گشته است. چون پدران وی در سلك در اویش بودند وی نیز دست ارادت به میرزا
صفا داده و کسوت درویشی پوشید. پیرزاده در سال ۱۲۸۵ و بار دیگر در سال ۱۳۰۲
از راه هند باروپا رفته و هند و مصر و فرانسه و انگلیس و اطریش و آلمان را دیده.

آنگاه بطهران باز گشت و در صفائیه خانقاه و هرقد پیرش مقیم شد تا در سال ۱۳۲۱ ق.
رخت از جهان بر بست.

پیرزاده خطی خوش داشته و در نزد امرآ و شاهزادگان و علماء محترم
بوده و از دربار مستمری سالانه بوی میدادند. وی در سفر دومش بفرنگ سفر
نامه‌ئی نوشته که بسیار خواندنیست :

« اهل بمبئی چند قسم و چند مذهب می باشند .
قدری اهل اسلام هستند که بیشتر آنها شیعه اسمعیلی
میباشند و شیعه اسمعیلی هم سه فرقه اند : شاه خلیل
اللہی ، ویوره و میمن . قدری اهل سنت و جماعت
و قدری فارسی که آنها را کبر میگوئیم و قدری فرنگی
و عیسوی مذهب و یهود و مابقی کلا مردم بمبئی هندوی
بت پرست میباشند که از نهصد هزار جمعیت بمبئی
هفتصد هزار آنان هندوی بت پرست و دو صد هزار
آن سایر مذاهب ؛ و هندوها با وجودی که هر روز سه
دفعه قبل از غذا خوردن باید خود را در آب روان پاک
غسل بدهند باز کثیفند »

سفرنامه حاجی پیرزاده باهتمام حافظ فرمانفرمائیان در سال ۱۳۴۲ ش .
در سلسله انتشارات دانشگاه طهران بچاپ رسیده است .

تویسر کانی

میرزا اسمعیل بن محمد علی تویسر کانی از نویسندگان و شعرای عصر قاجار است که مانند بسیاری از متأخرین کوشیده است فارسی سره بنویسد و مانند همه آنان مورد تمسخر آیندگان قرار گرفته است. وفات وی در حدود سال ۱۳۱۰ ق. اتفاق افتاده .

تویسر کانی کتابی در تاریخ ایران دارد بنام **فرازستان** که حاوی مطلب تازه‌ئی نیست جز آنکه بسبب آوردن لغات مهجور فارسی فهم آن مشکل و درپاره‌ئی موارد غیر ممکن است .

اینست نمونه‌ئی از آن :

«بایسته بود، همیشه هست بی‌تندیسه دادار را در آغاز
هر کار یاد کردن سزاست که فرروزانش ارونند پاک
گوهر است»

فرازستان بسرمايه واهتمام جمعى از زرتشتیان ساکن هند در سال ۱۸۹۲ م . بصورت سنگی بچاپ رسیده است .

جعفری

جعفر بن محمد بن حسن جعفری از مردم یزد و از مورخان قرن نهم است. وی تاریخ عمومی عالم را در سال ۸۱۷ تألیف کرده که به تاریخ جعفری معروفست و سپس حوادث زمان خود را نیز تا حدود سال ۸۵۰ بر آن افزوده و کتاب را مجدداً بقلم آورده است. کتاب دیگر وی تاریخ یزد نام دارد که از تواریخ موثق و مفید این خطه ایرانست.

تاریخ یزد در سال ۱۳۳۸ با حواشی و تعلیقات ایرج افشار از طرف بنگاه ترجمه و نشر کتاب بچاپ رسیده است ولی تاریخ جعفری نیز مانند بسیاری از آثار تاریخی دیگر هنوز بصورت نسخه خطی در حجاب گرد و خاک کتابخانهها منزویست.

جلال الدین میرزا

شاهزاده جلال الدین بن فتحعلیشاه قاجار یکی از پسران بسیار فتحعلیشاه است که در سال ۱۲۳۴ ق. در طهران بدنیا آمد.

وی نیز مانند چندتن از برادرانش بمطالعه و علی الخصوص تاریخ علاقه فراوان یافت. آنقدر که از آثارش فهمیده میشود مردی آزاد اندیش و میهن پرست و پای بند مبانی اخلاقی بوده است.

جلال الدین میرزا یکدوره تاریخ ایران را بفارسی نوشته و کوشیده از بکار بردن

لغات بیگانه دوری جوید و در این راه بی آنکه از لغات مهجور و ساختگی استفاده کند تا حد زیادی کامیاب شده است .

تاریخ وی که **نامه خسروان** نام دارد بسیار کلی و مختصر و در سه مجلد تنظیم شده . مجلد اول تصاویر زیبایی دارد که بدست عبدالمطلب اصفهانی ترسیم شده و چاپ کتاب نیز در زمان خود خالی از نقاست نبوده است . عجب آنکه این شاهزاده قاجاری از کریمخان زند بنیکی یاد کرده و چنین مینویسد :

و . . . آقا محمد خان چون ویرا (کریمخان را)
کشنده پدر میدانست از خشمی که داشت و کاری از او
بر نمی آمد شبها همینکه بر سر خوان کریمخان می نشست
خنجر خود کشیده زیر اندازها را ریز ریز میکرد .
بامداد که سرایداران این داستان را بان شاه بزرگ
منش مهربان میگفتند پاسخ میداد که هیچ بروی او
نیاورید که دل شکسته و پدر کشته است و هر شب زیر
انداز دیگر بیندازید

جلال الدین میرزا در سال ۱۲۸۹ ق . در گذشته است .

نامه خسروان در سالهای ۸۸-۸۷-۱۲۸۰ در سه مجلد در طهران و از آن پس نیز در هند بچاپ رسیده است .

جلال الدین میرزا چندی ریاست فراموشخانه را که بدست ملک خان تأسیس شده بود بعهده گرفت و از اینرو مغضوب ناصر الدین شاه گردید .

جهانگیر

شاهزاده جهانگیر بن عباس میرزا بن فتحعلیشاه قاجار در سال ۱۲۲۵ در تبریز متولد شد و بر اثر توجه پدرش که خود فردی بسیار لایق بود جوانی شایسته بار آمد و بهمان سبب در او ان بلوغ بحکومت خوی و سلماس منصوب شد . وی در جنگ دوم ایران و روس شرکت کرد و پس از برقراری صلح بحکومت مناطق مرزی شرق آذربایجان مأمور گردید .

در سال ۱۲۵۰ از طرف برادر بزرگش محمدشاه محبوس و بار دبیله اعزام گشت و میل در چشمانش کشیدند . جهانگیر میرزا یکسال و نیم در زندان بسر برد و در این هنگام آزاد شد و وی را بتویسرکان فرستادند تا در آنجا بسر برد . وی ایامی را که در آن شهر بود با چشمان نابینا مصروف تحصیل کرد تا آنکه در سال ۱۲۶۶ بخوااهش امیر کبیر ناصرالدین شاه ویرا بطهران احضار و بحکومت خوی گماشت و او تا سال ۱۲۶۹ بر سر آن شغل باقی بود و در این سال هنگام عزیمت بحج در تبریز در گذشت .

جهانگیر میرزا علاوه بر ترجمه کتاب آثار البلاذز کریای قزوینی بفارسی تاریخ قاجاریه را از سال ۱۲۴۰ تا ۱۲۶۷ نوشته و آنرا تاریخ نو نام داده است .

« مطالب بسیار مهمی که در این کتاب در خصوص جنگهای دوم ایران و روس و احوال حاجی میرزا آقاسی و محمد خان امیر نظام و شاهزادههای قاجاریه و بدایت حال میرزا تقی خان امیر کبیر و ظهور باب و غیرها میتوان یافت در هیچ مأخذ دیگر نیست . »

عباس اقبال - مقدمه تاریخ نو

نثر تاریخ نو ساده و روشن و فاقد استعارات ادبی و گاه حتی عامیانه است و این کتاب بمنزله ذیل **مآثر سلطانیه** میباشد. این کتاب نفیس را عباس اقبال در سال ۱۳۲۷ ش. در تهران بچاپ رسانیده است.

حافظ ابرو

شهاب الدین عبدالله بن زین الدین لطف الله بن عبدالرشید ملقب به حافظ ابرو (یا حافظ آبرو) یکی از شاهیر مورخان ایران در عصر تیموریان است که در خواف متولد شد و در جوانی هنگام تسخیر ایران بدست امیر تیمور بخدمت وی راه یافت و توجه این جهانگیر عجیب را که شیفته ویران کردن و از نوساختن و خون ریختن و هنر و تاریخ بود بسخندانی و دانش خود جلب کرد. با اینهمه شهرت حافظ ابرو در عصر سلطنت شاهرخ روفزونی نهاد و بخدمت بایستقر شاهزاده هنرمند و هنرپرور گورکانی راه یافت و از حمایت کامل وی برخوردار شد.

حافظ ابرو در خدمت بایستقر و بتشویق وی بنوشتن تاریخی میپردازد که مشتمل بر حوادث تاریخی از آغاز خلقت تا سال ۸۲۹ هجریست. قسمت اعظم این تاریخ تلخیص و نقل جامع التواریخ خواجه رشیدالدین است و آنچه سبب اهمیت و اعتبار کتاب حافظ ابرو گشته شرح وقایع از زمان غازان خان تا سال ۸۲۹ یعنی تاریخ ۱۲۵ سال اخیر است که **زبدة التواریخ** نام دارد و مجموع آن که در مدت سه سال و اندی تدوین و در سال ۸۲۹ به بایستقر تقدیم شده به **مجمع التواریخ** موسوم است. بدبختانه **زبدة التواریخ** نیز مانند بسیاری از تاریخهای بعد از مغول از شائبه غرض و تملق مشحونست و فی المثل وی از تیمور بدین نهج سخن میراند:

د آن زمان که آفتاب دولت جهانکشائی حدایگان عالم،
مالك رقاب الامم ، مولی ملوک العرب والعجم ، ناصر
اولیاءاله، قاهر اعداءالله ، المؤید من السماء امیر
تیمور گورکان- انارالله برهانہ- از مشرق ماوراءالنهر
طلوع کرد پادشاهان عالم که ایشانرا ستارگان آسمان
هر مملکت و ولایت می پنداشتند بمغرب نسخ و زوال افول
و غروب نمودند»

و نثر کتاب نیز انباشته از اطناب و زوائد بسیار است که در همین چند سطر هم
بخوبی بچشم میخورد .

حافظ ابرو کتابی نیز در جغرافیا نوشته که چاپ نشده است . وی در سال
۱۳۴۰ هنگام بازگشت شاهرخ از آذربایجان همراه وی بوده و در نزدیکی زنجان
در گذشته است .

از آثار دیگر حافظ ابرو ذیل وی بر کتاب ظفرنامه نظام الدین شنبی (معروف
بشامی) است که در سال ۱۹۳۷ م . باهتمام Flix Tauer در پراگ و مجدداً در
طهران بچاپ رسیده است .

مجمع التواریخ نیز در سال ۱۳۱۷ ش . باهتمام خانبا با بیانی و نیز در لاهور
بچاپ رسیده است .

حزین

محمد علی بن ابوظالب حزین گیلانی در سال ۱۱۰۳ در اصفهان بدنیا آمد و در همانجا بتحصیل پرداخت. در جوانی همراه پدر بگیلان و سپس بفارس و عمان سفر کرد و باصفهان بازگشت تا سال ۱۱۳۵ در آنشهر بود و هنگام حمله افغان از آنجا گریخت و از طریق خرم آباد و همدان و بصره بیمن رفت و باز بعراق و از آنجا بکرمانشاه و تبریز و سپس بخراسان عزیمت کرد و بخدمت شاه طهماسب دوم بار یافت. پس از چندی عازم طهران و اصفهان و شیراز و لار و بندرعباس شد و بسال ۱۱۴۶ بهندرفت و هنگام ورود نادر بدہلی در آنجا بود.

حزین همچنان در دہلی مقیم ماند و بتدریس و تألیف کتب پرداخت که از آنجمله است دیوان وی بنام تذکرۃ العاشقین و تواریخ السلاطین که در ۱۸۷۶ م. در ہند چاپ شده و تذکرۃ الشعراء المعاصرین و سوانح العمری که کتابی بسیار مفید است برای شناختن اوضاع و احوال آن عصر و حاوی نکات تاریخی بسیاری از دوران او اواخر صفویہ و ایام نادرشاه می باشد. این کتاب نیز در سال ۱۸۳۰ با ترجمہ انگلیسی F.C. Belfor در دہلی منتشر شد و پس از آن نیز بنام تاریخ حزین در ایران بطبع رسیدہ و با اینہمہ جای آن دارد کہ یکبار بصورت پاکیزہ ئی در اختیار علاقمندان قرار گیرد. حزین در سال ۱۱۸۱ در دہلی فوت شدہ است.

حسن فسائی

حاجی میرزا حسن بن مجدالدین بن سید علی خان حسینی فسائی

در سال ۱۲۳۷ در شیراز متولد شد . در جوانی بقصد تحصیل عازم اصفهان شد و بمطالعه فقه و اصول پرداخت . آنگاه بشیراز بازگشت و بتحصیل طب و طبابت مشغول شد تا در سال ۱۳۱۶ ق . در گذشت و در مدرسه منصوریه شیراز مدفون شد .

فسائی کتابی در تاریخ فارس دارد موسوم به **فارسانامه ناصری** که در دومجلد بنام ناصرالدینشاه تألیف کرده است . این کتاب بار اول باهتمام مخبرالدوله در سال ۱۳۱۳ ق . در طهران بصورت سنگی بچاپ رسیده است .

فارسانامه از کتب موثق تاریخی اعصار قریبه و از نظر اشمال بر بسیاری از حوادث تاریخی جنوب ایران درخور اعتناء کامل است .

حقایق نگار

محمد جعفر حسینی خورموجی ملقب بحقایق نگار در او اسطر قرن سیزدهم

در یکی از قراء دشتستان بنام خورموج متولد شد . اجداد او همه بخدمات دیوانی و دولتی مشغول بوده اند . حقایق نگار نیز پیشه پدری در پیش گرفت و در این طریق پیشرفت تا بریاست عدلیه شیراز رسید .

وی مردی تحصیل کرده و با سواد بوده و بتاریخ و جغرافیا علاقه داشته و

کتابی بنام آثار جعفری در جغرافیا نوشته که در سال ۱۲۷۶ ق . در طهران چاپ شده است .

کتاب دیگر وی حقایق الاخبار ناصری نام دارد که تاریخ حوادث عصر قاجاریه است . این کتاب در سال ۱۲۸۴ ق . در طهران چاپ شده است . لیکن بسبب ذکر فضائل و مآثر امیر کبیر و انتقاد از جانشین وی میرزا آقاخان نوری از طرف دولت جمع آوری گردیده و مؤلف نیز مغضوب و متواری شده و بسال ۱۳۰۱ در عراق جان سپرده است .

خدیو جم از فضلاء معاصر اخیراً بتجدید چاپ این کتاب نفیس اقدام کرده است .

خواندمیر

غیاث الدین بن همام الدین محمد بن برهان الدین محمد شیرازی معروف به خواندمیر در سال ۸۸۰ در هرات متولد شد . پدرش وزارت سلطان محمود میرزا گورکانی را داشت و مادرش دختر میرخواند مورخ نامدار بود . وی از تحصیلاتی شایسته برخوردار شد و در سال ۹۰۴ که تازه جوانی بیش نبود مورد توجه امیرعلیشیر نوائی قرار گرفت و بسبب معلومات شایسته اش دیری نپائید که کوکب اقبالش درخشید و بوزارت بدیع الزمان میرزا شاهزاده گورکانی نائل شد و تاهنگام هجوم اوزبکان این سمت را داشت . در سال ۹۳۳ بقندهار و پس از آن بهند رفت و در سال ۹۳۵ در آکره بخدمت بابر شاه رسید و مورد اکرام و محبت وی قرار گرفت و پس از مرگ وی نیز در خدمت پسرش بسر برد و در خدمت وی بگجرات رفت و بهنگام بازگشت از آنجا در سال ۹۴۲ در گذشت و در دهلی مدفون گردید . وی را باید آخرین تجلی

فرهنگ ماوراءالنهر دانست .

کتاب معروف وی **حبیب السیر فی اخبار افراد البشر** نام دارد که در سه مجلد تنظیم شده و نثری ساده و روان دارد و بشرح سلطنت شاه اسمعیل صفوی خاتمه می یابد (سال ۹۳۰). خواندمیر این کتاب را بنام استاد خود کریم الدین حبیب الله اردبیلی مزین و حق استادی وی را بدینگونه بشایستگی ادا کرده است .

حبیب السیر از نظر وقوف بر علل زوال دولت پرشکوه تیموری در ایران و زوال سریع فرهنگ و معنویت درخشان عصر امیر علیشیر نوائی و انتقال این میراث عظیم بهند و هم چنین برای آگاهی بکیفیت ظهور دولت صفوی دارای ارزش فراوانست . این نویسنده پر کار علاوه بر **حبیب السیر** مجلد هفتم کتاب دائی خود میخواند یعنی **روضة الصفا** را کامل و مدون و آنرا در کتابی بنام **خلاصة الاخبار** تلخیص کرده است که چاپ نشده و **دستورالوزراء** در شرح احوال وزراء ایران و اسلام و **همایون نامه** که مجموعه ئی از منشآت اوست و **مکارم الاخلاق** در اوصاف **امیر علیشیر نوائی** هم از اوست. نخستین بار **Fremery** قسمتی از **حبیب السیر** را بنام تاریخ ساسانیان با ترجمه فرانسوی آن در سال ۱۸۲۳ در **Paris** انتشار داد و پس از آن قسمتهای مختلف کتاب در لندن ، پترسبورگ و پاریس منتشر شد و کسانی چون **Dorne** و **Schefer** درباره آن تحقیقاتی کردند .

متن فارسی **حبیب السیر** بار اول در سال ۱۲۶۳ ق . در طهران و پس از آن نیز در طهران و بمبئی بصورت سنگی و یکبار نیز در سال ۱۳۳۳ ش . در طهران بصورت سربی چاپ شده است .

محقق معاصر دکتر نوائی خلاصه احوال جمعی از رجال معاصر و قریب العهد خواندمیر را از این کتاب استخراج و تحت نام **رجال حبیب السیر** در سال ۱۳۲۴ ش . در طهران با مقدمه و تعلیقات لازم منتشر کرده است .

دستورالوزراء نیز در سال ۱۳۱۷ ش . با اهتمام سعید نفیسی در طهران و **همایون نامه** در سال ۱۳۵۹ ق . در کلکته بچاپ رسیده است .

رشید الدین فضل اله

خواجه رشیدالدین فضل الله بن عماد الدوله ابوالخیر بن موفق الدوله همدانی در حدود سال ۶۴۵ در همدان دنیا آمد . خاندانش از مشاهیر علما و جدش موفق الدوله از مقیمان الموت بوده است . رشیدالدین در همدان بتحصیل پرداخت و طبابت پیشه کرد . سپس بعنوان طبیب در دستگاه اباخان راه یافت و فرصتی پیش آمد تا لیاقت و استعداد بیماندش را نشان دهد . وی در زمان غازان خان بوزارت رسید و تا سلطنت ابوسعید این سمت را داشت .

خواجه رشیدالدین از جانب غازان خان مأموریت یافت تا تاریخ قوم تاتار را در کتابی فراهم آورد . وی در طریق اجراء این امر بتصنیف تاریخ عظیمی پرداخت و برای تکمیل آن اهل فضل و ارباب اطلاع هر قومی را از چین و ترک و تاتار و مسیحی و یهودی و غیره فرا خواند .

این تاریخ که به **جامع التواریخ** موسوم است شامل دو مجلد است : مجلد اول در تاریخ مغول از قدیمترین ایام تا عهد الجایتو که به تاریخ **مبارک غازانی** معروف است . مجلد دوم مشتمل بر دو باب است : باب اول در تاریخ سلطنت الجایتو و باب دوم در تاریخ انبیا و خلفا و سلاطین و مشاهیر و تاریخ اقوام مختلف . خواجه رشیدالدین قصد ترتیب کتابی را نیز در جغرافیا داشته که از آن خبری در دست نیست . تنظیم جامع التواریخ در سال ۷۱۰ پایان رسیده است .

رشیدالدین فضل الله آثار دیگری نیز دارد که از آن جمله است **الاحیاء و المآثار**، **مفتاح التفاسیر** و مجموعه های مختلف از مراسلات که همه آنها را در یکجا مدون و **جامع تصانیف رشیدی** نام نهاد .

در بیان علو منزلت و عظمت کارهای این مرد بزرگ کتابی لازم است . او

همانست که ربع رشیدی را ساخت و غازان خان و خدا بنده را با ایجاد شهرها، بیمارستانها کتابخانه ها و امحاء آثار خرابکارانه اخلافشان واداشت. اومشوق، مشاور و مأمور انجام اغلب اصلاحات اجتماعی غازان خان بزرگترین مصلح اعصار متمادیست.

زندگی رشیدالدین فضل الله در ایام وزارت سرشار از ماجراهای گوناگون و دستخوش کوه نظریهها و رقابتها است و سرانجام نیز جمعی از درباریان دست بهم داده او را در ۷۳ سالگی بکشتن میدهند. نخست فرزند شانزده ساله اش را در پیش چشمش میکشند و آنگاه خودش را بدو نیم میکنند. پس از آن بیهودی بودن متهم میشود، اموالش بغارت میرود و حتی پس از صدسال استخوانهایش را از گور بدر آورده بگورستان یهودیان میبرند. شگفتا که گوئی اینمرد چنین حوادثی را پیش بینی کرده بود چرا که در ایام حیات همه آثار فارسی خود را عبری و آثار عبری را بفارسی ترجمه کرده و دستور داده بود هر سال دو نسخه از آثارش کتابت کنندویکی از کتابخانههای بلاد معتبر اسلام بفرستند.

با کمال تأسف هنوز همه جامع التواریخ بطور کامل و مدون چاپ نشده ولی از قرن پیش مورد توجه خاورشناسان قرار گرفته و قسمتهای مختلف آن بدفعات و در بلاد مختلف بچاپ رسیده است که از آن جمله میتوان از چاپهای زیر نام برد: مجلد اول از تاریخ اقوام مغول باهتمام **Borisin** با ترجمه روسی آن در **Peterseburg** در سالهای ۱۸۸۵-۸ و مجلد دوم مشتمل بر تاریخ جانشینان چنگیز تا هلاکو در **Leyden** باهتمام **E. Blochet** در سال ۱۹۲۹ و قسمت سوم مشتمل بر حیات هلاکو خان قبلا در سال ۱۸۳۶ باهتمام **Quatremère** و شرح احوال غازانخان در سال ۱۹۴۰ توسط **Carl yan** در لندن **London** و تاریخ طبرستان و گیلان باهتمام **Dorne** در ۱۸۵۸ در پترسبورگ و مقدمه جامع التواریخ و قسمت سوم تاریخ غازانخان در تحت نام **تاریخ اجتماعی دوره مغول** در سال ۱۳۳۶ باهتمام امیر حسین جهانبگلو و تاریخ غزنویان و دیالمه و سامانیان بکوشش احمد آتش در آنکارا در سال ۱۹۵۷ و تاریخ اسمعیلیان در ۱۳۳۷ باهتمام دبیرسیاقتی در تهران و تاریخ فرنگ در سال

۱۳۳۹ باهتمام همو در تهران و ترجمه قسمتی از آن بفرانسه توسط Quatremere و بروسی توسط Berendes و Berisin بچاپ رسیده است و اینهمه غیر از مقالات و منتخباتیست که باغلب السنه ترجمه و انتشار یافته و یا در نقاط مختلف جهان تجدید طبع شده است .

جای تأسف است که با اینهمه مؤسسات فرهنگی و دانشگاهی و انتشاراتی که اینک در ایران بنشر کتب اقدام میکنند هنوز تمام جامع التواریخ بطور کامل و مدون منتشر نشده و مانند بسیاری از تواریخ چون تاریخ بنا کتی، مجمع الانساب شبانکارهئی، جامع التواریخ حسنی و امثال آنها در کنج کتابخانهها مستور مانده است.

رفعت

محمد عباس بن احمد بن محمد همدانی متخلص به رفعت پدر وی از همدان به کلکته رفته و در آنجا مقیم شده و رفعت در هند بدنیا آمده است . وی مردی دانشمند و از خاندان علم و دانش بوده که از آن جمله است جد اعلائی وی میرزا ابراهیم خان شیروانی وزیر نادر شاه . رفعت در حدود سال ۱۳۰۷ ق . در گذشته است .

رفعت کتابهای چندی در تاریخ تدوین کرده که از آن جمله است باغ چهار چمن در تاریخ دکن و عمده الاخبار یا تاریخ نکو که تاریخ مختصر فرقه اسمعیلیه و طایفه بوهره هند است . وی تاریخ سالین عثمانی را نیز تاجنک روس و عثمانی در سال ۱۲۹۴ بنام سلطان نامه تدوین کرده . مؤلف در باره طایفه بوهره گوید :

« . . . وجه تسمیه ایشان بنام بوهره چنین بدریافت آمد که چون گروه اسمعیلیه از مصر بهند رو آوردند و در بنادر کجرات رحل اقامت افکندند . راجه جو نا کده به داعی گفت که قیام شما در کشور من بچند عهد و پیمان متصور است . ایشان که جلاء وطن گفته پریشان حال آمده بودند عهد ایشان پذیرفتند . از آن جمله اینست که : فرقه شما سپاهیگری نکند ، سلاح نپندد زمینداری ننماید . صرف بوجه تجارت و دکانداری بسر ادقات سازد . و چون سوداگر پیشه شدند و آسوده خیال گردیدند بدیگر کار توجه نکردند و در زبان کجراتی اهل بازار را بوهره میگویند . . . »

آثار رفعت همه باهتمام ملك الكتاب در بمبئی بطبع رسیده اند .

زرکوب

فخرالدین ابوالعباس احمد بن ابی الخیر زرکوب شیرازی در حدود سال ۶۷۰ در شیراز متولد شد . وی کتابی در سال ۷۴۴ پس از مراجعت از سفر حج تصنیف کرده است بنام شیراز نامه که بنظر اهل اطلاع حائز معلومات تازهئی نیست . شیراز نامه در سال ۱۳۱۰ باهتمام بهمن کریمی در طهران چاپ شده است . زرکوب کتابی نیز بنام عمدة التواریخ در تاریخ خاندان اینجو تألیف کرده است که اینک در دست نیست . خود در باره کتابش در شیراز نامه میگوید :

« در ذکر ایام سلطنت آن شاه دین
پرور و عهد جهانگیری حضرتش در دو مجلد کتاب
تاریخی اتفاق تصنیف افتاده و بشرف عرض رسیده و
از جمله تألیفات این ضعیف عمدة التواریخ است .. »

و پیدا است که بجز شیراز نامه و عمدة التواریخ کتاب تاریخی دیگری نیز تصنیف
کرده است .

سپهر

محمد تقی بن میرزا محمد علی لسان الملك سپهر کاشانی در سال ۱۲۱۶
در کاشان متولد شد . وی از تحصیلاتی شایسته برخوردار گردید و در جوانی بدربار
فتحعلی شاه راه یافت ولی رونق کار وی در زمان سلطنت محمد شاه بود . این پادشاه
سپهر را در سال ۱۲۵۸ مأمور تدوین یکدوره تاریخ عمومی عالم نمود .
سپهر پس از مرگ محمد شاه بکاشان بازگشت ولی بار دیگر به همراه ناصر -
الدینشاه بطهران آمد و از طرف شاه مستوفی و به لسان الملك ملقب شد و مجدداً
مأمور تدوین تاریخ سلسله قاجار گردید .

لسان الملك منشاء ایل قاجار و احوال اجداد سلاطین این سلسله را تا حوادث
سال دهم سلطنت ناصرالدینشاه (سال ۱۲۷۴) در سه مجلد نوشت و آنرا **اناسخ التواریخ**
نام نهاد . ناصرالدینشاه این خدمت را بشایستگی پادشاه داد و دهی را در کاشان تیول
مورخ گردانید و او را بلقب مستوفی اول ملقب ساخت .

لسان الملك علاوه بر تاریخ قاجاریه تاریخ عالم را از هبوط آدم تا ظهور

پیغمبر اسلام و زندگی پیغمبر و خلفاء راشدین و حضرت فاطمه و امام حسن و حسین در شش مجلد نگاشته است . از میان آثار وی تاریخ دوره اسلام بسیار قابل استفاده و تاریخ قاجاریه نیز مستند در پاره موارد معتبر می باشد . بقیه ناسخ التواریخ که مشتمل بر ۱۲ مجلد میباشد تألیف عبسقلی خان سپهر فرزند وی میباشد .

چاپ مجلدات ناسخ التواریخ از سال ۱۲۷۳ ق . در طهران آغاز و بتدریج بصورت سنگی چاپ شده است . اخیراً نیز بعضی از مجلدات آن بصورت سربی با فهرست اعلام مجدداً بچاپ رسیده است .

سرابی

حسین بن عبدالله منشی

وی در تبریز سکونت داشته و در سال ۱۲۶۷ منشی سفارت ایران در پترزبورگ شده و پنج سال در آنجا بسر برده . پس از بازگشت بایران در سال ۱۲۷۲ بعنوان منشی همراه هیئتی بریاست امین الدوله باستانبول و از آنجا بپاریس رفته و فرانسه و بلژیک و ایتالیا و انگلستان را سیاحت نموده و سفرنامه بسیار قابل توجهی گرد آورد بنام **مخزن الوقایع** که پس از بازگشت بایران در سال ۱۲۷۵ قصد چاپ آنرا داشته ولی میرزا آقاخان نوری ممانعت نموده است .

این کتاب نثری ساده و گاه عامیانه دارد ولی گواه صادقی از کنجکوی و باریک بینی و تجدد خواهی نویسنده است . مخزن الوقایع در سال ۱۳۴۴ بامقدمه و شرح و تعلیقات مبسوطی باهتمام کریم اصفهانیان و قدرت الله روشنی در سلسله انتشارات دانشگاه طهران بچاپ رسیده است .

سمرقندی

کمال الدین عبدالرزاق بن جلال الدین اسحق سمرقندی در سال ۸۱۶ در هرات پای بعرصه وجود نهاد و زیر دست پدری دانشمند تربیت شد. وی مانند پدرش بدربار گورکانیان راه یافت و از حمایت و مراحم امیر شاهرخ گورکانی بهره مند گردید و قاضی عسکر سپاه شاهرخ شد و یکبار نیز از جانب وی بسفارت عازم هندوستان گشت.

تجلی کو کب بخت سمرقندی در هنگام سلطنت سلطان حسین بایقرا بود و هم در عصر همین پادشاه وی بریاست خانقاه شاهرخیه منصوب گردید و تا پایان حیات خویش (سال ۸۸۷) در کمال آسودگی خاطر بسر برد.

سمرقندی حوادث سالهای ۷۰۴ تا ۸۷۵ (جلوس سلطان حسین بایقرا بتخت سلطنت) را در کتابی فراهم آورد که **مطلع السعدین** نام دارد و در حقیقت ذیل جامع التواریخ محسوب میشود. وی با آنکه از زبدة التواریخ برای تدوین کتاب خود فایده بسیار برده برخلاف حافظ ابرو لحنی متملق و شیوه‌ئی مغلوق ندارد و از اینروى از مآخذ معتبر تاریخ این عصر بشمار میرود. از قسمتهای معتبر این کتاب نقل سفارتنامه خواجه غیاث الدین نقاش است که از طرف شاهرخ بسفارت بنزد Day Ming امپراطور چین رفته بود. این سفارتنامه بچند زبان ترجمه شده است.

قسمتهائی از مطلع السعدین و مجمع البحرین اول بار توسط Catremér بزبان فرانسه ترجمه و در سال ۱۸۴۳ بچاپ رسیده است.

اصل کتاب را نیز محمد شفیع لاهوری در سال ۱۹۴۶ در لاهور بصورت چاپ سنگی بطبع رسانیده.

سیفی ہروی

سیف بن محمد بن یعقوب سیفی ہروی در سال ۶۸۱ در ہرات متولد شد و از تحصیلاتی شایسته برخوردار شد و بشاعری پرداخت . آنگاہ بیاری حکیم سعد الدین منجم بدربار ملک فخرالدین کرت راہ یافت . پس از مرگ فخرالدین (سال ۷۰۶) وی همچنان در دربار آل کرت راہ داشت ، منظور نظر و مورد توجہ ملک غیاث الدین بود و منظومہائی بنام **سام نامہ** در تاریخ آل کرت سرود و تاریخ موطن خود را بنام **تاریخ نامہ ہرات** در حدود سالہای ۲۹-۷۲۰ نوشت کہ کتابی مفصل مشتمل بر چہار صد فصل بودہ است و برای نوشتن آن از اسناد دولتی و فرامین و احکام موجود در خزانہ شاہی نیز استفادہ کردہ . قسمتی از این کتاب کہ مشتمل بر تاریخ ہرات و شرح احوال اکابر رجال و علماء و امراء آنشہر است و بیش از یکصد و سی فصل بجای ماندہ نیست در سال ۱۹۴۳ م . در کلکتہ باہتمام و تصحیح محمد زبیر الصدیقی بچاپ رسیدہ است .

شاہ ظہماسب

شاہ ظہماسب بن شاہ اسمعیل بن سلطان حیدر صفوی در سال ۹۱۹ در قریہ شہاباد متولد شد . در سال ۹۳۰ بسלטنت رسید . سی و پنج سال از دوران سلطنت خود را صرف سرکوبی ازبکها و جنگ با عثمانی و گرجیان و کردان نمود و

سرانجام موفق بایجاد امنیت و صلح در سرحدات گردید و در سال ۹۶۵ پایتخت خود قزوین رفت و تا آخر عمر طولانی خود از این شهر بیرون نشد تا سال ۹۸۴ زندگی را بدرود گفت .

شاه طهماسب در ایام توقف در قزوین شرح ایام سلطنت خود را بطور مجمل و مختصر نوشته که به تذکره شاه طهماسب معروفست و در سال ۱۸۹۰ در Liebsig باهتمام P. Hern و سپس در تهران و Berlin بچاپ رسیده است. شاه طهماسب در سبب تألیف کتاب چنین گوید :

«... اما بعد، بنده صعیف حضرت باریتعالی جلشأنه و امت نحیف حضرت ختمی پناه صلیاله علیه وآله و غلام بالاخلاص سیدالوصیین و اولاد اوصلواتاله علیهم اجمعین طهماسب بن اسمعیل بن حیدرالصفوی الموسوی- الحسینی را بخاطر شکسته خطور کرد که از احوالات و سرگذشت خود تذکره بقلم آورم که از ابتدای جلوس الی یومنا هذا احوالم بچه نوع گذشته تا از من برسبیل یادگار در روزگار بماند و دستورالعمل اولاد امجاد و احباب شود.....»

بطوریکه گفته شد این کتاب مشتمل است بر شرح پاره‌ئی حوادث سالهای ۶۵-۹۳۰ و از نظر آنکه طرز تفکر یکی از شاهان نامدار ایران را نشان میدهد حائز اهمیت فراوان است .

شرف‌الدین قزوینی

شرف‌الدین فضل‌اله حسینی قزوینی در حدود سال ۶۶۰ در قزوین زاده شد. او مردی شاعر پیشه و مسلط بادیب ایران و عرب بوده و در دستگاه وزیران ایلخانان مغول راه داشته و زمانی نیز در خدمت اتابک نصره‌الدین احمد لر میزیسته و در سال ۶۸۴ کتابی تاریخی بنام وی تألیف کرده است بنام **المعجم فی آثار ملوک عجم** که شامل تاریخ ایران از زمان کیومرث تا انوشیروان است. وفات شرف‌الدین در سال ۷۴۰ اتفاق افتاده است.

این کتاب نمونه دیگری از عبارت پردازی و مغلط نویسی منشیانه است و در این شیوه از تاریخ و صاف در گذشته. تاریخ معجم اول بار در ۱۲۸۵ قمری در تهران بصورت سنگی چاپ شده و پس از آن بارها در تهران و تبریز و اصفهان تجدید طبع گردیده است.

شرف‌الدین یزدی

شرف‌الدین علی یزدی از مردم یزد است که در ثلث آخر قرن هشتم تولد یافته و از تحصیلاتی ممتاز برخوردار شده است. وی شعر نیکو میسروده و بتصوف میلی داشته و بتقوی و پرهیزگاری موصوف بوده است و دوستانداران دانش و عرفان از دور و نزدیک بزیارتش میرفته‌اند. وی بهنگام امارت ابراهیم پسر شاهرخ میرزا

در سلك ندیمان وی در آمد و مورد اکرام و اعزاز فراوان قرار گرفت و بخلاف دیگران که در پیری بکنج عزالت می نشینند وی پیرانه سرترك انزوا گفت و در شیراز بخدمت ملکزاده پیوست .

شرف الدین بخواش حامی و مخدوم خویش امیر ابراهیم بنوشتن تاریخ سلسله تیموری پرداخت و تاریخ آنرا از قدیمترین ایام تا بهنگام ظهور تیمور در کتابی بنام تاریخ جهانگیری فراهم آورد و از آنپس بنوشتن وقایع جهانگیری و سلطنت تیمور پرداخت و سالهای ۲۸-۶۲۲ را در اینکار مصروف داشت ولی خود اظهار میدارد که در تدوین این تاریخ سمتی جز کتابت و منشیگری نداشته ، زیرا :

« ... حضرت صاحبقران را (یعنی تیمور) در سفر و حضر پیوسته بخشیان ایغور و دیران فرس ملازم میبودند و ... بر حسب فرمان قضا جریان ... هر چه وقوع می یافت ... قلمی میگردند و ... بکرات در مجلس عالی بسمع مبارک میرسانیدند و ... و بغیر از آن بعضی ... متصدی تدوین تاریخ آن حضرت شده و ... آنرا بنظم و نثر فارسی و ترکی ... مرتب ساخته ... بودند .

« ... مجموع نسخ مذکور ... جمع آمده بوده (در نزد شاهزاده ابراهیم) ... بخشیان ترکی دان و سخن دانان فارسی زبان هر یک نسخه از آن نسخه ها میخواندند و در هر واقعه جمعی که در گاه وقوع آن حاضر بودند اوضاع آنرا چنانکه برای العین دیده بودند عرضه میداشتند بعد ... آنچه خاطر عاظر آنحضرت بصحت و راستی آن حزم مینمودند بزبان دربار گه-ر نثار ادا فرموده نویسندگان بقید کتابت در میآوردند .»

و معلوم است تاریخی که بدین ترتیب نوشته شود تا چه حد مغرض خواهد

بود. علی الخصوص که هر صفحه وسط آن مشحون از تملق و مداهنه و عبارت پردازیست. با اینهمه از فوائد آن نیز نمیتوان صرف نظر کرد. زیرا از همین کتاب اطلاعات بسیاری درباره اقوام ترك و اویماتاتشان و انساب چنگیز و تیمور و تشکیلات اداری عصر تیمور و بسیاری مطالب دیگر بدست میآید.

ترجمه فرانسه این کتاب در سال ۱۷۲۲ باهتمام P. de La croix در Paris و یکسال بعد بدست Darby در London و متن فارسی آن اول بار در سالهای ۱۸۸۷-۸ در دو مجلد در کلکته باهتمام مولوی محمدزاهد بچاپ رسیده است ولی هم این چاپ و هم چاپ طهران فاقد فهرست اعلام و تصحیحات لازم است. ظفر نامه بزبان ترکی نیز ترجمه شده ولی از چاپ آن اطلاعی در دست نیست.

شرف الدین یکبار با تهم اغوای محمد بن بایستقر بعصیان از طرف شاهرخ بمرگ محکوم شد ولی بشفاعت میرزا عبداللطیف نوه سلطان از مرگ نجات یافت تا بسال ۸۵۸ اجل محتوم در رسید و در مدرسه شرفیه یزد مدفون گشت.

شمس الدین آملی

شمس الدین محمد بن محمود آملی از مردم آمل است که در اواخر قرن هفتم بدنیا آمده و تا بعد از سال ۷۵۳ زنده بوده است. مردی دانشمند بوده و بامر الجایتو در مدرسه سلطانیه تدریس میکرده و مذهب شیعه داشته است. وی مدتی از عمر خود را بسیاحت گذرانیده و بعضی کتب را مانند قانون ابن سینا و مختصر الاصول ابن حاجب را شرح کرده است.

اثر نفیس وی **نقایس الفنون و عرایس العیون** نام دارد که درباره هر یک از علوم متداول عصر و تاریخ و مشاهیر آن بحث نموده و آنرا بنام شاه شیخ ابواسحق

اینجو در سال ۷۴۲ تألیف کرده است . این کتاب از نظر تاریخ عمومی ، تاریخ علوم و مردم‌شناسی حائز اهمیت بسیار است .

نقایس الفنون بار اول در سال ۱۸۹۲ در بمبئی و پس از آن بارها در تهران بصورت سنگی چاپ شده است . چاپ سربی تمیزی از آن نیز بسمایه کتابخانه اسلامیہ در سال ۱۳۷۹ ق . در تهران بچاپ رسیده ، این کتاب نیز یکی از آثار مجهول‌القدر ایرانست که درخور مطالعه بسیار میباشد .

شهاوری

میرزا عبدالکریم بن علی الرضا الشریف شهاوری شیرازی در تحت حمایت و تربیت میرزا محمدصادق نامی بوده و پس از مرگ این مورخ کار او را دنبال کرده است . وی تا سال ۱۲۰۶ در خدمت لطفعلی‌خان زند بسر میبرده و پس از آن باردوی آغامحمدخان پیوسته و بهنگام سلطنت فتحعلی‌شاه بدر باروی رفته و از طرف شاه مأموریت یافته تا بهمراه میرزا محمد رضی تبریزی کتابی در تاریخ عالم بنویسد و این کتاب که زینت التواریخ نام دارد در سال ۱۲۲۶ فراهم آمده است .

از آثار شهاوری بجز **ذیل تاریخ گیتی‌گشای** که مشتمل بر حوادث تاریخ زند از سال ۱۲۰۰ تا اواسط ۱۲۰۶ هجریست کتابی هم توسط مستشرق آلمانی F. Beir در سال ۱۸۸۸ در Leyden بنام **تاریخ زندیه** چاپ شده است . ولی در آنجا نام مؤلف علی‌الرضا بن عبدالکریم ذکر گردیده است .

ذیل تاریخ گیتی‌گشای با اصل آن و ذیل میرزا محمد رضا در یکجا در سال ۱۳۱۷ ش . باهتمام استاد سعید نفیسی در طهران چاپ شده است .

شیبانی

صدیق الممالک ابراهیم بن اسداله شیبانی در سال ۱۲۵۷ در کاشان در خانواده‌ئی سرشناس بدنیا آمد. در چهارده سالگی بعزم تحصیل رهسپار اصفهان شد. در زمان حمزه میرزا حشمت الدوله در دستگاه وی راه یافت و چندی نویسنده دفتر حکومتی و کارمند کتابخانه و اسلحه خانه اصفهان گردید و از آنپس بشیراز رفت و تا سال ۱۳۱۶ متصدی مشاغل گوناگون دولتی بود. از آنپس از کار کناره گرفت و بسفر حج رفت و بطریقه نعمت‌اللهی گروید و در ملک خود در کاشان مقیم شد و در همانجا در سال ۱۳۲۷ زندگی را وداع گفت.

شیبانی کتابی بنام **منتخب التواریخ مظفری** تألیف کرده است که در سال ۱۳۲۶ ق. در طهران بصورت سنگی بچاپ رسیده. و بگفته اهل فن سه ربع کتاب عیناً و بدون جرح و تعدیل استنساخ از لب التواریخ سیفی قزوینی است و بقیه آن از ۹۴۸ تا ۱۳۲۲ مأخوذ و ملخص از تواریخ مختلفه است و این خود یکی از عجیب‌ترین سرفتهای ادبی بشمار میرود.

شیروانی

حاج زین‌العابدین بن اسکندر شیروانی در سال ۱۱۹۴ در شهر شماخی متولد شد. پدرش از اهل منبر بود و پسرش را در پنجسالگی بکربلا برد و در آنجا

مقیم شد . زین العابدین دوازده سال بتحصیل پرداخت و در ۱۷ سالگی چنانکه
خود گوید :

«..... بخدمت جمعی از اخیار رسیده ازین
صحبت آن بزرگواران معلوم شد که ورای علوم
ظاہری علوم باطنی نیز هست . از این اندیشه انقلاب
احوال بهم رسید و کار این ضعیف بسرحد پریشانی
کشید و عزم جزم نمود که بخدمت اهل تحقیق هردیار
برسد و حقیقت احوال طوایف امم بداند.....»

از این روی بغداد و از آنجا بایران سفر میکند . مازندران ، گیلان ،
آذربایجان ، قفقاز و خراسان را سیاحت میکند و از آنجا بسال ۱۲۱۱ بهرات ،
کابل ، هندوستان و سپس بکشمیر ، بدخشان ، خراسان ، فارس ، عمان ، یمن ،
حبشه و حجاز میرود و در این شهر نیز پس از ادای حج روی بعراق ، شام ، آسیای
صغیر ، ارمنستان مینهد و از راه آذربایجان بطهران میآید و دیری نمیپاید و عزم
سیاحت همدان ، اصفهان ، فارس ، کرمان میکند . مدت قریب بچهل سال از عمر
خود را در سیر و سفر میگذراند و در این سفرها بسلك دراویش میگراید و مرید
مجنوبعلیشاه از دراویش نعمت الہی میشود و پس از عمری سراسر تحقیق بسال ۱۲۵۳
در سفر حج زندگی را بدرود میگوید .

شیروانی در سال ۱۲۴۷ کتابی نوشته بنام **بستان السیاحه** که يك دائرة المعارف
کوچک محتوی شرح احوال رجال ، معرفی بلاد و اماکن و مذاهب و فرق گوناگونست
و حائز اهمیت و اعتبار فراوان میباشد .

این کتاب اول بار در سال ۱۳۱۵ ق . بطرزی مرغوب در تهران بسرمايه میرزا
علی اصغر اتابک بچاپ رسیده است .

ضرابی

میرزا عبدالرحیم بن میرزا محمد ابراهیم بن صادق ضرابی دنبلی کاشانی متخلص به سهیل در خدمت احتشام الملك حاکم وقت کاشان در کارهای دیوانی شرکت داشته و بامور اوقاف و مالیات رسیدگی میکرده است. در سال ۱۲۸۷ ق. بدرخواست احتشام الملك بنوشتن کتابی در تاریخ و جغرافیای کاشان میپردازد و در سال ۱۲۹۴ آنرا بنام **مرآت القاسان** با تمام میرساند و بنام مخدوم خود موشح میسازد. با آنکه ضرابی از طرف همشهریانش پیروی از مذهب بابمتهم بوده احتشام الملك بوی محبت میکرده و هر سال پنجاه تومان مستمری باو میپرداخته است. مرآة القاسان که بنام **تاریخ کاشان** در سال ۱۳۳۵ و از آن پس ۱۳۴۱ در طهران باهتمام ایرج افشار بچاپ رسیده کتابیست سودمند علیالخصوص که یادداشتهای خوبی از الهیار صالح و ایرج افشار بر آن افزوده شده. در این کتاب احوال جمعی از مشاهیر، آثار تاریخی و تصویر روشنی از زندگی نود سال قبل جمعی از مردم ایران - تصویریکه دست کم از هزار سال پیش بهمان صورت بود و اینک بیکباره در حال انقلاب و تغییر است - بدست داده شده.

ظل السلطان

شاهزاده مسعود میرزا ظل السلطان بن ناصر الدین شاه قاجار در سال ۱۲۶۶

در طهران متولد شده است. وی غالباً حکومت اصفهان و فارس را داشت. قدرت و نفوذ فراوان بهم رسانیده بود و بسا اوقات کوس استقلال میزد و در توطئه و دسته بندیها شرکت داشت. بشکار و مسافرت علاقه زیاد داشت ولی معلوماتش محدود بتحصیلات ابتدائی و مطالعات پراکنده بود.

ظل السلطان باغلب نقاط ایران و اروپا مسافرت کرده بود و در اواخر عمر یادداشتهایی را که محصول این مسافرتها بود بصورت کتابی تدوین و تاریخ مسعودی نام نهاد. این کتاب بزبانی ساده و بی تکلف نوشته شده و شاهزاده قاجار حکومت مشروطه را ستوده است.

... اشخاص با انصاف اگر اندکی غور کنند و به قوانین مستحسنه پارلمنت و سلطنت مشروطه را ملاحظه کنند می بینند که سلاطین مستقله و مقتدره اگر گاهگاهی خبطی و خطائی از دستشان سهواً در میروند در پیش چشم عقلا چندان گناهکار نیستند... عقلا که اسباب این اساس را ریخته اند میفهمند که این بنده چه می گویم و منظورم چه است و نکته در کجاست والا اگر تمام اشجار قلم و تمام بحار ممداد و تمام اوراق درختان قرطاس گردد از عیوبات سلطنت مستبده و نتایج آن و محسنات سلطنت مشروطه و محکمی و قوانین او و ترویج عدالت و تجارت که بآن واسطه میشود بخواهند بنویسند بحق حق از عهده بر نمی آیند ...

تاریخ مسعودی مشتمل است بر توصیف نقاط مختلف مازندان، فارس، لرستان، عراق و ذکر پاره‌ئی نکات تاریخی و جغرافیائی در باره آن نقاط، تاریخ و نسب قاجاریه، روزنامه سفر فرنگستان و مطالب متنوع دیگر بدون هیچگونه نظم و ترتیب. این کتاب در سال ۱۳۲۵ ق. تألیف و بطور سنگی چاپ شده است.

عضدالدوله

شاهزاده عضدالدوله بن فتحعلی شاه قاجار - در سال ۱۲۳۴ در طهران متولد شد. وی از آغاز جوانی بحکومت و ریاست نقاط مختلف ایران از قبیل کاشان، اردبیل، بروجرد، ملایر، همدان و سبزوار منصوب شده و چندی متولی آستانه مشهد بوده و مدتی را نیز در طهران مشاغل درباری داشته است.

عضدالدوله در سال ۱۳۰۶ ق. بدرخواست اعتماد السلطنه کتابی بنام تاریخ عضدی مینویسد که مشتمل بر شرح احوال فتحعلی شاه و زنان و فرزندان اوست.

گرچه این کتاب و این عنوان بنظر مطلبی نامطلوب میآید ولی در اصل بزعم نویسنده این سطور یکی از دو - سه کتاب مهم تاریخی مربوط بعصر قاجاریه است. مطالب کتاب بی نهایت صریح نوشته شده و برای شناسائی روابط خانوادگی، تفریحات، اعیاد و حتی عقائد عامه در عصر خود بی همانند است و چند سطر از آن بر سبیل قرعه فید میشود :

«... بعد از صرف آتش در خدمت حضرت خاقان مشغول بقمار میشدند. در این قمار الله یار خان آصف الدوله منوچهر خان معتمدالدوله و سپهدار حاضر بودند. برد و باخت زیاد میشد. روزهای برف هم اگر شکار نمی رفتند مجلس قمار فراهم بود. شبها هم همیشه

اسباب قمار در کار بود؛ جز شب جمعه که تمام شاهزادگان در حضور خاقان می نشستند. ظل السلطان دعای کمیل را بلند میخواند و همگی با او میخواندند و بعد از صرف شام مرخص میشدند. هر وقت میل بقمار نمی فرمودند شاهزادگان را مرخص مینمودند؛ خودشان بیشتر بخواندن تاریخ مشغول بودند....»

تاریخ عضدی در سال ۱۳۰۶ ق. در بمبئی چاپ شده است.

غفاری

قاضی احمد بن محمد بن نجم الدین عبدالغفار غفاری (قفاری) قزوینی در اوائل قرن دهم در ری متولد شده. پدرش مردی ادب دوست و شاعر و قاضی ری بود و وصالی تخلص میکرد و این دو بیت مشهور را برای زیباپسری صادق نام که در حوضش افکنده و دستش شکسته گفته است:

« بعشق صادق اگر دست من شکست چه باک
هر آنکه عاشق صادق بود چنین باشد
پی ثبوت مرا احتیاج بیند نیست
گواه عاشق صادق در آستین باشد »

وصالی و برادرش یعنی عموی قاضی احمد در شورش سران سپاه صفوی در سال ۹۳۱ کشته میشوند.

باری احمد نیز پس از پدر چندی بر مسند قضا نشسته و باسام میرزا صفوی فرزند شاه اسمعیل سخت محشور بوده است . وی پس از چندی از کار قضا دست می‌شوید و از خدمت دولت توبه میکند و بسفر حج میرود و در بازگشت در سال ۹۵۹ در بندر دیبول هندوستان مقیم و کتابی محتوی حکایات تاریخی بنام نگارستان تألیف میکند که خالی از فوائد تاریخی نیست . کتاب دیگر وی تاریخ جهان آرا نام دارد که محتوی خلاصه‌ئی از تاریخ ایران باستان - یمن - کلدان و آشور - یونان و روم و تاریخ عهد اسلامی ایران و دیگر کشورهای اسلامی است . این کتاب خالی از اطناب و در مواردیکه بعصر مؤلف نزدیک میباشد مستند است .

تاریخ اتمام کتاب سال ۹۷۲ است و مؤلف حوادث را تا آنسال دنبال کرده وفات غفاری را در سال ۹۷۵ در دیبول نوشته‌اند.

اینست نمونه‌ئی از کتاب :

« امیر شیخ ابواسحق بن محمود شاه بحکم برادرش مسعود شاه با لشکری متوجه تسخیر شبانکاره بود . در آن اثناء خبر برادر شنیده بشیراز عود نمود و یاغی باستی را از آنجا اخراج و سکه و خطبه بنام خود کرده و در ایام حکومت با امیر مبارزالدین محمد مظفر نزاع کرده آخر در جمعه بیست و یکم جمادی الاولی سنه ثمان و خمسین و سبعمائه در میدان سعادت شیراز که از منشآت خودش بود بحکم امیر مبارز - الدین بقتل رسید و او بنایت عشرت دوست و کریم بود. »

نگارستان اول بار در سال ۱۸۵۰ م. در کلکته و اخیراً با تعلیقات و حواشی و اضافات خنده آور مرتضی گیلانی در طهران چاپ شده . تاریخ جهان آرا نیز در سال ۱۳۴۴ ش. با هتمام سید ابوالقاسم مرعشی مدیر کتابفروشی حافظ بصورت آبرومندی بطبع رسیده است .

فرشته

حکیم محمد قاسم بن غلامعلی استرآبادی معروف به هندشاه متخلص به فرشته در حدود سال ۹۶۰ در استرآباد متولد شد و در جوانی به همراه پدر به هندوستان رفت و چندی در احمدنگر مقیم بود. در سال ۹۹۸ به بیجاپور رفت و بدربار سلطان ابراهیم از امراء عادلشاهی راه یافت و در خدمت وی بنوشتن کتاب مفصلی در تاریخ هند پرداخت که مشتمل بر يك مقدمه و ۱۲ مقاله و يك خاتمه است و برای نوشتن آن از تواریخ متقدمین ایران و هند از جمله زین الاخبار، سراج التواریخ، طبقات ناصری، تاریخ الفی، تاج المآثر، حبیب السیر و تاریخ نظام الدین احمد بخشی استفاده کرده و آنرا در سال ۱۰۱۵ بنام مخدوم خود سلطان ابراهیم دوم گلشن ابراهیمی نام نهاده و به تاریخ فرشته معروف شده است.

فرشته طبیب بوده و کتابی نیز در طب بنام **دستورالاطباء** فرشته دارد که بچاپ رسیده است. وی تا سال ۱۰۲۳ زنده بوده و از آن پس از وی خبری در دست نیست. گلشن ابراهیمی بارها بچاپ رسید که نخستین آن در دو مجلد بزرگ به صورت سنگی در بمبئی بسال ۱۸۳۲ بوده است. ترجمه انگلیسی این کتاب ربط جمس بر کس J. Barks در سال ۱۸۹۸ در London چاپ شده.

این کتاب نه تنها برای وقوف بتاریخ سرزمین پهناور هند راهنمایی گرانبهاست بلکه در موارد بسیار محتوی ذکر حوادثی است که با تاریخ ایران مستقیماً مربوط است. بعلاوه در آن شرح احوال جمعی از علما، شعرا و بزرگان ترجمه شده.

فرصت شیرازی

از نقش و نگار در و دیوار شکسته
پیدا است صنا دید بزرگان عجم را

سید میرزا محمد نصیر حسینی شیرازی ملقب به میرزا آقا متخلص بفرصت
معروف به میرزا فرصت بن میرزا جعفر بهجت بن میرزا کاظم

گوینده این شعر فرصت شیرازی عالمی جامع بود و پدرانش همه منسوب به علم و ادب و فضل، وی علاوه بر حساب و هیئت و منطق و اسطرلاب و هندسه و نحو از شاعری و نقاشی نیز بهره وافعی داشت و از علم موسیقی اطلاع کافی. از آثار اوست بحورالالجان در علم موسیقی، اشکال المیزان در معانی و بیان، دریای کبیر در علوم مختلفه و بجز اینها دیوان اشعار، شطرنجیه و مثنوی هجرنامه نیز از فرصت بجای مانده است.

فرصت در سال ۱۳۱۰ ق. پس از مسافرت بنقاط مختلف فارس کتابی نوشت که به آثار عجم موسوم است. فرصت از تمام ابنیه و آثار باستانی فارس نقشه برداری کرده و مشخصات هندسی آنها را ذکر نموده، فهرستی از آثار باستانی نقاط دیگر ایران بدست داده همچنین ترجمه کتیبه‌های تخت جمشید و ضمناً شرح احوال رجال و اکابر فارس و جغرافیای آن سامان، بازارها، تکایا، مساجد، امامزاده‌ها، قنوات و میاه و غیره، و در پایان کتاب فهرستی از حکمرانان فارس بتقل از کتاب Cont de Gobineu را فراهم آورده است. اینست نمونه‌ئی از شوق و تلاش وی:

«... در تخت جمشید هر چه شاهی که بانی عمارتی بوده نام خود را بر سنگ نگاشته مثل داریوس و زرکزیس و غیرهما . این فقیر مؤلف پس از آنکه خطوط منقوشه بر احجار تخت جمشید را از کتاب شپیگل حکیم . و غیر آن دریافتم نام آن سلاطین نامعلوم بود و ندانستم داریوس کیست و زرکزیس کدام چندی در این خیال بودم . مراجعه ببعض از کتب تواریخ مینمودم از جمله ناسخ التواریخ که در آن نامی از آن سلاطین برده نشده مگر دو نفر داریوش نام که بجای سین دهمله شین معجمه است و آنها را فرمانروای بابل دانسته . از آنهام مجهول ما معاوم نگشت و مشکل ما حل نگردید تا از عنایات یزدانی و اتفاقات آسمانی شخصی از اهالی روس در شیراز سیاحت آمده در نیمفرسنگی شهر در باغی مسکن گزیده چند روزی توقف نموده از بعضی استماع رفت که علم تاریخ سلاطین قدیمه را نیکو میداند و بعض کتب معتبره در این علم را همراه دارد . فقیر بدست آویزی پای بمحضرش نهاده طرح الفتی بمیان آورده کتبش را سیر نموده از آنجمله کتابی یافتم بخط روسی که از زبان پهلوی و یونانی و غیرهما ترجمه کرده بودند و اسامی سلاطین عجم را که در زمان خودشان چه نام داشته‌اند و یونانی چه نام و پهلوی و غیره چه نام همه را نوشته بودند . ترجمه آنها را ملتمس شدم . مسئولم مقرون باحابت گردید و متصووم حاصل آمد ...»

آثار عجم که نوشتن آن در سال ۱۳۱۲ ق. پایان رسیده بنام حسینقلی خان حسام السلطنه حاکم وقت فارس موشح است و دو سال بعد از تألیف در سال ۱۳۱۴ ق. در بمبئی بچاپ رسیده .

این کتاب دارای تصاویر متعدد، فهرست مطالب، فهرست اعلام و غلطنامه است و این نخستین کتاب چاپ ایرانیان است که فهرست اعلام دارد و شگفت آنکه پس از هفتاد سال بسیاری از کتب تاریخی چاپ ایران از این حسن و واجب بی بهره میباشند.

فرصت در سال ۱۳۳۸ ق. در گذشته است.

فصیح خوافی

فصیح‌الدین احمد بن جلال‌الدین محمد فصیح خوافی در سال ۷۷۷ در هرات تولد یافت و تحصیلات خود را نیز در همانجا پایان برد و در خدمت امیر شاعرخ گورکانی در آمد و مدتی طولانی در دربار شاه‌فرخ و بایسنقر بعمل استیفاء اشتغال داشت. وی نیز مانند بسیاری از مردان لایق درباری که در مقابل اغراض و مطامع ملکه‌ها و زنان حرم تسلیم نشده‌اند مقام خود را بر اثر عدم رضایت گوهرشاد آغا در سال ۸۴۵ از دست داد و از آن پس از زندگی وی خبری در دست نیست.

تاریخ فصیح خوافی بنام **مجمل فصیحی** از متون موثق تاریخی است که حوادث را از سال اول هجری تا سال ۸۴۵ سال بسال نگاشته است و علی‌الخصوص در باره زندگی شعرا و علماء ایران اطلاعات قابل توجهی بدست میدهد. جملات محکم و ساده و خیلی کوتاه است چندانکه گاه فهم آنها مشکل میشود.

مجمل فصیحی در سالهای ۴۱-۱۳۴۰ ش. در سه مجلد باهتمام محمود فرخ در مشهد چاپ شده است.

فضل اله بن روزبهان

فضل اله بن روزبهان بن فضل اله الامین ابوالخیر خنجی در حدود سال ۸۶۰ در شیراز بدنیا آمد و دوبار در ۱۸ و ۲۵ سالگی حج بجای آورد و بمصر رفت و بتحصیل علوم دینی و فقه و اصول پرداخت و یکی از علماء متسنن زمان محسوب شد. وی در سال ۸۹۲ بخدمت سلطان یعقوب آق قویونلو پیوست و در مدت چهار سال شرح حوادث ایام سلطنت وی را در کتابی بنام **عالم آرای امینی** فراهم آورد. در این سال یعنی ۸۹۶ سلطان یعقوب در گذشت و پسر خردسالش وارث سلطنت شد ولی دولتش مستعجل بود و دیری نپائید که سلسله آق قویونلو بدست شاه اسمعیل از میان رفت.

عالم آرای امینی که ترجمه خلاصه‌ئی از آن بانگلیسی توسط W. Minorsky در سال ۱۹۵۸ در London چاپ شده کتابیست عظیم‌الفایده که در آن حسب و نسب صفویه قبل از آنکه شاه اسمعیل ظهور کند بنابر واقعیت نوشته شده و نکات تاریخی بسیاری را در مورد تاریخ این دوره و سلسله آق قویونلو حائز است. پس از ظهور شاه اسمعیل شیعی مذهب با آنچه فضل اله نوشته بود به ایش چاره‌ئی جز آن نبود که از تیررس وی بگریزد و او نیز همین کار را کرد و روی بدر بار محمدخان شیبانی امیر ترکستان نهاد و در خوارزم رحل اقامت افکند و تا سال ۹۱۶ در سفر و حضر با وی بود و مورد اکرام و احترام بسیار امیر قرار میگرفت. در این هنگام حامی وی بدست شاه اسمعیل کشته شد.

دو سال پس از آن بنزد عبیداله خان شیبانی برادر زاده امیر مقتول رفت و تا

سال ۹۲۷ در آنجا بود تا مرگش در رسید .

فضل‌اله علاوه بر عالم آرا تألیفات دیگر نیز دارد که از آن جمله است
مهمان نامه بخارا که متضمن تاریخ امراء شیبانی و سفرهای مؤلف و حائز
فوائد تاریخی است و در سال ۱۳۴۱ ش. باهتمام د کتر منوچهر ستوده از طرف
بنگاه ترجمه و نشر کتاب در طهران بچاپ رسیده است . فضل‌اله قصه حی بن
یقضان را بفارسی ترجمه کرده و کتابی بنام سلوک الملوك در آداب مملکتداری برای
امیر عبیداله شیبانی تألیف کرده است .

فومنی

عبدالفتاح فومنی از مردم گیلان است که در اواخر قرن دهم و اوائل
قرن یازدهم میزیسته و در خدمت حکام گیلان بامور محاسبات اشتغال داشته است .
وی چندی بر اثر بروز فتنه و شورش از دیار خود می گریزد ولی پس از سال ۱۰۳۸
به خانمان خود باز می گردد و به امور فلاحت می پردازد و در سنین کسولت
و ایام بی کاری به نوشتن تاریخ سرزمین خود در عهد صفویه می پردازد چنانکه خود
گوید :

« اما بعد بر ضمیر اکسرت تأثیر ارباب خبیرت واصحاب
بصیرت پوشیده نماند که در این پنجاه سال که مملکت
معموره دارالمرز بتصرف سلاطین اسحقیه درآمده
فترات و انقلابات و هجوم و ازدحام عوام کالانعام بل
هماضل سبیلا مثل فتور غریب شاه مشاهده نشده بود .
این فقیر بی بضاعت عبدالفتاح فومنی را که به گوشه

دهقان بغزلت و انقطاع بسر میبرد بخاطر فاطر خطور نمود که قضیه مذکوره را بنوعی که سانح شده بود تدوین نماید . چون واقعات مذکوره حسب الواقع بتحریر واقع نشده بود بفکر آن افتاد که شمهائی از حالات ملوک و سلاطین مازندران و کسگر و آستارا و لنگرکنان که در عصر و زمان تسلط و استیلای سلاطین صفویه بوقوع رسیده بیان سازد تا معلوم شود که چگونه انقراض دولت ایشان شده و حرام نمکی مردم گیلان ... ،

این کتاب از ذکر ازدواج امیره دجاج با خیر النساء بیگم خواهر شاه اسمعیل صفوی بسال ۹۲۳ آغاز و بورود ساروخان وزیر شاه صفی بگیلان بسال ۱۰۳۸ پایان می یابد .

تاریخ گیلان بار اول در سال ۱۸۵۸ باهتمام Dorn و با حواشی و تصحیحات آخوند ملامحمد جعفر اهری در Petersburg چاپ شده است .

کاتب یزدی

احمد بن حسین بن علی کاتب طاهری یزدی . از مورخین قرون نهم است که در یزد متولد شده و بخدمت امیر جهانشاه قره قویونلو که از سال ۸۴۱ تا ۸۷۲ در عراق و آذربایجان حکومت داشته بیوسته و سمت کتابت داشته است . کاتب یزدی در سال ۸۶۱ کتابی در بده تاریخ زاد گاه خود تألیف کرده که به تاریخ جدید یزد موسوم است و آنرا بمخدوم خود امیر جهانشاه تقدیم داشته است . تاریخ جدید یزد در سال ۱۳۱۷ ش . در یزد بچاپ رسیده است .

کمال منجم

ملاکمال بن ملاجلال منجم یزدی در اوائل قرن یازدهم متولد شده است. نخستین بار او را در سال ۱۰۴۱ می بینیم که بعنوان منجم همراه سپهسالار بگرجستان می رود .

ملاکمال و پدر و برادرش که طیب و منجم بوده اند همه تا سال ۱۰۶۳ مصدر خدمات دولتی بوده اند و خود ملاکمال اقلاً از ۱۰۴۱ تا ۱۰۶۴ یعنی ۲۳ سال از نزدیک در جریان حوادث بوده و در لشکر کشیها شرکت داشته است و با احتمال در همان سال بدرود زندگی گفته است چرا که تاریخش ناتمام و فاقد خاتمه میباشد و اینست وقایع آخرین سال تاریخ وی . از وی پسری بنام جلال مانده که او نیز منجم و مورخ بوده و کتابی در تاریخ شاه عباس نوشته که چاپ نشده است.

« ... در روز بیست و یکم شهر محرم سنه ۱۰۶۴ داخل بلده طینه اشرف شدند. روز جمعه ۲۶ شهر صفر نواب اعلی در دیوانخانه نشسته جمعی که از قلعه قندهار بیرون آمده بودند از نظر اشرف گذشته فراخور خدمت و جانسپاری بموجب تصدیقاتیکه از ذوالفقارخان هر يك در دست داشتند بانعام و زیادتی مرسوم سرافراز گردیدند . »

بزعم راقم این سطور تاریخ ملا کمال یکی از تواریخ خوب دوره صفویہ می باشد که علی الخصوص از نظر تاریخ عصر شاه صفی و شاه عباس دوم فایده بسیار دارد .

تاریخ ملا کمال با کتابی بنام خلاصۃ التواریخ در یکجا بسال ۱۳۳۴ ش. باهتمام ابراهیم دهگان در اراک چاپ شده است و متأسفانه مانند اغلب کتاب های چاپ ایران فهرست اعلام ندارد و از غلط چاپی و غیر آن بی بهره نیست .

کلانتر

میرزا محمد بن میرزا ابوالقاسم بن محمد قاسم کلانتر شیرازی در سال ۱۱۳۲

در شیراز متولد شد و در دهسالگی پدرش را از دست داد و در تحت سرپرستی خالش میرزا محمد حسین متولی شاه چراغ بار آمد . در سال ۱۱۶۰ میرزا محمد حسین از طرف نادرشاه کلانتر فارس شد و بصاحب اختیار ملقب گشت .

در سال ۱۱۷۰ در زمان ورود کریم خان زند به شیراز میرزا محمد حسین در گذشت و کریم خان مقام وی را به میرزا محمد وا گذاشت و تا سال ۱۱۹۳ در همین مقام باقی بود تا کریم خان در گذشت . سه سال بعد در سال ۱۱۹۶ دوباره از طرف علیمرادخان بمقام سابق منصوب شد و در سال ۱۱۹۸ بهمراه وی به حنک آغا محمدخان قاجار رفت و چون در این هنگام علی مرادخان از پی در آمد و میرزا محمد در اصفهان بماند . آغا محمدخان باصفهان آمد و چون اورا میشناخت باخود به طهران برد .

میرزا محمد در سال ۱۲۰۰ در طهران شرح حوادث زندگی خود را بسادگی

و بی هیچ تکلفی نوشت و چون از اینکار فارغ شد در همان سال در گذشت . کتاب
وی با آنکه بظاهر حسب حالی بیش نیست تاریخ مجسم سالهای ۱۱۹۹ - ۱۱۴۲
بشمار میرود :

« ... یکسال قبل از فوت وکیل طاب ثراه عادت
را تغییر داده بارتکاب امور چند میپرداخت که شایان
شان او نبود . تا آن روز ندیده بودیم که از او این
قسم امور سر بزنند . نظر با آنکه بممالکی که متصرف
بود قناعت کرده دیگر زیاده روی منظور نداشت و از
شیراز مادام حیات حرکت نمیکرد . اولاً تسخیر
بصره را بدون جهت پیشنهاد خاطر ساخته مبلغها
ضرر بخود و از بابت عراق و فارس از تعیین ملازم
و جزایری و تدارک قشون رسیده آن خود سهل است
تخمیناً بقدر ده هزار نفر کشته شدند و مطلق فایده
نداشت و بالاخره از حزن و اندوه و غم و غصه بصره
جان خود را باخت . و دیگر بدون جهت و سبب
محمد ققنس را انبایدار کرد و مقداری جنس را آن
قرمساق خورد و غرامت آنرا کلا از مردم گرفت .
هر چند اشراری که ادعای سلطنت میکنند صد مقابل
اینرا هر روز مباشر میشوند با وجودی که رؤیت آدم
ندارند ؛ از وکیل که دیناری و حبهئی ندیدیم که
بی حساب از کبسی گرفته باشد بعید بود و تغییر خلق
داده با وجود اساس بیقیاس و ابهت و شوکت و سلطنت
بقدر یکدانه زیاد و کم خرج یومیه مضایقه از قتل چند
نفر نداشت ... »

این کتاب بنام روزنامه میرزا محمد کلانتر فارس در سال ۱۳۲۵ ش .
باهتمام عباس اقبال در جزء انتشارات مجله یادگار در طهران چاپ شده است .

گلستانه

ابوالحسن بن محمد امین بن کمال الدین بن علاءالدین محمد گلستانه از سادات اصفهانست . خانواده وی از چند قرن پیش بفضل و علم و هنر معروف بوده و چند تن نویسنده و محقق از میان آنان برخاسته است .

گلستانه در جوانی در خدمت عم خود میرزا محمد تقی و کیل الدوله بوده و هنگامی که وی از طرف ابراهیم شاه افشار بحکومت کرمانشاه منصوب شده در معیت وی بکرمانشاه رفته است . هنگام ورود کریمخان بحوالی کرمانشاه وی نیز باستقبال رفته و باردوی کریمخان پیوسته و چون عمویش و کیل الدوله از تسلیم قلعه کرمانشاه بکریمخان خودداری می کرده میرزا ابوالحسن مورد سوءظن قرار گرفته و به جاسوسی متهم و تحت مؤاخذه قرار گرفته و پس از چند روز تبرئه شده است .

گلستانه چندی بعد از طرف و کیل الدوله بشفاعت بنزد کریمخان رفته و موفق شده نظر موافق سردار زند را نسبت به عموی خود جلب کند .

گلستانه پس از مرگ عمویش بعلتی نامعلوم بههندوستان افتاد و در آنجا بسختی روزگار میگذرانیده و در سال ۱۱۹۵ بخواش برادرش بنوشتن تاریخ ایام بعد از نادرشاه پرداخته است .

این کتاب که بین سالهای ۶ - ۱۱۹۵ تدوین شده مجمل التواریخ بعد

نادریه نام دارد . قسمتی از **مجمَل التواریخ** را اول بار **oskarmann** مستشرق آلمانی در سال ۱۸۹۱ در **Leyden** چاپ کرده و قسمت دیگر آن در سال ۱۳۲۰ در طهران باهتمام مدرس رضوی بچاپ رسیده است. این کتاب باردیگر اخیراً باهتمام مدرس رضوی با مقدمه ، حواشی ، تعلیقات لازم و فهرستها اخیراً از طرف کتابخانه ابن سینا در طهران منتشر شده است .

لاهیجی

علی بن شمس الدین بن حاج حسین لاهیجی در خدمت سلطان احمدخان امیر گیلان بسر میبرده و در سال ۹۲۱ بدستوروی ذیلی بر تاریخ ظهیر الدین مینویسد که مشتمل بر حوادث سالهای ۸۸۰ تا ۹۲۰ است و عبدالفتاح فومنی دنباله آنرا از ۹۲۳ تا ۱۰۳۸ نگاشته ، لاهیجی درباره کتاب خود چنین میگوید :

« ... نکتهئی از این کتاب و سطری از این تألیف بی اطلاع و رخصت نواب همایون محرر و مکتوب نشده و در سلك انتظام در نیامده . مبالغهئی که حضرت سلاطین پناه را بسرعت اتمام این مجلهها بوده در بیلاق و قشلاق و تلال و دهاد بنده خاکسار را از رکاب فلك قدر جدا نمیکذاشت و در سایه همای همایون جامیداد و حوصله آرزو را از اطعمه مطبخ عنایات معمور و آبادان میداشت و زمان اهمال و احمال در انشاء فصول بغایت مضیق میفرمود :

چنانچه انشاء غایت مافی‌الباب به سه روز با تمام

میرسید ... »

لاهیجی کتاب را در ۹۲۲ با تمام رسانیده و بافتخار مخدوم خود تاریخ‌خانی نامیده است . تاریخ‌خانی در سال ۱۸۵۷ باهتمام B. Dorn در Petersburg بچاپ رسیده است . در اینجا جسارت کرده از علماء تاریخ که در لهجه طبری و گیلکی صاحب وقوف هستند دعوت مینماید همت فرموده تمام این تواریخ را از قبیل تاریخ ابن اسفندیار - تاریخ ظهیرالدین - تاریخ اولیاءالله - تاریخ‌خانی - تاریخ گیلان فومنی - التدوین اعتمادالسلطنه بصورتی انتقادی و جامع بچاپ رسانند تا اهل تحقیق را بکار آید .

مجدی

مجدالدین محمد ابن ابیطالب حسینی حائری متخلص به مجدی از سادات حسینی است که در اواخر قرن دهم و اوائل قرن یازدهم میزیسته است . از شرح احوال وی نه در کتابش و نه در تذکره‌ها و تواریخ چیزی قابل توجیهی بدست نیامد .

مجدی کتابی دارد بنام زینة المجالس که مجموعه‌ای از حکایات تاریخی ، افسانه‌ها ، تاریخ و جغرافیاست که آن را از جوامع الحکایات ، فرج بعدالشدة ، عجائب المخلوقات ، نزهة القلوب ، روضة الصفا و سایر مآخذ جمع آوری و گاه

خود نیز مطالبی جزئی بر آن افزوده است . از اینرو سبک کتاب متنوع است و انشاء آن یکدست نیست . اینست توصیف او از طهران :

« ... آب و هوای طهران از سایر ولایات ری بهتر است . در قدیم قصبه‌ئی بوده و حضرت پادشاه مؤید منصور مغفور در عمارت آن کوشیده بر او باروئی بر کشید که تخمیناً دورش يك فرسخ باشد و اکنون معمور و آبادان است و از ارتفاعاتش غله و میوه نیکو می‌آید و از آن جمله خربزه و انگور و انجیر او بغایت لطیف می‌باشد ؛ اما خورنده میوه‌های آن از تب و لرز خلاص نگردد ... »

و اینهم قسمتی از تاریخ اوست در شرح سلطنت شاه طهماسب اول که عیناً از لب‌التواریخ برداشته است :

« ... اهتمام و قدغن آن حضرت در متابعت فرمان الهی بتخصیص در قلع و قمع مناهی و ملاحی بمرتبه‌ئی بود که در ممالک محروسه هیچکس را یارای آن نبود که نام مسکرات بر زبان تواند برد . شراب چون کبریت احمر در عالم مفقود و صهبا مانند کیمیا ناموجود .

رسم می‌خوردن چنان برداشت نهیش کاختران
نیمشب بر روی گردون سر نگون دارند طاس ... »

وی کتاب دیگری نیز بنام قبلة‌المجالس در مقتل امام حسین نوشته است که

دیده نشد .

زینةالمجالس از سال ۱۲۶۲ ق. بعد بکرات در طهران بصورت سنگی و
اخیراً نیز بصورت سربی چاپ شده ولی همه چاپها مغلوط و فاقد فهرست اعلام است.

محمد رضا

میرزا محمد رضای شیرازی از شرح احوال وی چیزی در دست نیست جز
اینکه از مردم شیراز و با احتمال از شاگردان میرزا محمد صادق نامی بوده است .
وی ذیلی بر تاریخ گیتی گشای نوشته که مشتمل بر حوادث نیمه سال ۱۲۰۶ تا پایان
کار لطفعلی خان زند است .

این ذیل بر خلاف اصل انشائی نسبتاً ساده و روشن و در عین حال گیرا دارد
و شگفت آنکه در آن ایام و انفسا و رواج خدعه و ریا این مرد، دلاورزند را بمر دانگی
و لیاقت ستوده و در مرگ او قطعه‌ئی دارد بدین شرح :

.... چراغ کیان کشته ایکاش من
مرگش چراغ سخن کشتمی
گرم دست رفتی بشمشیر صبح
احل را بدست زمن کشتمی
سلیمان جو شد کشته اهرمن
مدد بایدم اهرمن کشتمی
جوشیرین همی خویشتن را بتیغ
پس از خسرو تیغ زن کشتمی
اگر با حقوقش وفا کردمی
به هجران او خویشتن کشتمی

میرزا محمد رضا تا سال ۱۲۱۹ زنده بوده ولی پس از آن از وی خبری

نداریم .

ذیل میرزا محمد رضا با تاریخ گیتی گشای و ذیل میرزا عبدالکریم در سال

۱۳۱۷ ش. باهتمام استاد سعید نفیسی در طهران چاپ شده است .

محمد کاظم

محمد کاظم وزیر مروی آنچه از احوال وی بدست میآید مأخوذ از کتاب

اوست و بیش از اشارتی چند نیست مختصر آنکه در سال ۱۱۳۰ متولد شده . پدرش

از مردم مرو بوده و در خدمت ابراهیم برادر نادرشاه بسر میبرده و محمد کاظم نیز

در کودکی در مشهد بتحصیل اشتغال داشته است و خیلی زود یعنی از هیجده یا

نوزده سالگی مانند پدر داخل کارهای دیوانی می شود و به مأموریت های مختلف

اعزام میگردد .

محمد کاظم درسی سالگی بدان هنگام که وزارت مرو را بعهده داشته نوشتن کتاب

بزرگی را در باره زندگانی خود آغاز میکند و مجلد اول آن که **عالم آرای نادری**

نام دارد در ۱۱۶۰ و مجلد دوم بنام **کتاب نادری** و مجلد سوم بنام **نادر نامه** پس

از آن برشته تحریر در آمده است و گویا مؤلف در نظر داشته کتابی بنام **ملوک الطوائف**

بنویسد که معلوم نیست موفق شده باشد .

عالم آرای نادری کتابیست مفصل که گاه سیاق کلام آن به کتاب امیر ارسلان
 و هزار و یکشب نزدیک است و مؤلف مرو کم سواد ساده دلی بوده که هر چه را دیده و
 شنیده در کمال بیطرفی نوشته و آن چنان آئینه روشنی از دوران زندگانی خویش
 بدست داده که گاه بیک پرده نقاشی شباهت دارد :

« ... اعلی حضرت صاحبقران با خوانین و امراء ایران
 وارد چهارباغ شاهی اصفهان شده در ساعت که منجمان
 پسندیده بودند بخواجهگان حرم مقرر فرمود که آن
 شاهزاده کامکار بر گشته روزگار را در گهواره زرنگار
 خوابانیده بیرون آوردند و بندگان صاحبقران با جمعی
 از سرداران عراق و آذربایجان پایه های آن گهواره
 را گرفته در میان عمارات در بالای تخت مرصع عباسی
 گذاشتند و سازندگان و نوازندگان مجلس چون
 ارم ذات العمد برقرار نمودند و جمیع خوانین
 و سرکردگان سپاه بخلاف فاخره معزز ساخته کرسی
 خوشدلی و نشاط بنوازش در آوردند و در آن روز
 فرح اندوز که شهر ربیع الاول سنه خمس و اربعین و
 مائه بعدالالف من الهجرة النبویه بود سکه و خطبه
 بنام نامی و اسم سامی اش مزین نموده شاه عباس ثالث
 در سکه زدند و در اینوقت آن طفل در گهواره بگریه
 درآمد . نواب صاحبقران با امراء و اعیان خطاب
 فرمود که « آیدرک مینمائید که شاهزاده حیرا سر بنویس
 و زاری بر آورده ؟ » عرض نمودند که « نواب صاحب
 قران که مظهر عنایت الهی و سر اوار تحت شاهنشاهی
 است بهتر میدانند بعد از آن فرمود که « شاهزاده
 میفرمایند که طایفه افغانه قندهار و خونگار روم
 اسکندر اساس را میخواهم و این عقیدت شمار در
 حضور همگی خوانین و این شهریار ممالک ایران

تعهد نمودم که بتوفیق احد لایزال بنحوی که مقرر
میفرماید که خوانگار روم و حسین شاه افغان و محمد
شاه هندوستان و ابوالفیض خان پادشاه توران را
پالهنک در گردن انداخته بدربار عظمت مدارش حاضر
نمایم .»

دو مجلد از عالم آرای نادری در سال‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۶۴ توسط
N. D. Miklokhomaklay در Moskov تحت نظر فرهنگستان علوم
شوروی بصورت عکسی منتشر شده است . متأسفانه چنین بنظر میرسد که آقای
ماکلای و دیگر متصدیان امر هیچ کدام تجربه و علاقه چندانی باین کار نداشته و
المأمور معذور بوده‌اند ، صنجات نسخه خطی کتاب در چندجا افتادگی داشته و در
چند جای دیگر مقدم و مؤخر صحافی شده بوده و مصحح توجهی بدان نکرده . در
تاریخ تولد نویسنده دچار اشتباه شده و فهرست اعلام ناقص و نامنظم است ، راقم
سطور چهار بار برای ترجمه تنها مقدمه کتاب که بزبان روسی است بانجمن روابط
فرهنگی ایران و شوروی مراجعه کرد و با آقای Shoytov صاحب‌منصب روسی
آنجا ملاقات کرد ولی نه تنها در این کار توفیقی حاصل ننمود بلکه تلویحاً بوی
فرماندند که: « آقای ماکلای آدم مهمی است و نه توونه من حق اعتراض باور انداریم .»
آنچه مایه تأسف است اینست که متأسفانه این نقائص در چاپ دوم کتاب نیز همچنان
و تماماً بجای خود باقیست .

مرعشی

سید ظہرالدین بن نصیرالدین بن کمالالدین بن قوامالدین مرعشی

در سال ۸۱۷ در ساری متولد شد . پدرانہش ہمہ از بزرگان و گردنکشان مازندران بودہ اند و او خود نیز در ماجراجوئی خلف صدقی بودہ و در حدود ۸۴۰ با نوبہ سید محمد بن سید مرتضی کہ حکمران ساری بود بستیزہ پرداخت و چند بار در میانہان جنگ در گرفت . لیکن سید ظہیرالدین کاری از پیش نبرد و مغلوب و محروم بگیلان بازگشت و پس از چندی از طرف کار کیا سلطان محمد بامارت سیاکلہ رود منصوب شد .

از سال ۸۶۱ تا ۸۸۰ بارہا بسرداری سپاہیان کار کیا انتخاب و مأمور لشکر کشی بقزوین و طارم و خلخال و اردبیل میشود . وفات سید ظہیرالدین بعد از سال ۸۹۴ اتفاق افتادہ و شاید بتوان گفت وی قرن نہم را بپایان بردہ است .

سید ظہیرالدین دو کتاب دارد یکی بنام **تاریخ طبرستان** و دیگری بنام **تاریخ گیلان** کہ اولی تا حوادث سال ۸۸۱ و دومی تا ۸۹۴ را شامل است . منابع اصلی و مطالب عمدہ آثار وی منقول و مأخوذ از تاریخ ابن اسفندیار ، اولیاء اللہ آملی و علی بن جمال الدین رویانی است .

قسمت مهم و قابل توجہ این کتاب دو فصل آخر آن است کہ شرح مبارزات و حکومت ملک کیومرث رستم داری و اخلاف او و شرح خروج جد مؤلف قوام الدین مرعشی و فرزندان اوست .

مرعشی را می توان مورخی منصف و امین دانست و این بزرگترین امتیاز اوست .

آثار سید ظہیر الدین بنام تاریخ طبرستان و رویان و مازندران اول بار با تحقیقات و مقدمہ Dorne در پطرسبورگ (لنین گراد کنونی) در سال ۱۸۵۰ میلادی و بار دیگر در سال ۱۳۳۳ توسط عباس شایان در تهران بہ چاپ رسیدہ است. یکبار دیگر نیز تاریخ گیلان و دیلمستان در سال ۱۳۳۰ شمسی در رشت چاپ شدہ است .

مرعشی

میرزا محمد خلیل بن میرزا داود بن میرزا سید محمد مرعشی جد وی سید محمد مرعشی پس از مرگ نادرشاه در سال ۱۱۶۳ در مشهد تاجگذاری کرد و خود را شاه سلیمان ثانی نامید. لیکن دولتش چہل روز بیش نپائید و دستگیر و کور شد. پس از این واقعه وی از ترس دشمنان ہر دو پسر بزرگش میرزا داود و برادرش راروانہ عراق کرد و آنان چندی در آنجا بماندند و پس از مدتی عازم ہندوستان شدند . در سال ۱۱۹۲ میرزا داود پسرش محمد خلیل را نیز از اصفہان خواست و میرزا محمد خلیل بہ بنگالہ رفت و در ۱۲۰۷ در همان جا کتابی بنام منتخب التواریخ نوشت و تا حدود سال ۱۱۲۰ کہ مقارن با تاریخ وفات اوست در همانجا مقیم بود .

منتخب التواریخ مشتمل بر شرح حوادث ہشتاد و ہفت سال یعنی ۱۲۰۷ - ۱۱۲۰ است کہ در سال ۱۳۲۸ ش. باہتمام عباس اقبال در طهران چاپ شدہ و مصحح دربارہ کتاب چنین سخن گفتہ :

دپاره ئی قسمتھا از وقایع هشتاد و هفت ساله راکه به ضبط آنها قیام نموده مثل علل شورش افغانه و بیان حال ناگوار دستگاہ سلطنتی شاه سلطان حسین و اسباب انقراض دولت او و شرح حال خاندان خود و وقایع راجع بسید احمد مرعشی و شاه سلیمان ثانی بتفصیل و دقتی نوشته [در عوض] احوال نادرشاه و مال کار افغانه و تاریخ دوره کریمخان زند را در چند سطر خلاصه کرده»

مرعشی در نوشتن کتابش از مشاهدات شخصی، خاطرات پدرش، یادداشتهای شخصی بنام میر محمد علی معروف به فاضل، کتاب جهانگشای نادری و مجمل - التواریخ گلستانه استفاده کرده است .

مرعشی غیر از منتخب التواریخ آثار دیگری مانند شرح تفسیر بیضاوی، شرح تذکره هیئت و غیر آن دارد .

مستوفی

حمدالله بن ابی بکر بن محمد بن نصر مستوفی قزوینی در حدود سال ۶۸۰ در قزوین متولد شد . پدرانش همه از ایرانیان بودند و حمداله از تربیتی کافی بهره مند گردید و پس از نیل بسن تمیز بخدهت خواجه رشیدالدین فضل اله در آمد و بامر کتابت مشغول شد. در سال ۷۱۱ حاکم و مستوفی ابهر و زنجان و طارم گردید .

پس از قتل خواجه رشیدالدین، حمداله در سلك ملازمان خواجه غیاث‌الدین محمد فرزند خلف وزیر مقتول درآمد و تا ۷۳۶ در خدمت وی باقی بود تا آن بزرگوار نیز بقتل رسید .

وفات حمداله مستوفی در حدود سال ۷۵۰ اتفاق افتاده است . مستوفی را سه کتابست بنام **ظفر نامه** ، **تاریخ گزیده** و **نزهة القلوب** .

۱- **ظفر نامه** منظومه‌ایست در ۷۵۰۰۰ بیت که در بحر متقارب سروده شده و تکمله شاهنامه فردوسی است . این منظومه که در سال ۷۳۵ سروده شده شامل تاریخ ایران از ظهور اسلام تا عهد مورخ است و ۲۵۰۰۰ بیت آن مربوط بظهور اسلام و حکومت اعراب ۲۰۰۰۰ بیت مربوط بسلاطین ایران و ۳۰۰۰۰ بیت مربوط بحوادث عصر ایلخانان مغول است و نظم آن ۱۵ سال بطول انجامیده است . این منظومه گرچه ارزش ادبی بارزی ندارد در عوض ارزش تاریخی آن بسیار است . نسخه خطی این کتاب موجود است و امیدواریم یکی از فضلا چاپ آنرا وجه همت خویش گرداند .

۲- **تاریخ گزیده** يك تاريخ عمومي مختصر عالم است از بدو خلقت تا زمان مؤلف که در سال ۷۳۰ بنام خواجه رشیدالدین وزیر تألیف گردیده این کتاب :

«... منتخبی است از جامع‌التواریخ رشیدی با اطلاعاتی که حمداله از کتب مورخین دیگر التقاط نموده و بر آخر آن دو فصل یکی در تاریخ علماء، ائمه و شعرای عرب و عجم، دیگری در تاریخ و جغرافیا و بزرگان شهر قزوین و وطن خود افزوده که هر دو از مهمترین ابواب این کتاب است .»

عباس اقبال - تاریخ مغول

این کتاب با ترجمه فرانسوی J. Ganten در سال ۱۹۰۳ برای بار اول در پاریس چاپ شده است .

Browne خلاصه‌ئی از تاریخ گزیده را با انگلیسی ترجمه کرده و در سال ۱۹۱۳ در Leyden بچاپ رسیده است .

۳- نزهة القلوب تألیف جغرافیائی حمداله است که برای نوشتن آن بیش از بیست کتاب را از پیشینیان در این باره مطالعه کرده و با مسموعات و مشهورات شخصی مقایسه نموده است . این کتاب معلومات شایسته‌ئی در باره آب و هوا، جمعیت، وسعت و محصولات شهرهای ایران بدست میدهد و نیز وضع حکومت و میزان مالیات اغلب شهرها را روشن میسازد .

این کتاب که در سال ۷۴۰ تألیف شده یکی از اسناد مهم محققان است .

نزهة القلوب با ترجمه انگلیسی G. Lestrenge در سال ۱۹۱۵ در Leyden و قسمت مربوط به حیوانات آن با ترجمه J. Stephenson در سال ۱۹۲۸ در لندن و قسمت مربوط به بلاد عراق عرب آن با ترجمه schefer در سال ۱۸۹۷ در پاریس چاپ شده است .

اولین چاپ این کتاب بصورت سنگی در بهمنی باهتمام ملك الكتاب شیرازی در سال ۱۸۹۴ انجام گرفته است .

چاپ نفیسی از تاریخ گزیده نیز در سال ۱۳۳۶ با حواشی و تعلیقات فاضلانده دکتر عبدالحسین نوائی در طهران بعمل آمده است .

مظفر الدین شاہ

مظفر الدین شاہ بن ناصر الدین شاہ قاجار در سال ۱۲۶۹ ق. در طهران بدنیآ آمد و در سال ۱۳۱۳ بسطنت رسید .

قبل از وی دوتن از برادرانش یکی پس از دیگری بولیعهدی انتخاب شدند و در گذشتند و او مدتی دراز را در انتظار بسربرد و بدانہنگام کہ بمقام سلطنت نائل شد پیرمردی از کار افتاده بود کہ با بیماریهای گوناگون میجنگید .

وی شخصی خوش باور ، مہربان ، بی تعصب و سست ارادہ بود و این آخری را باید معلول حوادث ایام عمرش بدانیم . در زمان وی در ایران حکومت مشروطہ اعلان شد و مجلس شورای ملی گشایش یافت .

مظفر الدین شاہ دوبار در سالهای ۱۳۰۷-۱۳۱۵ باروپا رفت کہ شرح حوادث آنها را ہر روز تقریر کردہ و بنام **سفر نامہ فرنگستان** بارہا در طهران و بمبئی بہ چاپ رسیدہ است کہ از آن جملہ است سفر نامہ اول در ۱۳۲۱ ق . از روی چاپ طهران بہ صورت سربی است و سفر نامہ دوم در ۱۹۲۴ م . در بمبئی طبع گردیدہ مظفر الدین شاہ در سال ۱۳۲۴ ق. اندکی پس از گشایش مجلس وفات یافت . اینست شرح انوالید Envalid از زبان مظفر الدین شاہ :

« ... سوار شدہ با جناب اشرف صدراعظم و جنرال پاران و بعضی دیگر از ہمراہان رفتیم بہ انوالید کہ مقبرہ ناپلیون اول در آنجاست . وارد این محوطہ کہ

شدیم صاحبمنصبان و سربازان پیر ازکار مانده فرانسه که یا بعلت پیری یا بواسطه آسیبی که در جنگ‌های قدیم بآنها رسیده ازکار مانده و در حقیقت ناقص شده‌اند در سرقبر ناپلیون مجاورت دارند و دولت فرانسه بآنها وظیفه میدهد و آنها بمنزله متولی و خدمه مقبره میباشند. چند نفر کشیش هم در آنجا هستند که جلوآمده بودند. مقبره ناپلیون که گنبد طلای مرتفعی دارد در وسط این محوطه واقع است. وارد آنجا که شدیم از چند پله پائین رفته داخل زیرزمینمانندی شدیم که قبر در آنجاست و پارچه سنگ ملخیت بسیار بزرگی که چندین ذرع عرض و طول و قطر آن میشود و الکساندر دویم امپراطور روسیه برای قبر ناپلیون فرستاده است روی قبر او نصب کرده‌اند. از عظمت سنگ کمال تعجب است که چگونه آنرا از روسیه تا اینجا حمل و نقل نموده‌اند. در مقابل سنگ هم مجسمه خود ناپلیون اول است که لباس نظامی پوشیده و ایستاده است و از قراریکه عرض کردند کلاه و لباسی که مجسمه پوشیده است همان لباس و کلاه خود ناپلیون است، نزدیک آن رفته درست بدقت تماشا کردیم و چون قدری آنجا تاریک است صاحبمنصبان و سربازان متوقف آنجا چراغها در دست داشتند و خوب بمانشان دادند. از حالت این مجسمه و آثار این مقبره بخوبی پیدا است که ناپلیون بسیار پادشاه بزرگ و مرد رشیدی بوده و مثل اینست که هنوز زنده باشد. قدری از حالات آن پادشاه در آنجا مذاکره و صحبت نموده فاتحه خوانده مراجعت بالا و توی کاپسا کردیم.

معتمد الدوله

فرهاد میرزا معتمد الدوله بن عباس میرزا نایب السلطنه بن فتحعلی شاه قاجار در سال ۱۲۳۳ متولد شد . از تحصیلات کافی برخوردار گشت و ادبیات فارسی ، عربی و انگلیسی را بخوبی فرا گرفت . در سی سالگی بحکومت فارس منصوب گشت و مدتی را نیز مصروف قلع و قمع شورشیان نقاط مختلف مملکت ساخت . مردی لایق و در عین حال اهل تحقیق و مطالعه بود . کتاب :

Modern geography and history تألیف William Pinnock را به فارسی ترجمه و معلومات و اطلاعاتی برای فهم بهتر مطالب بر آن افزود و به **جام جم** موسوم گردانید . این کتاب یک جغرافیای تاریخی عالم و نخستین کتاب مدرن اروپائی در این فن است که بزبان فارسی بچاپ رسیده و نخستین کتابیست که نگارنده در آن فهرست مطالب و غلطنامه و معرفی کتاب بزبان انگلیسی راداده است و اینکار تا سالها بعد هنوز در ایران رواج نداشت ، مطالب زیرین از باب انگلیس نقل می شود :

« ... جانشین پادشاه به وراثت و قدرت و اختیار لُدجیس لتیو [Lodgies letyou] یعنی شریعت و قانون گذاشتن با پادشاه و امراء و رعیت است که باتفاق یکدیگر اگر امری تقاضا کرد تغییر و تبدیل داده امور را فیصل دهند و این ترکیب حکومت بلا-حرف بهترین حکومتهاست که نه اختیار تام است

که پادشاه بنفس نفیس در جور و ستم مختار باشد و
نه عدم اختیار است که امراء و وکلای رعیت بدون
اجازه او مباشر امری باشند ... ،

مسلم است این مطالب که نیم قرن پیش از اعلان مشروطیت نوشته شده و در
همان سال ۱۲۷۲ ق . در طهران بچاپ رسیده در جنبش فکری مردم تأثیر میکرده
است .

فرهاد میرزا در سال ۱۳۰۵ در گذشت . از وی آثار دیگری مانند قمقام ذخار ،
کنز الحساب ، نصاب انگلیسی و چند اثر دیگر بجای مانده و نیز کتاب‌هایی
مانند وفيات الاعیان ، منشآت قائم مقام و مجمع الانساب بهمت وی بچاپ رسیده
است .

معین‌الدین یزدی

معین‌الدین معلم یزدی در اوائل قرن هفتم در یزد تولد یافت . وی مردی
فقیه و دانشمند و متکلم بوده و امراء یزد امیر مبارزالدین و شاه شجاع او را محترم
میداشتند و چندی معلم شاه شجاع بوده و او را عربی تدریس می‌سپرده . وی در
سال ۷۵۵ از طرف امیر مبارزالدین بمعلمی دازالسیاده میند منسوب شد .
معین‌الدین در سال ۷۶۰ بسفارت از جانب شاه شجاع بنزد برادرش شاه محمود
رفت و واسطه عقد صلح فیما بین دو برادر شد .

وی در سال ۷۶۷ تاریخی را که مشتمل بر حوادث ایام سلطنت آل مظفر است
پایان رسانید .

این کتاب که **مواهب الیه** نام دارد یکی از بدترین نمونه‌های نثر فارسی
است و در عین حال از نظر وقوف بر حوادث ایران جنوبی در این عصر حائز اهمیت
فراوانست .

محمود گیتی (یا کتبی) در سال ۸۲۳ مواهب الیه را تنقیح و ذیل نویسی
کرده است . قسمتی از مواهب الیه در سال ۱۳۲۶ بنام مواهب الیه با اهتمام سعید
نقیسی چاپ شده است .

وفات معین الدین در سال ۷۸۹ اتفاق افتاد و در مسجدی که در همانجا تدریس
میکرد مدفون گردید .

از شرح احوال محمود کتبی چیزی بدست نیست . او خود و خاندانش را
از خدمتگزاران آل مظفر دانسته است و مواهب الیه را همان طور که گفته شد
تنقیح و ذیل نویسی کرده و بر تاریخ گزیده حمداله مستوفی منضم ساخته . این کتاب
بنام **تاریخ آل مظفر** تألیف محمود کتبی در سال ۱۳۳۴ ش. با تصحیحات و مقدمه
دکتر عبدالحسین نوائی در تهران بچاپ رسیده است .

معین السلطنه

حاجی میرزا محمد علی معین السلطنه بن حاجی محمد معین التجار
اصفهرانی پدرش معین التجار در جوانی از اصفهان برشت آمده و او در آنجا نشو و
نما یافته و به شیوه پدر تجارت پیشه کرده و در سال ۱۳۰۹ ق. وقتی شنید قرار

است سال دیگر نمایشگاهی در شیکاگو دائر شود از طریق روسیه باطریش رفته و از اطریش بایتالیا سفر کرده و مدتی در ونیز و ناپل و فلورانس و رم گشته و از آنجا پاریس رفته و از پاریس عازم لندن شده و از لندن بقاره جدید عزیمت کرده است . در امریکا در چند ایالت گردش کرده و در نمایشگاه ۱۸۹۳ شیکاگو شرکت نموده و در سال ۱۳۱۲ ق. بایران بازگشته است .

معین السلطنه شرح سفر خود را با دقتی شایسته در سال ۱۳۱۸ ق. بنام **سفرنامه امریکا** تدوین کرده که در سال ۱۳۲۵ ق. با عکس‌های زیبایی در **Paris** بصورت سنگی چاپ شده است. شرح زیر قطعه‌ئی است از آن کتاب:

«... واشنگتون **Washington** پایتخت اتازونی است . وزرائی که در پایتخت مجتمعند فقط (مأمور) رسیدگی بامور متنازعه و مهمام سیاسی میباشد که دیگر چندان مداخله در کارهای سایر ولایات ندارند . همواره آنچه دخل و ضررش بدولت راجع است سؤال و جواب می‌کنند . چهل و دو ایالت که همه در تحت اتحاد اتازونی هستند هر يك بجهة خود حاکم و قاضی و وزیر دارند و چندان مجبور نیستند در کلیه اعمال و اوامر صادره از واشنگتون مطیع و منقاد باشند . معادن طلا و نقره و آهن و مس و سنگ‌های معدنی بخصوص زغال سنگ همه به مداخله تجار و مستأجرین است...»

مفتون

ملا عبدالرزاق بن نجفقلی مفتون دنبلی در سال ۱۱۷۶ در تبریز به دنیا آمد. پدرش بیگلربیگی تبریز بود ولی او اوقات خویش را مصروف مطالعه و تحصیل کرد و گردکارهای دیوانی نگاشت و بشعر سرودن پرداخت و در شعر مفتون تخلص میکرد. عباس میرزا نایب السلطنه چون بترویج دانش و معرفت همت می گماشت او را نیز محبت می کرد و بنوشتن کتب سودمند مشوق می شد.

از آثار وی کتاب **مآثر سلطانیه** است که مشتمل بر تاریخ قاجاریه تا سال ۱۲۴۱ می باشد و از منابع معتبر و موثق تاریخ این سلسله و از نظرو قوف برحقیقت اوضاع و جنگ های ایران و روس و کارهای عباس میرزا و تحریکات ملاها بمانند است.

این کتاب در همان سال تألیف در تبریز چاپ شده و اینست چند سطر از پایان کتاب :

« از یمن تائیدات الهی و فیض فضل نامتناهی در
زمان دولت ابدی شاهنشاهی نواب ولیعهد شهریار
تاجدار جمیع تصنعات بلاد فرنگ را در ایران
متداول ساخته گنجها ریخت و صنعت های غریبه و فنون
عجیبه برانگیخت از جمله مهندس و مهندس خانه و
توپ و توپخانه و باروطخانه و ماهوتخانه و نظم
نظام جدید و ساختن اسلحه و اسباب حرب بترکیب

و شیوه استادان فرنگ و ایران و تمامی این تصنیفات
را بهتر از استادان این فنون در هرفن ساخته و از
جمله تصنیفات غریبه عمل انطباع بود که او را باسمه
گویند ... »

مفتون یکسال پس از تألیف این کتاب در سال ۱۲۴۲ در گذشت و جهانگیر
میرزا فرزند نایب السلطنه دنباله این تاریخ را تا وقایع سال ۱۲۶۷ بنام تاریخ نو
تألیف کرده است .

مفید

محمد مفید بن نجم الدین محمود بن حبیب اله بافقی در اواخر دهه دوم
قرن یازده در بافق متولد شده و در جوانی بیزد رفته و چندی در آنجا به خدمت
اوقاف مشغول بوده است . چون توفیقی نمی یابد به اصفهان و از آنجا به عراق
می رود و پس از زیارت قبور ائمه از طریق بصره در سال ۱۰۸۲ به هندوستان عزیمت
می کند . مدتی در بندر سورت ، چندی در دهلی و زمانی در صدر آباد مقیم میشود .
در ۱۰۸۶ به دهلی باز می گردد و چندی به خدمت یکی از شاهزادگان هند در
می آید و آنگاه به مولتان می رود و در آنجا در سال ۱۰۹۰ کتاب مفصلی را که در بصره
بنوشتن آن آغاز کرده بود پایان میرساند و جامع مفیدی نام میدهد . سال بعد
کتابی در جغرافیا بنام مختصر مفید تألیف میکند . مفید با احتمال در حدود سال
۱۰۹۶ در گذشته است .

جامع مفیدی که مجلد سوم آن در سال ۱۳۴۰ ش. باهتمام ایرج افشار در طهران انتشار یافته مشتمل بر سه مجلد بوده . مجلد اول - تاریخ یزد از زمان اسکندر تا امیر تیمور گورکان . مجلد دوم - از زمان تیمور تا شاه سلیمان صفوی و مجلد سوم که بچاپ رسیده محتویست بر شرح احوال رجال ، ابنیه و جغرافیای این شهر .

قسمتی از کتاب مختصر مفید نیز در مجلد ششم فرهنگ ایران زمین توسط Jean Aubin بچاپ رسیده است.

نسخه خطی کتاب دیگری از مفید موجود است بنام **مجالس الملوك** که متضمن است بر جداول سلاطین ایران تا سال ۱۰۴۹ و در سال ۱۰۵۲ تألیف گردیده این قسمت از فصل مربوط بغرائب و نوادر جامع مفیدی نقل می شود :

« ... در ملقان ماهی گیران برای گرفتن ماهی بدریا رفته بودند . يك ماهی دو کس از ماهی گیران را گرفته در آب برد . اماناله پسر تربیت خان سوار شده بالای دریا رفته برای بر آوردن ایشان ماهی گیران را جمع نموده دام در دریا انداختند . آخر الامر بهزار دشواری ماهی مذکور برآمد . همین که شکم ماهی پاره نمودند هر دو ماهیگیر زنده و سالم برآمدند ... »

ملازاده

معین الفقراء احمد بن محمود ملازاده بخارائی از صوفیان نقشبندیہ و مرید خواجہ محمد پارسا بوده است. از سوانح حیات وی اطلاعی در دست نیست و زمان حیات وی باواخر قرن هشتم و نیمه اول قرن نهم محدود میشود. وی کتابی در تاریخ و شرح احوال رجال بخارا و مزارات آنان دارد که تلخیصی از ترجمہ تاریخ بخارای نرشخی است و خود نیز مطالب بسیار بر آن افزوده است.

قسمتی از کتاب وی کہ بہ تاریخ ملازاده معروفست در سال ۱۳۲۲ ق. با ترجمہ تاریخ بخارای نرشخی در یکجا در بخارا چاپ شدہ و خلاصہائی از آن نیز در جزء کتاب تحفۃ الزائرین ناصرالدین صفی بخارائی (چاپ سال ۱۳۲۸ ق. بخارا) آمدہ ولی بہترین چاپ آن در تہران باہتمام گلچین معانی با حواشی و تعلیقات سودمند در سال ۱۳۲۹ از طرف کتابخانہ ابن سینا بانجام رسیدہ است.

میر خواند

محمد بن برہان الدین خاوندشاہ بلخی معروف بہ میر خواند در سال ۸۳۷ در خانوادہئی نامدار در بلخ بدنیا آمد. در جوانی بہرات رفت و در دستگاہ وزیر دانش

پرور امیرعلیشیر نوائی راه یافت و از کمکهای وی برخوردار شد. میرخواند از طرف سلطانحسین بایقرا بریاست خانقاه اخلاصیه منصوب و بنوشتن تاریخ جامعی مأمور شد. او این تاریخ را درشش مجلد از آفرینش عالم تاجلوس سلطانحسین بتخت سلطنت تدوین کرد که **روضه الصفاء فی سیرت الانبیاء والملوک والخلفاء** نام دارد و مجلد هفتم آن که شامل حوادث سلطنت سلطانحسین بوده بسبب بیماری و مرگ وی ناتمام مانده است.

میرخواند در پایان عمر بانزوا و کناره گیری از دربار تمایل یافت و پس از بیماری طولانی به سال ۹۰۳ در خانقاه اخلاصیه هرات در گذشت و در همان جا مدفون شد.

روضه الصفا چکیده و خلاصه تحقیقات اغلب مورخان بزرگ قبل از وی مانند طبری، مسعودی، جوینی، خواجه رشیدالدین، حافظ ابرو و شرفالدین یزدی میباشد. این کتاب از دو قرن پیش توجه اروپائیان را بخود جلب و نخستین بار **Jenisch** قسمت مربوط به طاهریان و صفاریان را به زبان لاتین ترجمه و در سال ۱۷۹۲ در **Viene** بچاپ رسانید. قسمت مربوط به ساسانیان نیز به دست **Desaeg** ترجمه و در سال ۱۷۹۳ در پاریس **Paris** منتشر شد.

T. Wilkem ترجمه لاتینی قسمت سامانیان را در سال ۱۸۰۸ در **Gottingen** انتشار داد و ترجمه فرانسوی فصل غزنویان توسط **Fre mery** در سال ۱۸۴۵ به چاپ رسید. در این میان باید از ترجمه های **Langlés** چاپ **Paris** در ۱۸۴۱ قسمت چنگیزخان و نیز **Jourdain** قسمت اسماعیلیه نام برد، گویا ترجمه ترکی اینکتاب نیز در سال ۱۲۵۸ ق. در استانبول چاپ شده ولی از تحقیقات ما چیزی در این باره بدست نیامد.

متن فارسی کتاب علاوه بر قسمتهای پراکنده که قبلا با ترجمه آنها در اروپا

چاپ شده بار اول در سال ۶۳-۱۲۶۱ ق. در بهمنی و پس از آن چند بار دیگر در هند و در سال‌های ۷۴-۱۲۷۰ ق. باذیل خواندمیر و هدایت در تهران بصورت سنگی درده مجلد و چاپ سربی آن نیز در سال‌های ۳۹-۱۳۳۸ شمسی در تهران بچاپ صورت گرفته. بطوریکه گفته شد خواندمیر نیز مجلد هفتم کتاب را تمام کرده و رضاقلی خان هدایت نویسنده دوره قاجار ذیلی در سه مجلد بر آن نوشته که بذیل روضة الصفا معروفست.

میرزا مهدی خان

میرزا محمد مهدی بن محمد نصیر منشی استرآبادی در اوائل قرن دوازدهم در استرآباد متولد شد. در جوانی همراه پدرش باصفهان پایتخت باشکوه صفوی آمد و بتحصیل پرداخت و بشاعری علاقه یافت. وی در شعر کوکب تخلص میکرد و بعضی از اشعارش که در تذکره‌ها نقل شده حاکی از عدم توفیق وی در این زمینه است. میرزا مهدی خان در زمان سلطان حسین ناظر امور باغات سلطنتی شد و چندی بعد در سلك کتاب و منشیان اردوی نادرشاه در آمد و تا روز مرگ این پادشاه مصدر خدمات مهم بود.

میرزا مهدی خان در سال ۱۱۵۹ بسفارت از طرف نادرشاه بدربار عثمانی رفت و بهنگام بازگشت در بغداد از مرگ نادر آگاهی یافت و از آنجا عازم تبریز شد و تا پایان عمر که یحتمل بسال ۱۱۷۳ بود در همان شهر باقی ماند.

از آثار میرزا مهدیخان علاوه بر اشعار و منشآت وی و وقایع روزانه سلطنت نادرشاه که دیده نشده است دو کتاب باقیست نخست دره نادری که کتابی بسیار مغلق و بل پیچیده‌ترین و مصنوعترین انشاء زبان فارسی است که نمونه‌ئی از هفتمه‌اش نقل میشود :

«... دل بانگ زد که هان اسم سامیش را بکاغذ کاغذ
بر و نام نامیش را بعزت در نامه بنامه آور. پس قلم
«بالرأس والعین» گفته نخست بآب گوهر دهان شست
و بجنبش پای جبین راه تحیتش چست چست و سرزمین
ورق را ماشیا علی رأسه درنوشت و خدیو آفق و نادر
آفاق درنوشت. آنکه:

از نهیب زخم تیر قوس ذوالقرنین او
درچه مغرب رود هرشب سکندر آفتاب...»

همانطور که مؤلف خود گفته در این کتاب سخت تحت تأثیر و صاف بوده و او
را بسیار مدح کرده است. دره نادری بار اول در سال ۱۸۴۵ در بمبئی چاپ شده و
بکرات در شهرهای مختلف تجدید طبع گردیده ولی بهترین چاپ آن اخیراً از طرف
انجمن آثار ملی باهتمام آقای محمد جعفر شهیدی انجام گرفته است.
اثر تاریخی دیگر وی جهانگشای نادری است که از دره مفصلتر و در عین حال
ساده تر و روشن تر است. این کتاب نیز بارها چاپ شده که نخستین آن در تبریز در سال
۱۲۶۵ ق. و بهترین آن اخیراً باهتمام انجمن آثار ملی بوده است.
علاقه فراوان منشی استرآبادی بزینتهای لفظ و بکلام سبب شده که محاکمه
اللغین امیرعلیشیر نوائی را تکمیل کرده و سنگلاخ نام نهاده و آن کتابیست در
لغت ترکی و فارسی.

نادر میرزا

نادر میرزا ابن بدیع الزمان میرزا صاحب اختیار بن محمد قلی میرزا ملک آرا بن فتحعلی شاه قاجار در سال ۱۲۳۵ ق. در استرآباد متولد شد. پدرش حاکم آن ولایت بود. پس از مرگ فتحعلی شاه پدرش چندی زندانی بود، نادر میرزا در سال ۱۲۵۰ همراه مادر و برادرش بتبریز رفت و در تحت توجه پدر بتحصیل پرداخت و ادبیات فارسی و عربی و زبانهای ترکی و فرانسه را آموخت. چندی ندیم و معلم شاهزاده حمزه میرزا حشمت الدوله بود آنگاه وارد خدمات دولتی شد و مدتی حکومت شهر تبریز را داشت.

نادر میرزا در سالهای ۱۳۰۲-۱۳۰۰ کتابی بنام تاریخ و جغرافیای دارالسلطنه تبریز نوشت که هدایت الله سپهر قسمتی از آنرا با تغییراتی در سال ۱۳۲۳ ق. در تهران بچاپ رسانیده است.

در سال ۱۲۶۳ بعراق رفته و از آنجا بطهران آمده و چندی در تهران بوده و بسال ۱۲۶۴ بتبریز بازگشته است. آنچه در وصف این کتاب که متأسفانه بصورتی ناقص چاپ شده گفته شود کم است. در آن جغرافیای تبریز، مشخصات ابنیه و اماکن، قنوات، محصولات، عادات مردم، تفریحات، اعیاد، غذاها و احوال رجال با بیانی آراسته توصیف شده است. ایکاش مردم باغیرت تبریز و یا صاحب همتی از ناشران تهران اصل این کتاب را که در نزد نوۀ نادر میرزا موجود است بطرزی شایسته بچاپ رسانند. اینست نمونه‌ئی از کتاب:

... قوت غالب تبریزیان آبگوشت باشد. بخزان
گوشت قدید کنند آنچنان باشد که آنرا به پارچها با
روغن دنبه سخت بنا بند آنگاه بکوزه هاریزند. بزمستان

و بهار اندکی با پیاز و گندمای خشک بجوشانند و شور با گویند و ترید کنند. این بهمه خانه‌ها باشد. تبریزیان را دو خوردنی نامدار باشد؛ یکی آنکه بهاران بحکم آبادشوند و از گندمای خالص تازه کو کو پزند و خوردند. دیگر آنکه شبکه و دام بساحل آجی برند. ماهی سیاه و زبون صید کنند و همانجای بروغن سرخ کرده خوردند. بدانسان که من بتبریز آمدم نشنیدم و ندیدم که برنج عنبر بو خوردند... پنیر، کوفته، دلمه بادنجان و برگ رز بود. آن نیز بس زبون پختندی. کوفته دارند آرزومان نامند اگر نیک پزند خوش باشد...»

نادر میرزا مردی وارسته و آزاد اندیش بوده و شعر نیز نیک می سروده است. وی کتابی نیز در تاریخ و جغرافیای استرآباد نوشته که ناتمام مانده و در سال ۱۳۰۳ ق فوت شده است.

ناصرالدینشاه

السلطان ناصرالدین بن السلطان محمد بن عباس میرزا بن فتحعلی شاه قاجار در سال ۱۲۴۷ ق. در تهران متولد شد و در ۱۷ سالگی بسلطنت رسید و مدت ۴۹ سال بر تخت سلطنت تکیه زد ناصرالدینشاه کمی زبان فرانسه میدانست و بفارسی شعر می سرود و بمطالعه و نقاشی علاقمند بود. وی با کثر نقاط ایران سفر کرد و بعبتات و اروپا نیز مسافرت نمود.

در عصر ناصرالدینشاه مقدمات استفاده از غالب وسائل مدرن از قبیل برق، راه آهن، دانشگاه، بانک، انتشار اسکناس، تلگراف و تلفن و امثال آنها فراهم گردید. ناصرالدینشاه در سال ۱۳۱۳ ق. بدست میرزا رضا کرمانی کشته شد. از کارهای جالب ناصرالدینشاه نوشتن حوادث و اتفاقات مسافرتهایش بوده

که از آنها دو کتاب بنام روزنامه سفر فرنگستان و نیز روزنامه سفر کربلا و روزنامه سفر خراسان است. مطالب این کتابها با نثری بسیار ساده و روشن نوشته شده و خالی از باریک بینی نیست. اینست توصیف ناصرالدین شاه از خرابه های بابل:

«... در این خرابه چند دیوار از بنای شهر بابل باقیست که مایه حیرت و شگفت بنی نوع انسانست و تا کسی او را نبیند نمیتواند استحکام و بزرگی آنرا کما هو حقه تصور نماید. چنانچه الآن که قریب دوهزار و پانصدسال است که این شهر مخروبه و ویران افتاده است از بسکه آنرا خوب ساخته اند گویا هنوز زمانی از آن نگذشته است... آجر این دیوار مربع است دو گره قطر، شش گره پهنا دارد و در بین آجرها بجای گل گچ بسیار نازکی بسان لعاب ریخته اند و چنان آجرها را پاکیزه بر روی هم نهاده اند که فواصل دروز ما بین آنها مرئی نشود...»

سفرنامه اول ناصرالدین شاه بفرنگ در سال ۱۲۹۱ در استانبول بصورت سربی چاپ شده و سفرنامه دوم در سال ۱۳۰۸ در طهران و سفرنامه کربلا بخط کلهر در سال ۱۲۹۸ ق. بچاپ رسیده است.

از ناصرالدین شاه اشعار و مراسلاتی نیز بجای مانده که همه بچاپ رسیده است.

ناصر منشی

ناصرالدین عمدة الملك بن منتخب الدین یزدی (یا کرمانی) در حوالی سال ۶۶۰ بدینا آمد. پدرش مردی نامور بود که چندی وزارت سلطان حجاج قراختائی را بعهدہ داشت. ناصرالدین در جوانی عازم کرمان شد و بریاست دیوان انشاء صفوة الدین پادشاه خاتون قراختائی نائل آمد (سال ۶۹۴).

ناصرالدین در مدت اقامت در کرمان کتابی در تاریخ قراختائیان کرمان نوشت که خلاصه‌ی از تاریخ کرمان و حوادث عصر قراختائیان را تا زمان حکومت ناصرالدین محمد غوری حائز است. وی این کتاب را بتقلید افضل الدین کرمانی نگاشته و در سال ۷۱۶ بنام ایسن قتلغ نویان تمام کرده و **سمط العلی للحضرة العلیا** نام نهاده است.

این کتاب در سال ۱۳۲۸ باهتمام عباس اقبال و محمد قزوینی در تهران چاپ شده است. کتاب دیگر ناصرالدین **نسائم الاسحار من لطائم الاخبار در تاریخ وزراء** نام دارد که از شرح احوال وزراء خلفاء راشدین آغاز و بوزرای چنگیز خان ختم میشود. این کتاب در سال ۱۳۳۸ با مقدمه و تعلیقات سید جلال الدین محدث ارموی در سلسله انتشارات دانشگاه تهران بچاپ رسیده است.

نامی

میرزا محمد صادق نامی اصفهانی از سادات موسوی اصفهانست که پدرانش از شیراز بدانجا رفته‌اند. چنین پیدا است که از اصفهان بشیراز رفته و بخدمت کریم خان زند پیوسته و وقایع نگار او بوده است. پس از مرگ کریمخان در بدر میشود و فقر و تنگدستی از سوئی و اعتیاد به افیون از سوی دیگر مرگ ویرا تسریع میکند و در سال ۱۲۰۴ در عین فلاکت و تنگدستی رخت بسرای باقی میکشد.

نامی کتابی در تاریخ خاندان زند نگاشته که بتاریخ گیتی گشای معروفست. این کتاب شامل تاریخ طایفه زند و نسب کریمخان و حوادث ایام سلطنت وی و بعد از آن تا سال ۱۲۰۰ میباشد. اینست نمونه‌ئی از انشاء کتاب:

... اما بعد: بر ضمیر ارباب بصایر و خواطر اصحاب
مآثر مخفی و مستور نخواهد بود که در هر عصری از
اعصار ضبط وقایع و تدوین احوالات بدایع روزگار
و بیان رسوم دولت سلاطین کامکار و ایراد قواعد
سلطنت خوانین نامدار و ثبت محاسن صفات آن فرقه
والامقدار و نشر مکارم ذات آن طبقه کامکار بر صفحات
لیل و نهار واجب... در این اوان سعادت نشان که
زمان دولت و اوان شوکت داور دارا افسر، سکندر
فریدون فر، خدیو قضا مطیع قدر جا کر، دارای جم
شکوه فریدون سیر، قهرمان دشمن سوز دوست پرور،
جهانگیر کسری نظیر، کی همسر دلیر، خورشید تیغ،
بهرام خنجر، سپهبد شهاب رمح هاله سپر، سپهبدار ستاره
حشم انجم لشکر، طرازنده رخسار عرایس فتح و ظفر،

معمار معموره ملك و کشور، لایق تاج و سرافراز افسر
 بر گزیده حضرت داور، المؤید بتأیید ملك الاکبر،
 ابوالمظفر محمد جعفر خان زند... است این حقیر
 خاکسار و ذره بيمقدار محمد صادق موسوی متخلص
 بنامی که از خدمتگزاران قدیم این دولت جاوید مدتست از
 جانب... این شهریار... مأمور گردید... جمع
 کلیات و جزئیات را مدون سازد...»

این کتاب باذیل میرزا عبدالکریم بن علی الرضا الشریف شیرازی و میرزا محمد
 رضای شیرازی بر آن دریکجا در سال ۱۳۱۷ ش. در طهران باهتمام آقای سعید نفیسی
 چاپ شده است.

در تاریخ فوائد الرضویه نوشته شده که گویا این کتاب را شخص دیگری بنام
 محمد جعفر خان تبدیل کرده و پانصد تومان انعام گرفته و قبلاً تألیف کتاب و اتحاف
 آن بنام کریمخان بوده است. و دلیلی بر صحت و سقم این خبر در دست نیست.
 (محمد جعفر خان از ۱۱۹۹ تا ۱۲۰۳ حکومت داشته).

نجم الملك

نجم الملك نجم الدوله حاج میرزا عبدالغفار بن آخوند علیمحمد
 اصفهانی در سال ۱۲۵۹ متولد شد و پس از تحصیل مقدمات علوم قدیمه بدارالفنون
 رفت و بتحصیل ریاضیات پرداخت و در ریاضیات و نجوم و هیئت و قوفی تمام یافت و
 در همانجا بتدریس مشغول شد. در سال ۱۲۹۸ از طرف ناصرالدین شاه مأمور تحقیق

در محل سد اهواز شد و بدانجا رفت و در سال بعد حاصل مطالعات و مشاهدات خود را از این سفر در کتابی فراهم آورد که نمونه‌ئی از دقت و موشکافی و وسعت دائره معلومات و علاقه و عشق این دانشمند بزرگ بترقی و آبادی ایران است.

«... در اوقات توقف این بنده گندم يك من حویزه که پانزده من تبریز باشد بمبلغ پنجهزار دینار بود. ولای حویزه پولیتیک خود را در خرابی شهر میدانند و میان دو محظور واقع شده‌اند، هر گاه بروند بخاک عثمانی طاقت تحمیلات او را ندارند و در صورت توقف اطمینان بدولت ایران ندارند. پس باین لحاظ مانده‌اند ولی علاقه نمی‌بندند. خود را مثل بلم روی آب تصور نموده‌اند. تعلق آنها بوجه نقد است و مادیان و گله و رمه، تا وقت ضرورت و گریز بتوانند بسهولت حرکت دهند...»

نجم‌الملک در سال ۱۳۲۶ ق. در طهران بدرود زندگی گفت. یادداشت‌های وی بنام **سفرنامه خوزستان** با اهتمام محمد دبیرسیاقی در سال ۱۳۴۱ ش. در طهران چاپ شده است.

نجم‌الملک کتابهائی نیز برای محصلین ریاضیات نوشته و چند کتاب از تالیفات گذشتگان را مانند عیون اخبار الرضا و مرصاد العباد بچاپ رسانیده و چند کتاب علمی را از زبان فرانسه ترجمه کرده است.

نطنزی

معین الدین نطنزی معروف با اسکندر آنونیم (بی نام = Anonymous) سبب نامیدن وی به آنونیم اینست که حقیقت احوال وی بر علماء و مستشرقان معاصر مانند Barthold و Zimiu و Browne و Aubin معلوم نشده است و آنچه میدانیم اینستکه وی کتابی تألیف کرده که بنام **منتخب التواریخ** معروف است و مشتمل بر حوادث از زمان هبوط آدم تا سال ۸۰۷ و بعضی از حوادث سالهای ۱۶-۸۰۷ میباشد. وی نخست این کتاب را بنام مخدوم خود میرزا اسکندر بن عمر شیخ (نوه تیمور که از سال ۸۱۲ تا ۸۱۷ حکومت اصفهان و فارس را داشته) مینویسد. در سال ۸۱۷ پس از مرگ اسکندر بخدمت شاهرخ درمیآید و کتاب را بنام او منقح و در مطالب کتاب تغییراتی میدهد.

قسمتی از **منتخب التواریخ** شامل تاریخ ملوک جنوبی ایران معاصر مغول، تاریخ مغول و سلاطین ایران بعد از مغول باهتمام **Jean Aubin** در سال ۱۳۳۶ در تهران از طرف کتابخانه خیام بچاپ رسیده است. نشر کتاب ساده و روشن و مطالب آن قسمت که چاپ شده مستند و قابل توجه است.

نظام الدین شامی

نظام الدین شنب غازانی تبریزی معروف بشامی از مردم شنب غازان تبریز است و نسبتش بشامی نامعلوم و شاید مصحف شنبی باشد.

چرا که امروز هم شب غازان را در تبریز شام قازان Sham Gazan گویند. وی در جوانی عازم بغداد شده و در آنجا بتحصیل و مطالعه پرداخته و در سن ۲۸ سالگی کتاب سلوان المطاع تألیف ابن الظفر صقلی را بفارسی ترجمه کرده و بنظر سلطان اویس بهادر خان میرساند و سپس بتکمیل ترجمه آن می‌پردازد و آنرا به ریاض الملوك فی ریاضات السلوك موسوم میسازد. آنگاه در فاصله سنوات ۷۸۵-۹۰ کتاب بلوهر و بیوسف را تلخیص و دیباچه آنرا بنام مخدوم خود سلطان احمد بهادر خان موشح میسازد.

او در سال ۷۹۵ بهنگام فتح بغداد از طرف تیمور بخدمت آن فاتح درآمده و خیرمقدم گفته و تیمور فرموده «خدا بر تو رحمت کند که اول کسی که از این شهر پیش من بیرون آمد تو بودی...»

در سال ۸۰۴ تیمور اسناد و اطلاعات لازم را در اختیارش قرار میدهد و او را مأمور میکند تا تاریخ سلطنت و وقایع حیات تیمور را بزبان ساده بنویسد. آنگاه نظام الدین سمت وقایع نگاری تیمور را بدست می‌آورد و تا سال ۸۰۶ در سفر و حضر با تیمور همراه بوده و حوادث سلطنت ویرا تا سال ۸۰۶ نگاشته است و در آن سال از خدمت کناره گرفته و با انعام و اکرام تمام بزاز گاه خود تبریز بازگشته است و از آن پس از وی خبری نیست.

کتاب نظام الدین که **ظفر نامه** نام دارد یکی از چهار کتاب معروف تاریخ تیموری و اولین آنهاست و از نظر معاصر بودن با حوادث و ناظر بودن بر اکثر آنها حائز اهمیت فراوان است.

ظفر نامه نظام الدین در دو مجلد باهتمام Flix Tauer در سال ۱۹۳۷ و ۱۹۵۶ در شهر پراگ بچاپ رسیده است و ذیل حافظ ابرو بر ظفر نامه که مشتمل بر حوادث سال آخر سلطنت تیمور است بر چاپ مجلد اول ملحق گردیده.

وحید قزوینی

عمادالدوله محمدظاهر وحیدقزوینی بسال ۱۰۱۵ در قزوین متولد شده

است. در سال ۱۰۵۵ بسمت مجلس نویس دربار انتخاب میشود و بفرام کردن تاریخ ایام سلطنت شاه عباس ثانی میپردازد. در زمان شاه سلیمان چندی متصدی امر وزارت بوده و بسبب پیری دست از کار میکشد و سرانجام بسال ۱۱۱۰ بدرود زندگی میگردد. از وحید کتابی بجای مانده است بنام **عباس نامه** که شرح تاریخ دوران شاه عباس دوم است و مؤلف آنرا با شرح نسب و ولادت شاه مذکور آغاز و حوادث ایام سلطنت ویرا از سال ۱۰۵۲ تا سال ۱۰۷۴ شرح داده است.

اگرچه کتاب غیر از نوعی سالنامه رسمی نیست و مؤلف همه اطلاعات ادبی خود را برای سروسامان دادن بعبارات بکار گرفته با اینهمه تاریخی پرفایده از یکی از دوره‌های درخشان دولت صفویست. اینست نمونه‌ئی از نثر کتاب:

« آمدن ایلچی پادشاه والا جاه روم بدرگاه جهان پناه جهة تشیید مبانی مصالحه.

» ... درحینی که وساده سلطنت و دارائی بوجود اعلیحضرت ظل‌اللهی زیب و بها پذیرفت سلطان ابراهیم اصفاء صیت جهان‌نگشائی و بلنداقبال اعلیحضرت ظل‌اللهی نموده و بنا بر رعایت حزم که مه‌ادا از برق بی امان تیغ درخشان این خدیو زمان خرمن آسودگی گروه عثمانی سوخته گردد یوسف آقارا بانامه مودت ختامه مشتمل بر مبارکباد تأسیس مبانی مصادقت بمرافقت مقصود سلطان روانه سریر خلافت صیر نموده ... »

این کتاب در سال ۱۳۲۹ ش. با اهتمام ابراهیم دهگان بطرز شایسته‌ئی در اراک
بچاپ رسیده است.

وزیری

احمد علی بن علی محمد وزیری کرمانی در حدود سال ۱۲۲۵ در کرمان
متولد شد و در همانجا بتحصیل پرداخت ، با آنکه کسانش همه از دیوانیان بودند
وی بفلاحت مشغول شد و در ۱۲۹۴ به طهران سفری کرد و در همین جا در گذشت.
وی در سال‌های ۳-۱۲۹۱ کتابی در تاریخ کرمان نوشته است که مشتمل بر تاریخ
این ولایت از آغاز تا زمان آغا محمدخان قاجار می باشد . پس از مرگ وی پسرش
علی محمد ملقب به آقاخان دنباله تاریخ را تا زمان حسام الملك (سال ۱۳۱۷ ق.)
نوشته است و بنام فرمانفرما سالار لشکر **سالاریه** نامیده - کتاب منظوم دیگری
بنام **سالارنامه** در تاریخ کرمان وجود دارد که غیر از کتاب حاضر و از احمد عقیلی
کرمانی است .

کتاب دیگری از مؤلف سالاریه در جغرافیای کرمان موجود است که بچاپ
نرسیده ولی سالاریه باحواشی و تعلیقات و توضیحات و فهرست‌های مبسوط آقای
باستانی پاریزی - بنحوی که يك جوینده تاریخ کرمان را قانع میسازد - در سال
۱۳۴۰ ش. از طرف کتابخانه خاندان فرمانفرمائیان در طهران منتشر شده است .

وصاف الحضرة

شهاب الدین عبدالله بن عزالدین فضل اله ملقب بوصاف الحضرة درسال

۶۶۳ در شیراز تولد یافت .

در جوانی بخدمت خواجه صدرالدین زنجانی نایب الحکومه فارس در آمد و پس از چندی با خواجه رشیدالدین فضل اله آشنائی یافت و بوسیله او بغازان خان و اولجایتو معرفی شد و مورد مرحمت قرار گرفت .

کتاب او که مشتمل بروقایع سالهای ۷۲۸-۶۵۶ مـی باشد بسخافت انشاء ، پیچیدگی عبارات و تکلف و اطناب معروف است و در عین حال یکی از دو تاریخ معتبر و مستند بیش از سه ربع قرن ایران است .

این کتاب بمنزله ذیل جهانگشای جوینی است و تجزیه الامصار و تزجیه- الاعصار نام دارد و به تاریخ وصاف معروف است .

«... اطلاعاتی که ما از تاریخ دوره بین فتح بغداد و اواسط عهد ابوسعیدداریم غالباً از روی تاریخ وصاف و جامع التواریخ رشیدی است...»
عباس اقبال - تاریخ مغول

تاریخ وصاف بارها چاپ شده که بار نخست باهتمام محمد مهدی ارباب اصفهانی در سال ۱۸۵۳ در بمبئی بوده است و پس از آن بارها در تهران و تبریز و جاهای دیگر تجدید طبع گردیده .

جلد اول تاریخ و صاف توسط Dr. Hammer آلمانی ترجمه و در سال ۱۸۵۶ در Viene بچاپ رسیده است .

تاریخ و صاف را Reau تلخیص و با ترجمه انگلیسی آن در سال ۱۸۷۹ در London منتشر کرده است.

اینست عقیده و صاف درباره اثرش و نمونه‌ئی از انشاء وی :

«... غرض از تسوید این بیاض، مجرد تقلید اخبار و آثار نیست والا خلاصه آنچه در این اوراق است در موجز-ترین عبارتی بی شواهد و امثال محرر شدی. اما نظر بر آنستکه این کتاب مجموعه صنایع علوم و فهرست بدایع فضائل باشد و اخبار و احوال که موضوع علم تاریخ است در مضامین آن بالعرض معلوم گردد، چنانچه فضلاء صاحب طبع بعد از تأمل شافی انصافی دهند که در رشاقت لفظ و سیاق معنی و حسن مواضع تضمین بر این نمط در عرب و عجم مسبوق بغیری نیست .

تاریخ و صاف مقدمه جلد ۲

هدایت

رضاقلی بن محمد هادی بن اسمعیل خان هدایت ملقب به الله باشی در سال ۱۲۱۵ در طهران متولد شد . در کودکی پدر را از دست داد و مادرش ویرا بشیراز برد . او کودکی و جوانی خود را در شیراز گذرانید و بشعر و شاعری مشغول شد و از همین طریق بدربار فتحعلی شاه شعر دوست راه یافت و چندی بعد لله باشی عباس میرزا ملک آرا شد .

رضاقلی خان ملقب بلله باشی که در شعر هدایت تخلص میکرد در زمان ناصر-
الدین شاه بسفارت نزد خان خیوه رفت و بعد از بازگشت سفرنامه خوارزم را
نوشت که در سال ۱۸۷۹ م . با ترجمه فرانسوی آن توسط Seheter در پاریس
چاپ شده است .

رضاقلی خان چندی معاون وزارت علوم و رئیس مدرسه دارالفنون بود . آنگاه
بعنوان لله باشی مظفرالدین میرزا ولیعهد انتخاب شد و باوی بتبریز رفت . وی در
سال ۱۲۸۸ پس از بازگشت از تبریز در گذشت .

هدایت ذیلی بر روضة الصفا در سه مجلد نوشته که **روضة الصفاى ناصرى**
نام دارد و جز آن **فهرست التواریخ و اجمل التواریخ** از کتابهای تاریخی اوست .
وی همچنین تذکره بسیار مفصلی بنام **مجمع الفصحاء** و کتابی در شرح احوال
و معرفی آثار شعراء متصوف ایران بنام **ریاض العارفین** تألیف کرده است . در میان
آثار او باید از مدارج البلاغه - مثنویات - نژادنامه سلاطین عجم - مفتاح الکنوز -
انجمن آرای ناصری - ریاض المحبین و مظاهر الانوار نام برد . علاوه بر این آثار وی
بتصحیح و چاپ دیوان ناصر خسرو - قابوسنامه - نفثة المصدور و دیوان شمس همت
گماشته است .

روضة الصفاى ناصرى بار اول در سال ۱۲۷۰ ق . با روضة الصفاى میرخواند
و خواندمیر در ده مجلد بصورت سنگی در طهران چاپ شده است . اجمل التواریخ
نیز در سال ۱۲۸۳ ق . در تبریز بچاپ رسیده و مجمع الفصحاء نیز هم بصورت سنگی
و هم در سالهای اخیر بصورت سربی چاپ شده است .

هندو شاه ✓

هندو شاه سنجر بن عبدالله صاحبی نخبوانی (یا حاجبی کیوانی) در نیمه دوم قرن هفتم و نیمه اول قرن هشتم میزیسته و در سال ۶۷۴ بنیابت از طرف برادرش حکومت کاشان را عهده دار بوده است و از آن پس چندی در مولد خود نخبوان بسر برده. آنگاه بخدمت نصره الدین احمد لری پیوسته و در سال ۷۲۴ کتاب خود را بنام **تجارب السلف** بوی تقدیم داشته است .

تجارب السلف که ترجمه تاریخ ابن طقطقی میباشد نثری شیوا دارد و بر آن مطالب بسیاری از تواریخ دیگر و حکایات تاریخی افزوده شده است .
تجارب السلف در سال ۱۳۱۳ باهتمام عباس اقبال و باردیگر اخیرا در تهران چاپ شده است .

یحیی بن عبداللطیف

یحیی بن عبداللطیف قزوینی در حدود سال یکهزار هجری در قزوین متولد شد. وی پس از اتمام تحصیلات چندی بسفر پرداخت. آنگاه در سلاک ملازمان ابوالفتح بهرام میرزا صفوی در آمد و گویا منشی وی بود .

یحیی بن عبداللطیف تاریخ ایران را در سال ۱۰۴۸ تلخیص کرد و **لب التواریخ** نام نهاد . این شیوه مطلوب طبع آیندگان قرار گرفت و بسیار کسان از وی تبعیت کردند و جمعی نیز بر و نویسی کتاب وی اکتفا نمودند که از آن جمله نویسنده کتابی بنام **خلاصة التواریخ** در قرن یازدهم و صدیق الممالک شیبانی در قرن سیزدهم است .

یحیی بن عبداللطیف در سال ۱۰۶۰ در گذشته است .

شرح حوادث هرچه بزمان مؤلف نزدیکتر میشویم مفصلتر است با اینهمه
مجموع کتاب که در سال ۱۳۱۵ باهتمام سید جلال الدین طهرانی در طهران بچاپ
رسیده بیش از ۲۹۴ صفحه کوچک نیست . اینست قسمتی از تاریخ اسمعیلیه مربوط
به حسن بن محمد بن بزرگ امید چهارمین پیشوای اصحاب الموت :

«..... حسن بن محمد : بعد از پدر حکومت بدو
تعلق گرفت و بنیاد الحاد نهاد و دعوی امامت کرد و
در ۱۷ رمضان سنه ۵۵۹ در پای قلعه الموت مردم
را جمع کرده منبری نهاد و چهار علم سرخ و زرد و
سفید و سبز بر چهار رکن منبر برافراخت و بر منبر
رفت و خطبه خواند و گفت : «من امامم و تکلیف از
جهانیان برداشتم و اوامر شرعی از ظاهر مرفوع
گردانیدم و این دور زمان قیامت است ؛ ظاهر را
اعتباری نمی باید کرد .» و از منبر فرود آمد و افطار
کرد و مرتکب انواع ملامتی و مناهی گشت . قومش
با او متفق شدند و آنروز را «عیدالقیام» نام نهادند
و تاریخ عالم را از آنروز گرفتند و بتاریخ هجری
ملتفت نشدند و در عمارات عالی که بعد از آن تاریخ
ساختند عیدالقیام نوشتند و حسن را «علی ذکره السلام»
لقب نوشتند و کار الحاد در زمان او رواجی تمام یافت
و او در پادشاهی چهار سال بماند و در سنه ۵۶۱ بردست
برادرزن خود کشته شد و در قلعه لمر بدوزخ رفت.»

که از جهانگشا و جامع التواریخ تلخیص شده و در اسناد اسمعیلی از قبیل
هفت باب ابی اسحق نیز تأیید گردیده منتها تواریخ جلوس و سقوط حسن مغشوش است.

ملحقات

۱- اضافات

۲- توضیحات

۳- فهرست‌ها

اینک زمان آن رسیده که دنباله کار را در اینجا رها کنیم و اتمام آنرا بفرصتی دیگر واگذاریم . گفتگو از مورخان ایرانی را در آغاز قرن چهاردهم هجری (۱۲۰۰ ش = ۱۲۴۰ ق.) پایان داده ایم؛ زیرا بحث و اظهار نظر درباره آثار معاصران را در بادی امر بملاحظات غیر ممکن یافتیم ؛ با اینهمه دریغ است در مقام صحبت از تاریخ و مورخان ایران از چند مورخ ارجمند معاصر یادی نشود و نیز از چند کتاب چاپ شده که نویسندگان نشان تاکنون ناشناس مانده اند ذکر ی نگردد . بدین منظور ملحقاتی بر کتاب افزوده شد که شامل است بر :

- ۱- مورخان و تاریخ‌های از قلم افتاده ،
- ۲- مورخان معاصر ،
- ۳- آثار مورخان ناشناس ،
- ۴- توضیحات و اضافاتی بر مطالب کتاب .

در این مقام شایسته است که مؤلف از آقای دکتر زریاب خوئی که سؤالات بی‌پایانش را بخوشروئی پاسخ گفته اند ، از آقای ایرج افشار که راهنمائیهای ارزنده‌ئی کرده اند ، از آقایان پرویز شهریاری و محمود قراچورلو که برای انتشار این کتاب کوشیده اند ، از آقای محمد مشیری که کتابخانه گرانبهایشان را در اختیار مؤلف قرار داده اند ، از آقای ربیع انصاری که مشوق او بوده اند و از آقای سناتور علی دشتی که بنوع غیر مستقیم مسبب این تألیف میباشند ؛ سپاس بی‌پایان خود را ابراز دارد و شرمند و متأسف باشد که نتوانسته است با ارائه کتاب با ارزشی شایستگی قبول این محبت‌ها را داشته باشد .

کتاب حاضر در صفحات اول اغلاط فراوان دارد ؛ ولی

صفحات بعدی که بدست کارگران لایق چاپخانه بانک بازرگانی
حروفچینی و چاپ شده و مصحح لایقی چون آقای علینقی عدنانی
تصحیح آنرا بعهدہ گرفته اند تا حد زیادی از این عیب مبرا است.

از میان کتابهاییکه نگارنده نامشانرا شنیده متأسفانه
یکی از آنها بدست نیامده لذا اظهار نظر در این باره ممکن نگردید.
مشخصات این کتاب نوشته میشود تا مورد استفاده کسانیکه
بخواهند در صدد جستجو برآیند، قرار گیرد.

روزنامه غزوات هندوستان

تألیف غیاث الدین علی بن جمال الاسلام یزدی باهتمام
Barthold و Zimin در سال ۱۹۱۵ م . در
Petrograd چاپ شده است و از جنگها و فتوحات امیر
تیمور گورکانی بحث میکند .

امین الدوله

میرزا علی خان بن میرزا محمد خان مجد الملک سینکی ملقب به امین الدوله در سال ۱۲۶۰ ق. در طهران بدنیآ آمد و از تربیت پدری دانشمند برخوردار شد. در جوانی همراه پدر بیغداد رفت و در سال ۱۲۸۲ روانه تبریز و سه سال بعد در سفر مشهد بار دیگر همراه پدر گردید. در سال ۱۲۸۹ بطهران آمد و بدربار ناصرالدینشاه راه یافت و به منشی حضور و پس از آن به امین الملک ملقب گردید و وزیر رسائل شد (۱۲۹۰) و همراه شاه باروپا رفت. در سال ۱۲۹۲ ریاست ضرابخانه باو واگذار شد و چون نتوانست کیسه آز درباریان را پارسازد بزودی این کار که در آمد فراوانی داشت بدیگری واگذار گشت. در سال ۱۲۹۵ ق. امین الملک باردیگر بفرمان شاه باروپا رفت. وقتی ناصرالدین شاه مجلس شورای دولتی را تشکیل داد و امین الملک رابط میان شاه و مجلس گردید. در سال ۱۲۹۹ به امین الدوله ملقب و بوزارت وظائف و اوقاف و در سال ۱۳۰۴ بریاست مجلس وزیران منصوب شد و در سال ۱۳۰۶ باردیگر در التزام رکاب ناصرالدین شاه عازم اروپا گردید.

در سال ۱۳۱۵ ق. مظفرالدین شاه ویرا بصدارت عظمی برگزید ولی امین الدوله بیش از یکسال نتوانست بر سر کار بماند و ناچار استعفا کرد و اندکی بعد ناچار بترك طهران شد و با ملاک خود در لشت نشا رفت و از آنجا عزم سفر حج گردید (۱۳۱۶) در سال ۱۳۱۸ امین الدوله بدستور شاه تبعید شد و سه سال از ایام پیری خود را در خارج از ایران گذراند و اندکی پس از بازگشت بلسنت نشا در گشت. (۱۳۲۲ ق.)

همانگونه که ملاحظه میشود وی مردی دنیا دیده و تربیت شده بود که از ادبیات فارسی و عربی و فرانسه بهره وافعی داشت. عمری را بکارهای خطیر مشغول

شد . ثروت و قدرت شایان توجهی بدست آورد . از وی دو کتاب بجای مانده که هر يك نمونه‌ئی از قدرت قلم و باریك بینی اوست . یکی **سفرنامه مکه** که از روی خط او بصورت گراوری چاپ شده و دیگری **خاطرات وی که بنام خاطرات سیاسی علی خان امین الدوله** در سال ۱۳۴۱ ش . باهتمام دکتر حافظ فرمانفرمایان در تهران انتشار یافته . گرچه این کتاب مانند همه تواریخی که مربوط بحوادث عصر مورخ باشد غرض آلود و غیر جامع است با اینهمه یکی از مهم‌ترین اسناد تاریخی بیش از نیم قرن ایرانست وصحت اغلب مطالب آنرا اسناد دیگر تأیید میکنند .

آنانکه دانسته یا ندانسته همصدا با پیگانگان شده انقلاب مشروطیت ایران را حادثه خلق الساعة بقلم می‌آورند خوبست به پیش آمدهای این انقلاب که در چند جا از این کتاب بچشم میخورد توجه کنند :

«... دائرة جور محصلین، رعایا را بهنگام زراعت و برداشت محصول پراکنده ، مساکن آنها را بشرر بیداد آکنده داشت . در شیراز مردم بجان آمده بپیرامن دار الحکومه انجمن شدند . نومیدی پرده حرمت را از میان ربوده و قفل زبانها را گشود . هر گونه ناسزا گفته و بسرادر آمدند . باسنگ و کلوخ در و دیوار را کوفتند ... »

«... بنقد در مجالس طهران بد گوئی و عیبجوئی از دولت و سلطنت تکلیف مهم و جزء متمم است و بی پرده هر طبقه ، حتی مردم بازاری ، هر چه در دل داشتند بزبان می‌آوردند :

کار یکدرجه بالا گرفت . علماء و اهل منبر بدم و قدح دولت و دولتیان زبان گشودند ... »

و اینهمه گفتگوی بیست و سی سال قبل از انقلاب مشروطیت است .

ازجدانی

سلطان یعقوب بن محمد ابراهیم - در سال ۱۲۰۳ ق . در انجدان بدنیآ آمد و تا بیست سالگی در همان شهر بسر برد . در این هنگام با جمعی از خویشانش برای شکایت از قاتلین عمش بطهران آمد و بحضور فتحعلی شاه بار یافت، و مطلوب نظر وی قرار گرفت . چندی بعد در سلك غلامان شاهی در آمد و برای مأموریتی برشت رفت و هفت ماه در آنجا بسر برد . پس از مراجعت بطهران در سلك ملازمان قائم - مقام عازم آذربایجان شد و در آنجا تعلیم نظامی دید و چنانکه خود گوید در مدت هشت ماه از سر بازی بسطانی رسید و در سال ۱۲۲۷ در جنگ ایران و روس و ایران و عثمانی شرکت کرد و با مأموران نظامی انگلیسی و فرانسوی آشنا شد و مدت بیست سال با آنان حشر و نشر داشت . وی در سال ۱۲۶۷ سوانح عمری خود را در کتابی بنام **تاریخ نو** گرد آورده که هر چند نمیتوان نام تاریخ بر آن نهاد و نویسنده نیز خود در چند جا متذکر آن شده ؛ معذک از نظر آشنائی با اوضاع و احوال عصر مؤلف دارای اعتبار بسیار است . متأسفانه آقای ابراهیم دهگان که زحمت چاپ آنرا بعهده گرفته و در سال ۱۳۳۳ در اراک قسمتی از تاریخ نو را بچاپ رسانده اند با تلخیص کتاب وعدم توجه به تنظیم فهرست ها ، خوانندگانرا از فواید بسیاری محروم گذاشته اند . مؤلف مردی بسیار مذهبی و مؤمن بوده و حقایق حوادث را بهمانصورت که دیده نوشته است :

« ... نجفقلی بیک از مردم باد کوبه را
 برای وصول مالیات‌ها به سلطان آباد فرستادند. این
 مرد ناجوانمرد پست فطرت به سلطان آباد دست خالی
 وارد شد و با اثاثیه مردم بساط ایالت چید. فرش و
 ظروف و دیگ و دیگر وسفره و اثاثیه و سماور و لوازم
 آن تا بکفش و روبند زنانه و کلاه و چاقچول مردانه
 مورد لزوم خود را از مردم گرفت ... »

تاج السلمانی

از شرح احوال وی چیزی بدست نیست جز آنکه در دربار شاهرخ راه داشته و خط
 تعلیق را نیک مینوشته و خواجه عبدالله مروارید وزیر سلطان حسین بایقرا از شاگردان
 او بوده است و از این روی وفات تاج السلمانی را باید میان سالهای ۸۷۵ الی ۸۸۰
 دانست زیرا خواجه عبدالله (متولد ۸۶۵) برای آنکه بتواند شاگردی او کند دست کم
 باید دهساله باشد. از طرف دیگر در نسخه‌ئی از کتاب شمس الحسن مورخ بسال
 ۸۸۱ از تاج السلمانی با جمله رحمة‌اله علیه یاد میکند. اگر آنچه نوشتیم درست
 باشد تاج از عمری طولانی برخوردار بوده است زیرا در مراسم بخاک سپردن تیمور
 (۸۰۷) حضور داشته و از آن یاد میکند:

کتاب **شمس الحسن** اثر تاریخی اوست که در سال ۸۱۱ نوشتن آن آغاز شده
 و حوادث ایام سلطنت شاهرخ را شامل است. این کتاب نیز مانند تمام تواریخ آن
 ایام از تملق و عبارت پردازی و اطناب ممل سرشار است و ذیلا قسمتی از آن
 نقل میشود:

« ذکر ظہور طغیان امیرزادہ عمر .

چون امیرزادہ عمر را منظورا نظار نوازش و مراحم خاص
فرمودند و سوبہ مازندران بدو سپردند . در مدت شش
ماہ ضعف حال او بقوت مبدل شد و شب محنت بروز
نعمت مفوض گشت . ملازمانش در عین رفاہیت آراستہ
ولشکریان در غایت جمعیت آسودہ . لمؤلفہ :

مفت خوردند و بال بکشودند
راہ وزر و وبال بکشودند
نعمت شاہ را تبه کردند
روی ناموس خود سیه کردند
لایق این مقال زیبا گفت
آنکہ در نظم خویش این در سفت
حق نان و نمک تبه کردن
بشکنند مرد را سر و گردن

از خیانت ذات و رذالت صفات در ازاء احسان شاهی
کفر نامتناہی پیش آورد و آثار طغیان و علامت عصیان
بیموجبی بظہور رسانید و امارات « ان الانسان لظلوم
کفار » بر صفحات افعال خویش واضح گردانید ...»

کتاب شمس الحسن از روی نسخہ خطی بسیار زیبائی در سال ۱۹۵۶ م . در
Wiesbaden با مقدمہ آلمانی و فہرستہائی بقلم Hans R. Roemer چاپ
شدہ است .

حکیم

محمد تقی بن محمد هادی بن محمد مهدی بن محمد حسن بیک بن محمد خان اوسبی هروی . بطوریکه خود مینویسد پدرانش از دیرباز مصدر خدمات دولتی بوده اند و او خود با رضاقلی خان هدایت قرابت سببی و نسبی داشته و نیز از آثار خود بدین شرح یاد میکند

- ۱ - جنت السلاطین : در تاریخ شهر یاران عرب و عجم
- ۲ - رضوان الملوک : منظومه در احوال شهر یارانی که در جنگ و یا بر اثر خیانت بدخواهان کشته شده اند .
- ۳ - کنز الدرر : منتخبی از حکایات متفرقه از کتب متقدمین .
- ۴ - منتخب اللالی : منتخبی از اشعار شعرای متقدمین .
- ۵ - مسالك السالكين : در طریقه فرق دراویش و بلاد و مدفن و مدت عمر و وضع سلو کشان .
- ۶ - مجمع الدرر : مجموعه غزلیات ، قطعات ، قصائد و تغزلات .
- ۷ - کتاب مهم وی اثریست بنام گنج دانش که مؤلف در توصیف آن چندان راه اغراق نپیموده :

«...مجمع منتخبات اهل بینش از روی کتاب حکمای فاضل و فضلی کامل و مورخین یونانی و مصنفین فرنگی و مؤلفین و کاملین ایرانی منتخب و تألیف شده ، شرح بلاد معظم ممالک ایران ، و شمه از عصر بعضی از شهر یاران ، و اتفاقات واقعه در هر زمان ، بمناسبت

جاومکان ، از جنگ و پیکار ، و صنایع و حرفه خلق و
عصر آنزمان ، و افتخارات ایرانیان شرح داده ؛ و
از شهر های قدیم که تغییر نام و جا و آبادی یافته ؛
بنابر تسلسل رشته کلام ذکر شد ...»

در آغاز کتاب فهرست مآخذ کتاب و نیز فهرست نام شهرها بدست داده
شده است .

متأسفانه از سوانح حیات مؤلف چندان اطلاعی در دست نیست جز آنکه
یقیناً تا حدود سال ۱۳۱۰ ق . زنده بوده و چون جدش تا سال ۱۲۴۷ ق . حیات داشته
با حساب احتمال سنین متوسط ، او را باید در اوان تألیف این کتاب مردی میانسال
بحساب آورد .

گنج دانش در سال ۱۳۰۵ ق . بصورت سنگی در طهران چاپ شده است .

۸ - یکی دیگر از آثار وی **تاریخ ماوراءالنهر** است که در سال ۱۳۱۰ ق .
باهتمام ملك الكتاب در بمبئی چاپ شده است .

رامهرمزی

ناخدا بزرگ بن شهریار ناخدا رامهرمزی . از احوال وی اطلاعی در دست
نیست و در کتابهایی هم که درباره او بحث کرده اند مانند مقدمه فرانسوی کتاب وی و
الرحالة المسلمون فی العصور الوسطی و فهرستها چیزی دیده نشد . کتاب وی بنام
عجائب الهند بره و بحره و جزائره از جمله دهها سفر نامه ایست که در جهان مسلمان
قرون سوم و چهارم و پنجم سخت رایج و بازارش گرم بود . این کتاب مطلب علمی و

قابل توجه بسیار کم و در عوض سخنان گزافه و خرافه و نقل قول فراوان دارد. چاپ مصوری از متن عربی آن با ترجمه فرانسوی L. Marcel Devic با اهتمام P.A. Van Der Lith در سالهای ۶ - ۱۸۸۳ در Leyden انتشار یافته که اخیراً بار دیگر همانرا در تهران افست کرده‌اند.

قطبی

ابوبکر قطبی اهری. از شرح احوال وی چیزی بدست نیامد جز آنکه یقیناً تامدتی بعد از سال ۷۶۰ زنده بوده است. قطبی کتابی در تاریخ ایران نگاشته که پیداست ناتمام مانده و تاریخ ایران را از کیانیان تا جلوس شیخ حسن ایلکانی تعقیب میکند.

خاورشناس معاصر هلندی J.B. VanLoon عکس قسمتی از نسخه خطی این کتاب را از صفحه ۱۳۴ تا ۱۸۴ بنام تاریخ شیخ اویس با ترجمه انگلیسی آن قسمت و خلاصه‌ئی از بقیه مطالب کتاب و مقدمه و فهرست‌های لازم در سال ۱۹۵۴ م. در Lahe چاپ کرده است. این قسمت که مفیدترین فصول کتابست نثری ساده و روشن دارد و توصیفی مجمل و درعین حال مفید از تاریخ قسمتی از ایران در قرون هشتم و نهم هجریست. متأسفانه کتابت آن درعین زیبایی فاقد دقت است و پاره‌ئی اغلاط و افتادگی در آن بچشم میخورد.

قمی

قاضی احمد قمی - از شرح احوال وی در تواریخ چیزی بدست نیامد و اطلاعاتی را هم که در این باره خاور شناسان معاصر مانند C. C. Edward و Zakhoder و Minorsky و Hintz و Roemer و از کتابهای او استخراج کرده‌اند ناچیز است. اینقدر پیداست که پدرانش از دیرباز در قم صاحب دولت و قدرت بوده‌اند و او خود بر مسند قضاء این شهر مذهبی که در آن ایام رونق بسیار داشته، احتمالاً بطور موروث می‌نشسته و در سال ۱۰۰۱ و یا اندکی پس از آن بدروزدن‌گی گفته‌است، از وی کتابی بنام **گلستان هنر** بجای مانده که Zakhoder ترجمه روسی آن را در Moskow و Minorsky ترجمه انگلیسی آن را در London چاپ کرده‌اند. متن فارسی کتاب را نیز اول بار Clara C. Edward معرفی کرده است.

کتاب دیگر وی **خلاصة التواریخ** نام دارد که تباریخ صفوی را از شرح نسب این سلسله و احوال شیخ صفی‌الدین تا نیمه سال ۱۰۰۱ مقارن با سال ششم سلطنت شاه عباس اول بیان کرده‌است ولی در این سال نیمه تمام مانده و این را بفوت مؤلف حمل میتوان کرد.

قسمت مربوط بتاریخ ولیعهدی و سلطنت شاه عباس این کتاب با ترجمه آلمانی Hans Muller و مقدمه و فهرست‌های مبسوط در سلسله انتشارات هیئت مستشرقین ماینس در سال ۱۹۶۴ م. در Viesbaden چاپ شده است.

این کتاب نیز مانند اغلب تواریخ ایرانی صورت واقعه نگاری دارد. انشاء آن ساده و روشن و توصیفاتش کمتر با اغراق و تملق توأم است و در شرح حوادث باختصار گرائیده‌است.

ملك آرا

عباس میرزا بن محمد شاه قاجار - برادر کوچکتر ناصرالدین شاه است که در سال ۱۲۵۵ بدینا آمده و همیشه مورد علاقه و توجه محمد شاه بود و تحت تربیت رضاقلیخان هدایت از تحصیلات شایسته برخوردار گردید . پس از آنکه ناصرالدین شاه بسلطنت نشست خواست ویرا از میان بردارد ولی کاردار سفارت انگلیس پادرمیانی کرد . نخست امیر کبیر بمخالفت با وی برخاست ولی چنین مینماید که وقتی از ناصرالدین شاه ناامید شده درصدد تقویت ملك آرا برآمده و بعید نیست در صدد روی کار آوردن او بوده است.

پس از سوء قصد به ناصرالدین شاه ، درباریان ملك آرا را بشرکت در این توطئه متهم کردند و این بار نیز اگر حمایت سفارت انگلیس نبود ملك آرا کشته میشد ولی پافشاری وزیر مختار انگلیس سبب شد که او را با مأموران دولتی و یک نفر کارمند سفارت انگلیس بعثت بفرستند (۱۲۶۸)

ملك آرا بیست و هفت سال در عتبات بسربرد و سرانجام در سال ۱۲۹۵ از شاه اجازه یافت که بایران بازگردد لکن طولی نکشید که ملك آرا بار دیگر جان خود را در مخاطره دید و بققاز گریخت تا آنکه سپهسالار از او وساطت کرد و امان یافت و بایران بازگشت . مدتی حکمران قزوین و چندین سال خانه نشین و زمانی حاکم گیلان بود . در سال ۱۳۱۳ برای تبریک جلوس نیکلای دوم بسمت سفیر فوق العاده ایران بروسیه رفت . در سال ۱۳۱۴ بوزارت عدلیه انتخاب شد و در سال ۱۳۱۶ بار زندگی پر ماجرای خویش را بسر منزل رسانید.

ملك آرا شرح احوال خود را تا آخرین سالهای زندگی بوجهی دلکش نوشته که در سال ۱۳۲۵ ش . باهتمام محقق معاصر عبدالحسین نوائی با مقدمه مبسوط عباس

اقبال در تهران منتشر شده است . آخرین جملات کتاب خود میتواند نمونه‌ئی از طرز فکر او باشد. این سطور مربوط به بازگشت او از روسیه است :

«... بعد از استیذان بحضور رفتم، میرزا علی اصغر صدر اعظم در حضور بود . خیلی اظهار مرحمت فرمودند و بعضی فرمایشات شد که بهیچوجه دخیلی بامور دولتی نداشت و من خیلی منتظر بودم که از وضع قشون دولت روس و حالت رعایای آنها و آبادی آنها سئوالاتی بفرمایند... حتی پرسیدند که رفتار آنها با تو و سایر فرستادگان دول معظمه چگونه بود...»

شرح حال عباس میرزا ملك آرا در صورتیکه با دیگر کتابهای معاصرش بصورت انتقادی مورد ملاحظه قرار گیرد. یکی از اسناد با ارزش دوران سلطنت پنجاه ساله ناصرالدین شاه است .

میرزا حسین خان

میرزا حسین خان بن محمد ابراهیم خان تحویلدار اصفهان. بگمان نگارنده این سطور صاحب ترجمه را باید دقیق‌ترین جغرافیا نویس ایران دانست که کارش تا آن زمان در ایران سابقه نداشته و حتی در اروپا نیز هنوز چندان متداول نبوده است. اگر جغرافیا نویسان قبل و بعد از وی نیز در کار خود از چنین شیوه‌ئی پیروی کرده بودند اینک ، تصویر بسیار روشنی از زندگی قرون و اعصار متمادی

در دست : اشتیم .

دیرزا حسین که پدرش در اصفهان و بختیاری و خوزستان مشاغل مهم دولتی داشته - و نیز کارمند تلگرافخانه اصفهان بوده است . وی بدستور مخبرالدوله در سال ۱۲۹۴ ق. تألیف کتاب **جغرافیای اصفهان** را آغاز کرده و در سال ۱۳۰۸ آنرا با آخر رسیده است ولی چنین پیدا است که اولیاء دولت نه تنها او را پاداش نداده اند بلکه چندی حقوق و مستمری او را نیز قطع کرده اند . دکتر ستوده در مقدمه چاپی کتاب بحق چنین نوشته :

« مطالب این کتاب محدود بـجغرافیای طبیعی نیست بلکه نیروی مؤلف بیشتر صرف جمع آوری مطالب جغرافیای انسانی شده است . گمان ندارم هیچ مؤلفی تا کنون ز باره خاندانها و خانواده های مختلف اصفهان تا این حد دقت و بررسی کرده باشد . در این کتاب اصناف مختلف مردم را به صدو نود و نه نوع تقسیم کرده است . و در ذیل هر یک شرح کاملی از آنها میدهد . در ذیل نوع شانزدهم که انواع الواط را شرح میدهد و نوع هفدهم که عملجات مچهداران شتر قریانی را وصف مینماید مطالب این است که در هیچ کتابی بآنها بر نمیخورید ... »

و جلال آل احمد چنین نوشته :

« ... در صفحات آن از اصفهان در دورانی گزارش داده میشود که شهری بآن عظمت در حال پوست انداختن است و خلوت شدن و خرقه پا تختی را بدوش تهران انداختن ، شهری که در آن جز ۲۵ طبیب و ۱۲ کاتب نمانده ، بسا خیلی از سیمیا و کیمیاگران و شاعران ... »

این کتاب نفیس و کوچک که در سال ۱۳۴۲ ش. بکوشش دکتر منوچهر ستوده از طرف مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در تهران منتشر شده دارای آن چنان مطالبی است که هر ایرانی علاقمند بمسائل اجتماعی را از خواندن آن ناگزیر میسازد.

نظام حسینی

نظام الدین (یار کن الدین) محمد بن عماد الدین محمد بن محمد بن عبد اللہ نظام حسینی یزدی در حدود سال ۶۸۴ متولد شد. در ایام تحصیل از ادبیات فارسی و عربی، فقه، حدیث، منطق و نجوم اطلاعات مبسوط بدست آورد. از سادات علوی و طبعاً پیرو مذهب شیعه و نقیب السادات عصر بود و در دربار سلطان ابوسعید ایلخان مغول مقامی معزز داشته و حمداله مستوفی در تاریخ گزیده پس از غیاث الدین محمد صاحب دیوان وزیر سلطان ابوسعید بلافاصله و با احترام بسیار از او چنین یاد میکند: «... رکن الاسلام والمسلمین [که در عهد او] کار ملک و دولت برونق هر چه تمام است...»

از نظام کتابی بجای مانده بنام **العراضه فی الحکایات السلجوقیه** که در سال ۱۹۰۹ م. با مقدمه و تصحیح Karl Sussheim در Leyden و یکبار نیز در مصر چاپ شده است. این کتاب همانگونه که نظام خود گفته تلفیقی است از یک سلجوقنامه قدیم با اطلاعات مأخوذ از کتب دیگر و مقدار معتنا بهی اشعار و امثال و آیات و مرادفات و مشابہات که جابجا سراسر کتاب را پوشانیده :

«... من حیث اتفاق نسخه‌ئی از تاریخ آل سلجوق که در قرون ماضیه و عهد خالیه در اعلاء اعلام مسلمانی و نصب رایات جهانبانی آثار کسری منسوخ گردانید... بدست افتاد و چون در آن اجراء... ناملی کرد... یافت که مختتم آن کتاب حال پادشاهی سلطان محمود بن محمد بن ملک‌شاه انر له الله جنة النعیم بود... خواست که در زمان این فراغت، بر وفق این ارادت هنگام ملالت از مطالعه علوم شریعت؛ مجموع آن حکایت، بعبارتی خوب و استعارتی مرغوب جمع کند...»

کتابهای نویسندگان ناشناس

تاریخ سیستان

یکی از کتابهای تاریخی ارجمندیست که هنوز نویسندگان آن ناشناس مانده اند. این کتاب یکبار در زمان ناصرالدینشاه در پا ورقی روزنامه ایران بتدریج چاپ شده و بار دیگر با تصحیحات و تعلیقات ملك الشعراء بهار جامه طبع پوشیده (طهران - ۱۳۱۴ ش . مؤسسه خاور)

بهار عقیده دارد که این کتاب بدست دو تن در حدود سالهای ۴۴۵ و ۷۲۵ نوشته شده . احتمال دارد نویسنده اولی کتاب را از عربی ترجمه کرده و یا او نیز تاریخ قدیمتری را برای نوشتن این کتاب مورد استفاده قرار داده باشد.

تاریخ سیستان سرگذشت این سرزمین را از روزگاران باستانی و دوران افسانه‌ئی آغاز میکند و در باره شهرها و آبادیهای سیستان ، بزرگان آندیار ، فضائل و خصائص آنجا ، خراج آنجا در ادوار مختلف ، مذهب مردم آنجا در دوره قبل از اسلام ، فتح سیستان بدست مسلمانان و حکام سیستان اطلاعاتی بدست میدهد و فی الجمله از اسناد مهم تاریخ هفتصد ساله ایران جنوبی و شرقی بشمار میرود . - والبتہ برای پاره‌ئی اطلاعات مربوط بقبل از ظهور اسلام هم خالی از فایده نیست - از یعقوب چنین حکایت کند :

» ... شعرا اورا شعر گفتندی بتازی :

قد اکرم الله اهل المصر والبلد
بملك یعقوب ذی الافضال والعدد
قد آمن الناس بخواه و غیرته
ستر من الله فی الامصار والبلد

چون این شعر بر خواندند او عالم نبود در نیافت ،
محمد بن وصیف حاضر بود و دبیر رسایل او بود و
ادب نیکو دانست و بدان روز گار نامه پارسی نبود ؛
پس یعقوب گفت : چیزی که من اندر نیابم چرا باید
گفت ؟ محمد وصیف پس شعر پارسی گفتن گرفت...»

از این کتاب فقط یک نسخه خطی وجود دارد که در تصرف وزرات استاد بهار
است و شنیده شد که گویا نسخه دیگری نیز پیدا شده ولی از تحقیقات نتیجه‌ئی
عاید نشد و مالک آن معلوم نگردید . ایکاش هر که هست زودتر در صدد ارائه و
چاپ آن بر آید تا مبهمات نسخه فعلی مرتفع گردد.

حدود العالم من المشرق الى المغرب

قدیم‌ترین کتاب جغرافیائی بدست آمده بزبان فارسی کنونی است که نسخه
منحصر بفرد آن همراه با جهان نامه (که باز آنهم نسخه منحصر بفرد است) و
دو کتاب دیگر در ترکستان بدست یکی از بابیان پیدا شد و بدست Tumansky
صاحب منصب روس افتاد و او پس از چندی این کتاب را طی مقاله‌ئی معرفی کرد .
مؤلف این کتاب که تا کنون ناشناس مانده در سال ۳۷۲ این کتاب را در

گوزکانان و بنام امیر آندیار نوشته و یگانه نسخه موجود آن در سال ۱۳۵۶ بدست عبدالقیوم بن حسین بن علی فارسی کتابت شده است. Barthold خاور شناس روس عکسی از این نسخه تهیه کرده که باهتمام Rozen و Zhukovsky از طرف آکادمی علوم شوروی در سال ۱۹۳۰ در Leningrad منتشر گشت و در سال ۱۳۱۲ ش. سید جلال الدین طهرانی آنرا با چاپ سربی در طهران انتشار داد و Minorsky ترجمه انگلیسی آنرا در London بچاپ رسانید (۱۹۳۷). و چاپ منقح پاکیزه‌ئی نیز اخیراً باهتمام دکتر ستوده در سلسله انتشارات دانشگاه طهران منتشر گردید.

اینست قسمتی از فهرست مطالب کتاب :

« سخن اندر نهاد زمین و مقدار آبادانی و ویرانی
 وی . سخن اندر دریاها ، جزیره‌ها ، کوهها ، رودها ،
 بیابانها و ریگها ، ناحیتهای جهان ، ناحیه چینستان ،
 هندوستان ، تبت ، تغرغز ، تثار ، یغما ، خرخیز ،
 خلخ ، چگل ، تخس ، کیماک ، غوز ، خلجاخ ،
 خفجاخ ، مجقوری ، خراسان ، ماوراءالنهر ، سند ،
 کرمان ، پارس ، خوزستان ، جبال ، دیلمان ، عراق
 جزیره ، آذربادگان ، ارمنیه ، اران ، عرب ، شام
 مهر ، مغرب ، اندلس ، روم ، صقلاب ، روس ،
 بلغاراندرونی ، مروات ، بجناک ، خزر ، آلان ، سریر
 خزران ، برطاس ، براداس ، ونندر ، سخن اندر
 آبادانی جنوب : ناحیه زنگستان ، زانج ، حبشه ،
 بجه ، نوبه ، سودان ... »

مجمّل التّواریخ و القصص

محمد قزوینی در معرفی این کتاب چنین نوشته : موضوع آن تاریخ اجمالی عالم است عموماً و تاریخ ممالک ایران خصوصاً از مبدأ خلقت الی سنه پانصد و بیست هجری که سال تألیف کتاب است، و علاوه بر تاریخ نیز تا اندازه‌ای از جغرافیای بلاد معروفه آن عصر بحث مینماید ، ترتیب اجمالی ابواب کتاب از قرار ذیل است :

اصل کتاب مشتمل است بر بیست و پنج باب

هشت باب اول آن : بسیار مختصر و مقدمه مانند است و موضوع آن فقط جداول تاریخی ملوک و خلفای گذشته است .

باب نهم و دهم : در تاریخ قدیم ایران قبل از اسلام .

باب یازدهم الی هیجدهم : در تاریخ ترکان و هندوان و روم و بنی اسرائیل و عرب و تاریخ انبیاء علیهم السلام برای هر کدام یک باب .

باب نوزدهم : که اطول ابواب است در وقایع تاریخی بعد از اسلام از سنه اول هجرت الی سنه ۵۲۰ .

باب بیستم : در سلاطین اسلام معاصر خلفا .

باب بیست و یکم : در القاب ملوک مختلفه .

باب بیست و دوم : در مقابر و نوادیس معروفه .

باب بیست و سوم و بیست و چهارم : در مسالک و ممالک و وصف شهرها و

دریاها و رودهای معروف و شرح بعضی ابنیه و آثار تاریخی .

باب بیست و پنجم : در فصول پراکنده .

گذشته از تاریخ و جغرافیا در جمیع ابواب و فصول این کتاب اهمیت مخدوسی

بقصص و حکایات و افسانه‌های تاریخی و محلی متداوله در آن اعصار داده شده است..
و این خود یکی از موجبات اهمیت این کتاب است ... »

همانطور که از مطالعه کتاب برمی‌آید و قزوینی و بهار اشاره کرده‌اند مؤلف
احتمالا از مردم اسدآباد همدان ویا از آن حوالی بوده و جد مؤلف مهلب بن محمد
بن شادی نام داشته و گویا مؤلف در اصفهان و اهواز نیز بوده است .

این کتاب گذشته از آنکه یکی از متون ادبی زبان فارسی است و صرف نظر از ارزش
آن برای مطالعات مربوط به فلکلور درباره تاریخ سلجوقیان و علی‌الخصوص غرب
و جنوب غربی ایران اطلاعات شایسته‌ئی بدست میدهد و نیز نام بسیاری از کتابها که
اینک از میان رفته‌اند و گاه ترجمه و یا متن قسمتی از آنها را در این کتاب می‌بینیم.

ابواب ۸ - ۹ و ۱۰ این کتاب قبلا با ترجمه فرانسوی Jules Mohl در
سالهای ۴۲ - ۱۸۴۱ و باب ۱۲ با ترجمه فرانسوی Reinaud در سال ۱۸۴۴ م. در
Journal Asiatique و تمام آن در سال ۱۳۱۸ ش . باهتمام ملك الشعراء بهار
توسط کتابخانه خاور در تهران بچاپ رسیده است .

چنین مینماید که یکی از رسوم پاره‌ئی مردمان جاه طلب این بوده که برخی
کتابهای تاریخ دیگران را از نام مؤلف عاری میساختند و چیزی بر آن افزوده و یا
نیفزوده در نزد بزرگان بنام خود جامیزده‌اند که گویا از همین قبیل باشد سلجوقنامه
محمد بن ابراهیم و العراضه و تاریخ سپستان و کتاب حاضر که بقول علامه قزوینی
قارئی « در بعضی مواضع ذیل وقایع را الی حدود سنه ۵۹۰ و ۶۰۰ امتداد داده و
جایجا در اثناء کتاب علاوه نموده است ... » و احتمالا خواسته و یا توانسته است آنرا
بنام خود بامیری و بزرگی پیشکش برد.

خلاصه التواریخ

ناشر کتاب در معرفی آن چنین گوید : « این کتاب یکدوره تاریخ ایران است که از پادشاهی پیشدادیان شروع و بحوادث آخرین دوران شاه عباس دوم یعنی هزار و شصت و سه ختم میشود ...

نام مؤلف و اسم کتاب معلوم نیست ... این کتاب بطور تحقیق خلاصه‌ئی از لب التواریخ یحیی بن عبداللطیف است ... که نویسنده دستی بمطالب برده و وقایع بعد از شاه اسمعیل صفوی را تا زمان خود بر آن افزوده ...

... نویسنده کتاب خود در سلك اطرافیان پادشاهان بعد از شاه عباس بوده است و نقل حکایات را شفاها (! ؟) مینماید. از خصائص کتاب آنکه حوادث بین زمان شاه طهماسب و شاه سلیمان را خیلی بادقت و نسبتاً مفصل نوشته و در ذیل هر فصلی بذکر ارباب مناصب و رجال دربار و فرمانداران و مستوفیان پرداخته و منشآت (ابنیه) هر یک از سلاطین مورد توجه را ذیل همان نتیجه ذکر کرده است ...

این کتاب با تاریخ ملا کمال در یکجا بنام **تاریخ صفویان** با اهتمام ابراهیم دهگان در سال ۱۳۳۴ در اراک چاپ شده است .

مورخان معاصر ایران

تاریخنویسان معاصر ایران غالباً توجه خود را بچهار امر معطوف داشته‌اند :

۱ - شرح حال ،

۲ - تاریخ ادوار ، سلسله‌ها و یا حوادث معین ،

۳ - شهر نامه ،

۴ - خاطره .

و در هر يك از این زمینه‌ها کتابهای چندی انتشار داده اند که با مراجعه بمحفوظات ذهنی میتوان از پاره‌ئی از آنها نام برد :

در مورد اول : دو شرح حال از ابومسلم خراسانی (در مجله ارتش و سلسله

انتشارات کتاب برای جوانان) **بابك خرم دین و ماه‌نخشب** (سعید نفیسی) **دو قرن**

سکوت (زرین کوب) سه شرح حال از یعقوب لیث ، **زندگانی شاه عباس** (فلسفی)

چندین شرح حال از نادر شاه ، سه کتاب در شرح حال کریمخان زند (از جمله

کریمخان زند نوائی و عقاب کمازان - کشاورز صدر) دو کتاب درباره عباس میرزا

نایب السلطنه (لاچینی ، نجمی) چند شرح حال از سید جمال‌الدین (از جمله یکی

بقلم تقی زاده در کتاب مردان خود ساخته) شرح حالی بسیار مستند و جالب از حاج

میرزا آقاسی (سعادت نوری در مجله یغما) چند شرح حال از امیر کبیر (امیر کبیر و ایران

- آدمیت ، شرح حال **میرزا تقی خان امیر کبیر** - مکی ، **سرگذشت میرزا تقی**

خان امیر کبیر - اقبال) شرح حال **قائم مقام** فراهانی (میرزا یحیی دولت آبادی)

چند شرح حال از ستارخان (از جمله رضا زاده شفق ، امیر خیزی) ، از خیابانی
(تاریخ حیات خیابانی - مجله کاوه ، قیام خیابانی - از آذری) کلنل محمد تقیخان
پسیان (از جمله انقلاب بیرنگ - سید علی آذری) از میرزا کوچک خان جنگلی
(که از آنجمله یکی اینک پاورقی روزنامه اطلاعات است .) چندین شرح حال از
سیاست پیشگان دوره قاجار و معاصر و رهبران و پیشگامان مشروطه و غیر آن ...

درمورد دوم: ایران باستان و ایران باستانی (مشیرالدوله) از پرویز تاجنگیز
(تقی زاده) از عرب تا دیالمه و دیالمه و غزنویان (پرویز) تاریخ خاندان طاهری
(نفیسی) تاریخ دودمان بویه (بهمنیار) از سلاجقه تا صفویه . تاریخ عصر حافظ
(غنی) تاریخ زندیه (هدایتی) ایران در دوره سلطنت قاجاریه (شمیم) تاریخ بیدروغ
(در واقعه قتل ناصرالدین شاه - ظهیرالدوله) چندین کتاب در تاریخ مشروطیت
ایران (از آنجمله تاریخ مشروطه ایران - کسروی ، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران
- ملکزاده) ایران در جنگ بزرگ (سپهر) تاریخ بیست ساله ایران (مکی)
تحریم تنباکو (تیموری) ، تاریخ بیداری ایرانیان (ناظم الاسلام) . کتابهایی در
زمینه روابط ایران با کشورهای بیگانه (از جمله تاریخ روابط ایران و انگلیس -
محمود محمود . ایران و اروپا - فلسفی ، ایران و دنیا - معزی ، ایران و اروپای باختری
- بیانی و غیر آن) تاریخ احزاب سیاسی (و از آنجمله کتابی بهمین نام از
ملك الشعراء بهار) .

در زمینه شهرنامهها : چند کتاب در تاریخ آذربایجان (از آنجمله مقالات
سلماسی در مجله ایرانشهر ، تاریخ آذربایجان - احمدی پور ، تاریخ هیجده ساله
آذربایجان - کسروی) چیزی بی سر و ته بنام تاریخ رضائیه و از همان قبیل
تاریخ و جغرافیای سلماس ، چند کتاب در تاریخ کردستان (از آنجمله کردو
پیوستگی نژادی آن - یاسمی ، تاریخ ریشه نژادی کرد - احسان نوری) تاریخ
قزوین بنام مینودر (گلریز) ، تاریخ طهران (جواهر کلام) تاریخ گیلان (کدیور)
تاریخ تهرستان (برزگر) تاریخ قومس تاریخ سمنان تاریخ اراک (دهگان) تاریخ

بختیاری (سپهر) چند کتاب در تاریخ و جغرافیای اصفهان و معرفی آثار تاریخی آن
 (از جمله سه کتاب از هنر فر و کتابی از انصاری) چند کتاب در تاریخ و جغرافیای
 فارس و شیراز و معرفی آثار تاریخی آن (از جمله آثار مصطفوی سامی بهروزی) تاریخ
 شوشتر تاریخ خوزستان (و از آن جمله تاریخ و جغرافیای خوزستان - شوشتری،
 تاریخ پانصد ساله خوزستان - کسروی) چند کتاب در تاریخ و جغرافیای جزایر و
 بنادر خلیج فارس (از جمله کتابهای، مطالعاتی دربارهٔ بحرین و بنادر و جزایر خلیج
 فارس - اقبال، حقوق ۱۷۰۰ ساله ایران بر بحرین - نفیسی و کتابهای سدیدالسلطنه -
 سر لشکر مقتدر . ملک زاده و کتابی بنام سمینار خلیج فارس) تاریخ قم بنام
 انوار المشعشعین - و کتابهایی در معرفی آثار تاریخی آذربایجان (دیباج) تهران
 (مصطفوی) ری (کریمی) کرمان (پاریزی) کرمانشاه (بیات) و غیره و غیره ...
 در قسمت چهارم : حیات یحیی (دولت آبادی) زندگانی من یا تاریخ اداری
 قاجاریه (مستوفی) خاطرات و خطرات (مخبر السلطنه) روشن شدن تاریخ صد ساله
 (قدس رضوی) و غیر آن .
 چند تاریخ عمومی و مدرسی . تاریخ مفصل ایران (رازی) تاریخ دوهزار و
 پانصد ساله .
 تاریخ اجتماعی ایران (نفیسی) تاریخ تحولات اجتماعی (راوندی) و چند
 تاریخ ادبی را میتوان بر این جمله افزود .

اقبال

عباس بن محمد علی اقبال آشتیانی « اقبال در سال ۱۳۱۴ ق . در خاندانی پیشه‌ور از مردم آشتیان زاده شد . چند سال از دوران کودکی او به درودگری گذشت . اما شور و شوق سواد آموختن او را بمکتب کشانید . چنین اندیشید که ساعتی از کار کردن بکاهد و بمزدی کمتر تن در دهد و درس بخواند . مدتی دراز نپائید که توانست خود را از مکتب‌خانه بدارالفنون برساند .

پس از آنکه دارالفنون را پایان برد چون از جوانان همدوره خود داناتر و پرشورتر بود بمعاونت کتابخانه معارف برگمارده شد . همچنین از او خواستند تا در آن مدرسه بتدریس زبان فارسی پردازد .

روز بروز کار اقبال بالایی میگرفت . در آن روزگار در مدارس معروف تهران درس میگفت . در دارالمعلمین عالی زبان فارسی و در مدرسه سیاسی و مدرسه نظام تاریخ و جغرافیا تدریس میکرد .

در سال ۱۳۰۴ ش . بسمت منشی هیئت نظامی ایران بپاریس رفت . در پاریس از سرنو بدرس خواندن و دانش آندوختن پرداخت . از دانشگاه سربین در جدلیسانس در ادبیات گرفت .

اقبال پس از بازگشت از اروپا باستادی دانشگاه انتخاب شد . در سال ۱۳۲۴ شوق خدمتگزاری بزبان و ادبیات فارسی اقبال را بر آن داشت که مجله‌ئی در زمینه تحقیق در مسائل مختلف مربوط بتاریخ و ادب ایران انتشار دهد . این مجله که بنام یادگار نشر شد و مدت پنجسال ادامه یافت در شمار بهترین مجلاتی است که تا کنون در زبان فارسی چاپ شده است .

پس از آنکه یادگار در سال ۱۳۲۸ تعطیل شد اقبال خسته و فرسوده بادللی آکنده از حسرت و آشفته از ایران رمیده شد و برای اینکه در پایان عمر آسودگی و آرامشی داشته باشد سمت نمایندگی فرهنگی ایران در کشورهای ترکیه و ایتالیا را پذیرفت و تا روزیکه در گذشت در همین مقام باقی بود. روز بیست و یکم بهمن ۱۳۳۴ در شهر رم (ایتالیا) زندگی را بدرود گفت .

یکی از مهم ترین کارهای او در رشته تاریخ کتابی است که در تاریخ مغول تألیف کرد. در زمینه تاریخ ایران بحوادث ایام سلاجقه نیز علاقه داشت و کتابی در خصوص وزراء سلاجقه نوشته بود . دو متن فارسی عتبه الکتبه و سمط العلی را در این باره بچاپ رسانید. قسمت دیگری از تاریخ ایران که مورد علاقه و تحقیق او بود دوران پادشاهی صفویه و قاجاریه است . در باره صفویه متن مجمع التواریخ را چاپ کرد. سلسله مقالاتی که در باره حوادث ایام مزبور و شرح حال رجال این دوره انتشار داد نیز گواهی بر این مدعاست . در خصوص قاجاریه مقالات او حتماً و حقاً سندیت دارد . همچنین کتاب سه سال در دربار ایران تألیف دکتر فوریه **Dr . Fevrier** طبیب مخصوص ناصرالدین شاه را بفارسی ترجمه کرد. ترجمه دو کتاب یادداشتهای ژنرال **Gen . Trezel** و مأموریت ژنرال گاردان در ایران در همین زمینه است. سرگذشت امیر کبیر نیز از آثار خوب او در حوادث این دوران است .

روزنامه میرزا محمد کلانتر فارس و تاریخ نو تألیف جهانگیر میرزای قاجار را نیز تصحیح و چاپ کرد . انتشار کتاب جنگهای ایران و انگلیس با حواشی مفیدی که بر آن افزوده نیز اطلاع بسیار و تبصره او را در تاریخ قاجاریه نشان میدهد. رشته دیگر از تاریخ که مورد تحقیق اقبال بود تاریخهای محلی است. در این رشته چهار متن قدیمی را بچاپ رسانید . یکی تاریخ طبرستان ابن اسفندیار ، دیگر سمط العلی در تاریخ کرمان ، سدیگر المضاف الی بدایع الازمان فی وقایع کرمان و چهارمی ترجمه فارسی محاسن اصفهان است. کتابی هم خود راجع بتاریخ بحرین و جزایر خلیج فارس تألیف کرد که در سالهای اخیر عمر وی انتشار یافت .

وی با ادب فارسی نیز بخوبی آشنا بود . در این باره چند متن ادبی را بحلیه
طبع آراست و از جمله آنها این چند کتاب است : حدائق السحر رشید و اواط ،
فضائل الانام ، انیس العشاق رامی ، لغت فرس اسدی ، دیوان امیر معزی ، سیاست نامه
نظام الملک . ذیل سیر العباد از اوحدی .

در مباحث کلامی و علم ادیان : تصحیح دو کتاب بیان الادیان و تبصرة العوام .
در رجال و علم انساب : ترجمه کتاب طبقات سلاطین اسلام ، تصحیح کتابهای
تتمة الیتیمه و معالم العلمای ابن شهر آشوب و طبقات الشعراء ابن معز و کتاب فارسی
تجارب السلف و همچنین دو رساله سرگذشت قابوس و شمگیر و عبدالله بن المتفیع و
کتاب خاندان نوبختی .

جز این آثار ، مرحوم اقبال یک دوره سه جلدی تاریخ ایران و یک دوره سه
جلدی تاریخ عمومی و یک دوره سه جلدی جغرافیای عالم و یک جلد کتاب جغرافیای
اقتصادی برای تدریس در مدارس و یک جلد کتاب کلیات تاریخ تمدن و یک جلد
کتاب کلیات علم جغرافیا تألیف کرده است که بعضی از آنها چندین بار بچاپ رسیده
است . «

این ملخصی از مقاله ایرج افشار در مقدمه تاریخ مغول بود که نگارنده نتوانست
چیزی بر آن بیفزاید و بهتر آن دید همانرا که این محقق دانشمند فراهم کرده نقل
نماید . تنها دو چیز باید گفت : یکی آنکه باید صاحب نظری همت کند و یادداشتهای
چاپ نشده (همانطور که قسمتی را ایرج افشار در مجله فرهنگ ایران زمین چاپ کرده
است) و مقالات پراکنده اقبال را که در مجلات یادگار ، دانشکده ، فرهنگ و تریبون
و غیر آن چاپ شده بصورت آبرومند و مدونی گرد آورد . باید اینک یادآور شد که با
مطالعه تاریخ مغول و تاریخ عصر حافظ شباهت فوق العاده ای میان سیاق کلام و برداشت
مطالب ایندو کتاب مشاهده کرده است و اینک بی آنکه قصد بد گوئی از دکتر غنی
داشته باشد از ذکر آن ناگزیر است .

تاریخ مغول بار اول بنام تاریخ مفصل ایران از استیلای مغول تا اعلان
مشروطیت « جلد اول از حمله چنگیز تا تشکیل دولت تیموری » در سال ۱۳۱۲ و
بار دیگر در سال ۱۳۴۱ در تهران چاپ شده .

تاریخ اکتشافات جغرافیائی و تاریخ علم جغرافیا . تهران ۱۳۱۴ .

کلیات جغرافیای اقتصادی . تهران ۱۳۱۵ .

مطالعاتی درباره بحرین و جزایر و سواحل خلیج فارس تهران ۱۳۲۸

میرزا تقی خان امیر کبیر تهران ۱۳۴۰

خاندان نوبختی تهران ۱۳۱۱

کلیات تاریخ تمدن جدید تهران ۱۳۲۰

وزارت در عهد سلاطین بزرگ سلجوقی تهران ۱۳۳۸

متون تاریخی را که اقبال تصحیح کرده در متن کتاب و هر کدام را بجای خود

معرفی کرده ایم و آثاریکه در زمینه مباحث تاریخی ترجمه کرده عبارتند از :

ترجمه طبقات سلاطین اسلام تهران ۱۳۱۲

» سه سال در دربار ایران تهران ۱۳۲۶

» یادداشتهای ژنرال تره زل تهران ۱۳۱۰

» ناپلئون و اسلام تهران ۱۳۱۴

» مأموریت ژنرال گاردان تهران ۱۳۱۰

» روسها و انگلیسها در آسیای مرکزی تهران ۱۳۰۸

قزوینی

محمد بن عبدالوهاب بن عبدالعلی در سال ۱۲۹۴ ق. در طهران بدنیآ آمد. پدرش از نویسندگان نامه دانشوران بود و بر ادبیات فارسی و عربی وقوف تمام داشت. قزوینی از محضر کسانی چون آقا شیخ هادی نجم آبادی، ادیب پیشاوری، شمس العلماء و میرزا محمد حسین ذکاءالملک که بوسعت مشرب و وفور علم معروفند برخوردار شد. در سال ۱۳۲۲ ق. با اروپا رفت و در آنجا با Edward Browne دوستی استواری بهم رسانید و سالها در فرانسه و آلمان و انگلستان بسر برد. وی ۷۶ سال زندگی کرد و در سال ۱۳۲۸ ش. در گذشت. قزوینی هیچ کتاب مستقلی در زمینه تاریخ ندارد ولی تحقیقات و مطالعات او در باره تاریخ بصورت مقالات و یادداشتها و تعلیقات بر کتابهای دیگر بجامانده است. از طرف دیگر او عکس و مشخصات بسیاری از نسخ کتابهای با ارزش تاریخی را که در کتابخانه های اروپاست فراهم کرد و بوزارت فرهنگ فرستاد - هر چند هنوز که سی سال از آن زمان میگذرد بسیاری از آنها «بهمان مهر و نشان است که بود» - و نیز از اوست چند کتاب تاریخی از آن جمله تصحیح و تحشیه تاریخ جهانگشای جوینی قسمتی از زین الاخبار گردیزی و سمطالعلی (باهمکاری اقبال). جمعی را عقیده بر آنستکه مقدمه نقطه الکاف که حاوی اطلاعات با ارزشی درباره فرقه بابیه میباشد از آثار قلمی اوست (نقطه الکاف کتابی است در تاریخ بابیه بقلم میرزا جانی کاشانی که ادوارد براون آنرا منتشر کرده است.) از آثار قزوینی در زمینه تاریخ مقالاتی در کتاب بیست مقاله قزوینی (دومجلد - چاپ بمبئی و تهران) و یادداشتهای قزوینی (انتشارات دانشگاه تهران - باهتمام ایرج افشار) چاپ شده است.

کسروی

سید احمد بن قاسم کسروی تبریزی در سال ۱۲۶۹ ش در یکی از محلات دورافتاده تبریز بدنیا آمد. پدرش مردی معمم بود که کارگاه قالیبافی داشت و تجارت میکرد و در ماههای مذهبی بمنبر میرفت. کسروی در سیزده سالگی پدر را از دست داد و چندی با داریه کارگاه پدر پرداخت و گاه بمنبر رفت ولی اندکی بعد از این هر دو دست شست و در حین تدریس عربی در مدرسه امریکائی تبریز بتحصیل زبان انگلیسی پرداخت. آنگاه در عدلیه استخدام شد و در زمان قیام خیابانی در تبریز، بطهران آمد و چندی در خوزستان و مازندران و زنجان بخدمات اداری و قضائی مشغول بود، در سال ۱۳۰۸ وقتی منتظر خدمتش کردند از عدلیه بیرون آمد و بوکالت دعاوی پرداخت. چندی ماهنامه پیمان را منتشر کرد و پس از شهریور ۱۳۲۰ روزنامه‌ئی بنام پرچم انتشار داد و جمعیتی بنام باهماد آزادگان را بنیاد نهاد.

کسروی - اگر از پاره‌ئی لغت‌های شگفت‌انگیزش که گاه اختراع میکرد، در گذریم - فارسی را شیرین مینوشت و حتی حقیر آنرا بفارسی درست و ادبی علامه قزوینی و تقی زاده ترجیح می‌نهد. مقالات او بزبان عربی در مجلات ادبی عرب چاپ میشد. انگلیسی و فرانسه وارمنی را بخوبی آموخته بود و نیز پهلوی را نیک میدانست و کارنامک اردشیر بابکان را بفارسی کنونی ترجمه کرده بود.

عقائد کسروی درباره تأویل آیات قرآن، فرق اسلامی، شعر فارسی و مطالب دیگر سبب شد که جمع کثیری بمخالفت با وی برخیزند و سرانجام در سال ۱۳۲۴ در روز روشن در کاخ دادگستری کشته شود و قاتلش بزودی آزاد گردد.

مطالعات کسروی در باره فرمانروایان گمنام ایرانی در قرون اولیه اسلامی بنام شهریاران گمنام، درباره مشعشعیان بنام تاریخ پانصدساله خوزستان، تاریخچه شیر و خورشید، بهائیگری، شیعیگری، صوفیگری، شیخ صفی و تبارش، تاریخچه چپق و قلیان و مقالات او که جداگانه نیز بچاپ رسیده، غالباً حاوی مباحثی تازه در زبان فارسی بوده است. تاریخ مشروطه ایران و دنباله آن تاریخ هیجده ساله آذربایجان بزرگترین کتاب در این زمینه است که شیوه نوینی در تاریخ نویسی فارسی پدید آورد. نگارنده سخت مشتاق است بداند بر سر یادداشت های چاپ نشده و کتابخانه این دانشمند چه آمد؟ و بجا خواهد بود اگر وارث و یادوستان او در این باره مطلبی بنویسند.

این نمونه ئی از توصیف کسروی از آغاز جنبش مشروطه خواهی در تبریز است:

« . . . اندکی از دیدار خود سخن رانم : من در آن هنگام شانزده ساله بودم و درس میخواندم . روز چهارشنبه بستن بازار را شنیدم ولی انگیزه آنرا ندانستم . فردا پنجشنبه پیش از نیمروز از خانه میآمدم در ویجویه مردم را در تکان تندی دیدم ، دسته دسته مردم مبرفتند . یکجا دیدم دوتن گفتگو میکنند :

- نان را ارزان گردانیده بودند فرستادند و چراغها را خاموش گردانیدند .

- ارزانی نانرا نمیخواهند پس چه میخواهند؟
- مشروطه میخواهند .

- مشروطه !؟ . . . مشروطه چیست !؟ . . .

- توهم برو تا بدانی مشروطه چیست .

آن مرد روان گردید . من نیز که نخستین بار نام مشروطه را می شنیدم وهمچون آن مرد آرزو مند دانستن معنی آن بودم پی او را گرفتم . نخست در پیرامون مسجد مصاص خان مردم را انبوه دیدم . مسجد پر

گردیده و کسانی در کوچه‌ها نیز ایستاده بودند. کسی
 پهلوی منبر سرپا ایستاده سخن میگفت. آوازش را
 می‌شنیدم ولی گفته‌هایش را نمیفهمیدم. دیدم کسانی
 نایستاده در میگذرند. من نیز در گذشتم. در چند
 گامی از آنجا خانه‌ئی را باز و مردم را در آن انبوه
 دیدم و بدرون رفتم. دیدم باغچه‌ایست سبز و زیبا و مردم
 سرپا ایستاده‌اند، و آخوند جوان زرد موئی بادستار
 سفید کوچکی، دودست بنرده‌های پله‌ها تکیه داده و
 میخواهد سخن گوید و همه خاموشند و میخواهند
 گفته‌های او را بشنوند. میخواهند معنی مشروطه را
 بدانند. آخوند با چهره گرا و زبان شیوا بسخن آغاز
 کرد:

بلبلان وقت گل آمد که بنالند از شوق
 نه کم از بلبل مستی تو بنال ای هشیار
 خبرت هست که مرغان چمن میگویند
 آخر ای خفته سر از بالش حسرت بردار
 تا کی آخر چو بنفشه سر غفلت در پیش
 حیف باشد که تو در خوابی و نر گس بیدار
 این شعرها را خوانده سپس بترکی معنی مشروطه را
 گفت.....»

مشیر الدوله

حسن بن نصرالله پیرنیای نائینی. در سال ۱۲۵۲ ش. بدنیا آمد. پدرش
 در زمان مظفرالدین شاه وزیر خارجه بود و او بر اثر تربیت پدر از تحصیلات عالی
 برخوردار گردید. تحصیلات نظامی و سپس تحصیلات حقوقی خود را در دانشگاه
 مسکو تمام کرد و در سال ۱۳۱۲ ق. بطهران بازگشت و منشی وزارت خارجه و

منشی صدراعظم و رئیس کابینه وزارت خارجه گردید و اندکی بعد ریاست مدرسه سیاسی که باهتمام همو تأسیس شده بود بوی مفوض شد .

درسال ۱۳۲۰ ق . همراه مظفر الدین شاه باروپا رفت و سپس بسفارت ایران درپترزبورگ منصوب شد .

درسال ۱۳۲۵ بسمت سفیر فوق العاده ایران برای اعلام پادشاهی محمد علی شاه باروپا رفت و پس از بازگشت بجای پدرش که مرده بود وزیر خارجه شد و از آن پس تادوران سلطنت رضاشاه تقریباً همیشه یا وزیر بود و یا نخست وزیر تا آنکه سرانجام در مقابل سیلی که پیش میآمد و هر آنچه را که بگذشته مربوط میشد در مینوشت پایداری نتوانست و بکناری رفت و کنج عزلت گزید و دو کتاب ایران باستانی و سپس ایران باستان را نوشت . کتاب اول شامل تاریخ مختصر ایران از آغاز تا ظهور اسلام است و کتاب دوم یکی از مهم ترین کتابهایست که در باره سلسله های هخامنشی و اشکانی نوشته شده . این کتاب که تاریخ مفصل ایران را از آغاز تا ظهور ساسانیان شامل است در بسیاری موارد باوجود کشفیات و مطالعات تازه صحت و ارزش خود را بتمامی حفظ کرده . قسمت ساسانیان این کتاب که گویا بصورت یاد داشتهای ناتمامی بدست سعید نفیسی سپرده شده و استاد - بقول باستانی پاریزی که هم این ترجمه مأخوذ از اثر ایشانست در صدر چاپ آن بر آمده اند ، ولی بعداً دنباله کار را رها کرده اند . یاد داشتهائی نیز از خاطرات و سوانح عمری مشیرالدوله بقلم خودش باقی مانده که هنوز چاپ نشده است . ایکاش آنانکه دستشان میرسد دست کم عکسی از این یادداشتهای فراهم کنند و یکی از کتابخانه های عمومی بسپارند .

ایران باستان بار اول درسال ۱۳۱۱ - ۱۳۱۱ در تهران بچاپ رسید . و درسالهای اخیر نیز کتابخانه ابن سینا آنرا بصورت جیبی با مقدمه و فهرست های جامعیه که باستانی پاریزی محقق معاصر فراهم کرده چاپ کرده است .

مشیرالدوله درسال ۱۳۱۳ ش . پس از مدتی بیماری در تهران درگذشت .

توضیحات

ص ۹ س ۳ - فرمانروایان باوندی گروهی از حکمرانان نیمه مستقل طبرستان بودند که نسب خود را بشاهان ساسانی میرسانیدند و به باوند از سرداران خسرو پرویز منتسب بودند و تا نیمه قرن هشتم گاه با جلال و شوکت و گاه با ذلت و فلاکت برای حفظ دولت خود میکوشیدند تا سرانجام بدست کارکیایان از میان رفتند .
حسام الدوله اردشیر بن حسن از سال ۵۶۸ تا ۶۰۲ حکومت کرد ولی پسرش شمس - الملوك دولتی مستعجل داشت و در سال ۶۰۶ بدست علویان کشته شد .

ص ۱۰ س ۱ - Charles Rieu استاد زبان عربی دانشگاه کمبریج و نویسنده فهرست کتابهای خطی عربی ، ترکی و فارسی بریتیش میوزیوم .
J . Darmesteter (۱۸۴۹ - ۱۸۹۴) از خاورشناسان فرانسه و مترجم اوستا و مؤلف تاریخ مهدویت در اسلام . B . Dorn (۱۸۰۵ - ۱۸۸۱) در آلمان زاده شد و در بلژیک بتحصیل علوم شرقی پرداخت و بدرخواست تزار روس برای تدریس السنه شرقی پطرسبورگ رفت و چند سال در آنجا بود . چندی نیز در هامبورگ و لندن و آکسفرد و پاریس مقیم گردید . از آثار او تنظیم فهرست کتابهای خطی عربی ، فارسی و ترکی موزه آسیائی پطرسبورگ و کتابخانه ملی امپراطوری و تألیف تاریخ خزر و قفقاز و گرج و توصیف نسخ خطی شرقی جامعه قازان است .

ص ۱۰ س ۲ - E . G . Browne خاورشناس انگلیسی (۱۸۶۲ -)
(۱۹۲۶) در ایران بسیار معروف است . از آثار اوست تاریخ ادبی ایران و سرگذشت يك سیاح (که بنام یکسال در میان ایرانیان بفارسی ترجمه شده) ترجمه خلاصه‌ئی

از تاریخ طبرستان. تصحیح تذکرة الشعرا و لباب الالباب، ترجمه چهار مقاله و تاریخ
گزیده و تألیف کتاب طب اسلامی و نوشتن دهها مقاله درباره خاور زمین .

ص ۱۱ س ۱۳ - J. T. Reinaud (۱۷۹۵ - ۱۸۶۷) رئیس قسمت نسخ
خطی کتابخانه ملی پاریس و استاد عربی مدرسه السنه شرقی پاریس بوده . آثار بسیار دارد
که از آن جمله است ترجمه و نشر قسمتی از فتوح البلدان ، تألیف کتاب سفرنامه
های جهانگردان ایران و عرب در خاور دور در قرن سوم هجری .

ص ۱۱ س ۱۴ - V. Minorsky (۱۸۷۷ - ۱۹۶۶) خاورشناس روس
که مدتی در ایران و ترکیه مقیم بود و پس از انقلاب اکتبر در روسیه ، بانگلستان
رفت و در لندن مقیم شد . از آثار اوست : ترجمه کتاب حدود العالم ، رساله ثانی
ابودلف ، عالم آرای امینی و تألیف کتابهای ایران در قرن پانزدهم ، تواریخ
نادرشاه ، اهل الحق و غیره .

ص ۱۲ س ۱۰ - J. Le Strange - خاورشناس انگلیسی (۱۸۵۴ -
۱۹۳۴) از آثار اوست ذیل فهرست نسخ خطی شرقی انجمن سلطنتی آسیائی لندن ،
انتشار فلسطین (از احسن التقاسیم مقدسی) و بین النهرین (از ابن سرا بیون) و ترجمه
و نشر نزهة القلوب ، فارسنامه ، دون ژوان ایرانی و تألیف کتابهای سرزمینهای خلافت
شرقی ، بغداد در ایام دولت عباسی ، عراق و ایران در عهد مغول و غیره .
Nicholson. R. A. (۱۸۶۸ - ۱۹۴۵) خاورشناس انگلیسی و ناشر منتخب دیوان شمس و ترجمه
منظوم آن بانگلیسی ، تألیف کتاب تصوف در اسلام و شرکت در ترجمه کشف
المحجوب و نشر مثنوی مولوی ، ترجمان الاشراف ، لباب الالباب ، لزومیات معری
فارسنامه و غیر آن .

ص ۱۳ س ۱۴ - المعتمد بالله - ابوالعباس احمد بن جعفر بن محمد بن علی . خلافت
از سال ۲۵۶ تا ۲۷۹ .

ص ۱۴ س ۱۵ - Barbier de Meynard (۱۸۲۷ - ۱۹۰۸)
خاورشناس فرانسوی که همراه گوبینو بایران سفر کرد و Journal Asiatique را
بنیاد نهاد . از آثار اوست تقویم ادبی خراسان در قرن چهارم هجری ، معجم جغرافیای
۲۰۷

تاریخی ادبی بلاد فارس ، نشر متن و ترجمه مروج الذهب ، مسالك الممالك ابن خردادبه ، اطواق الذهب زمخشری ، سیره ابراهیم بن مهدی نابغه موسیقی ، نوابغ الکلم زمخشری و بوستان سعدی و غیر آن .

ص ۱۶ س ۸ -- M. G. de Goeje (۱۸۳۶ - ۱۹۰۹) خاورشناس هلندی و بزرگترین مصحح و ناشر کتب عربی از جمله وفيات الاعیان ، عجائب المخلوقات فتوح البلدان ، مسالك الممالك اصطخری ، احسن التقاسیم مقدسی ، التنبیه والاشراف مسعودی ، تاریخ طبری ، الصله ، رحله ابن جبیر ، قسمتی از تجارب الامم و تألیف کتابهای تقاویم و جغرافیای شرقیان ، قرامطه بحرین و فاطمیان و کتابهای بسیار دیگر .

ص ۱۷ س ۵ - تتمه صوان الحکمه را ناصر الدین منشی یزدی بنام درة الاخبار بفارسی ترجمه کرده که در سال ۱۳۱۸ ش . در تهران چاپ شده .

ص ۱۸ س ۱۰ - F. Wustènfeld (۱۸۰۸ - ۱۸۹۹) خاورشناس آلمانی و ناشر بسیاری از کتب عربی از جمله معجم البلدان یاقوت است .
ص ۱۸ س ۱۴ - محمد بن الحسن مهلبی وزیر معز الدوله دیلمی متوفی بسال ۳۵۲ .

ص ۱۸ س ۱۸ - ابوالفضل محمد بن ابوعبدالله بن ابو حسین وزیر رکن - الدوله دیلمی متوفی بسال ۳۶۰ . پسرش ذوالکفایتین ابوالفتح علی نیز به ابن عمید معروف است (۳۳۷ - ۳۶۶) وزیر مؤید الدوله دیلمی بود و در زندان عضد الدوله در گذشت .

ص ۱۹ س ۱۴ - « ... در بیابانها راه گم کردند ... » جمعی این داستان را مجعول میدانند (نگاه کنید بحاشیه فتح الله مجتبائی در ترجمه تاریخ ادبیات ایران براون - چاپ تهران - کتابهای جیبی - ص ۱۳۹)

ص ۲۰ س ۲ - P. de Jong (۱۸۳۲ - ۱۸۹۰) خاورشناس هلندی ، دارای آثاری مانند : فهرست کتب شرقی جامعه لیدن و جامعه اوترخت و مجمع هلندی

آمستردام و نشر صحیح بخاری ، کتاب الانساب ابوالفضل مقدسی ، لطائف المعارف
ثعالبی و غیر آن .

ص ۲۱ س ۱۶ - E. Sachau (۱۸۴۵ - ۱۹۳۰) خاورشناس آلمانی
و مؤسس مرکز لغات شرقی برلن و مؤلف تاریخ خوارزم و ناشر و مترجم آثار الباقیه
بانگلیسی (لندن ۱۸۷۹) و فرانسوی (لیبزیگ ۱۹۲۳) و نشر جدید متن عربی آن
(لندن ۱۹۱۰) و تألیف عقاید الالباضیه ، عمر خلیفه ثانی ، ابوبکر خلیفه اول ، فهرست
نسخ خطی شرقی کتابخانه بادلیان ، فهرست نسخ خطی سریانی کتابخانه برلین و
چندین کتاب دیگر .

ص ۲۲ س ۱۶ - C. Hauart (۱۸۵۴ - ۱۹۶۷) خاورشناس فرانسوی
مدتی در ممالک مختلف عرب بسر برده از آثار اوست : ترجمه انیس العشاق رامی ،
نشر متن یک قصیده قدیمی کرد و ترجمه آن بفرانسه و البدء و التاريخ و نقوش عربی و
فارسی مسجد کایگونفو و سینکانفو در چین و تألیف کتابهای : مذهب باب ، قونیه شهر
درویشان ، تاریخ عرب ، دراویش بکتاشیه ، و ثائق فارسی در افریقا ، دراویش
آسیای صغیر و ...

ص ۲۴ س ۲۰ - حجت‌برمکی - فقیه ، شاعر و موسیقی‌دان از بازماندگان
خاندان برمکی . (نگاه کنید به تاریخ برمکیان عبدالعظیم قریب)

ص ۲۷ س ۴ - وی گوید که در جوانی در ری با بعضی از اسمعیلیان
همدرس بوده ، داستان همدرس بودن با حسن صباح را باونسبت میدهند .

ص ۲۷ س ۱۶ - M. Th. Houtsma (۱۸۵۱ - ۱۹۴۳) خاورشناس
هلندی و مؤلف فهرست کتب شرقی مجمع لیدن و فهرست کتب عربی و ترکی مجموعه
بریل و نشر چهار کتاب از تواریخ سلاجقه ، تاریخ یعقوبی و غیر آن ...

ص ۲۷ س ۴ - ملک‌شاه ثانی بن محمود بن ملک‌شاه اول (یا محمد بن ملک‌شاه
اول) (۴۹۸ - ۵۱۱) و پسرش مغیث‌الدین محمود (۵۱۱ - ۵۲۵) و غیاث‌الدین
مسعود پسر دیگرش (۵۲۷ - ۵۴۷) در عراق و کردستان حکومت کرده‌اند.

ص ۲۷ س ۶ - المسترشد بالله - ابو منصور فضل بن احمد مستظهر متولد ۴۸۵ از سال ۵۱۲ تا ۵۲۹ حکومت کرده است .

ص ۲۷ س ۱۴ - فتح بن علی بن محمد بندار اصفهانی (قرن هفتم)

ص ۲۸ س ۲ - متوکل - ابوالفضل جعفر بن معتصم از سال ۲۳۲ تا ۲۴۷ حکومت کرد . مستعین - ابوالعباس احمد بن محمد بن معتصم (۲۴۸ - ۲۵۰) معتز - ابو عبدالله زبیر بن متوکل (۲۵۰ - ۲۵۵)

ص ۲۹ س ۱۳ - نسخه برلن و هند دیده نشد احتمالا مأخذ غلط باشد .

ص ۳۱ س ۱ - W . H . Morley (۱۸۱۵ - ۱۸۶۰) از اوست فهرست نسخ خطی عربی ، فارسی ، ترکی و هندی انجمن سلطنتی آسیائی و مذاهب هندو و اسلام .

ص ۳۲ س ۲ - H . Zotenberg (۱۸۳۴ - ۱۹۱۴) مدیر کتب خطی کتابخانه پاریس . از اوست ترجمه مختصر تاریخ بلعمی و شاهنامه ثعالبی و ...

ص ۳۲ س ۲۲ - ترجمه شاهنامه ثعالبی - محمود هدایت - تهران ۱۳۲۸ ش .

ص ۳۳ س ۹ - امیر ارغون از دبیران اگتئی بود که در سال ۶۴۱ حکومت ممالک سابق خوارزمشاهی باوتفویض شد و تا سال ۶۵۴ در این سمت باقی بود . هنگام لشکر کشی هلاکو بایران در خدمت او داخل شد و تا سال ۶۷۳ همچنان در خدمت هلاکو بود تا در گذشت . (نگاه کنید به تاریخ مغول - عباس اقبال)

ص ۳۴ س ۳ - خواجه نصیرالدین طوسی ذیل کوتاهی بر تاریخ جهانگشا نوشته که مربوط است بحوادث فتح بغداد و این ذیل در مجلد سوم جهانگشای چاپ لیدن بطبع رسیده .

ص ۳۴ س ۹ - V . V . Barthold خاورشناس روس و رئیس انجمن خاورشناسان آکادمی علوم شوروی (۱۸۶۹ - ۱۹۳۰) از آثار اوست : جغرافیای تاریخی ایران ، تواریخ ترکستان ، تاریخ ایران ، مغول هند ، تاریخ ترکان آسیای مرکزی ، صابئه و حنفیه ، مروانین و نشر بسیاری از تواریخ فارسی .

Ch. Schefer (۱۸۲۰-۱۹۰۲) خاورشناس فرانسوی که مدتی دراز در خاورمیانه بسر برد و نسخ نفیسی از کتب خطی را برای کتابخانه ملی پاریس گرد آورد. از آثار اوست نشر ترجمه و متن سفرنامه ناصر خسرو، تاریخ بخارای نرشخی، سیاست نامه و غیر آن G. Salmon ... (۱۹۰۷ -) خاورشناس فرانسوی که چندین کتاب در باره تاریخ و جغرافیا و ادبیات مصر دارد.

ص ۳۵ س ۱۳ - J. M. E. Gottwaldt (۱۸۱۳ - ۱۸۹۷)

ص ۳۶ س ۱۴ - W. o. Guirgas (۱۸۳۵ - ۱۸۸۷) خاورشناس

روس . I. Kratchkovsky خاورشناس شوروی (۱۸۸۳ - ۱۹۵۱) نویسنده تاریخ ادبیات جغرافیائی عرب و مترجم و ناشر و مؤلف آثار بسیار در ادبیات عرب و برنده جایزه استالین.

ص ۴۰ س ۱۴ - J. G. L. Kosegarten (۱۷۹۲ - ۱۸۵۰) خاورشناس

آلمانی مترجم و ناشر مجلدات ۱ - ۲ - ۳ - ۵ تاریخ طبری و جلد اول اغانی و مقدمه و شروح کتاب موسیقی فارابی و ... ذیل تاریخ بغداد در فهرست‌ها دیده نشد و نسخه چاپی خود کتاب نیز بدست نیامد. D. S. Margoliouth (۱۸۵۸ - ۱۹۴۰) خاورشناس انگلیسی و دارای کتب بسیار در تحقیق ادبیات عرب و اسلام.

ص ۴۲ س ۱۸ - W. Courten (۱۸۰۸ - ۱۸۶۴) خاورشناس انگلیسی

Th. Harbrucker (۱۸۱۵ - ۱۸۸۰) خاورشناس آلمانی .

ص ۴۳ س ۱ - چنین است تحقیقات محمد تقی دانش پژوه محقق معاصر :

نام وی جمال‌الدین مرتضی ابو عبدالله محمد بن حسین بن رازی ملقب بدعلم‌الهدی است. از آثار دیگر وی کتابی است بنام نزهة الکرام و بستان العوام و کتاب فصول الغناء فی هدایة العامد بعربی و

ص ۴۷ س ۲ - St. Guyard - خاورشناس فرانسوی S. Fraenkel

(۱۸۵۵ - ۱۹۰۹) خاورشناس آلمانی دارای مطالعات و تألیفاتی در الهیات اسلامی

است . I. Guidi ایتالیائی (۱۸۴۴ - ۱۹۳۵) از اوست نشر تاریخ امویان از

طبری، جلد ۲۱ اغانی، فهرست اغانی و مختصر تاریخ طبری و ... H. Thorbecke

(۱۸۳۷-۱۸۹۰) آلمانی . Th . Noldeke (۱۸۳۱ - ۱۹۳۰) از بزرگترین خاور شناسان آلمان که حماسه سرائی در ایران از او بفارسی ترجمه شده .

ص ۴۸ س ۷ - محمد رضانی بن حاج علی اصغر متولد در تهران بسال ۱۲۸۳ ش . مدیر کتابفروشی خاور و ناشر مجله های افسانه ، شرق و کتاب و عده ئی از بهترین کتابهای تاریخی ایران است ، غنی ترین کتابخانه خصوصی ایران را در اختیار دارد که اعلامیه های موجود در آن بتنهائی چندین میلیون ریال می ارزد .

ص ۴۸ س ۱۲ - سیمجوریان سلسله ئی از حکمرانان خراسان بودند که نخست از سامانیان اطاعت میکردند و سرانجام وقتی خواستند با استفاده از ضعف ایشان علم استقلال برافرازند بدست غزنویان از میان رفتند . (نگاه کنید بحواشی چهار مقاله تصحیح محمد قزوینی) .

ص ۴۸ س ۱۹ - A . Sprenger (۱۸۱۳ - ۱۸۹۳) خاورشناس اطریشی ص ۵۰ س ۳ - محمد تقی دانش پژوه باب پنجم این کتاب را که در چاپهای قبلی نبود در فرهنگ ایران زمین انتشار داده اند که در چاپ جدید بیان الادیان ضمیمه شده است .

ص ۵۲ س ۳ - صلاح الدین یوسف بن نجم الدین ایوب بن شادی سردار و حکمران نامور کرد و فاتح جنگهای صلیبی (متوفی بسال ۵۸۹) سلسله فرمانروایان ایوبی را در مصر و شام و یمن و چند نقطه دینگر بوجود آورد .

ص ۵۲ س ۷ - ملك عادل نورالدین محمود بن عمادالدین زنگی از اتابکان شام که از سال ۵۴۱ تا ۵۶۹ حکومت کرد .

ص ۵۴ س ۹ - و هنوز پس از سالها متن کامل زین الاخبار چاپ نشده است .

ص ۵۵ س ۱ - مبارکشاه مرورودی .

ص ۵۵ س ۲ - در مرورود بدنیآمد . مرورود را اینک مروچاق نامند و آن

شهر کی بود در نزدیکی مرو (نگاه کنید بحواشی ج ۲ نسخه چاپی مجمل فصیحی) .

ص ۵۷ س ۳ - اشتباه از جانب دکتر بیانی نیست و من غلط کرده ام وقتی خوب مطالعه کردم معلوم شد جمله الحاقی است از طرف کاتب که همو در اصل تاریخ دست برده و نام مؤلف را حذف کرده است زیرا انشاء آن سست و با انشاء اصل کتاب متباین است .

ص ۶۲ س ۳ - غوریان سلسله‌ئی از فرمانروایان افغانستان و قسمتی از هند بودند که مرگزشان در غور (میان هرات و غزنه) قرار داشت . رونق دولت این سلسله از سال ۵۴۳ است که غزنه را تصرف کرده و طعمه نهب و غارت ساختند ، معزالدین محمد بن بهاءالدین سام از سال ۵۶۹ تا ۶۰۲ بر قسمتی از خراسان و ماوراءالنهر و افغانستان کنونی و سند و مغولستان حکومت کرد . بهاءالدین سام بن شمس الدین محمد غوری از ملوک بامیان متوفی بسال ۶۰۲ .

ص ۶۲ س ۷ - ناصرالدین قباچه از مماليك غوری بود که از سال ۶۰۷ در مولتان بحکومت پرداخت ، سرانجام دولتش بدست التمش زوال یافت و خود کشته شد (۶۲۴ یا ۶۲۵) شمس الدین التمش از سلاطین مملوک که از سال ۶۰۷ تا ۶۳۳ در قسمت وسیعی از هندوستان حکومت کرد .

ص ۶۴ س ۱۴ - E . E . Bertels (۱۸۹۰ - ۱۹۵۷) از اجله خاور شناسان شوروی . از آثار اوست . عین القضاة ، ابن سینا و ادبیات فارسی ، صوفیه در ایران ، سیره شیخ ابوالحسن خرقانی ، فهرست نسخ خطی شرقی انجمن علوم ازبکستان و انتشار شاهنامه فردوسی و ...

ص ۷۰ س ۷ - A . V . Juynboll خاور شناس هلندی که در این طریق خلف پدر و سلف پسر بود و پدرش Th . W . Juynboll ۱۸۰۱ - ۱۸۶۱ و پسرش نیز بهمین نام (۱۸۶۶ - ۱۹۴۸) از آثار اوست ترجمه و نشر آثار البلدان و اعلاق النقیسه ، کتاب التنبیه ابی اسحق شیرازی و ...

ص ۷۴ - برای شرح احوال میرزا آقاخان و شیخ احمد مراجعه شود به کتاب تاریخ بیداری ایرانیان و حیات یحیی .

ص ۹۱ س ۱۸ - فراموشخانه یا جامع آدمیت يك سازمان فراماسونی مخفی بود که کارگردانی حقیقی آنرا میرزا ملکم خان بعهدہ داشت (برای توضیح بیشتر مراجعه شود به مقدمه آثار ملکم خان)

ص ۹۴ س ۱۴ - F . Tauer (۱۸۹۳ -) (خاور شناس معاصر چک و استاد تاریخ ایران .

ص ۹۹ س ۲۰ - یکی از آثار گرانبهای خواجه رشیدالدین کتاب تنکسوق نامه ایلخانی در فنون و علوم ختائی نام دارد که در معرفی و شرح علوم و فنون چینی است و نخستین کتاب فارسی است که در باره صنعت چاو (چاپ) در آن سخن رفته و شرح جامعی در این باره داده است.

ص ۱۰۰ س ۱۸ - Quatremier (۱۷۸۲ - ۱۸۵۲) خاورشناس فرانسوی از آثار اوست : ترجمه و نشر مسالك الامصار ، معرفة دول الملوك مقریزی و نشر مقدمه ابن خلدون و تألیف آثاری در باره عباسیان ، فاطمیان ، مسعودی و خواجه رشیدالدین و ... C . yahn (۱۹۰۶ -) (خاور شناس معاصر هلندی .

ص ۱۰۴ س ۱۲ - فرخ خان امین الدوله ابو طالب بن میرزا مهدی کاشانی (۱۲۳۰-۱۲۸۸) در سال ۱۲۷۲ در رأس هیئتی برای هذا کره بادولت انگلیس ابتدا باستانبول و پس از آن پاریس رفت و در آنجا با قبول شرائط سنگین دولت انگلیس موفق بعقد عهد نامه پاریس گردید که بموجب آن در مقابل عقب کشیدن قوای انگلیس از جنوب ایران دولت ایران متعهد شد در امور داخلی افغانستان هیچگونه دخالتی نداشته باشد و ثانیاً از مجازات کسانی که با انگلیسیان همکاری کرده اند چشم پوشد . امین الدوله و همراهانش چند کشور اروپائی از جمله انگلستان و ایتالیا و بلژیک را سیاحت کردند و امین الدوله در بلژیک در صد استخدام متخصص ذوب آهن برآمد ولی بعلتی نا معلوم این کار سرنگرفت .

ص ۱۰۵ س آخر - از آثار سمرقندی دو کتاب اصطلاحات الصوفیه و رساله فی القضاء والقدر نیز که هر دو بزبان عربیست چاپ شده اند.

ص ۱۰۸ س ۴ - نصره الدین احمدلر از اتابکان هزار اسبی لرستان که از سال ۶۹۶ تا ۷۳۳ حکومت میکرد و از امراء با نفوذ و دانش دوست آن ایام بود.

ص ۱۱۰ س ۵ - *Petit de La Crois* نام سه تن از خاور شناسان فرانسوی در قرن هفده و هیجده که چندین کتاب از آثار فارسی و عربی را بزبان فرانسه ترجمه کرده اند.

ص ۱۱۳ س ۱۸ - کتاب دیگر وی *ریاض السیاحه* نام دارد که حاوی تاریخ ایران و ترجمه اعلام و رجال و مکمل بستان السیاحه است. این کتاب نیز یکبار بصورت سنگی در سال ۱۳۳۹ ق. در اصفهان و بار دیگر بصورت سربی در سال ۱۳۳۹ ش. در تهران چاپ شده است. (چاپ اول دیده نشد.)

ص ۱۱۷ س ۷ - عضدالدوله نامش احمد است. در سال ۱۳۱۹ ق. در تهران در گذشته است. تاریخ عضدی یکبار نیز در سال ۱۳۲۸ ش. بصورت سربی باهتمام شادروان کوهی کرمانی بچاپ رسیده.

ص ۱۱۹ س ۴ - امراء عادشاهی از سال ۸۹۵ تا ۱۰۹۷ در بیجاپور حکم رانده اند و ابراهیم ثانی ششمین آنان است. (۹۸۷ - ۱۰۳۵)

ص ۱۲۳ س ۱۶ - محمد خان شیبانی که نسب خود را بچنگیز خان فاتح مغول میرسانید مؤسس سلسله شیبانیان ماوراءالنهر است که در سال ۹۰۶ با راندن تیموریان از این خطه دولت نیرومندی را بنیاد نهاد که تا صد سال دوام یافت.

ص ۱۲۴ س ۱۹ - غریب شاه در آغاز سلطنت شاه صفی ۱۰۳۸ در گیلان علم طغیان برافراشت ولی بزودی بر اثر تدبیر ساروتقی وزیر شاه صفی فتنه فرو خوابید و غریب شاه گرفتار و کشته شد.

ص ۱۲۷ س ۱۵ - علی مراد خان از منسوبان مادری کریمخان زند است که از سال ۱۰۹۶ تا ۱۰۹۹ در فارس و اصفهان و کرمان و مدتی نیز سایر نقاط ایران حکومت کرد و در این سال بمرض استسقا در گذشت.

ص ۱۲۹ س ۶ - ابراهیم شاه افشار برادرزاده نادر شاه که در ذیحجه ۱۱۶۱ در قزوین بسلطنت نشست و در محرم سال ۱۱۶۳ بامر شاهرخ بقتل رسید.

ص ۱۵۴ سطر آخر - جهانگشای نادری در سال ۱۷۷۳ توسط Sir . W . Jones (۱۷۴۶ - ۱۷۹۴) بانگلیسی و در همان سال توسط

T. H. Gadebusch بالمانی ترجمه و در Greifswald چاپ جدید دره نادری تصحیح سید محمد حسین انوارمدیر نسخ خطی کتابخانه ملی است که بامقدمه و تعلیقات مفصلی فایده کتاب را مضاعف کرده است .

ص ۱۵۷ س ۲۲ - روزنامه سفر فرنگستان توسط Sir. J. W. Redhous بانگلیسی ترجمه و در سال ۱۸۷۴ در London چاپ شده است .
ص ۱۵۸ س ۱۴ - کتاب دیگر او ترجمه تتمه صوان الحکمه بیہقی است بنام درة الاخبار که آن نیز چاپ شده .

ص ۱۹ س ۱۷ - تا سال ۳۷۲ صحیح است ۲ در چاپ ساقط شده .
ص ۱۷۳ - حسن روملو در سال ۹۳۸ در قم متولد شده و خود را نوه خلیفه سلطان روملو میداند . وی در سال ۹۸۵ در خدمت سلطان محمد خدا بنده بوده است و پیش از این تاریخ نیز در جنگ گرجستان و نیز در جنگ با کردان اردلان شرکت داشته ، روملو کتابی در تاریخ صفویہ نوشته بنام احسن التواریخ که در سال ۱۹۳۱ میلادی با ترجمه انگلیسی C. N. Seddon در کلکتہ چاپ شده است و همین شخص در سال ۱۹۲۷ مقالہئی در بارہ روملو در مجلہ انجمن سلطنتی آسیائی منتشر کرده کہ در مقدمہ احسن التواریخ نیز مندرج است ولی این مقالہ چندان چیزی در بارہ اصل و نسب وی بدست نمیدهد .

توضیحات دیگر - بلاذر ثمر نباتیست ہندی بشکل قلب کہ آنرا بعرابی حب الفہم، حب الفؤاد و حب القلب گویند و غیر جوز ہندیست .

کتابہای زیر وقتی بدست مؤلف رسید کہ فرصت از دست رفتہ بود .

۱ - سفر نامہ میرزا محمد حسین فراہانی از معاصران ناصرالدین شاہ . این کتاب در سال ۱۳۴۲ در طہران باہتمام حافظ فرمانفرمایان چاپ شدہ و مربوط است بسفر مؤلف آن بہ قفقاز .

۲ - احیاء الملوک در تاریخ سیستان کہ در سال ۱۰۲۸ بدست ملک شاہ حسین سیستانی نوشتہ شدہ است . منوچہر ستودہ این کتاب را تصحیح کردہ اند و در سال ۱۳۴۵ (امسال) از طرف بنگاہ ترجمہ و نشر کتاب انتشار یافتہ است .

فہرست نام گسان

ابراہیم شاہ افشار ۱۲۹-۲۱۴
 ابراہیم عادل شاہی - سلطان ۱۱۹-۲۱۶
 ابن اثیر ۴۰
 ابن اسفندیار ۹-۱۰-۱۳۱-۱۳۷-۱۹۸
 ابن بکران ۱۰-۱۱
 ابن بلخی ۱۲
 ابن بی بی ۷۱
 ابن البیع ۱۲-۱۳
 ابن جبیر ۲۰۸
 ابن جریر = طبری
 ابن حاجب ۱۱۰
 ابن خرداد بہ ۱۳-۱۴-۲۲-۲۰۸
 ابن خلدون ۲۱۴
 ابن رستہ ۱۴
 ابن سرا بیون ۲۰۷
 ابن سکیت ۳۵
 ابن سینا ۱۹-۲۱-۱۱۰-۲۱۳
 ابن شہر آشوب ۱۹۸
 ابن طقطقی ۱۶۹
 ابن طیفور ۱۵
 ابن الظفر صقلی ۱۶۳
 ابن عمید ۱۸-۱۹-۲۰۸
 ابن فقیہ ۱۶
 ابن فندق ۱۶-۱۷-۲۱۴

آ

آتش - احمد ۱۰۰
 آدم (ابوالبشر) ۱۰۳-۱۶۳
 آدمیت - فریدون ۱۹۴
 آذری - سید علی ۱۹۴
 آصف الدولہ - اللہیارخان ۱۱۶
 آغا محمد خان قاجار ۱۶۵-۱۳۷-۱۱۱
 آقاخان کرمانی - میرزا ۷۴-۱۶۵-۲۱۳
 آقاسی - حاجی میرزا ۱۹۴
 آل احمد - جلال ۱۸۶
 آلکساندر دوم ۱۸۵
 آملی = اولیاء اللہ
 آملی - شمس الدین محمد ۱۱۰
 آوی - حسین بن محمد ۵۴
 آیتی - محمد ابراہیم ۷۰

ہمزہ

اباقا ۳۳-۹۹
 ابراہیم - برادر نادر شاہ ۱۳۴
 ابراہیم - پسر شاہرخ گورکانی ۱۰۸-۱۰۹
 ابراہیم - سلطان عثمانی ۱۶۴
 ابراہیم بن سفیان ۱۷
 ابراہیم بن مہدی ۲۰۸
 ابراہیم خان شیروانی - وزیر نادر شاہ ۱۰۱

احتشام الملك - حاکم کاشان ۱۱۴
 احمد - از امراء آق قویونلو ۱۶۳
 احمد بن حسین = کاتب یزدی
 احمد خان - امیر گیلان ۱۳۰
 احمدی پور ۱۹۵
 ادریس - از امراء آق قویونلو ۱۶۳
 ادوارد - کلارا ۱۸۳
 ادیب پیشاوری ۲۰۱
 ارباب اصفهانی - محمد مهدی ۷۷-۱۶۶
 ارزی (ارضی ؟) ۷۱
 ارسلان سلجوقی ۴۷
 ارغون ۳۳-۲۱۰
 اروج بیگ ۸۷
 استالین ۲۱۱
 استفنسن ۱۴۱
 استوارت ۷۷
 اسحق بن راهویه ۱۷
 اسدی ۱۹۸
 اسفزاری - معین الدین ۷۸-۷۹
 اسکارمان ۱۳۰
 اسکندر ۱۳۶-۱۵۰
 اسکندر بن عمر شیخ ۱۶۲
 اسکندر بیگ منشی ترکمان ۸۰-۸۱
 اسمعیل ثانی - شاه صفوی ۸۴
 اسمعیل صفوی - شاه ۱۱۸-۱۲۳-۱۲۴
 ۱۲۵-۱۹۳
 اسمعیل یاسر ۳۴
 اشپرنگر ۴۸-۲۱۲
 اشپیگل ۱۲۱
 اصطخری ۱۰-۲۲-۲۵-۲۰۸
 اصفهانی = ابوالفرج

ابن قتیبه ۸-۱۷-۱۸
 ابن مسکویه ۱۸-۱۹-۶۱
 ابن معتز ۱۹۸
 ابن مقفع ۵
 ابن الندیم ۱۵-۶۱
 ابن واضح = یعقوبی
 ابواسحق - شاه شیخ ۱۱۰-۱۱۸
 ابوبکر خلیفه اول ۲۰۹
 ابوالحسن بیهقی = ابن فندق
 ابوالخیر خمار ۱۹
 ابودلف ۲۰۷
 ابوزید بلخی ۵-۲۲-۲۳-۲۵
 ابوسعید گورکانی ۷۹
 ابوسعید ایلیخان مغول ۷۹-۸۵-۹۹
 ۱۶۶-۱۸۷
 ابوسهل مسیحی ۱۹-۲۱
 ابوشجاع - محمد بن حسین ۲۰
 ابوطالب تبریزی ۷۷
 ابوعلی محمد بن احمد بلخی ۵
 ابوالفتح بهرام میرزا صفوی ۱۶۹
 ابوالفرج اصفهانی ۲۳-۲۴
 ابوالفیض خان - پادشاه توران ۱۳۶
 ابو مسلم خراسانی ۳۲-۱۹۴
 ابوالمظفر خوافی ۴۲
 ابوالمعالی ۴۸
 ابوالمعالی - فخرالدوله ۷۵
 ابونصر عراق ۱۹
 ابی اسحق شیرازی ۲۱۳
 اتابک - میرزا علی اصغر خان ۱۱۳-۱۸۵
 اتابک نصره الدین لر ۱۰۸-۱۶۹-۲۱۵
 احتشام السلطنه - حسینقلی خان ۱۲۱

انجدانی - سلطان یعقوب ۱۷۷
انصاری - ابوالقاسم ۴۲
انصاری - جابری ۱۹۵
انصاری - ربیع ۱۷۳
انوار ۲۱۵
انوشیروان ۱۰۸-۵
انوشیروان خالد ۵۷-۵۳-۳۷-۲۷
اوبن-ژان ۱۶۲-۱۵۰
اوحدی ۱۹۸
اوزون حسن ۷۹
اولیاء اللہ آملی ۱۳۷-۷۵
اھرمن ۱۳۳
ایسن قتلخ نویان ۱۵۸
ایلچی نظام شاہ دکن ۸۴
ب
باب ۹۲
بابر شاہ ۹۷
بابک خرم دین ۱۹۴
باخرزی ۳۱
بارتلد ۱۹۰-۱۷۴-۱۶۲-۶۶-۵۴
۲۱۰
بارکس ۱۱۹
باستانی پاریزی ۱۹۵-۱۶۵-۵۶
بایسنقر ۱۲۲-۹۳
بخارائی = ملازادہ
بخارائی = ناصر الدین صفی
بدلیسی ۸۴
بدیع الزمان میرزا ۹۷
براون - ادوارد ۱۰-۱۴-۳۴-۱۶۲-
۲۰۸-۲۰۶-۲۰۱
برتلس ۲۱۳-۶۴

اصفہانی = حمزہ
اصفہانی = کاتب
اصفہانیان - کریم ۱۰۴
اعتضاد السلطنہ ۸۱
اعتماد السلطنہ ۱۳۱-۱۱۶-۸۲-۷۷
اعظام قدسی ۱۹۶ (اشتباہاً قدس رضوی
چاپ شدہ)
افشار-ایرج ۸۰-۹۰-۱۱۴-۱۵۰-
۱۷۳-۱۹۸-۱۹۹-۲۰۰
افضل الدین کرمانی ۱۵۸-۵۶-۲۶-۲۵
افضل الدین محمد صدرتر کہ اصفہانی ۴۲
اقبال آشتیانی - عباس ۱۰-۲۶-۴۳-
۵۰-۵۴-۹۲-۹۳-۱۲۸-۱۳۸-
۱۴۰-۱۵۸-۱۶۶-۱۶۹-۱۸۵-
۱۹۴-۱۹۵-۱۹۶-۱۹۷-۱۹۸-
۱۹۹-۲۰۰-۲۰۱
اقبال لاهوری - محمد ۳۷-۶۸
اگنای ۲۱۰
الجایتو-ایلخان مغول ۹۹-۱۰۰-۱۱۰-
۱۶۶
الغیبک ۷۹
التمش - شمس الدین ۶۲-۲۱۳
امام - محمد کاظم ۷۹
امامزادہ = رکن الدین
امان اللہ - پسر تربیت خان ۱۵۰
امیر خیزی ۱۹۴
امیر کبیر ۱۹۴-۹۷-۹۲-۸۲
امیر نظام - محمد خان ۹۲
امیرہ دباچ ۱۲۵
امین الدولہ - فرخ خان ۲۱۵-۱۰۴
امین الدولہ - علی خان ۱۷۵
امین الملک = امین الدولہ

پرویز - ساسانی ۱۹۴
 پرویز - عباس ۱۹۴
 پروین گنابادی - محمد ۴۷
 پسیان - کلنل محمدتقی خان ۱۹۴
 پیرزاده ۸۷-۸۸
 پیرنیا = مشیرالدوله
 پیغمبر ۱۸
 پینوک ۱۴۴

ت

تاج الاسلام = سمعانی
 تاج الدین عمر ۵۰
 تاج السلمانی ۱۷۸
 تاور - فلیکس ۹۴-۱۶۳-۲۱۴
 ترجمان - مجدالدین محمد ۷۱
 ترکه = افضل الدین محمدصدر ۴۲
 ترهزل - ژنرال ۱۹۷
 تقی زاده ۱۹۴-۲۰۲
 توربک ۴۷-۲۱۱
 تويسرکاني - ميرزا اسمعيل ۸۹
 تومانسکی ۱۱-۱۹۰
 تیمور گورکانی - امیر ۳۰-۷۹-۹۳
 ۹۴-۱۰۹-۱۱۰-۱۵۰-۱۶۲
 ۱۶۳-۱۷۴-۱۷۸

ث

ثعالبی ۵-۲۲-۳۱-۳۲-۵۳-۲۰۹-۲۱۰
 ثقة الاسلام شهيد ۴۹

ج

جانی کاشانی - میرزا ۲۰۱
 جعفر کرمانی - ملا ۷۴
 جعفری - جعفر بن محمد یزدی ۹۰
 جرفادقانی - حبیب الدین محمد ۴۹

برزگر ۱۹۵

برشچفسکی ۱۱

برندس ۱۰۱

برهان نظام شاه دکن ۸۴

بطلمیوس ۵۸

بلادری ۲۸

بلعمی ۴۶-۲۱۰

بلغور ۹۵

بلوشه ۱۰۰

بناکتی ۸۵-۸۶

بندار اصفهانی ۲۷-۵۳-۲۱۰

بوریزین ۹۹-۱۰۰-۱۰۱

بوزن ۴۷

بهاء الدوله - بهمن میرزا ۴۹

بهاء الدین غوری ۶۲-۲۱۳

بهار - محمدتقی ملک الشعراء ۴۷-۱۸۸

۱۹۲-۱۹۵

بیات ۱۹۵

بیات - اروج بیک ۸۶

بیات - حسنعلی بیک ۸۶

بیانی ۵۶-۹۵-۱۹۵-۲۱۳

بیانی - مهدی ۲۶

بی بی منجمه ۷۱

بیر ۱۱۱

بیرونی ۱۰-۱۹-۲۰

بیضاوی - قاضی سعید ۲۹

بیضاوی - قاضی عبدالله ۲۹-۸۶-۱۳۹

پ

پادشاه خاتون = صفوة الدین

پارسا - خواجه محمد ۱۵۲

پرایم ۴۷

۲۲۰

حسام الدولہ -- اردشیر ۹-۲۰۶

حسام الدین برکہ ۶۶

حسام الملک ۱۶۵

حسن بن علی - امام ۱۰۴

حسن ایلکانی - شیخ ۱۸۲

حسن صباح ۶۷-۲۰۹

حسن علی ذکرہ السلام ۱۷۰

حسین بایقرا - سلطان ۱۰۵-۱۵۲-۱۷۸

حسین بن علی - امام ۱۰۴ - ۱۳۲

حسین خان اصفہانی - میرزا ۱۸۵-۱۸۶

حسین شاہ افغان ۱۳۶

حسین صفوی - شاہ سلطان ۱۳۹-۱۵۳

حشمت الدولہ - حمزہ میرزا ۱۱۲-۱۵۶

حقایق نگار - خورموجی ۹۶

حکیم - محمد تقی ۱۸۰

حمد اللہ = مستوفی

حمزہ اصفہانی ۳۴-۳۵

حمید الدین نیشابوری ۴۹

حمیدی افشار - اسمعیل ۴۸-۵۶

خ

خبیر الملک - میرزا محمد حسن ۷۴

خدیو جم ۹۷

خرداد بہ ۱۳

خرقانی - شیخ ابوالحسن ۲۱۳

خرندزی - نسوی

خسرو - خسرو پرویز ۱۳۳-۲۰۶

خشاب - یحیی ۶۴

خطیب بغدادی ۴۰

خلیلی ۷۶

خوارزمی ۱۰-۵۸

خوافی - ابوالمظفر ۴۲

جر فادقانی - ناصح بن ظفر ۴۹

جلال الدین خوارزمشاہ - سلطان ۵۶-۶۶

۶۷-۷۱

جلال الدین میرزا قاجار ۹۰-۹۱

جلالی نائینی - محمد رضا ۴۲

جمال الدین اسدآبادی - سید ۷۴-۱۹۴

جنیش ۱۵۲

جواہر کلام ۱۹۵

جوردن ۱۵۲

جونز ۲۱۵

جوینبول ۷۰-۲۱۳

جوینی ۳۳-۷۱-۱۵۲-۱۶۶-۲۱۰

جہاننگلو - امیر حسین ۱۰۰

جہانشاہ قراقویونلو ۱۲۵

جہانگیر خان شیرازی ۷۴

جہانگیر میرزا قاجار ۹۲-۱۴۹-۱۹۷

جیہانی - ابو عبداللہ ۲۲

چ

چنگیز خان مغول ۹۹-۱۱۰-۱۵۲

۱۹۴-۱۹۹-۲۱۶

ح

حاجب الدولہ - علیخان مراغہئی ۸۲

حاج میرزا آقاسی ۹۲-۱۹۴

حافظ ۱۹۴

حافظ ابرو ۵۶-۹۳-۹۴-۱۰۵-۱۵۲

۱۶۳

حاکم نیشابوری = ابن البیع

حبیبی - عبدالحی ۶۳

حجاج قراختائی ۱۵۸

حجظہ برمکی ۲۴-۲۰۹

حزین - محمد علی ۹۵

خواندمیر ۱۶۸-۱۵۳-۹۸-۹۷

خورشاه بن قباد ۸۴

خورموجی = حقایق نگار

خیابانی - شیخ محمد ۲۰۲-۱۹۴

خیر النساء - خواهرشاه اسمعیل صفوی ۱۲۵

د

داریبی ۱۱۰

دارمستتر ۲۰۶-۱۰

داریوس - داریوش ۱۲۱

دانا سرشت - علی اکبر ۲۱

دانش پڑوه - محمد تقی ۲۱۱ - ۲۱۲

دای مینگ - امپراطور چین ۱۰۵

دبیر سیاقی ۱۶۱-۱۰۰

درن ۱۰-۱۱-۹۸-۱۰۰-۱۲۵-۱۳۱-

۲۰۶-۱۳۸

دساژ ۱۵۲

دشتی - علی ۱۷۳

دوخویه ۲۰۸-۷۰-۲۸-۲۵-۲۰-۱۶-

دوگراو ۳۸

دولا کروا - پتی ۲۱۵-۱۱۰

دولت آبادی - یحیی ۱۹۶-۱۹۴

دومینار ۲۰۷-۱۴

دون ژوان ۲۰۷-۸۷

دویک ۱۸۲

دهخدا ۲۱

دهگان - ابراهیم ۱۷۷-۱۶۵-۱۲۷-

۱۹۵-۱۹۳

دهنی ۱۰

دیباچ - اسمعیل ۱۹۵

دیدرو ۲۴

دینوری - ابوحنیفه ۳۶-۳۵

۲۲۲

دی یونگ ۲۰۸-۴۷-۲۰

ذ

ذکاء الملک - محمد حسین ۲۰۱

ذوالکفایتین ۲۰۸-۱۹-۱۸

ر

رابینسون ۵۵

رازی - عبدالله ۱۹۶

رازی - صفی الدین - علم الهدی ۲۱۱-۴۳

راضی ۵۹

رافعی - ابوالقاسم قزوینی ۶۰

رامهرمزی - ناخدا ۱۸۱

رامی ۲۰۹-۱۹۸

راورتی ۶۲

راوندی - تاج الدین ۳۶

راوندی - سلیمان ۳۷-۳۶

راوندی - مرتضی ۱۹۶

راوندی - معز الدین ۳۶

رجب نیا - مسعود ۸۷

ردهاوس ۲۱۴

رزن ۱۹۰

رشید الدین فضل الله ۱۳۹-۱۰۰-۹۹-۹۳-

۲۱۴-۱۶۶-۱۵۲-۱۴۰

رشید وطواط ۱۹۸

رضا - امام ۵۶

رضاشاه ۲۰۴

رضا - میرزا کرمانی ۱۵۶

رضازاده شفق ۱۹۴

رضاقلی خان لله باشی = هدایت

رضی - هاشم ۸۱

رفعت همدانی - محمد عباس ۱۰۱

رکن الدوله دیلمی ۲۰۸-۱۸

رکن الدین امامزادہ ۵۰

رمضانی - محمد ۲۱۲-۵۶-۴۸

رمون ۸۷

روحی - شیخ احمد ۲۱۳-۷۴

روزراوی - ظہیر الدین ۶۱-۶۰-۲۰

روزبہان - فضل اللہ ۱۲۴-۱۲۳

روسو- ژان ژاک ۲۴

روشنی- قدرت اللہ ۱۰۴

رومر ۱۸۳-۱۷۹

روملو - حسن ۲۱۵

روملو - خلیفہ سلطان ۲۱۵

رویانی - علی بن جمال الدین ۱۳۷

ریاحی - محمد امین ۱۱

رینود ۲۰۷-۱۹۲-۱۱

ریو ۲۰۶-۱۶۷-۱۱-۱۰

ز

زاخو ۲۰۹-۲۱

زاخودر ۱۸۳

زرکوز ۱۲۱

زرکوب ۱۰۲

زریاب خوئی ۱۷۳

زرین کوب ۱۹۴-۳۴

زکریای قزوینی ۹۲-۳۸

زمخشری ۲۰۸-۶۵-۳۸

زنجانی- خواجہ صدرالدین ۱۶۶

زوتمبرگ ۲۱۰-۴۶-۳۲

زیمین ۱۷۴-۱۶۲

ژ

ژوکوسکی ۱۹۰

س

ساروخان - ساروتقی - میزرا محمد تقی

خان اعتماد الدولہ ۲۱۶-۱۲۵

سالمان ۲۱۱-۳۴

سام میرزا صفوی ۱۱۸

سامی ۱۹۵

سایکس - سرپرسی ۸

سبکتکین ۳۲

سپهر- علیقلی ۱۹۵-۱۰۴

سپهر- محمد تقی ۱۰۳

سپهر- ہدایت اللہ ۱۹۵-۱۵۶

سپہسالار ۱۸۴-۱۲۶

ستارخان ۱۹۴

ستودہ - منوچہر ۱۹۰-۱۸۶-۱۲۴-۷۸

سجستانی- ابو حاتم ۱۷

سجستانی- ابوسلیمان ۱۷

سدان ۲۱۵

سدید السلطنہ ۱۹۵

سرابی- حسین بن عبداللہ ۱۰۴

سعادت نوری ۱۹۴

سعدالدین منجم ۱۰۶

سعدوراوینی ۳۱

سعدی ۲۱۸

سلطان یعقوب - انجدانی

سلاماسی - غنی زادہ - محمود

سلیمان نبی ۱۳۳

سلیمان ثانی صفوی - شاہ ۱۳۹-۱۳۸

سلیمان صفوی - شاہ ۱۹۳-۱۶۴-۱۵۰

سمرقندی - کمال الدین عبدالرزاق ۱۰۵-

۲۱۴

سمرقندی - محمد بن عبدالجلیل ۶۶

سمعانی ۴۰

سوشہایم ۱۸۷

شهرستانی۔ ابو الفتح عبدالکریم ۴۱
 شہریاری۔ پرویز ۱۷۳
 شہیدی۔ محمد جعفر ۱۵۳
 شیبانی۔ صدیق الممالک ۱۱۲-۱۶۹
 شیبانی۔ عبداللہ خان ۱۲۳-۱۲۴
 شیبانی۔ محمد خان ۱۲۳-۲۱۶
 شیخ مفید ۴۳
 شیرلی۔ سر آنتونی ۸۶
 شیروانی۔ حاج زین العابدین ۱۱۲-۱۱۳
 شیرین ۱۳۳

ص

صاحب اختیار۔ میرزا محمد حسین ۱۲۷
 صاحب بن عباد ۲۴-۵۱
 صادق۔ معشوق وصالی ۱۱۷
 صالح۔ اللہیار ۱۱۴
 صدرالدین علی = نیشابوری
 صدیق الممالک = شیبانی
 صدیقیج۔ محمد زبیر ۱۰۶
 صفا۔ میرزا ۸۷
 صفوة الدین پادشاہ خاتون ۱۵۸
 صفی۔ شاہ ۱۲۵-۱۲۷-۲۱۶
 صفی الدین اردبیلی۔ شیخ ۱۸۳-۲۰۳
 صلاح الدین ایوبی ۵۲-۵۳-۲۱۲
 صنیع الدولہ ۸۲
 صولی۔ محمد بن یحییٰ ۵۹

ض

ضرابی۔ میرزا عبدالرحیم کاشانی ۱۱۴

ط

طاہر بن حسین ۷۰
 طبری۔ ابن جریر ۱۸-۴۴-۴۶-۱۵۲-
 ۲۱۱-۲۰۸

سہیلی خوانساری ۸۱
 سیف الدولہ دیلمی ۲۴
 سیف الدین غوری ۵۵
 سیفی قزوینی ۱۱۲
 سیفی ہروی ۱۰۶
 سیمجور۔ ابو علی ۴۸
 سیوطی ۴۰

ش

شامی = نظام الدین
 شاہرخ افشار ۲۱۴
 شاہرخ گورکانی ۷۹-۹۳-۱۰۵-۱۱۰-
 ۱۲۲-۱۶۲-۱۷۸
 شاہ شجاع ۱۴۵
 شایان۔ عباس ۱۳۸
 شرف خان = بدلیسی
 شرف الدین طوسی ۱۰
 شرف الدین علی یزدی ۱۰۸-۱۰۹-۱۱۰-
 ۱۵۲
 شرف الدین فضل اللہ قزوینی ۱۰۸
 شرف الزمان مروزی ۴۱
 شرف الملک محمد ۵۴
 شفر ۳۴-۵۰-۶۴-۶۵-۹۸-۱۴۱-۱۶۸-
 ۲۱۱
 شمس الدین محمد = آملی
 شمس العلما ۲۰۱
 شمس الملوک ۹-۲۰۶
 شمیم ۱۹۴
 شویتوف ۱۳۶
 شہاب الدین غوری ۵۵
 شہابی۔ علی اکبر ۴۷
 شہاوری ۱۱۱
 ۲۲۴

طغرل سلجوقی ۵۶-۳۶

طهرانی۔ سید جلال الدین ۵۱-۵۴-۱۷۰-۱۹۰

طهماسب ثانی صفوی۔ شاہ ۹۵

طهماسب صفوی۔ شاہ ۸۰-۸۴-۱۰۶-۱۹۳-۱۳۲-۱۰۷

ظ

ظل السلطان۔ علی ۱۱۷

ظل السلطان۔ مسعود ۱۱۴

ظہیر الدولہ ۱۹۵

ظہیر الدین مرعشی ۲۶-۱۳۱-۱۳۷-۱۳۸

ظہیر الدین نیشابوری ۳۷-۴۷-۵۶-۵۷

ع

عباس اول۔ شاہ ۸۰-۸۶-۱۲۶-۱۸۳-۱۹۳-۱۹۴

عباس ثالث۔ شاہ ۱۳۵

عباس ثانی۔ شاہ ۱۲۷-۱۶۴-۱۹۳

عباس میرزا = ملک آرا

عباس میرزا۔ نایب السلطنہ ۱۴۸-۱۴۹-۱۹۴

عبد اللہ بن طاہر ۸

عبدالقیوم بن حسین فارسی ۱۹۰

عبدالکریم شیرازی ۱۳۳-۱۶۰

عبداللطیف بن الغ بیگ ۷۹

عبداللطیف گورکانی ۱۱۰

عبدالمطلب اصفہانی ۹۱

عبدالوہاب قزوینی ۸۲

عتبی ۴۸

عدنانی۔ علینقی ۱۷۴

عضدالدولہ دیلمی ۱۹-۱۱۶-۲۰۸

عضدالدولہ قاجار ۱۱۶-۲۱۶

عظاملک = جوینی

عقیلی کرمانی۔ احمد ۱۶۵

علاء الدین کیقباد ۷۱

علاء الدین محمد غوری ۵۵

علم الہدی ۲۱۱

علوی۔ محمد بن عبید اللہ ۴۹

علی الرضا بن عبدالکریم ۱۱۱

علیشیر نوائی ۹۷-۹۸-۱۵۲-۱۵۳

علی مراد خان زند ۱۲۷-۲۱۴

عمر۔ خلیفہ ثانی ۲۰۹

عمر۔ نوادہ تیمور ۱۷۱

عوفی ۵۰

عین القضاة ۲۱۳

غ

غازان خان ۸۵-۹۳-۹۹-۱۰۰-۱۶۶

غریب شاہ ۱۲۴-۲۱۶

غفاری۔ قاضی احمد ۱۱۷-۱۱۸

غفاری ۱۱۷

غنی۔ قاسم ۳۱-۱۹۴-۱۹۹

غنی زادہ سلماسی۔ محمود ۱۹۵

غیاث الدین علی یزدی ۱۷۴

غیاث الدین غوری ۵۵

غیاث الدین کرت ۱۰۶

غیاث الدین کیخسرو ۳۷

غیاث الدین محمد صاحب دیوان ۱۴۰-۱۸۷

غیاث الدین نقاش ۱۰۵

ف

فارابی ۲۱۱

فاضل۔ میر محمد علی ۱۳۹

قزوینی - محمد ۸-۳۱ - ۵۰-۵۴-۸۲ -

۱۵۸-۱۹۱-۱۹۲-۲۰۱-۲۰۲-۲۱۲

قزوینی = وحید

قشیری - ابونصر ۴۲

قطبی اہری - ابوبکر ۱۸۲

قلیج ارسلان ۵۰

قمی - حسن بن علی ۵۱

قمی - حسن بن محمد ۵۱

قمی - قاضی احمد ۱۸۳

ک

کاتب اصفہانی - عماد الدین ۲۷-۳۱-۵۲

۵۳

کاتب یزدی - احمد بن حسین ۱۲۵

کاترمر ۸۶-۱۰۰-۱۰۱-۱۰۵-۲۱۴

کارکیا - سلطان محمد ۱۳۷

کدیور ۱۹۵

کراچکوسکی ۳۶-۲۱۰

کرمانی - آقاخان ۱۶۵

کرمانی = افضل الدین

کرمانی - عقیلی ۱۶۵

کرمان - وزیر ۱۶۵

کریستن سن ۸

کریم خان زند - وکیل ۹۱-۱۲۷-۱۲۸

۱۲۹-۱۳۹-۱۵۹-۱۶۰-۱۹۴-۲۱۴

کریم الدین اردبیلی ۹۸

کریمی - بہمن ۱۳-۱۰۲-۱۹۵

کسروی - احمد ۱۰-۱۲-۱۹۵-۲۰۲

۲۰۳

کشاورز صدر ۱۹۴

کمال منجم - ملا ۱۲۶-۱۲۷-۱۹۳

فاطمہ ۱۰۴

فتحعلی شاہ ۹۰-۱۰۲-۱۱۱-۱۱۶-۱۵۵

۱۶۷-۱۷۷

فخرالدولہ ۹۶

فخرالدین کرت ۱۰۶

فخری ۸۱

فرانکل ۴۷-۲۱۱

فرخ - محمود ۱۲۲

فردوسی ۵-۱۴۰-۲۱۳

فرشتہ - حکیم محمد قاسم ۱۱۹

فرصت ۱۲۱-۱۲۲

فرمانفرما ۱۶۵

فرمانفرمائیان - حافظ ۸۸-۱۷۶-۲۱۶

فرمری ۹۸-۱۵۲

فرہادمیرزا = معتمدالدولہ

فسائی - حاج میرزا حسن ۹۶

فصیح خوافی ۱۲۲

فلسفی ۱۹۴-۱۹۵

فوریہ - دکتر ۱۹۷

فومنی - عبدالفتاح ۱۲۴-۱۳۰-۱۳۱

ق

قائم مقام ۱۷۷-۱۹۴

قباوی - ابونصر احمد ۶۵

قدسی - اعظام ۱۹۶ (اشتباہاً قدس رضوی

چاپ شدہ)

قراچورلو - محمود ۱۷۳

قرطبی - عرب بن سعد ۴۶

قریب - عبدالعظیم ۲۰۹

قزوینی = رافعی

قزوینی = زکریا

۲۲۶

کوچک خان = میرزا کوچک خان

کورتن ۲۱۱-۴۲

کوزگارتن ۲۱۰-۴۰

کوکب ۱۵۲

کوهی کرمانی ۲۱۶

کیومرث ۱۳۷-۱۰۸

ک

گادبوش ۲۱۵

گاردان - ژنرال ۲۰۰-۱۹۷

گردیزی ۲۰۱-۵۴-۵۳

گروسی - امیر نظام ۴۹

گلچین معانی ۱۵۱

گلرین ۱۹۵

گلستانه - ابوالحسن ۱۲۹

کنجلی خان ۵۶

گوینو ۲۰۷-۱۲۰

گوتوالد ۲۱۰-۳۵

گوهرشاد ۱۲۲

گویار ۲۱۱-۴۷

گیب ۳۷

گیدی ۲۱۱-۴۷

گیرگاس ۲۱۰-۳۶

گیلانی - مرتضی ۱۱۸

ل

لاچینی ۱۹۴

لانگله ۱۵۲

لاهوری - محمد شفیع ۲۰۵-۱۷

لاهوری = اقبال

لاهیجی - علی بن شمس الدین ۱۳۱-۱۳۰

لسترنج ۲۰۷-۱۴۱-۸۷-۱۲

لطفعلی خان زند ۱۳۳-۱۱۱

لسان الملك ۱۰۳

لله باشی = هدایت

لیندبرگ ۵۳

م

مارجلیوٹ ۲۱۱-۶۱-۴۰

مارکوارت ۸

مافروخی ۵۴

مالو ۷۷

مأمون ۵۸-۱۵

مانی ۷۰

مبارزالدین محمد مظفر ۱۴۵-۱۱۸

مبارکشاه - فخرالدین ۲۱۲-۵۵

متوکل ۲۱۰-۲۸

متینی - شیخ احمد ۴۹

مجتبائی - فتح الله ۲۰۸

مجدالدین بغدادی ۵۰

مجدی ۱۳۱

مجدوبعلیشاه ۱۱۳۰

محدث ارموی ۱۵۸-۶۰

محمد بن ابراهیم ۱۹۲-۵۷-۵۶-۴۸

محمد بن بایسنقر ۱۱۰

محمد بن بهرام بن مطیار اصفهانی ۵

محمد بن جهم برمکی ۵

محمد بن زفر ۶۵

محمد بن عبدالملك = همدانی

محمد بن مرتضی - سید ۱۳۷

محمد بن ملکشاه سلجوقی ۱۲

محمد بن نجیب - ابن بکران

محمد بن وصیف ۱۸۹

محمد جعفر اهری - آخوند ملا ۱۲۵

محمد جعفر خان زند ۱۶۰

مرعشی - قوام الدین ۱۳۷
 مرعشی - محمد ۱۳۸
 مرعشی - محمد خلیل ۱۳۸-۱۳۹
 مروان حمار ۲۴
 مروارید - خواجہ عبد اللہ ۱۷۸
 مروزی - شرف الزمان ۴۱
 مزدک ۷۰
 مزیک ۵۸
 مسترشد باللہ ۲۷-۲۱۰
 مستعین ۲۸-۲۱۰
 مستقصی ۳۸
 مستوفی - حمد اللہ ۱۳۹-۱۴۰-۱۴۱-
 ۱۸۷-۱۴۶
 مستوفی - عبد اللہ ۱۹۶
 مسعود سلجوقی ۲۷-۴۷-۲۰۹
 مسعود بن محمد کرمانی ۱۱
 مسعودی ۸-۱۸-۱۵۲-۲۱۴
 مسعودی مروزی ۵
 مشار - خانبا با ۴۷
 مشیر الدولہ پیرنیا ۱۹۴-۲۰۴-۲۰۵
 مشیری - محمد ۱۷۳
 مصطفوی ۱۹۵
 مظفر - ملک ۶۶
 مظفر الدین شاہ ۱۴۲-۱۶۸-۱۷۵-۲۰۴-
 ۲۰۵
 معتز ۲۸-۴۴-۲۱۰
 معتمد باللہ ۱۳-۶۰-۲۰۷
 معتمد الدولہ - فرہاد میرزا ۱۴۴-۱۴۵
 معتمد الدولہ - منوچہر خان ۱۱۶
 معز الدولہ دیلمی ۱۸-۲۰۸
 معز الدین غوری ۶۲-۲۱۳

محمد خدا بندہ صفوی ۲۱۵
 محمد خوارزمشاہ - سلطان ۱۱-۶۶
 محمد رضا شیرازی ۱۳۳-۱۶۰
 محمد رضی تبریزی ۱۱۱
 محمد زاہد ۱۱۰
 محمد شاہ قاجار ۸۱-۹۲-۱۰۲-۱۸۴
 محمد شاہ ہندی ۱۳۶
 محمد علی میرزا ولیعهد - شاہ ۷۴-۲۰۵
 محمد ققنس ۱۲۸
 محمد کاظم وزیر ۱۳۴
 محمد المصطفیٰ ۳۲
 محمد مہدی - میرزا مہدی منشی استرآبادی
 ۱۵۴-۱۵۳
 محمد - میرزا محمد کلانتر فارس ۱۲۷
 محمود بن سبکتکین = محمود غزنوی
 محمود بن محمد بن ملکشاہ ۲۷-۱۸۷-۲۰۹
 محمود غزنوی - سلطان ۱۹-۲۱-۳۲-۴۸
 محمود گیتی (کتبی) ۱۴۶
 محمود محمود ۱۹۵
 محمود مظفری ۱۴۵
 محمود میرزا گورکانی ۹۷
 مخبر الدولہ ۱۸۶
 مخبر السلطنہ ۱۹۶
 مدائینی ۲۸-۶۱-۶۵
 مدرس رضوی ۱۳۰
 مدینی - ابوالحسن ۴۲
 مراد اول - سلطان عثمانی ۸۴
 مرعشی - ابوالقاسم ۱۱۸
 مرعشی - احمد ۱۳۹
 مرعشی - داود ۱۳۸
 مرعشی = ظہیر الدین

مولر ۲۵-۴۷-۸۶-۱۸۳
 مولوی ۲۰۷
 موہل ۱۹۲
 مؤیدالدولہ دیلمی ۲۰۸
 مہدعلیا ۸۱
 مہلب بن محمد ۱۹۲
 مہلبی-ابومحمد ۱۸-۲۴-۲۰۸
 میرخواند ۹۷-۹۸-۱۵۱-۱۵۲-۱۶۸
 میرزا حسین خان اصفہانی ۱۸۵-۱۸۶
 میرزا رضا کرمانی ۱۵۶
 میرزا کوچک خان جنگلی ۱۹۴
 میکلوخوما کلائی ۱۳۶
 مینورسکی ۸-۱۱-۴۱-۱۲۵-۱۸۳-
 ۱۹۰-۲۰۷
 مینوی - مجتبیٰ ۶۸
 ن
 ناپلئون ۱۴۳-۲۰۰
 نادرشاہ ۷۷-۹۵-۱۰۱-۱۲۷-۱۲۹-
 ۱۳۴-۱۳۸-۱۳۹-۱۵۳-۱۹۴-۲۱۴
 نادر میرزا قاجار ۱۵۵-۱۵۶
 ناسولیس-ویلیام ۶۲
 ناصح-محمد علی ۶۷-۶۸
 ناصر خسرو ۱۰-۴۹-۶۳-۱۶۸-۲۱۱-
 ناصرالدین شاہ قاجار ۷۴-۸۱-۹۱-۹۲-
 ۹۶-۱۰۳-۱۵۶-۱۵۷-۱۶۰-۱۶۸-
 ۱۷۵-۱۸۴-۱۸۸-۱۹۵-۱۹۷-
 ناصرالدین صفی بخارائی ۱۵۱
 ناصرالدین قباچہ ۵۰-۶۲-۲۱۳-
 ناصرالدین محمد غوری ۱۵۸
 ناصرالدین محمود شاہ ۶۲-۶۳-
 ناصر منشی ۱۵۸-۲۰۸

معزی ۲۰۷
 معزی ۱۹۵-۱۹۸
 معلم ثالث ۱۸
 معین التجار ۱۴۶
 معین الدین معلم یزدی ۱۴۵-۱۴۶
 معین الدین نظری ۱۶۲
 معین السلطنہ ۱۴۶-۱۴۷
 مفتون- عبدالرزاق دنبلی ۱۴۸-۱۴۹
 مفید = شیخ مفید
 مفید - محمد مفید باقی ۱۴۹-۱۵۰
 مقتدر - سر لشکر ۱۹۵
 مقتدر باللہ ۴۵
 مقدسی ۲۰۷-۲۰۸-۲۰۹
 مقریزی ۲۱۴
 مکفی ۵۹
 مکی- حسین ۱۹۴-۱۹۵
 ملازادہ بخارائی - معین الفقراء ۱۵۱
 ملا کمال = کمال منجم
 ملک آرا - عباس میرزا ۱۶۷-۱۸۴-۱۸۵
 ملک دینار ۲۶
 ملکزادہ ۱۹۵
 ملکشاہ اول ۲۷-۴۱
 ملکشاہ ثانی ۲۷-۲۰۹
 ملک الکتاب ۱۰۱-۱۴۱
 ملک خان ۹۱-۲۱۴
 منصور بن نوح سامانی ۴۶
 منگوقاآن ۳۳
 منہاج سراج ۶۲-۶۳
 مورلی ۳۱-۲۰۹
 موفق عباسی ۱۳
 موفق الدولہ ہمدانی ۹۹

نوری - میرزا آقاخان اعتماد الدولہ ۹۷-

۱۰۴

نیشابوری ۷۱

نیشابوری - صدرالدین ۶۸

نیکلای دوم ۱۸۴

نیکلسون ۲۰۷-۱۲

و

وان درلیث ۱۲۲

وان درلون ۱۸۲

وحیدقزوینی ۱۶۴

وزیری کرمانی - احمدعلی ۱۶۵

وصاف ۱۶۶-۱۵۳

وصالی ۱۱۷

وکیل الدولہ - محمدتقی ۱۲۹

ولاشجردی - خلیل بن حسین ۲۳

ولتر ۲۴

ووستنفلد ۲۰۸-۳۸-۱۸

ویلمکم ۱۵۴

۵

ہاربروکر ۲۱۱-۴۲

ہامر ۱۶۷

ہدایت - رضاقلی خان لله باشی ۱۶۷-۱۵۳-

۱۸۴-۱۸۰-۱۶۸

ہدایتی ۱۹۴

ہرن ۱۰۷

ہرودوت ۸۳

ہشام بن قاسم اصفہانی ۵

ہلاکو خان ۲۱۰-۹۹-۳۳

ہمدانی - ابوالحسن محمد ۴۶

ہمدانی - محمد بن عبدالملک ۶۹-۲۰

ہنر فر ۱۹۵

ناظم - محمد ۵۴

ناظم الاسلام کرمانی ۱۹۵

نامی - محمد صادق ۱۱۱-۱۳۳-۱۳۴-

۱۶۰-۱۵۹

نایب السلطنہ - عباس میرزا

نجفقلی بیگ بادکوبہئی ۱۷۷

نجم آبادی - شیخ ہادی ۲۰۱

نجم الدین کبری ۵۰

نجم الملک ۱۶۰

نجمی ۱۹۴

نرشخی ۲۱۱-۱۵۱-۶۵

نسفی ۶۵

نسوی - سعد الدین جعفر ۶۶

نسوی - محمد منشی خرنندزی ۶۶-۶۷

نصرۃ الدین = اتابک

نصر سامانی - امیر ۲۲

نصیر الدین طوسی - خواجہ ۲۱۰

نطنزی = معین الدین

نظام حسینی ۱۸۷

نظام الدین شامی ۱۶۲-۹۴

نظام الدین محمد یزدی = نظام حسینی

نظام الملک ۱۹۸-۵۴

نقیسی - سعید ۳۰-۳۱-۹۸-۱۱۱-۱۳۴-

۲۰۵-۱۹۶-۱۹۵-۱۹۴-۱۴۶

نلد کہ ۲۱۲-۴۳-۸

نوائی = علیشیر

نوائی - عبدالحسین ۸۱-۹۸-۱۴۱-

۱۹۵-۱۸۴-۱۴۶

نور الدین محمود ملک عادل ۵۲-۵۳-

۲۱۲

نوری - احسان ۱۹۵

۲۳۰

یان-کارل ۱۰۰-۲۱۴
 یحیی بن عبداللطیف ۱۶۹-۱۷۰-۱۹۳
 یزدگردی ۶۸
 یزدی = جعفری-جعفر بن محمد
 یزدی = شرف الدین علی
 یزدی = معین الدین
 یعقوب آق قویونلو ۱۲۳
 یعقوب لیث ۱۸۹-۱۹۴
 یعقوبی-ابن واضح ۶۹-۷۰
 یوسف آقا ایلیچی روم ۱۶۴

هندوشاه نخجوانی ۱۶۹
 هوارت ۲۲-۲۰۹
 هوارد ۲۸
 هوتسما ۲۷-۴۷-۵۶-۵۷-۶۷-۷۱-
 ۲۰۹
 هینتز ۱۸۳
 ی
 یاسمی-رشید ۱۹۵
 یاغی باستی ۱۱۸
 یاقوت حموی ۲۰۸

نام جاها

آمل ۹-۴۴-۷۵-۱۱۰
 آمستردام ۲۰۹
 آنکارا ۱۰۰
 ابهر ۱۳۹
 اتازونی ۱۴۷
 احمدنکر ۸۴-۱۱۹
 اراک ۱۲۷-۱۶۵-۱۷۷-۱۹۳-۱۹۵
 اران ۱۹۱
 اردبیل ۹۲-۱۱۶-۱۳۷
 ارم ذات العمداد ۱۳۵
 ارمنستان و ارمنیه ۶۹-۷۰-۱۱۳-۱۹۱
 اروپا ۷۷-۸۶-۸۷-۱۱۴-۱۴۲-۱۵۲-
 ۱۵۶-۱۷۵-۱۸۵-۱۹۷-۲۰۰-۲۰۵
 اسپانیا ۱۵-۱۶-۸۷
 استانبول ۲۳-۷۱-۷۴-۷۸-۱۰۴-۱۵۲
 ۱۵۷-۲۱۵
 استرآباد ۱۱۹-۱۵۳-۱۵۵-۱۵۶

آ
 آجی-رود ۱۵۶
 آذربایجان ۹۲-۹۴-۱۱۳-۱۲۵-۱۳۵
 ۱۷۷-۱۹۱-۱۹۵-۲۰۳
 آرخانگلسک ۸۶
 آستارا ۱۲۵
 آسیای صغیر ۱۵-۳۶-۶۴-۱۱۳-۲۰۹
 آسیای مرکزی ۲۰۰-۲۱۰
 آشتیان ۱۹۶
 آشور ۱۱۸
 آکادمی علوم شوروی-فرهنگستان ۱۹۰-
 ۱۳۶
 آکسفرد ۲۰۶
 آلان ۱۱۱
 آلمان ۷-۲۵-۴۲-۸۶-۸۷-۲۰۱-
 ۲۰۹-۲۱۲
 آمریکا ۱۴۷

اهواز ۶۰-۱۶۱-۱۹۲
 ایتالیا ۷-۲۶-۸۶-۱۰۴-۱۴۷-۱۹۷-
 ۲۱۵
 ایران بسیاری از صفحات
 ب
 بابل ۸۳-۱۲۱-۱۵۷
 باهماد آزادگان ۲۰۲
 بافق ۱۴۹
 بامیان ۲۱۳
 بجاپور ۱۱۹-۲۱۶
 بجنانک ۱۹۱
 بجه ۱۹۱
 بحرین ۱۹۵-۱۹۸-۲۰۸
 بخارا ۵۰-۶۵-۱۵۱
 بختیاری ۱۸۶-۱۹۵
 بدخشان ۶۳-۱۱۳
 بدلیس ۸۴
 براداس ۱۹۱
 بردسیر ۲۵
 برطاس ۱۹۱
 برلن ۲۹-۵۴-۵۶-۶۴-۱۰۷-۲۰۹-
 ۲۱۰
 بروجرده ۱۱۶
 بست ۲۳
 بصره ۲۷-۵۳-۹۵-۱۲۸-۱۴۹
 بغداد ۹-۱۳-۱۵-۱۷-۲۴-۲۷-۲۸-
 ۳۳-۳۵-۴۲-۴۴-۴۵-۵۲-۶۹-
 ۱۱۳-۱۵۳-۱۶۳-۱۷۵-۲۰۷-۲۱۰
 بلغار اندرونی ۱۹۱
 بلخ ۴۹-۶۳-۱۰۴-۱۵۱
 بلژیک ۷-۲۰۶-۲۱۵

اسدآباد ۱۹۲
 اسکندریه ۴۲
 اشرف ۱۲۶
 اصطخر ۲۵-۲۹
 اصفهان ۱۹-۳۴-۳۶-۵۲-۵۴-۶۹-
 ۷۷-۷۸-۹۵-۹۶-۱۰۸-۱۱۲-۱۱۳
 ۱۱۴-۱۲۷-۱۲۹-۱۳۵-۱۳۸-۱۴۶
 ۱۴۹-۱۵۳-۱۵۹-۱۶۲-۱۸۶-۱۹۲
 ۱۹۵-۲۱۴-۲۱۶
 اطیش ۷-۸۷-۱۴۷
 افریقا ۲۰۸
 افریقای شمالی ۱۵
 افغانستان ۵۵-۲۱۳-۲۱۵
 اکره ۹۷
 اکسفورد ۶۱
 الموت ۳۳-۹۹-۱۷۰
 انتشارات دانشگاه تهران- اداره ۲۶-۳۰-
 ۳۱-۴۷-۶۰-۷۹-۸۸-۱۰۴-۱۵۸-
 ۱۹۰-۲۰۰
 انجدان ۱۷۷
 انجمن آثار ملی ۱۵۳
 انجمن آسیائی لندن ۸۲
 انجمن خاورشناسان آکادمی علوم شوروی
 ۲۱۰
 انجمن روابط فرهنگی ایران و شوروی ۱۳۶
 اندلس ۳۴-۱۹۱
 انگلیس ۷-۸۷-۱۰۴-۱۴۴-۱۹۵-۱۹۹-
 ۲۰۰-۲۰۷-۲۱۵
 انوالید ۱۴۲
 اوترخت ۲۰۸
 اوقاف گیب ۳۷
 ۲۳۲

به عثمانی و روم
تغزغز ۱۹۰
تلگرافخانه اصفهان ۱۸۶
توران ۱۳۶
تویسرکان ۹۲
تهران اغلب صفحات

ج

جامعه اوترخت ۲۰۸
جامعه قازان ۲۰۶
جامعه لیون ۲۰۸
جبال ۱۳-۱۹۱
جوناکده ۱۰۱
جوین ۳۳

چ

چگل ۱۹۰
چهارباغ ۱۳۵

چین - صین ۱۶-۲۵-۳۲-۴۱-۷۰-۷۸
۱۰۵-۱۹۰-۲۰۸

ح

حبشه ۱۱۳-۱۹۱
حجاز ۱۳-۴۰-۶۵-۱۱۳
حکم آباد ۱۵۶
حلب ۲۴-۳۸
حمام فین ۸۲
حویزه ۱۶۱

خ

خانقاه اخلاصیه ۱۵۲
خانقاه شاهرخیه ۱۰۵
خانقاه صفائییه ۸۸
خاورزمین ۳-۲۰۷
خبیص ۵۶

بمبئی ۶۴-۷۷-۸۸-۹۸-۱۰۱-۱۱۱-
۱۱۹-۱۲۱-۱۴۱-۱۴۲-۱۵۳-۱۵۴-

۱۶۶-۲۰۱

بناکت ۸۵

بندرعباس ۹۵

بنگاله ۱۳۸

بنگاه ترجمه و نشر کتاب ۶۸-۷۰-۸۷

۹۰-۱۲۴

بیبلیوتکا ایندیکا ۳۱

بیت المقدس ۶۴

بیروت ۶۹

بیزانس ۱۰-۷۰

بین النهرین ۲۰۷

بیهق ۱۶-۱۷-۳۰

پ

پارس = فارس

پاریس ۱۴-۳۲-۵۰-۶۴-۶۵-۶۷-۷۷

۸۲-۸۴-۸۶-۹۸-۱۰۴-۱۱۰-۱۴۱

۱۴۷-۱۵۲-۱۶۸-۱۹۶-۲۰۶-۲۰۷-

۲۱۵

پراگ ۹۴-۱۶۳

پطرسبورگ ۸۴-۹۹-۱۰۴-۱۲۵-۱۳۱-

۱۳۸-۲۰۵-۲۰۶

پطروگراد ۱۷۴

تبریز ۲۹-۴۹-۷۴-۷۷-۸۶-۹۵-۱۰۴

۱۰۸-۱۴۸-۱۵۳-۱۵۴-۱۵۵-۱۵۶

۱۶۲-۱۶۳-۱۶۶-۱۶۸-۱۷۰-۲۰۲

تخت جمشید ۱۲۰-۱۲۱

تخس ۱۹۰

ترکستان ۱۵-۳۳-۵۵-۱۹۰-۲۱۰

کبه ۵-۱۹۷-۲۰۷ و نیز مراجعه شود

دہلی ۴۸-۵۰-۶۲-۹۵-۹۷-۱۴۹

دیبول - بندر ۱۱۸

دیلمان ۱۹۱

دینور ۱۷-۳۵

ر

راوند ۳۶-۳۷

رستمدر ۷۵

رشت ۱۴۶-۱۷۷

رصدخانہ دینور ۳۵

رضائیہ ۱۹۵

رم ۱۴۷

روسیہ ۷-۱۵-۸۶-۱۲۱-۱۴۳-۱۴۷

۱۴۸-۱۸۴-۱۸۵-۲۰۷

روم ۳۲-۳۷-۴۲-۵۳-۷۱-۱۱۸-۱۳۵

۱۳۶-۱۶۴-۱۹۱

رویان ۷۶

ری ۹-۱۳-۱۸-۲۰-۴۸-۱۱۷-۱۳۲

۱۹۵

ز

زانج ۱۹۱

زنجان ۹۴-۱۳۹-۲۰۲

زنگستان ۱۹۱

زیدر ۶۶

س

ساری ۱۳۷

سبت ۱۹۰

سبزوار ۳۳-۱۱۶

سراہواز ۱۶۱

سریر ۱۹۱

سلطان آباد ۱۷۷

سلماس ۹۲-۱۹۵

سمرقند ۵۰-۶۵

سمنان ۱۹۵

خراسان ۱۰-۱۳-۱۵-۱۶-۲۶-۳۳

۴۱-۴۸-۵۰-۵۵-۶۳-۶۶-۷۹-۸۳

۹۵-۱۱۳-۱۹۰-۲۰۷-۲۱۲-۲۱۳

خرخیز ۱۹۰

خرم آباد ۹۵

خرندز ۶۶

خزر - دریا ۸۶

خزران - خزر ۱۹۱-۲۰۶

خفجاخ ۱۹۰

حلجاخ ۱۹۰

خلخ ۱۹۰

خلیج فارس ۱۹۵-۱۹۸-۲۰۰

خوارزم ۹-۱۱-۱۹-۲۰-۲۱-۳۸-۴۲

۱۲۳-۱۶۸-۲۰۹

خواف ۹۳

خورموج ۹۶

خوزستان ۱۸۶-۱۹۱-۲۰۲

خوی ۹۲

خیوہ ۱۶۸

د

دارالحکومہ شیراز ۱۷۶

دارالخلافہ ۵۹

دارالسیادہ میبد ۱۴۰

دارالطباعہ دولتی ۸۱-۸۲

دارالفنون ۸۱-۱۶۰-۱۶۸-۱۹۶

دارالمرز ۱۲۴

دارالمعلمین عالی ۱۹۶

دانشگاہ سربن ۱۹۷

دانشگاہ کمبریج ۲۰۶

دانشگاہ مسکو ۲۰۴

دشتستان ۹۶

دمشق ۳۱-۳۸-۷۱

۲۳۴

سند ۱۹۰-۲۱۳

سوادکوه ۸۳

سودان ۱۹۱

سورت - بندر ۱۴۹

سوریه ۴۰-۴۴

سیاکله ۱۳۷

سیحون ۸۵

سیستان ۲۳-۵۶-۱۸۸

ش

شام ۱۸-۳۲-۵۲-۵۳-۶۴-۱۱۳-۱۹۱

۲۱۲

شام قازان = شنب غازان

شاعچراغ ۱۲۷

شبانکاره ۱۱۸

شناد ۸۶

شماخی ۱۱۲

شنب غازان ۱۶۲-۱۶۳

شهاباد ۱۰۶

شهرستان ۴۱

شیراز ۱۲-۹۵-۹۶-۱۰۳-۱۰۹-۱۱۸

۱۲۱-۱۲۳-۱۲۷-۱۲۸-۱۳۳-۱۶۰

۱۶۶-۱۶۷-۱۷۶-۱۹۵

شیروان ۸۴

شیکاگو ۱۴۷

ص

صدرآباد ۱۴۹

صقلاب ۱۹۱

ط

طارم ۱۳۷-۱۳۹

طبرستان ۹-۱۳-۱۰۰-۱۹۵-۲۰۶

طوس ۱۰

ع

عثمانی ۷۴-۷۸-۸۱-۸۴-۸۶-۸۷-۱۰۲

۱۰۶-۱۵۳-۱۶۱-۱۶۴ ونیز ترکیه

و روم دیده شود .

عتبات ۱۵۶-۱۸۴

عدلیه شیراز ۹۶

عراق - عراق عرب ۱۳-۱۵-۱۸-۲۷-

۳۲-۳۳-۳۸-۴۰-۴۲-۵۳-۶۴-۷۰-

۹۵-۹۷-۱۱۳-۱۱۶-۱۲۵-۱۲۸-

۱۳۵-۱۳۸-۱۴۱-۱۴۹-۱۵۶-۱۹۱

۲۰۷-۲۰۹

عربستان ۱۵-۱۸-۶۴

عمان ۹۵-۱۱۳

غ

غزنه - غزنین ۲۱-۵۳-۲۱۳

غور ۲۱۳

غوز ۱۹۰

ف

فارس - پارس ۱۲-۲۵-۲۹-۹۵-۹۶-

۱۱۳-۱۱۴-۱۱۶-۱۲۰-۱۲۸-۱۶۲

۱۹۱-۱۹۵-۲۴۱

فراموشخانه ۹۱

فرانسه ۷-۲۴-۸۷-۱۰۴-۲۰۱

فرنک-فرنکستان ۷۸-۸۸-۱۰۰-۱۱۶-

۱۴۸-۱۴۹-۱۵۷

فلورانس ۱۴۷

ق

قاره جدید ۱۴۷

قازان ۲۰۷

قاہرہ ۸۵

قزوین ۳۸-۶۰-۱۰۷-۱۰۸-۱۳۱-

۲۳۵

۱۳۷-۱۴۰-۱۶۴-۱۶۹-۱۸۴-۱۹۵

۲۱۴

قفقاز ۱۱۳-۱۸۴-۲۰۶

قم ۵۱-۸۴-۱۸۳-۱۹۵-۲۱۵

قندھار ۹۷-۱۳۵

قوس ۱۹۵

قونیه ۳۷-۷۱-۲۰۸

ک

کابل ۶۳-۱۱۳

کاخ دادگستری ۲۰۲

کاشان ۲۷-۱۰۳-۱۱۲-۱۱۴-۱۱۶

۱۶۹

کتابخانه ابراهیم پاشا بغدادی ۲۳

کتابخانه ابن سینا ۱۳۰-۱۵۱-۲۰۵

کتابخانه اسلامیہ ۱۱۱

کتابخانه الموت ۳۳

کتابخانه ایاصوفیہ ۱۹

کتابخانه بادلیان ۲۰۹

کتابخانه بیزانس ۱۰

کتابخانه خاندان فرمانفرمائیان ۱۶۵

کتابخانه خاور - مؤسسہ ۱۸۸-۱۹۲

۲۱۲

کتابخانه خیام ۱۶۲

کتابخانه سلطنتی برلین ۵۶-۲۰۹

کتابخانه قاہرہ ۳۵

کتابخانه معارف ۱۹۶

کتابخانہ ملی ۲۱۵

کتابخانہ ملی امپراطوری - پطرسبورگ

۲۰۶

کتابخانہ ملی پاریس ۲۰۷-۲۱۱

کتابفروشی حافظ ۱۱۸

۲۳۶

کربلا ۱۱۲

کردستان ۸۴-۱۹۵-۲۰۹

کرمان ۲۵-۲۶-۵۶-۷۴-۱۱۳-۱۵۸

۱۶۵-۱۹۱-۱۹۵-۱۹۸-۲۱۴

کرمانشاہ ۳۵-۹۵-۱۲۹-۱۹۵

کسگر ۱۲۵

کشمیر ۱۱۳

کعبہ ۳۸

کلدہ ۱۱۸

کلکنہ ۳۱-۶۲-۸۴-۹۸-۱۰۱-۱۰۶

۱۱۸-۱۱۰

کوبنان ۲۶

کیماک ۱۹۰

گ

گجرات ۹۷

گرجستان - گرج ۱۲۶-۲۰۶-۲۱۵

گردیز ۵۳

گرگان - جرجان ۲۰-۵۹-۶۳-۷۱

گرگانج ۳۹

گریفسوالد ۲۸-۲۱۵

گوتا ۲۵

گوتینگن ۱۸-۳۸-۱۵۲

گوزکانان ۱۹۰

گیلان ۸۴-۹۵-۱۰۰-۱۱۳-۱۲۵

۱۳۵-۱۳۷-۱۳۸-۱۸۴-۱۹۵-۲۱۶

ل

لار ۹۵

لاہور ۱۷-۶۳-۶۸-۹۴-۱۰۵

لاہہ ۱۸۲

لبنان ۷۰

لرستان ۱۱۶

مدرسه نظامیہ بغداد ۵۲
 مرکز لغات شرقی برلن ۲۰۹
 مدینہ ۶۰
 مرو ۱۷-۴۰-۵۵-۱۳۴-۱۹۱-۲۱۲
 مروات ۱۹۱
 مسجد سینکانفو ۲۰۸
 مسجد صمصام خان ۲۰۳
 مسجد کایگونفو ۲۰۸
 مسکو ۱۱-۸۶-۱۳۶-۱۸۳-۲۰۵
 مشہد ۵۶-۱۱۶-۱۲۲-۱۳۴-۱۳۸-
 ۱۷۵
 مصر ۲۰-۲۴-۴۴-۴۷-۵۸-۶۱-۶۳-
 ۶۴-۶۹-۷۰-۸۷-۱۰۱-۱۲۳-
 ۱۹۱-۲۱۱-۲۱۲
 مطبعہ بولاق ۲۴
 مغرب - مغرب زمین ۴۴-۵۳-۸۳-۱۹۱
 مغولستان ۲۵-۲۳-۲۱۳
 مکہ ۳۸
 ملایر ۱۱۶
 ملتان - مولتان
 موزہ آبائی فرهنگستان علوم شوروی
 ۶۶-۲۰۶
 موزہ بریتانیائی ۲۰۶
 مؤسسہ مطالعات و تحقیقات اجتماعی ۱۸۶
 موصل ۵۲
 مولتان - ملتان ۶۲-۱۴۹-۱۵۰
 میافارقین ۶۶
 میبد ۱۴۵
 میدان سعادت شیراز ۱۱۸
 ن
 ناپل ۱۴۷

لشت نشا ۱۷۵
 لکھنو ۷۷-۴۷
 لمسر ۱۲۰
 لندن ۴۲-۷۷-۸۲-۸۷-۱۰۰-۱۱۰-
 ۱۱۷-۱۱۹-۱۲۳-۱۴۱-۱۴۷-
 ۱۶۷-۱۸۳-۱۹۰-۲۰۶-۲۰۹-۲۱۴
 لنگرکنان ۱۲۵
 لنینگراد ۴۶-۶۶-۱۳۸-۱۹۰
 لیبریگ ۱۵-۳۵-۱۰۷-۲۰۹
 لیدن ۱۰-۱۲-۱۵-۱۹-۲۰-۲۵-۲۷-
 ۳۶-۳۷-۴۰-۴۷-۵۰-۵۱-۵۳-
 ۵۵-۵۶-۷۰-۷۱-۱۰۰-۱۱۱-
 ۱۳۰-۱۴۱-۱۸۲-۱۸۷-۲۰۷-
 ۲۰۸-۲۰۹-۲۱۰
 م

ماچین ۷۸
 مازندران ۳۶-۷۶-۸۳-۱۱۳-۱۱۶-
 ۱۲۵-۱۳۷-۱۳۸-۱۷۹-۲۰۲
 ماوراءالنہر ۶۳-۷۹-۹۸-۱۹۰-۲۱۳-
 ۲۱۶
 مجقری ۱۹۰
 مجلس شورای دولتی ۱۷۵
 مجلس شورای ملی ۱۴۲
 مجلس وزیران ۱۷۵
 مداین ۶۱
 مدرسه آمریکائی تیبیز ۲۰۲
 مدرسه السنہ شرقیہ پاریس ۲۰۷
 مدرسه سلطانیہ ۱۱۰
 مدرسه سیاسی ۱۹۶-۲۰۵
 مدرسه منصوریہ شیراز ۹۶
 مدرسه نظام ۱۹۶

هرات ۶۲-۷۸-۷۹-۹۷-۱۰۵-۱۰۶-
۱۱۳-۱۲۲-۱۵۱-۱۵۲-۲۱۳
هلند ۵-۳۶

همدان ۳۶-۵۲-۶۹-۹۵-۹۹-۱۰۱-
۱۱۳-۱۱۶-۱۹۲

هند - هندوستان ۱۵-۱۶-۲۱-۲۲-
۲۹-۳۰-۳۲-۳۷-۴۱-۴۷-۵۰-
۵۵-۶۹-۷۰-۷۷-۷۸-۸۱-۸۴-
۸۷-۸۹-۹۱-۹۵-۹۷-۹۸-۱۰۱-
۱۰۲-۱۰۵-۱۱۳-۱۱۸-۱۱۹-
۱۲۹-۱۳۶-۱۳۸-۱۴۹-۱۵۳-
۱۹۰-۲۱۰-۲۱۳

هیئت مستشرقین ماینس ۱۸۳
ی

ینما ۱۹۰
یزد ۲۶-۹۰-۱۰۸-۱۲۵-۱۴۵-۱۴۹-
۱۵۰
یمن ۹۸-۳۲-۹۵-۱۱۳-۱۱۸-۲۱۲
ینگی دیا ۸۳
یونان ۴۲-۱۱۸

نائین ۸۷

نخجوان ۸۴-۱۶۹

نسا ۶۶

نسف ۶۵

نمایشگاه شیکاگو ۱۴۷

نوبه ۱۹۱

نیشابور ۱۲-۱۳-۳۱-۴۱-۴۷-۴۸-

۶۸-۷۱

و

واسط ۳۸-۵۲

واشنگتن ۱۴۷

وزارت انطباعات ۸۲

وزارت فرهنگ ۲۱-۳۱-۶۳-

ولگا ۸۶

وندر ۱۹۱

ونیز ۱۴۷

ویجویه ۲۰۳

ویسبادن ۱۷۹-۱۸۳

وین ۵۸-۱۵۲-۱۶۷-

ه

هامبورگ ۲۰۶

نام کتابها ، مجلهها و رسالهها

آثار تاریخی اصفهان ۱۹۵
آثار جعفری ۹۷
آثار عجم ۱۲۰-۱۲۱
آثار گمشده ابوالفضل بیهقی ۳۰
آثار و احوال محمد بن جریر طبری ۴۷
آداب الفرس و العرب ۲۰

آ
آئینه سکندری ۷۴
آثار الباقیه ۲۰-۲۰۹
آثار البلاد ۳۸
آثار البلدان ۲۱۳
آثار تاریخی آذربایجان شرقی ۱۹۵

۲۳۸

اعجب العجب ۳۸
 اعلاق النفیسه ۲۱۳-۱۵
 الاغانی ۲۱۱-۳۴
 الامالی ۱۳
 الامثال ۳۵
 المضاف الی بدایع الازمان ۱۹۸
 المعجم فی آثار ملوک عجم ۱۰۸
 امیر ارسلان ۱۳۵
 امیر کبیر و ایران ۱۹۴
 انجمن آرای ناصر ی ۱۶۸
 الانساب ۴۴
 انساب الاشراف ۲۸
 انس الفرید ۲۰
 انسیکلوپدی قرن هیجده ۲۴
 انقلاب بیرنگ ۱۹۴
 انکشاف ینگی دنیا ۸۳
 الانموذج ۳۸
 انوار المشعشعین ۱۹۵
 انیس العشاق ۲۰۹-۱۹۸
 الاوامر العلائیه ۷۱
 الاوراق ۵۹
 اوستا ۲۰۶
 اهل الحق ۲۰۷
 ایام العرب ۲۴
 ایران باستان ۲۰۵-۱۹۴
 ایران باستانی ۲۰۵-۱۹۴
 ایران در جنگ بررک ۱۹۵
 ایران در دوره سلطنت قاجاریه ۱۹۴
 ایران در قرن پانزدهم ۲۰۷
 ایران و اروپا ۱۹۵
 ایران و اروپای باختری ۱۹۵

ابن سینا ۲۱۳
 ابواب فی الصین و الترتک و الهند ۴۱
 ابوبکر خلیفه اول ۲۰۹
 اجمل التواریخ ۱۶۸
 احسن التقاسیم ۲۰۸-۲۰۷
 احسن التواریخ ۲۱۵
 احسن الکلام ۳۱
 احسن ما سمعت ۳۱
 الاحیاء و الآثار ۹۹
 اخبار امم السالفه ۷۰
 اخبار حجة البرمکی ۳۴
 اخبار الدولة السلجوقیه ۶۸
 اخبار الراضی و المقتفی بالله ۵۹
 اخبار الشعرا ۵۹
 اخبار الطوال ۳۶-۱۸
 اخبار القرامطه ۵۹
 ادب السماع ۱۴
 ادب الکاتب ۱۷
 از استیلا ی مغول تا اعلان مشروطیت ۱۹۹
 از پرویز تا چنگیز ۱۹۴
 از حمله چنگیز تا تشکیل دولت تیموری
 ۱۹۹
 از سلاجقه تا صفویه ۱۹۴
 از عرب تا دیالمه ۱۹۴
 اساس البلاغه ۳۸
 استخراج تاریخ اليهود ۵۸
 اشکال الاقالیم ۱۰
 اشکال المیزان ۱۲۰
 اصطلاحات الصوفیه ۲۱۴
 اطواق الذهب ۲۰۷-۳۸
 الاعجاز و الایجاز ۳۱

تاریخ اکتشافات جغرافیائی ۱۹۹
 تاریخ الفی ۱۱۹
 تاریخ الامم والملوک ۴۷-۴۵
 تاریخ امویان ۲۱۱
 تاریخ انقلاب مشروطیت ایران ۱۹۵
 تاریخ ایران ۲۱۰
 تاریخ ایلچی نظام شاه دکن ۸۴
 تاریخ بابل ۸۳
 تاریخ بخارای نرشخی ۲۱۰-۱۵۱
 تاریخ بختیاری ۱۹۵
 تاریخ برمکیان ۲۰۹
 تاریخ بغداد ۴۰
 تاریخ بلعمی ۲۱۰-۴۸-۴۶
 تاریخ بناکتی - روضه اولوالالباب ۸۵-
 ۱۰۱-۸۶
 تاریخ بیداری ایرانیان ۲۱۳-۱۹۵
 تاریخ بی دروغ ۱۹۴
 تاریخ بهت ساله ایران ۱۹۵
 تاریخ بیهق ۱۷
 تاریخ پانصد ساله خوزستان ۲۰۳-۱۹۵
 تاریخ تپرستان ۱۹۵
 تاریخ تحولات اجتماعی ۱۹۶
 تاریخ ترکان آسیای مرکزی ۲۱۰
 تاریخ تیموری ۱۶۳
 تاریخ جدید یزد ۱۲۵
 تاریخ جعفری ۹۰
 تاریخ جهان آرا ۱۱۸
 تاریخ جهانگشای جوینی ۱۶۶-۳۴-
 ۲۱۰-۲۰۱-۱۷۰
 تاریخ جهانگیری ۱۰۹
 تاریخچه چپق و قلیان ۲۰۳

ایران و دنیا ۱۹۵
 ب
 باغ چهارچمن ۱۰۱
 بت الشکوی ۴۹
 بحورالاحان ۱۲۰
 بدایع الازمان = تاریخ افضل ۶۸-۲۶
 البدء والتاریخ ۲۰۸-۲۳-۲۲
 البرق الشامی ۵۳
 بساتیر الفضلا ۴۹
 بستان السیاحه ۲۱۵-۱۱۳
 بغداد در ایام دولت عباسی ۲۰۷
 بلاغات النساء ۱۵
 البلدان ۷۰
 بلوهر و بیوزسف ۱۶۳
 بوستان سعدی ۲۰۸
 بیان الادیان ۲۱۲-۱۹۸-۵۰-۴۹
 بیست مقاله قزوینی ۲۰۱-۸
 بین النهرین ۲۰۷
 ت
 تاج المآثر ۱۱۹
 تاریخ آذربایجان ۱۹۵
 تاریخ آل مظفر ۱۴۶
 تاریخ اجتماعی ایران ۱۹۶
 تاریخ اجتماعی دوره مغول ۱۰۰
 تاریخ احزاب سیاسی ۱۹۵
 تاریخ ادبی ایران ۲۰۸-۲۰۶
 تاریخ اراک ۱۹۵
 تاریخ اصفهان ۱۹۵
 تاریخ اعراب ۱۸
 تاریخ افضل = بدایع الازمان ۵۶-۲۶
 تاریخ افغانستان ۸۱
 ۲۴۰

تاریخ طهران ۱۹۵
 تاریخ ظهیرالدین = تاریخ طبرستان
 ظهیرالدین
 تاریخ عرب ۲۰۹
 تاریخ عصر حافظ ۱۹۴-۱۹۹
 تاریخ عضدی ۱۱۶-۱۱۷-۲۱۵
 تاریخ علماء نیشابور ۱۳
 تاریخ غوریہ ۶۲
 تاریخ فخرالدین مبارک ۵۵
 تاریخ فرشته ۱۱۹
 تاریخ قزوین ۱۴۰
 تاریخ قم ۵۱
 تاریخ قم = انوار المشعشعین
 تاریخ قومس ۱۹۵
 تاریخ کاشان ۱۱۴
 تاریخ کرمان ۱۶۵
 تاریخ گزیده ۱۴۰-۱۴۱-۱۸۷
 تاریخ کیتی کشای ۱۳۳-۱۳۴-۱۵۹
 تاریخ کیلان ۱۲۵-۱۹۵
 تاریخ کیلان و دیلمستان ۱۳۷-۱۳۸
 تاریخ کیلان فومنی ۱۳۱
 تاریخ ماوراءالنهر ۱۸۱
 تاریخ مبارک غازانی ۹۹
 تاریخ مسعودی ۱۱۵-۱۱۶
 تاریخ مشروطہ ایران ۱۹۵-۲۰۳
 تاریخ مفلول ۸۵-۱۴۰-۱۶۶-۱۹۷-
 ۱۹۸-۲۰۰-۲۱۰
 تاریخ مفصل ایران ۱۹۶
 تاریخ ملازادہ ۱۵۱
 تاریخ ملاکمال ۱۲۷-۱۹۳
 تاریخ مہدویت در اسلام ۲۰۶
 تاریخنامہ ہرات ۱۰۶

تاریخچہ شیر و خورشید ۲۰۳
 تاریخ چین ۸۶
 تاریخ حزین ۹۵
 تاریخ حیات خیابانی ۱۹۴
 تاریخ خاندان طاہری ۱۹۴
 تاریخ خانی ۱۳۱
 تاریخ الخلفا ۲۸-۶۱
 تاریخ خزر و قفقاز و گرج ۲۰۶
 تاریخ خوارزم ۲۰۹
 تاریخ دودمان بویہ ۱۹۴
 تاریخ دو ہزار و پانصد سالہ ایران ۱۹۶
 تاریخ الرسل والملوک ۴۷
 تاریخ رضائے ۱۹۵
 تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس
 ۱۹۵
 تاریخ رویان ۷۶
 تاریخ ریشہ نژادی کرد ۱۹۵
 تاریخ زندیہ ۱۱۱-۱۹۴
 تاریخ ساسانیان ۴۷-۹۸
 تاریخ سلجوقیان ۳۷
 تاریخ سمنان ۱۹۵
 تاریخ سیستان ۶-۱۸۸-۱۹۲
 تاریخ شوستر ۱۹۵
 تاریخ شیخ اویس ۱۸۲
 تاریخ صفویہ ۱۹۳
 تاریخ طاہر بن حسین ۷۰
 تاریخ طبرستان ۹-۱۳۷-۱۹۸-۲۰۷
 تاریخ طبرستان اولیاء اللہ ۱۳۱
 تاریخ طبرستان ظہیرالدین ۱۳۰-۱۳۸
 تاریخ طبری ۴۵-۶۱-۶۹-۷۶-۲۰۸-
 ۲۱۱

ترجمہ تاریخ قم ۵۱
 ترجمہ تاریخ هرودوت ۸۳
 ترجمہ تاریخ یمینی ۴۹
 ترجمہ سیرہ جلالی ۶۸
 ترجمہ شاہنامہ ثعالبی ۲۱۰
 ترجمہ محاسن اصفهان ۱۹۸-۵۴
 التصحیف ۳۵
 تصوف در اسلام ۲۰۷
 تطبیق لغات جغرافیائی ۸۳
 تفسیر طبری ۴۴
 التفہیم ۲۱-۱۰
 تقاویم و جغرافیای شرقیان ۲۰۸
 تقویم البلدان ۲۲
 تقویم ادبی خراسان ۲۰۷
 تکملہ تاریخ طبری ۶۹
 التنبیہ والاشراف ۲۰۸
 تنکسوق نامہ ماہیلخانی ۲۱۴
 تواریخ تھرکستان ۲۱۰-۶۶
 تواریخ سلاجقہ ۲۰۹
 تواریخ السلاطین ۹۵
 تواریخ نادر شاہ ۲۰۷
 توصیف نسخ خطی شرقی جامعہ قازان ۲۰۶
 ث
 ثمارالقلوب ۳۱
 ج
 جام جم ۱۴۴
 جامع تصانیف رشیدی ۹۹
 جامع التواریخ ۱۰۰-۹۹-۹۳-۸۵-
 ۱۷۰-۱۶۶-۱۴۰-۱۰۵
 جامع التواریخ حسنی ۱۰۱
 جامع مفیدی ۱۵۰-۱۴۹

تاریخ نکو ۱۰۱
 تاریخ نگارستان ۱۱۸
 تاریخ نو ۱۹۷-۱۷۷-۱۴۹-۹۳-۹۲
 تاریخ و جغرافیای استرآباد ۱۵۶
 تاریخ و جغرافیای دارالسلطنہ تبریز ۱۵۶
 تاریخ و جغرافیای سلماس ۱۹۵
 تاریخ و صاف = تجزیة الامصار ۱۰۸-۷۷-
 ۱۶۶
 تاریخ ہجده سالہ آذربایجان ۲۰۳-۱۹۵
 تاریخ یزد ۱۵۰-۹۰
 تاریخ یعقوبی ۲۰۹-۷۰
 تاریخ یمینی ۴۸
 تبصرة العوام ۱۹۸-۴۹-۴۳
 تتمہ صوان الحکمہ ۲۱۴-۲۰۸-۱۷-۱۶
 تتمہ الیتیمہ ۱۹۸
 تجارب الامم ۲۰۸-۶۱-۱۹
 تجارب السلف ۱۹۸-۱۶۹
 تجزیة الامصار = تاریخ و صاف
 تحریم تنباکو ۱۹۵
 تحفة الزائرین ۱۵۱
 تحقیق ماللہند ۲۱
 التدوین ۱۳۱-۸۳
 التدوین فی اخبار قزوین ۶۱
 تذکرہ شاہ طہماسب ۱۰۷
 تذکرۃ الشعراء ۲۰۷
 تذکرۃ الشعراء المعاصرین ۹۵
 تذکرۃ العاشقین ۹۵
 ترجمان الاشراف ۲۰۷
 ترتیب السعادات ۲۰
 ترجمہ آثار البلاد ۹۲
 ترجمہ تاریخ طبری ۴۷-۴۶

خاطرات وسوانح عمری مشیرالدوله ۲۰۶
 خریدة العصر ۵۳
 خاندان نوبختی ۱۹۸-۲۰۰
 خداینامه ۵
 خلاصة الاخبار ۹۸
 خلاصة التواريخ ۱۲۷-۱۶۹-۱۸۳-۱۹۳
 خوان الاخوان ۶۴

د

دراویش آسیای صغیر ۲۰۹
 دراویش بکتاشیه ۲۰۹
 دررالتیجان ۸۲
 دره نادری ۱۵۲-۱۵۴-۲۱۵
 درة الاخبار ۲۰۸-۲۱۴
 دریای کبیر ۱۲۰
 دستورالاطبا ۱۱۹
 دستورالوزرا ۹۹
 دعای کمیل ۱۱۷
 دلائل النبوه ۱۷
 دلیل المتحیرین ۶۴
 دمیة القصر ۳۱

دوقرن سکوت ۳۴-۱۹۴
 دون ژوان ایرانی ۲۰۷
 دیالمه و غزنویان ۱۹۴
 دیوان شمس ۱۶۸
 دیوان معزی ۱۹۸
 دیوان ناصر خسرو ۱۶۸

ذ

الذیل بالصله ۴۶
 ذیل تاریخ بغداد ۴۰-۲۱۱
 ذیل تاریخ جهانکشا ۲۱۰
 ذیل تاریخ کیتی کشای ۱۰۱-۱۳۴

۲۴۳

جامع النحو الکبیر ۱۷
 الجبال والامکنه والمیاه ۳۸
 الجبر والمقابلہ ۵۸
 جغرافیای اصفهان ۱۸۶
 جغرافیای امپراطوری بیزانس ۷۰
 جغرافیای تاریخی ایران ۲۱۰
 الجماهر فی معرفة الجواهر ۲۱
 جمل مصالح والابدان ۲۲
 جمهور انساب فرس والنواقل ۱۴
 جنت السلاطین ۱۸۰
 جوامع احکام النجوم ۱۶
 جوامع الحکایات ۵۰-۵۱-۱۳۱
 جهانکشای جوینی = تاریخ جهانکشای جوینی
 جهانکشای نادری ۱۳۹-۱۵۳-۲۱۵
 جهان نامه ۱۱-۱۹۰

چ

چهارمقاله ۲۰۷-۲۱۲
 چهل مقاله کسروی ۱۰

ح

حبیب السیر ۹۸
 حجة السعاده ۸۳
 حدائق السحر ۱۹۸
 حدود العالم ۱۰-۱۹۰-۲۰۷
 حقایق الاخبار ناصر ۹۷
 حقوق ۱۷۰۰ ساله ایران بر بحرین ۱۹۵
 حماسه سرائی در ایران ۲۱۲
 حیات یحیی ۱۹۶

خ

خاص الخاص ۳۱
 خاطرات سیاسی علی خان امین الدوله ۱۷۶
 خاطرات و خطرات ۱۹۶

روسها و انگلیسها در آسیای مرکزی ۲۰۰
 روشنائی نامه ۶۴
 روشن شدن تاریخ صد ساله - خاطرات من
 ۱۹۶
 روضات الجنات ۷۹
 روضة اولوالالباب = تاریخ بناکتی
 روضة الصفا ۹۸-۱۳۱-۱۵۲-۱۶۸
 روضة الصفاى ناصرى ۱۶۸
 رياض السياحه ۲۱۵
 رياض المعارفين ۱۶۸
 رياض المحبين ۱۶۸
 رياض الملوك ۱۶۳
 ز
 زبدة التواريخ ۵۶-۶۸-۹۳-۱۰۵
 زبدة النصره ۲۷-۵۳
 زندگانی شاه عباس ۱۹۴
 زندگانی من ۱۹۶
 زیج ابوحنیفه ۳۵
 زین الاخبار ۵۴-۱۱۹-۲۰۱-۲۱۲
 زینت التواریخ ۱۱۱
 زینت الدهر ۲۱
 زینت المجالس ۱۳۱-۱۳۲
 ژ
 ژورنال آسیاتیک ۱۹۲-۲۰۷
 س
 سالاریه ۱۶۵
 سام نامه ۱۰۶
 سحر البلاغه و سرا البراعه ۳۱
 سراج التواریخ ۱۱۹
 سرزمینهای خلافت شرقی ۲۰۷
 سرقات الشعرا ۱۵

ذیل روضة الصفا ۱۵۲
 ذیل سلجوقنامه ۴۸-۵۶
 ذیل سیرالعباد ۱۹۸
 ذیل ظفرنامه شامی ۹۴
 ذیل ظفرنامه یزدی ۱۶۳
 ذیل ظهیرالدین رودراوی ۲۰
 ذیل عالم آرای عباسی ۸۱
 ذیل فهرست مخطوطات شرقی انجمن
 آسیائی لندن ۲۰۷
 ذیل میرزا محمدرضا ۱۱۱
 ر
 راحة الصدور ۳۷-۶۸
 ربیع الابرار ۳۸
 رجال حبیب السیر ۹۸
 الرحالة المسلمون فی العصور الوسطی ۱۸۱
 رحله ابن جبیر ۲۰۸
 رساله ثانی ابودلف ۲۰۷
 رساله فی القضاء والقدر ۲۱۴
 رضوان الملوك ۱۸۰
 روزنامه آسیائی = ژورنال آسیاتیک
 روزنامه اطلاع ۸۲
 روزنامه اطلاعات ۱۹۴
 روزنامه ایران ۸۲-۱۸۸
 روزنامه پرچم ۲۰۲
 روزنامه سفر خراسان ۱۵۷
 روزنامه سفر فرنگستان ۱۵۷-۲۱۴
 روزنامه سفر کربلا ۱۵۷
 روزنامه علمی ۸۲
 روزنامه غزوات هندوستان ۱۷۴
 روزنامه میرزا محمد کلانتر فارس ۱۲۸-
 ۱۹۷

سیره ابراهیم بن مهدی ۲۰۸
سیره جلال الدین منکبرنی = سیره جلالی
۶۶-۶۷

سیره شیخ ابوالحسن خرقانی ۲۱۳
ش

شاهنامه ثعالبی ۳۲-۲۱۰

شاهنامه فردوسی ۱۴۰-۲۱۳

شترهای ایران ۵

شرح تذکره هیئت ۱۳۹

شرح تفسیر بیضاوی ۱۳۹

شرح حال عباس میرزا ملک آرا ۱۸۵

شرح حال قائم مقام فراهانی ۱۹۴

شرح حال میرزا تقی خان امیر کبیر ۱۹۴

شرح حال نابغه شهیر ایران ابوریحان بیرونی

۲۱

شرفنامه ۸۴

شمس الحسن ۱۷۸-۱۷۹

شهرباران گمنام ۲۰۳

شیخ صفی و تبارش ۲۰۳

شیرازنامه ۱۰۲-۱۰۳

شیعیگری ۲۰۳

ص

صائبه و حنفیه ۲۱۰

صحیح بخاری ۲۰۹

الصحیحان ۱۳

الصله ۴۶-۲۰۸

صوان الحکمه ۱۶

صور الاقالیم ۲۲-۲۵

صورت الارض ۱۰-۵۸

صوفیگری ۲۰۳

سرگذشت عبدالله بن مقفع ۱۹۸
سرگذشت قابوس و شمگیر ۱۹۸
سرگذشت میرزا تقی خان امیر کبیر ۱۹۴-

۱۹۷-۲۰۰

سرگذشت يك سیاح ۲۰۶

سعادت نامه ۶۴

سفارتنامه خواجه غیاث الدین نقاش ۱۰۵

سفرنامه آمریکا ۱۴۷

سفرنامه اروج بیک ۸۷

سفرنامه حاجی پیرزاده ۸۸

سفرنامه خوارزم ۱۶۸

سفرنامه خوزستان ۱۶۱

سفرنامه فرنگستان ۱۴۲

سفرنامه مازندران ۸۳

سفرنامه مشرق ۶۴

سفرنامه مکه ۱۷۶

سفرنامه ناصر خسرو ۱۰-۶۴-۲۱۰

سفرنامه ناصرالدین شاه بخراسان ۸۳

سفرنامه های جهانگردان ایران و عرب در

خاور دور ۲۰۷

سلجوق نامه ۳۷-۴۸-۵۶-۵۷-۶۸-۷۱-

۱۸۷-۱۹۲

سلطان نامه ۱۰۱

سلوان المطاع ۱۶۳

سلوک الملوك ۱۲۴

سمط العلی ۱۵۸-۱۹۷-۱۹۸-۲۰۱

سنگلاخ ۱۵۴

سنی ملوک الارض والانبیاء ۳۵

سوانح العمری ۹۵

سه سال در دربار ایران ۱۹۷-۲۰۰

سیاست نامه ۱۹۸-۲۱۰

عیون والحدائق ۲۰
 عین القضاة ۲۱۳
 غ
 غرر اخبار ملوک فرس ۳۲
 غریب الحدیث ۱۷
 غریب القرآن ۱۷
 ف
 فارسنامه ۱۲-۲۰۷
 فارسنامه ناصری ۹۶
 فتح العزیز ۶۰
 الفتح القسی ۵۲-۵۳
 فتح الوهبی ۴۹
 فتنه باب ۸۱
 فتوح البلدان ۲۸-۶۱-۲۰۷-۲۰۸
 فتوح المغرب ۷۰
 فتور زمان الصدور ۲۷-۳۷
 فرازستان ۸۹
 فرج بعدالشدہ ۱۳۱
 فرهنگ ایران زمین ۱۵۰-۱۹۹
 فصول الغامہ ۲۱۱
 فضائل الانام ۱۹۸
 فلاحت و باغبانی ۸۳
 فلسطین ۲۰۷
 فلک السعاده ۸۱
 فهرست التواریخ ۱۶۸
 فهرست کتابهای چاپی فارسی ۴۷
 فهرست کتابهای خطی فارسی و ترکی موزه
 آسیائی پترسبورگ ۲۰۷
 فهرست کتابهای خطی عربی و ترکی و فارسی
 موزه بریتانیائی ۲۰۶
 فهرست کتب شرقی جامعه لندن و جامعه
 اوترخت و مجمع هلندی آمستردام ۲۰۸-۲۰۹

صوفیه در ایران ۲۱۳
 ط
 طبایع الحیوان ۴۱
 طب اسلامی ۲۰۶
 طبقات سلاطین اسلام ۱۹۸-۲۰۰
 طبقات سلاطین ایران ۲۱
 طبقات الشعرا ۱۸-۱۹۸
 طبقات ناصری ۶۲-۶۳-۱۱۹
 ظ
 ظفرنامه (شامی) ۱۶۳
 ظفرنامه (مستوفی) ۱۴۰
 ظفرنامه (یزدی) ۱۱۰
 ع
 عالم آرای امینی ۱۲۳-۱۲۴-۲۰۷
 عالم آرای عباسی ۸۰-۸۱
 عالم آرای نادری ۱۳۴-۱۳۵-۱۳۶
 عباس نامه ۱۶۴
 عتبه الکتبه ۱۹۷
 عجائب المخلوقات ۳۸-۱۳۱-۲۰۸
 عجائب الهند ۱۸۱
 العراضه ۱۸۷-۱۹۲
 عراق و ایران در عهد مغول ۲۰۷
 عقاب کمازان ۱۹۴
 عقائد الاباضیه ۲۰۹
 عقد العلی ۲۶
 العلل ۱۳
 عمده الاخبار ۱۰۱
 عمده التواریخ ۱۰۲-۱۰۳
 عمر خلیفه ثانی ۲۰۹
 عیون الاخبار ۱۷
 عیون اخبار الرضا ۱۶۱

كتاب الخيل ١٧
 كتاب الديارات ٢٤
 كتاب السماع ١٤
 كتاب السياره ١٩
 كتاب الشراب ١٤
 كتاب الفوز الاكبر ١٩
 كتاب الطبيخ ١٤
 كتاب الطهاره ٢٠
 كتاب في الجبر والمقابله ٣٥
 كتاب في الحساب ٣٥
 كتاب في الوصايا ٣٥
 كتاب اللهو والملاهي ١٣
 كتاب المصارعه ٤٢
 كتاب المعارف ١٧-١٨
 كتاب المغازي ٦١
 كتاب موسيقى ٢١١
 كتاب نادري ١٣٤
 كرد و پيوستگي نژادي آن ١٩٥
 كريمخان زند ١٩٤
 الكشاف ٢٨
 كشف المحجوب ٢٠٧
 كليات تاريخ تمدن ٢٠٠
 كليات جغرافياي اقتصادي ٢٠٠
 كليات سعدي ٧٧
 الكنايه والتعريض ٣١
 كنز الحساب ١٤٥
 كنز الدرر ١٨٠
 ك
 گلستان هنر ١٨٣
 گلشن ابراهيمي ١١٩
 گنج دانش ١٨٠-١٨١

فهرست كتب عربي و تركي بريل ٢٠٩
 فهرست نسخ خطي سرياني كتابخانه برلين ٢٠٩
 فهرست نسخ خطي شرقي انجمن علوم ازبكيستان
 ٢١٣

فهرست نسخ خطي كتب عربي و فارسي و تركي
 و هندي انجمن سلطنتي آسيائي لندن ٢١٠
 فوائد الرضويه ١٦٠
 فوائد الشيوخ ١٣

ق

قابوسنامه ١٦٨
 قانون مسعودي ٢١
 قبلة المجالس ١٣٢
 قرامطه بحرین و فاطمیان ٢٠٨
 قرآن ١٧-٢٠٢
 قصه حي بن يقضان ١٢٤
 ق مقام ذخار ١٤٥
 القند في تاريخ سمرقند ٦٥
 قونيه شهر درويشان ٢٠٩
 قيام خياباني ١٩٤

ك

كارنامه اردشير بابكان ٢٠٢
 كبار البشر ٣٥
 كتاب الانساب ٤٠-٢٠٩
 كتاب الانوار ١٤
 كتاب الانواع ٣٥
 كتاب بغداد ١٥
 كتاب التعديل والانتصاف ٢٤
 كتاب التمثيل ٣١
 كتاب التنبيه ٢١٣
 كتاب الجامع ١٩
 كتاب جاويدان خرد ٣٠

ل

لباب ۴۰

لباب الالباب ۲۰۷-۵۰

لباللباب ۴۰

لبالتواريخ ۱۱۲-۱۳۲-۱۶۹-۱۹۳

لزوميات معری ۲۰۷

لطائف المعارف ۲۰۱-۳۱

لطائف والظرائف ۳۱

لفت فرس ۱۹۸

م

مآثر سلطانيه ۱۴۸-۹۳

مآثر العرب ۲۴

المآثر والآثار ۸۳

مأموریت ژنرال گاردان ۲۰۰-۱۹۷

ماهنامه پیمان ۲۰۲

ماه فخشب ۱۹۴

المبهج ۳۱

متنبين ۸۱

مثنوی مولوی ۲۰۷

مثنویات هدايت ۱۶۸

مجالس الملوك ۱۵۰

مجله آرتش ۱۵۴

مجله آموزش و پرورش ۳۱

مجله افسانه ۲۱۲

مجله انجمن سلطنتی آسیائی لندن ۲۱۵

مجله ايران شهر ۱۹۵

مجله دانشكده ۲۰۰

مجله شرق ۲۱۲

مجله فروغ تربيت ۲۰۰

مجله كاوه ۱۹۴

مجله كتاب ۲۱۲

۲۴۸

مجله یادگار ۱۲۸-۱۹-۲۰۰

مجله ينما ۱۹۴

مجمع الانساب ۱۴۵-۱۰۱

مجمع التواريخ ۱۹۷-۹۴-۹۳

مجمع الدرر ۱۸۰

مجمع الفصحا ۱۶۸

مجملة التواريخ گلستانه =

مجملة التواريخ بعد نادرية ۱۲۹-۱۴۰-۱۲۹

مجملة التواريخ و القصص ۶-۱۱

مجملة فصیحی ۲۱۲-۱۲۲

مجموعه آثار ملكم خان ۲۱۴

محاسن اصفهان ۵۴

محاكمة اللغتين ۱۵۳

مختصر اخبار البلدان ۷۰

مختصر الاصول ۱۱۰

مختصر كتاب البلدان ۱۶

مختصر مفيد ۱۴۹-۱۵۰

مخزن الوقایع ۱۰۴

مدارج المبالغة ۱۶۸

المدخل الى علم الصحيح ۱۳

مدرن جئوگرافی اندهيستوری ۱۴۴

مذاهب هند و اسلام

مذهب باب ۲۰۸

مرآت البلدان ۸۳

مرآت القاسان ۱۱۴

مردان خود ساخته ۱۹۴

مرصاد العباد ۱۶۱

مروانیاں ۲۱۰

مروج الذهب ۲۰۸

مسائل المتفرقة في الهيئت ۵۸

مسالك الامصار ۲۱۴

منشآت قائم مقام ۱۴۵
 مواهب الہی = مواهب الہیہ ۱۴۶
 مہمان نامہ بخارا ۱۲۴
 مینودر ۱۹۵
 ن
 ناپلئون و اسلام ۲۰۰
 نادر نامہ ۱۳۴
 ناسخ التواریخ ۱۰۳-۱۲۱
 نامہ خسروان ۹۱
 نامہ دانشوران ۲۰۰
 نزهة القلوب ۱۳۱-۱۴۰-۱۴۱-۲۰۷
 نزهة الكرام ۲۱۱
 نژاد نامہ سلاطین عجم ۱۶۸
 نسائم الاسحار ۱۵۸
 نسب بنی شیبان ۲۴
 نسب بنی عبد شمس ۲۴
 نصاب انگلیسی ۱۴۵
 نصرۃ الفترۃ ۲۷-۵۳
 نصف جهان ۷۸
 نظام التواریخ ۲۹
 نفایس الفنون ۱۱۰-۱۱۱
 نفثۃ المصدور ۶۶-۶۸-۱۶۸
 نقطۃ الکاف ۲۰۰
 نقوش فارسی و عربی مسجد کایکونفوسینکانفو
 درجین ۲۰۸
 نگارستان - تاریخ نگارستان
 نوابغ الکلم ۳۸-۲۱۲
 نہایۃ الاقدام ۴۲
 نہایہ فی الکنایہ ۳۱
 و
 وثائق فارسی در افریقا ۲۰۹

مسالك السالكين ۱۸۰
 مسالك الممالك ۱۰-۱۴-۲۲-۲۵-۲۰۷-
 ۲۰۸
 مسير طالبي ۷۷
 المستدرک علی الصحیحین ۱۳
 المضاف الی بدایع الازمان ۳۶-۱۹۸
 مطالعاتی درباره بحرین ۱۹۵-۱۹۸-۲۰۰
 مطلع السعدين ۱۰۵
 مطلع الشمس ۸۳
 مظاهر الانوار ۱۶۸
 معالم العلماء ۱۹۸
 معجم البلدان ۲۰۸
 معجم جغرافی تاریخی ادبی فارس ۲۰۷
 معجم المشايخ ۴۰
 معرفة الحديث ۱۳
 معرفة دول الملوك ۲۱۴
 المغازی ۲۸
 مغول هند ۲۱۰
 مفاتيح الاسرار ۴۵
 مفتاح التفاسير ۹۹
 مفتاح الكنوز ۱۶۸
 المفصل ۳۸
 مقاتل الطالبين ۲۴
 مقدمه ابن خلدون ۲۱۴
 مقدمه نقطۃ الکاف ۲۰۱
 مكارم الاخلاق ۹۸
 الملل والنحل ۲۱
 ملوك الطوائف ۱۳۴
 منتخب التواریخ ۱۱۲-۱۳۸-۱۳۹-۱۶۲
 منتخب دیوان شمس ۲۰۷
 منتخب اللالی ۱۸۰
 منتظم ناصری ۸۳

وجه دین ۶۴

وزارت درعهد سلاطین بزرگ ساجوقی ۱۹۸

۲۰۰-

وفیات الاعیان ۲۰۸-۱۴۵

وقایع روزانه دربار ناصرالدین شاه ۸۳

وقایع روزانه سلطنت نادرشاه ۱۵۲

ه

هزارو یکش ۱۳۵

هفت باب ابی اسحق ۱۷۰

همایون نامه ۹۸

ی

یادداشتهای ژنرال ترهزل ۲۰۰-۱۹۷

یادداشتهای شرف الدین طوسی ۱۰

یادداشتهای قزوینی ۲۰۰

یتیمه الدهر ۵۳-۳۱

یک قصیده قدیمی کردی ۲۰۸

جانوران ، گیاهان و غذاها و داروها

خ

خر بزه ۱۳۲

د

دلمه بادنجان ۱۵۶

دلمه برگ رز ۱۵۶

ر

ه

رز ۱۵۶

روغن ۱۵۶

روغن دنبه ۱۵۶

رمه ۱۶۱

ش

شکر ۷۸

شوربا ۱۵۶

غ

غله ۱۵۶

ق

قدید ۱۵۶

ک

کوفته ۱۵۶

آ

آبگوشت ۱۵۶

الف

ادویه ۷۸

افیون ۱۵۹

انجیر ۱۳۲

انگور ۱۳۲

ب

بادنجان ۱۵۶

برنج عنبربو ۱۵۶

بلاذر ۲۱۶

پ

پنبه ۷۸

پنیر ۱۵۶

پیاز ۱۵۶

ت

تریاک ۷۸

تنباکو ۷۸

چ

چای

۲۵۰

م
 مادیان ۱۶۱
 ماهی ۱۵۰
 ماهی سرخ ۱۵۶
 میوه ۱۳۲
 میوه خشک ۷۸
 ن
 نیل ۷۸

گرفته آرزومان ۱۵۶
 کوکو ۱۵۶
 گ
 گل رنگ ۷۸
 گندنا ۱۵۶
 گله ۱۶۱
 گندم ۱۶۱

سلسله ها

امویان = بنی امیه
 امویان اندلس ۳۴
 ایلخانان مغول ۱۰۸-۱۴۰
 اینجو - خاندان ۱۰۲

ب

باوندیان = امراء باوندی
 برامکه ۳۲-۲۰۹

بنی امیه - اموی ۲۳-۲۴-۳۲-۲۱۲

بنی شیبان ۳۴

بنی طولون ۴۴

بنی عباس - خلفای عباسی

بنی عبد شمس ۳۴

بوئیه - آل بوئیه

پ

پشدادیان ۱۹۳

ت

تیموری - تیموریان - گورکانیان ۷۹-

۹۳-۹۸-۱۰۵-۱۰۹-۱۹۵-۲۱۶

آ

آق قویونلو ۱۲۳

آل بوئیه - بوئیه - دیالمه ۳۲-۳۴-۴۸-

۵۱-۵۴-۱۰۰-۱۹۴

آل کرت ۱۰۶

آل مظفر ۱۴۶

الف

اتابکان شام ۲۱۲

اتابکان هزار اسبی لرستان ۲۱۵

ایوبیان ۲۱۲

اتابکان فارس ۲۹

اسحقیه ۱۲۴

اشکانیان ۲۱-۸۲-۲۰۵

اغالیه ۴۴

امراء استندار ۷۵-۷۶

امراء باوندی ۹-۲۰۶

امراء شیبانی شیبانیان ۱۲۴

امراء طاهری ۶۹

امراء عادلشاهی ۱۱۹-۲۱۶

صفوی - صفویان ۶-۸۰-۸۱-۹۵-۹۸-

۱۲۳-۱۲۴-۱۲۵-۱۵۳-۱۶۶-۱۸۳

۱۹۴-۱۹۷-۲۱۵-

ط

طاهریان - طاهریہ ۳۲-۴۴-۱۵۲-۱۹۴

ع

عادلشاهیان = امراء عادلشاهی

عباسیان = خلفای عباسی

غلوویان ۲۰۶

غ

غزنوی - غزنویان ۵۳-۱۵۲-۱۰۰-۱۹۴

۲۱۲-

غوریان ۵۵-۶۲-۲۱۳

ف

فاطمیان ۲۰۸-۲۰۹

فراعنہ ۳۲

ق

قاجاریہ - قاجار ۸۱-۸۳-۸۹-۹۰-۹۱

۹۲-۱۰۳-۱۰۴-۱۱۵-۱۱۶-۱۴۸-

۱۵۳-۱۹۴-۱۹۷-۱۹۸-

قراختائیان کرمان ۱۵۹

قراقویونلو ۷-۱۲۵

ک

کارکیایان ۲۰۶

کرت = آل کرت

کیانیان - کیان ۱۳۳-۱۸۲

م

مروانیان ۲۱۰

مظفریان = آل مظفر

ممالیک غوری ۲۱۳

ه

هخامنشی ۲۰۵

ح

حمدانیہ ۳۲

خ

خانان مغول ۲۹

خلفا ۳۲-۶۲-۷۶-۱۹۱

خلفای اموی = بنی امیہ

خلفای راشدین ۱۰۴

خلیفہ عباسی - خلفای عباسی - عباسیان -

بنی عباس ۱۳-۳۲-۴۴-۵۹-۶۹-۲۰۹

خوارزمشاهان ۲۹-۳۶-۲۱۰

ز

زند - زندیہ ۱۲۹-۱۳۳-۱۵۹-۱۹۴

س

سادات ۶۸-۷۶-۱۲۹-۱۸۷

سادات حسینی ۱۳۱

سادات موسوی ۱۵۹

ساسانیان - ساسانی ۵-۴۴-۶۱-۷۰-۱۵۲-

۲۰۵-۲۰۶

سامانیان ۲۲-۳۲-۴۵-۴۸-۵۴-۱۰۰-

۱۵۲-۲۱۲

سلجوقیان - سلجوقی - سلاجقه ۲۹-۳۶-

۴۷-۶۸-۱۸۷-۱۹۲-۱۹۴-۱۹۷-

۲۰۰-۲۰۹

سلجوقیان روم ۵۲-۷۱

سلجوقیان عراق ۲۷

سلجوقیان کرمان ۲۶

سیمجوریان ۲۱۲

ش

شیبانیان - امراء شیبانی ۱۲۴-۲۱۳

ص

صفاریان - سجزیہ ۳۲-۴۴-۴۸-۵۴-

۱۵۲

۲۵۲

مذاهب و فرق

الف	ث
اباضیہ ۲۰۹	ثنوی
ادیان اہل الارض ۲۳	ج
ازلی ۷۴	جہودان
اسمعیلی - اسمعیلیہ - ملاحدہ ۳۳-۳۴	خ
۴۲-۶۳-۶۴-۶۷-۸۸-۱۰۰-۱۰۱	خوارج ۲۲-۲۳-۴۲
۱۷۰-۱۵۲-۱۰۲	ح
اسلام ۵-۶-۱۳-۱۶-۲۲-۲۵-۲۸-۳۲	حنفیہ ۲۰۹
۴۴-۴۵-۵۹-۶۱-۶۶-۷۰-۷۹	د
۸۸-۹۹-۱۰۴-۱۴۰-۱۸۸-۱۹۱	دراویش ۸۷-۲۰۹
۲۰۷-۲۱۰-۲۱۱	ز
اشراق ۲۰۷	زرتشتی ۱۳-۴۲-۸۹
امامیہ ۴۳-۴۲	ش
انبیاء	شاہ خلیل الہی ۸۸
اہل الحق ۲۰۷	شعوبیہ ۳۴
اہل سنت و جماعت - متسنن ۸۸-۱۲۳	شیعہ - شیعی - شیعیان ۲۳-۴۳-۵۹-۷۰
ب	۷۱-۱۱۰-۱۲۳-۱۸۷-۲۰۳
بابی - بابیان - بابیہ ۸۱ - ۱۹۰-۲۰۱	شیعہ اسمعیلی ۸۸
۱۱۴-۲۰۸	ص
بت پرست ۸۸	صابئہ - صابیان ۴۲-۴۳-۲۰۹
بکناشیہ ۲۰۸	صوفیہ - تصوف
بورہ - بوہرہ ۸۸-۱۰۱-۱۰۲	ع
بھائی - بھائیگری ۲۰۳	عیسوی - مسیحی
ت	ق
ترسایان - مسیحی - مسیحیت ۴۳	قرامطہ - قرمطیان ۲۲-۴۵-۵۹-۲۰۸
تصوف - صوفی - صوفیہ ۲۳-۴۳-۱۶۸	ک
۲۰۳-۲۰۷-۲۱۳	کاتولیک ۸۶

م

مجوس ۴۳-۵

مرجئه ۲۳

مزدکیان ۴۲

مسلمان - مسلمانان - مسلمین ۳-۲۱ -

۱۸۸-۱۸۱-۶۵-۴۲-۳۷-۲۸

مسیحی - عیسوی ۴۲-۸۵-۸۸-۹۹

مشبهه ۲۳

مشعشعیان ۲۰۳

معتزله ۲۳-۴۳

میمن ۸۸

ن

ناصریه ۴۹-۶۳

نعمت اللہی ۱۱۲-۱۱۳

نقشبندیہ ۱۵۱

نواجم ۳۲

نیہیلیست ۴۵

ی

یہود - بنی اسرائیل ۲۲-۵۸-۷۰-۸۵-

۸۸-۹۹-۱۰۰-۱۹۱

زبانها ، ملت ها و طایفه ها

آ

آلمانی ۱۵-۱۸-۳۴-۴۲-۴۷-۶۴-۸۵

۱۳۰-۱۶۷-۱۷۹-۲۰۸-۲۰۹ -

۲۱۰-۲۱۲-۲۱۵

الف

ارمنی ۲۰۲

اروپائی - اروپائیان ۱۴۴-۱۵۲

اسپانیائی ۸۷

اطریشی ۲۱۲

افغان - افغانان ۹۵-۱۳۵-۱۳۶-۱۳۹

انگلیسی ۱۰-۱۱-۳۴-۳۷-۴۱-۵۴-

۶۱-۶۲-۶۴-۷۷-۸۵-۸۷-۹۵-۱۱۹

۱۴۱-۱۴۴-۱۷۷-۱۸۲-۱۸۳-

۱۸۴-۲۰۲-۲۰۷-۲۰۹-۲۱۰-۲۱۴

۲۱۵-

ازبک ۹۷-۱۰۶

ایتالیائی ۲۱۱

ایرانی اغلب صفحات

ایغور ۱۰۹

۲۵۴

ب

بنی اسرائیل ۳۲-۱۹۱

بختیاری ۱۸۶-۱۹۵

بیات ۸۶

پ

پهلوی ۳-۱۲۱

ت

تاتار - تاتار ۶۲-۹۹-۱۹

تازی ۱۸۹

تبریزیان ۱۵۶

ترك - ترکان ۲۲-۲۵-۳۲-۴۱-۹۹-

۱۱۰-۱۹۱-۲۱۰

ترکان غز ۱۹۱

ترکی ۱۰۹-۱۱۰-۱۵۲-۱۵۴-۱۵۵-

۲۰۳

ج

چک ۲۱۴

ك

کرد ۸۴-۸۶-۱۰۶-۱۹۵
کردان اردلان ۲۱۵

گ

گجراتی ۱۰۱
گرجی ۱۰۶
گیلکی ۱۳۱

ل

لاتین ۱۵۲-۳۵

م

مغول ۹-۱۰-۲۹-۳۰-۳۴-۴۳-۶۲-
۶۶-۶۷-۸۵-۹۳-۹۹-۱۰۸-۱۴۰-
۱۶۲-۱۹۷-۲۰۰-۲۱۰-۲۱۶-
ونیز تاتار دیده شود .

ه

هلندی ۱۸۲-۲۰۸-۲۰۹-۲۱۳-۲۱۴-
هندی -- هندوان -- ہندیان ۲۱-۸۵-۸۸-
۱۹۱-
ہیطالیاں ۷۹

ی

یونانی ۲۱-۱۲۱-۱۸۰-
یہود -- یہودی ۲۲-۵۸-۱۰-۸۵-۸۸-
۹۹-۱۰۰-
ونیز بنی اسرائیل دیده شود .

چینی ۲۱۴-۹۹-۸۵

خ

خنائی ۱۱۴

ر

روس - روسی ۱۱-۳۴-۸۵-۹۲-۹۹-
۱۰۱-۱۲۱-۱۳۶-۱۸۳-۱۹۰-۱۹۱-
۱۹۹-۲۰۶-۲۰۷-۲۱۰

س

سانسکریت ۲۱
سریانی ۲۰۸

ط

طبری ۱۳۱-۱۰-۹

ع

عجم ۹۴-۱۲۰-۱۴۰-
عرب - عربی - اعراب - اغلب صفحات

ف

فارسی اغلب صفحات
فرانسوی ۱۱-۳۲-۳۶-۴۶-۶۴-۶۵-
۷۷-۸۵-۹۸-۱۰۱-۱۱۰-۱۴۱-
۱۴۳-۱۵۲-۱۵۵-۱۵۶-۱۶۱-۱۶۸-
۱۷۵-۱۷۷-۱۸۲-۱۹۲-۲۰۲-
۲۰۷-۲۰۸-۲۱۰-۲۱۱-۲۱۴-۲۱۶

فرنگی ۱۸۰

ق

قزلباش ۸۶

فهرست موضوعات ، اصطلاحات و نام پیشه‌ها و علوم و فنون

انتشار اسکناس ۱۵۸
انطباع ۱۴۹
انقلاب اکتبر ۲۰۶
انقلاب مشروطیت ایران ۱۷۶
ایلچی روم ۱۶۴

ب

باروط خانه ۱۴۷
بازارهای اصفهان ۷۸
بازارهای فارس ۱۲۰
باسمه ۱۴۹
بانک ۱۵۶
بحر تقارب ۱۴۰
بخشیان اینور ۱۰۹
بستن بازار ۲۰۳
بلوکات اصفهان ۷۸
بیگلریگی تبریز ۱۴۸

پ

پاپ ۸۶
پدرشاهی ۵
پوشتین دوزی ۳۲

ت

تاریخ اغلب صفحات
تأویل آیات قرآن ۲۰۲
تب ولرز ۱۳۲
تجارت ۱۴۶
تجارت اصفهان ۷۸
تدریس ۱۱۰-۹۵-۶۸-۶۲
تذکره نویسان فارسی ۵۰
تفریحات مردم تبریز ۱۵۶

آ

آب و هوای تهران ۱۳۲
آبهای اصفهان ۷۸
آتشکده ۴۴-۳۵
آثار تاریخی ۱۱
آثار تاریخی آذربایجان ۱۹۵
آثار تاریخی اصفهان ۱۹۵
آثار تاریخی کرمان ۱۹۵
آثار تاریخی کرمانشاه ۱۹۵
آداب و رسوم ایران قدیم ۲۰
ابنیه یزد ۱۵۰
ابنیه و اماکن تبریز ۱۵۶
احوال رجال تبریز ۱۵۶
استسقا ۲۱۴
اشعار طبری ۹
اعداد عربی ۵۸
اعداد هندسی ۵۸
اسطربلاب ۱۲۰
اعیاد مردم تبریز ۱۵۶
الواط ۱۸۶
الهیات اسلامی ۲۰۹
امارت سیاکله ۱۳۷
امامزاده‌های فارس ۱۲۰
امپراطور روسیه ۱۴۳-۱۸۵
امثال و حکم فارسی ۳۷-۳۵
اهل نجوم طبرستان ۹
امرای موصل و همدان ۵۲
امیرالامرای کردستان ۸۴
انبیاء ۶۲-۲۳

حدیث ۱۲-۱۷-۴۴-۱۸۷
 حساب ۱۲۰
 حقوقدان ۴۴
 حکمت ۳۶
 حکم گزاران عرب ۵
 حکومت ارمنستان ۶۹
 حکومت اصفهان و فارس ۱۱۴-۱۶۲
 حکومت تبریز ۱۵۶
 حکومت عراق ۳۳
 حکومت فارس ۱۴۴
 حکومت کاشان ۱۶۹
 حماسه‌های ملی ایران ۳۵
 خ
 خان خیره ۱۶۸
 خاورشناسی اغلب صفحات
 خزانه دار ۱۹
 خط پهلوی ۵
 خط تعلیق ۱۷۸
 خطوط نصف‌النهارات ۱۱
 خلیفه ۴۵
 خواجهگان حرم ۴۵-۱۳۵
 خراج سیستان ۱۸۸
 خونگار روم ۱۳۵-۱۳۶
 خیابانهای اصفهان ۷۸
 د
 داعی - داعیان اسمعیلی ۶۳-۶۷-۱۰۱
 دانشگاه ۱۵۶
 دبیران فارس ۱۰۹
 دروازه‌های اصفهان ۷۸
 درودگری ۱۹۶
 دوات ایران ۷۴
 دولت عثمانی ۷۴

تفسیر ۱۷
 تقویم ۲۰
 تکایای فارس ۱۲۰
 تلفن ۱۵۶
 تلگراف ۱۵۶
 توپ - توپخانه ۱۴۸
 تیمارستان ۲۸
 تیول ۱۰۳

ج

جایزه استالین ۲۱۱
 جبر و مقابله ۵۸
 جزایری ۱۲۸
 جغرافیا اغلب صفحات
 جغرافیای اصفهان ۱۸۶
 جغرافیای تبریز ۱۵۶
 جغرافیای قزوین ۱۴۰
 جغرافیای یزد ۱۵۰
 جنگ ایران و انگلیس ۱۹۸
 جنگ ایران و روس ۱۴۸-۱۷۷
 جنگ ایران و عثمانی ۱۷۷
 جنگ دوم ایران و روس ۹۲
 جنگهای صلیبی ۵۲

ح

حاکم ۱۴۷
 حاکم استرآباد ۱۵۵
 حاکم ساری ۱۳۷
 حاکم فارس ۱۲۱
 حاکم کاشان ۱۱۴
 حاکم گیلان و قزوین ۱۸۴
 حاکم نیشابور ۱۳
 حاکم و مستوفی ابهر و زنجان و طارم ۱۳۹
 حج ۱۴-۹۲-۱۰۲-۱۱۲-۱۱۳-۱۱۸
 ۱۲۳-۱۷۵

دیوان انشاء ۶۶-۷۱-۱۵۸

ذ

ذوب آهن ۲۱۵

ر

راجه جوناکده ۱۰۱

راوی ۴۵

راه آهن ۱۵۶

رئیس البرید جبال ۱۳

رجال بخارا ۱۵۲

رجال اصفهان ۱۵

روانشناسی ۲۱

ریاست عدلیه شیراز ۹۶

ریاضیات ۱۶-۲۱-۵۸-۸۰-۱۶۰-۱۶۱

ریاضی دان ۱۹-۳۵

ز

زهاد طبرستان ۹

س

ساختن اسلحه ۱۴۸

سازمان فراماسونی ۲۱۴

سازندگان (مو) ۱۳۵

سپاه صفوی ۱۱۷

سپهدار ۱۱۶

ستاره شناسی ۷۱

سرباز ۱۷۷

سفارت ۶۲-۷۱-۷۴-۱۰۵-۲۰۵

سفارت انگلیس ۱۸۴

سفارت خیوه ۱۶۸

سفرنامه ۶

سفر ایران ۸۷

سفر شاه شجاع ۱۴۵

سفر نادرشاه ۱۵۳

سلطان (نظ.) ۱۷۷

سلطنت مستبده ۱۱۵

۲۵۸

سماور ۱۷۷

سنگهای معدنی ۱۴۷

سهم الارث ۳۵

سیاق ۸۰

سیمیاگر ۱۸۶

ش

شعر -- شاعر -- شعرا -- اغلب صفحات

شکار ۱۱۶

شورش سران سپاه صفوی ۱۱۷

شهدای شیعه ۳۴

ص

صدر اعظم -- صدارت عظمی ۱۷۵-۱۸۵

صنعت چاپ ۲۱۴

ض

ضرابخانه ۱۷۵

ط

طب -- طبیب -- طبابت ۱۹-۲۶-۴۱-۹۶

۹۹-۱۱۹-۱۲۶-۱۸۶-۲۰۶

طبیعی دان ۳۵

طرز بهره برداری از منابع زیرزمینی ۱۱

ع

عادات مردم تبریز ۱۵۸

علماء نساب ۷۶

علم الانساب ۳۶

علماء طبرستان ۹

علوم عقلی ۸۰

عمارات قدیمی اصفهان ۷۸

عملجات مچهداران شترقربانی ۱۸۶

عهدنامه پاریس ۲۱۵

غ

غذاهای مردم تبریز ۱۵۶

غلامان شاهی ۱۷۷

ف

- فرق اسلامی ۲۰۲
فرمانداران ۱۹۳
فرهنگ جغرافیائی ۳۸
فقه - فقیہ ۱۲-۱۸-۱۹-۳۶-۴۳-۴۴-
۲۰۹-۱۸۷
فقه شافعی ۶۰
فقه اللغہ ۳۱
فقه و اصول ۹۶
فلاحت ۱۶۵
فلسفہ - فیلسوف ۲۱-۳۳-۴۲
فلسفہ الہی ۶۴
فلکلور ۱۹۲
فلکیات ۳۵

ق

- قاضی - قضا ۲۹-۴۵-۶۲-۱۴۷-۱۸۳
قاضی حلب ۳۸
قاضی ری ۱۱۷
قاضی عسکر - قاضی لشکر ۶۲-۱۰۵
قاضی نیشابور ۱۳
قاضی واسط ۳۸
قانون ۱۱۰
قرا - قاری ۱۸
قرمساق ۱۲۸
قنوات تبریز ۱۵۶
قنوات فارس ۱۲۰
قوہ جاذبہ ۱۷

ک

- کاتب ۹-۱۸۶
کاردار سفارت انگلیس ۱۸۴
کارگاہ قالیبافی ۲۰۲
کارگران چاپخانہ بانک بازرگانی ۱۷۴
کشیش ۱۴۳
کیمیباگر ۱۸۶

ل

- لشکریان ترک ۴۴
لفت و نحو عرب ۱۷
لغویون ۱۸
لکاریتم ۵۸
لله باشی ۱۶۷

م

- مادر تعمیدی ۸۷
مأموران نظامی انگلیسی و فرانسوی ۱۷۷
ماہوت خانہ ۱۴۸
ماہیگیر ۱۵۰
متولی آستانہ مشہد ۱۱۶
متولی شاہچراغ ۱۲۷
مجلس نویس ۱۶۴
محدث ۱۸-۱۹-۲۹-۴۴
محصلین [مالیات] ۱۷۶
محصولات تبریز ۱۵۶
محلات اصفہان ۷۸
فلاحت ۱۰
مذہب مردم سیستان ۱۸۸
مزارات بخارا ۱۵۱
مساجد فارس ۱۲۰
مستوفیان - استیفا ۱۲۲-۱۹۳
مستوفی اول ۱۰۳
مستوفی فارس ۱۲
مشروطہ - مشروطیت ۴۹-۱۱۵-۱۴۳-
۱۴۵-۱۹۴-۲۰۰-۲۰۳
معاد جسمانی ۶۳
معانی و بیان ۱۲۰
معلم ۵۹-۱۴۰-۱۵۵
مقبرہ ناپلئون ۱۴۲-۱۴۳
۱۴۱-۱۲۶-۱۲۷-۱۴۸
ملل و نحل ۴۳
ملک نیمروز ۶۲
ملوک انبیاء ۳۲

نقيب السادات ۱۸۷-۴۹
 نوازندگان ۱۳۵
 نهضت‌های ملی ۳۴-۹
 نهضت‌های سیاسی اسلام ۳۶
 و
 وراق ۱۵
 وزرای چنگیز خان ۱۵۸
 وزرای خلفای راشدین ۱۵۸
 وزاری سلاجقه ۱۹۷
 وزاری قاجاریه ۸۳
 وزیر ۱۴۷
 وزیر ابوسعید ۱۸۷
 وزیر بدیع‌الزمان میرزا ۹۷
 وزیر حسام‌الدین برکه ۶۶
 وزیر خارجه ۲۰۵
 وزیر رسائل ۱۷۵
 وزیر رکن الدوله ۲۰۸
 وزیر شاهان غوری ۵۵
 وزیر شاه سلیمان صفوی ۱۶۴
 وزیر شاه صفی ۲۱۶
 وزیر عدلیه ۱۸۴
 وزیر علوم ۱۶۷-۸۱
 وزیر غازان خان ۹۹
 وزیر مختار انگلیس ۱۸۴
 وزیر مرو ۱۳۴
 وزیر معزالدوله ۲۰۸
 وزیر نادرشاه ۱۰۱
 وزیر وظائف و اوقاف ۱۷۵
 وقایع نگار ۱۶۳-۱۵۹
 ولایه حویزه ۱۶۱
 ولیعهد ۱۸۳-۱۶۸-۱۴۸-۱۴۳
 ه
 هندسه ۱۲۰
 هیئت ۱۶۰-۱۲۰

ملوک بنی اسرائیل ۳۲
 ملوک ترک ۳۲
 ملوک چین ۳۲
 ملوک حمیر ۳۲
 ملوک روم ۳۲
 ملوک طبرستان ۹
 ملوک الطوائفی ۷۹
 ملوک عجم ۲۳
 ملوک عرب عراق ۳۲
 ملوک مازندران و کسگر ۱۲۵
 ملوک هند ۶۲-۳۲
 ملوک یمن ۳۲
 مناقب و سیر ۷
 من تبریز ۱۶۱
 منشی ۸۶
 منشی حضور ۱۷۵
 منشی سفارت ایران ۱۰۴
 منشی صدر اعظم ۲۰۵
 منطق ۱۸۷-۱۲۰-۱۲
 منظومه فقهی ۶۵
 منجم ۱۳۵-۱۲۶-۱۰۶
 موبدان ۳۵-۱۳
 مهندس - مهندس خانه ۱۴۸-۱۹
 مورخ اغلب صفحات
 موسیقی ۲۰۹-۱۲۰
 میاه فارس ۱۲۰
 ن
 نایب الحکومه فارس ۱۶۶
 نجوم - منجم ۱۶۰-۸۱-۵۸-۳۵-۲۱-۱۸۷
 نحو - نحوی ۱۲۰-۱۹
 نقاش - نقاشی ۱۵۶-۱۲۰
 نقشه جهان نما ۱۱-۱۰
 ۲۶۰

منابع و ماخذ تألیف

الف - متون عربی و فارسی

- ۱- متن و مقدمه آثار مورخینی که در این کتاب معرفی شده‌اند (باستثناء پنجنفر) . البته چاپ اول و یا متن اصلی بعضی از این آثار در دسترس نبوده و بچاپهای بعدی و یا ترجمه فارسی - انگلیسی و یا فرانسه آنها مراجعه شده است .
- ۲- معجم المطبوعات - یوسف البان سرکیس
- ۳- کشف الظنون - کاتب چلبی
- ۴- ریحانه الادب - مدرس تبریزی
- ۵- الذریعه - حاج آقا بزرگ
- ۶- آثار گمشده ابوالفضل بیهقی - نفیسی
- ۷- احوال و آثار محمد بن جریر طبری - شهابی
- ۸- ابوریحان بیرونی - دهخدا
- ۹- مجلدات متفرقه لغت نامه دهخدا
- ۱۰- کارنامه بزرگان - وزارت اطلاعات
- ۱۱- فهرستهای ناشران و کتابفروشان .
- ۱۲- فیشهای کتابخانه‌های عمومی تهران، تبریز و رضائیه .
- ۱۳- فهرست کتابخانه‌های مجلس - مسجد سپهسالار - مرکزی دانشگاه - بانک ملی - دانشکده پزشکی - تربت - آستان قدس .
- ۱۴- فهرست کتابهای چاپی فارسی - مشار
- ۱۵- فهرست مؤلفین کتابهای چاپی فارسی و عربی - مشار
- ۱۶- کتابشناسیهای سال - ۱۰ مجاد - ایرج افشار
- ۱۷- طبقات سلاطین اسلام - ترجمه عباس اقبال
- ۱۸- فهرست مقالات فارسی - ایرج افشار
- ۱۹- بیست مقاله قزوینی
- ۲۰- چهل مقاله کسروی
- ۲۱- دوره مجلات ارمغان - دانش - راهنمای کتاب - فرهنگ ایران زمین - یغما - یادگار
- ۲۲- تاریخ الادب الجغرافی العربی - کراچکوسکی ترجمه عثمان هاشم .
- ۲۳- الرحالة المسلمون فی العصور الوسطی - زکی محمد حسن .
- ۲۴- فوائد الرضویه - شیخ عباس قمی .

- ۲۵- تاریخ برگزیدگان - سپهرم .
 ۲۶- المستشرقون - ۳ مجلد - نجیب العقیقی .
 ۲۷- ترجمه فارسی مجلدات تاریخ ادبیات ایران - ادوارد براون .
 ۲۸- سبک شناسی - ۳ مجلد - بهار .

ب - کتابهای انگلیسی

- 1- Encyclopedia Britanica.
- 2- Persian literature by Story
- 3- Historian of Middle East-by Lewis.
- 4- A history of Muslims historygraphy.

ج - کتابهای فرانسه

- 1- Encyclopedie de l' Islam.
- 2- La grande encyclopedie.

د - کتابهای ترکی :

- ۱- قاموس الاعلام .
- ۲- اسلامده تاریخ و مورخ لر .

ه - کتابهای آلمانی :

Geschichte der Arabischen literatur - Carl Brockelmann.

PREFACE

In this book the author has made an effort to make brief introduction of Iranian historians and geographers that their books are accessible and it contains :

- 1- Name,
- 2- Birthplace,
- 3- Life time,
- 4- Travels and important accidents,
- 5- A brief information about their works,
- 6- » » » » » » First and best edition of historical and geographical works,
- 7- And a list of resurchs and translations about historical and geographical works of each author .

In this book the historian is one who has written in Persian or Arabic about religions, groups, general or geographical history .

We have not reoffered to the writers of Hadiths, Vertues and Characters like Bokhári, ibn Shahráshub and A'ttár. Any information about contents of this book which can be send to following address would be appreciated.

P.O.BOX 2255
Tehran, IRAN

Oct. 1966

Gholám Hosayn Sadri Afshàr

Irânian Historygraphy

by

G. H. Sadri Afshâr

First edition

Tehran, Iran

1966 = 1345



Published by Ibn-e-Sina bookstore

علاء محسن صدری افشار

یاسخ در ایران

شرح احوال و معرّنی آثار

مورخان و جغرافیدانان ایران



بسرمايه کتابخانه ابن سینا